

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه
بی تی اس
درباره اعضای این گروه

جلد ۱

/ دکتر مرتضی منطقی /

/۱۴۰۳/

فهرست کامل این مجموعه

مقدمه

مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با گل‌نوش، ۱۴ ساله

با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو در دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن... من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم.

مصاحبه با محمدرضا، ۲۱ ساله

بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً به کاپشن تبلیغ کرده بودن، من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا به کفش تبلیغ کرده بودن... قیمتش ۱۱۵ میلیون بود.

مصاحبه با زهرا، ۲۴ ساله

یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن.

مصاحبه با سونیا، ۱۷ ساله

یه دونه ساسنگ فن هست... بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تاحالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خواستم اکسو رو از شر اونا راحت کنم.

مصاحبه با مهشید، ۲۱ ساله

این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی.

مصاحبه با تینا، ۱۹ ساله

یه گزارش‌گری به بی‌تی‌اس گفته که مثلاً اوه... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بذارم حروم شه و بذار یه چهارتا سلفی خوب بگیرم.

مصاحبه با سایه، ۲۱ ساله

من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم.

مصاحبه با باران، ۲۰ ساله

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ Still with you از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم.

مصاحبه با بنفشه، ۲۰ ساله

تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و این خیلی برام جذاب بود.

مصاحبه با نیکو، ۱۵ ساله

من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سال‌ها افسردگی حاد داشت و توی فن‌ساین به نامجون می‌گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم.

مصاحبه با ترنم، ۱۸ ساله

شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم.

مصاحبه با شادی، ۱۵ ساله

خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترانه هست (با خنده) تا پسرانه و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- اثرگذاری‌های روانی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های اجتماعی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های فرهنگی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های اخلاقی - عقیدتی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های آموزشی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های اقتصادی - سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های هنری اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های زیباشناختی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان
- اثرگذاری‌های خانوادگی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

فهرست کتاب حاضر

۸.....	مقدمه
۱۷.....	مصاحبه با گلنوش، ۱۴ ساله
۳۹.....	تأملی دوباره
۴۱.....	مصاحبه با محمدرضا، ۲۱ ساله
۷۴.....	تأملی دوباره
۷۶.....	مصاحبه با زهرا، ۲۴ ساله
۱۱۲.....	تأملی دوباره
۱۱۴.....	مصاحبه با سونیا، ۱۷ ساله
۱۵۲.....	تأملی دوباره
۱۵۳.....	مصاحبه با مهشید، ۲۱ ساله
۱۸۵.....	تأملی دوباره
۱۸۷.....	مصاحبه با تینا، ۱۹ ساله
۲۱۷.....	تأملی دوباره
۲۱۸.....	مصاحبه با سایه، ۲۱ ساله
۲۵۰.....	تأملی دوباره

مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خلقی موسومند، آن خلق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی^۱).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده اند.

از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحسن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلایابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحسن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون^۲ در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو^۳ که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند. مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوبرداری را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده اند).

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تاراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بداندیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

^۱ - خواجه نصیرالدین طوسی (؟)، اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

^۲ - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. چ ۱. ۱۳۹۶.

^۳ - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. *Science*, Sept. 22, 2017.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (۴)، ترجمه محمد رازی، (۱۳۶۵)^۱، در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطرنشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند.

بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که وراثت الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، بارید و نکيسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کلئوپاترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فراگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صدد پردازش الگوهایی دو بُعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش آفرین واقع شد.

در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشسته و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت.

بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بُعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بُعدی به دو بُعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بُعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده اند.

از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بُعدی موفق عمل کرده اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپری بی‌تی‌اس) یاد کرد^۲. این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهایی چند بُعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است.

^۱ - طبرسی، ابوعلی افضل ابن الحسن (۴)، مجمع البیان. ترجمه حاج شیخ محمد رازی. ۱۳۶۵. ج ۲۵. تهران: فراهانی.

^۲ - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و با پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان همدلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدیم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگ سال خود را به صورت «گروهی روشنفکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پرکردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سؤال در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

اقدام‌های «نوع‌دوستانه و به ظاهر نوع‌دوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نوع‌دوست، با توجهات اجتماعی - سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیل‌بورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیل‌بورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.

بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکل‌های هواداری قدرتمندی در سطح طرفداران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خواهند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت بپردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقیایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیل‌بورד، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جویای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ داده بودند که «نه، جین -یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس- به سربازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌هایشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت‌پراکنان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، بپردازد»، «سر این که فلان آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعوا و مرافعه و گیس و گیس کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفارش تهیه داستان‌های هرزه‌نگار (فن‌فیکشن‌های اسمات) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گردهمایی (میتینگ)‌های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرهای (کالکشنرهای) بی‌تی‌اس، داستان نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)‌های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۵-۶ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقصان پس صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی

افتاده اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده اند» و یا حتی «داعیه باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند. فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشنگری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت.^۱

^۱ - درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارد که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کنند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند. دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جویا گردند.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)»، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود.

پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند.

زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان

خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط-مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ دهندگان در محیط ایران -که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ دهندگان -که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

مسایل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان^۱ مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با استعانت از معدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از معدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترنتینمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۳ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۲ جلد)

عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترنتینمنت) از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

^۱ - با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسایل انسانی - اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و برهمان مینا، به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی - اجتماعی قرار گیرند.

از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهند رساند.

اثر حاضر در دو جلد، شامل مقدمه، ارایه ۱۲ مصاحبه انجام شده با محوریت فراز و فرودهای گروه بی‌تی‌اس و جمع‌بندی مباحث ارایه شده، در مصاحبه‌های درج شده در کتاب است.

عناوین مصاحبه‌های درج شده در دو جلد تهیه شده با موضوع گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیرند:

- «با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو در دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن... من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم» (مصاحبه با گل‌نوش ۱۴ ساله).

- «بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن، من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن... قیمتش ۱۱۵ میلیون بود» (مصاحبه با محمدرضای ۲۱ ساله).

- «یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن» (مصاحبه با زهرای ۲۴ ساله).

- «یه دونه ساسنگ فن هست... بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تاحالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خوامم اکسو رو از شر اونا راحت کنم» (مصاحبه با سونیای ۱۷ ساله).

- «این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی» (مصاحبه با مهشید ۲۱ ساله).

- «یه گزارش‌گری به بی‌تی‌اس گفته که مثلاً اوه... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بذارم حروم شه و بذار یه چهارتا سلفی خوب بگیرم» (مصاحبه با تینای ۱۹ ساله).

- «من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم» (مصاحبه با سایه ۲۱ ساله).

- «لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ Still with you از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم» (مصاحبه با باران ۲۰ ساله).

- «تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و این خیلی برام جذاب بود» (مصاحبه با بنفشه ۲۰ ساله).

- «من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سال‌ها افسردگی حاد داشت و توی فن‌ساین به نامجون می‌گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم» (مصاحبه با نیکوی ۱۵ ساله).

- «شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الآن وجود نداشتم چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم» (مصاحبه با ترنم ۱۸ ساله).

- «خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباسشون دخترانه هست (با خنده) تا پسرانه و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور» (مصاحبه با شادی ۱۵ ساله).

عناوین حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که در جمع‌بندی پژوهش درباره گروه پسران بی‌تی‌اس آمده اند، به قرار زیر است:

اثربرداری‌های روانی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های اجتماعی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های فرهنگی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های اخلاقی - عقیدتی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های آموزشی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های اقتصادی - سیاسی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های هنری هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های زیباشناختی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثربرداری‌های خانوادگی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس.

در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرنیان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی‌زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رضانی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کرمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرين جعفری، نگین شهریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد. اجرشان مأجور باد.

مصاحبه با گل‌نوش، ۱۴ ساله

با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو در دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن... من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم.

- شنیدم که شما طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستی، دوست داری راجع بهش قدری صحبت کنیم؟
آره، هر سوالی که داری بپرس.
- می‌شه بدونم شما کلاً چه جور موسیقی‌هایی رو گوش می‌دی؟
من فقط بی‌تی‌اس گوش می‌کنم و کلاً اهل موسیقی‌های دیگه نیستم زیاد.
- موسیقی ایرانی یا سنتی هم گوش می‌دی؟
نه، خوشم نمیاد.
- گوش دادی و خوشت نیامده؟
آره، شنیدم، ولی اون نوع موسیقی واسه‌ی پیرمردها هست. من حوصله‌ام سر می‌ره، خواننده دو ساعت‌ها ها، ها ها بکنه (منظور مصاحبه‌شونده تحریر در آواز ایرانی است).
- چی باعث شده که فقط بی‌تی‌اس گوش کنی؟
حداقل حوصله سر بر نیستن. موسیقی شون جدید و باحال‌ان.
- فقط چون حوصله سر بر نیستن، طرفدارشون هستی؟
نه، منظورم اینه که برام جذاب و سرگرم‌کننده‌ان و وقتی دارم گوشش می‌کنم، احساس نمی‌کنم وقتم داره تلف می‌شه. با حس خوب آهنگ گوش می‌کنم.
- یعنی می‌گی گوش دادن به بی‌تی‌اس برات مفیده؟
آره. همیشه حال‌م رو خوب می‌کنه و حس خوب بهم می‌ده.
- از چه نظر حالت رو خوب می‌کنه؟
بهم انرژی و انگیزه می‌ده و حس شادی. مثلاً وقتی که از چیزی ناراحتم یا کلاً حال‌م خوب نیست، احساس اون موقع‌ام رو عوض می‌کنه.
- بیش‌تر چه موقع‌هایی بی‌تی‌اس گوش می‌کنی؟
اکثر وقتی که خسته‌ام و حوصله‌ام سر رفته، مثل وقتی که از خواب بیدار می‌شم یا وقتی که خونه تنهام، وقتی که از مدرسه میام خونه. ولی همون‌طور که گفتم، وقتی که خیلی ناراحتم هم گوش می‌دم و حال‌م عوض می‌شه.
- یعنی این موسیقی هر وقت که خسته هستی، بهت انرژی می‌ده؟
آره. این موسیقی بهترین موسیقی دنیا هست. همه‌ی دنیا طرفدارش هستن. همیشه موزیک‌هاشون توی دنیا اول می‌شه. هم آهنگ آرامش بخش دارن، هم انرژی‌زا. به همه‌ی سبک‌ها هم می‌خونن.
- از چه نظر اول هستن و چه سبک‌هایی می‌خونند؟

از نظر پرطرفدار بودن. بیش‌ترین بازدید همیشه از آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهاشون می‌شه. کاراشون متفاوت و جذاب و متنوعه. هم پاپ می‌خونن و هم رپ^۱ می‌خونن. از طرفی صداشون قشنگه و مثل بقیه‌ی خواننده‌ها نیستن که صداشون سردرد بياره.

- یعنی معتقدی که هیچ خواننده‌ای توی دنیا صداش خوب نیست؟
بعضیا صداشون خوبه، ولی رپر‌ها نه مثلاً. بعدشم اینا فقط یا پاپ می‌خونن یا رپ، ولی بی‌تی‌اس داخل یک آهنگ هم پاپ^۲ می‌خونه، هم رپ می‌خونه، هم کلی کارای متنوع می‌کنه. به نظر من سبکش منحصر به فرده. هیچ وقت هم گروهی مثل بی‌تی‌اس توی موسیقی ایران درست نمی‌شه و هیچ کسی چنین صدایی نداره.

- چرا فکر می‌کنی توی ایران گروه خوب تشکیل نمی‌شه؟
چون همه چیز توی ایران ممنوعه. چه طور می‌شه گروهی مثل بی‌تی‌اس توی ایران بخونه. مردم اصلاً جنبه‌اش رو ندارن. همین الانش بی‌تی‌اس رو به خاطر آرایش داشتن مسخره می‌کنن. چون خودشون زشت ان، حسودی‌شون می‌شه. ملت چشم دیدن هیچی رو ندارن.
- خوب مگه خواننده‌ها حتماً باید آرایش داشته باشن یا زیبا باشن؟
این رو فقط مثال زدم. خب وقتی این جوری خوشگل‌ترن چه اشکالی داره آرایش کنن. هدف اونا اینه که کارشون خوب باشه و به خاطر همین بهترین شدن. اگه مثل مردهای ما زشت بودن که هیچ وقت این قدر معروف نمی‌شدن.

- یعنی می‌گی مردهایی که آرایش نمی‌کنن، زشت اند؟
نمی‌گم حالا زشتن، ولی قطعاً اونا از همه خوشگل‌ترن و از همه‌ی مردهای دنیا دوست داشتنی‌تر هستن.

- اونها یعنی چه کسانی؟
کره‌ای‌ها و اعضای بی‌تی‌اس.
- دوست داشتنی همه‌ی مردهای دنیا به زیبایی اونها باشند؟
آره. ولی این یه چیز غیرممکنه.
- چرا غیرممکنه؟

۱- رپ نوعی ژانر موسیقی است که در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط سیاه‌پوستان آمریکا و آمریکایی‌های لاتین در محله‌های حاشیه‌ای و غالباً فقیرنشین برانکس پدید آمد. این سبک نوعی سلاح مبارزه‌ی جوانان سیاه با تبعیض‌های نژادی بود. از سال ۲۰۰۰ میلادی با گسترش اینترنت و وبسایت‌های اشتراک‌گذاری موسیقی و ویدیو مانند اسپاتیفای، یوتیوب، مای اسپیس، اینستاگرام، تلگرام و ساوندکلاود، گسترش بیش‌تری پیدا کرده و تبدیل به یکی از مهم‌ترین سبک‌های موسیقی شده است. در ایران از اواخر ۱۳۷۰ شکل گرفته‌است و ابزاری برای اعتراض به مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی به شمار می‌رود و بعضاً صورت زیرزمینی یا غیرمجاز فعالیت می‌کنند.

۲- موسیقی پاپ در اصل به معنی موسیقی عامه‌پسند است. این سبک بسیار انعطاف‌پذیر بوده و شاخه‌های بسیار زیادی دارد. پاپ بیش‌تر با هدف سود مالی و به شکل تجاری تهیه می‌شود. این موسیقی را می‌توان در حیطه‌ی بازار، ایدئولوژی، تولید و زیبایی‌شناسی هم معنا کرد.

چون فقط کره‌ای‌ها این جورى ان. بقیه جاها مردها یا سیاه ان یا پشمالو.

- مگه کره‌ای دقیقاً چه جورى هستن؟

کره‌ای‌ها پر مو نیستن، صورت‌شون بانمکه. چشم‌هاشون بادومیه. بعدشم همه‌ی مردها که نمى‌تونن اصن این جورى آرایش کنن. آرایش فقط به مردهای کره‌ای میاد.

- چرا می‌گی آرایش فقط به مردهای کره‌ای میاد؟

چون صورت‌شون شبیه دخترها هست. من که هر چی کره‌ای توى فیلم‌ها دیدم یا آرایش داشتن یا حتى بدون گریم و آرایش هم خوب بودن.

- معمولاً چه جور آرایش‌هایی رو صورت‌شون دیدی؟

آرایش معمولی و ساده بیش‌تر. قرار نیست مثل زن‌ها آرایش کنن که. منظور از آرایش فقط چیزیه که یه کم زیباتر کنه. مثلاً رژ لب با رنگ ملایم یا ریمل و خط چشم ساده. کلاً به پوست باید رسید که قشنگ خودش رو نشون بده. ماسک گذاشتن یا کرم پودر خوب، باعث می‌شه که پوست شفاف بشه یا مثلاً توى یه موزیک ویدیو رژ لب مشکی زده بودن و همین باعث شده بود خیلی ویدیو خفن بشه. نمى‌گم تو خیابون رژ مشکی بزنن، ولی در کل می‌خوام بگم آرایش واسه مردها هم کاربرد داره.

- اعضای بی‌تی‌اس بیش‌تر وقت‌ها آرایش دارن؟

آرایش کردن بستگی به موقعیت آدما داره. بعضی وقت‌ها حتماً باید آرایش کرد. یه وقت‌هایی هم ممکنه حتى آرایش نکنن، همیشه که آدم با آرایش نیست.

- ولی تو ترجیح می‌دی که با آرایش ببینی‌شون؟

من هر جورى که باشن، حتى زمانی که پیر بشن یا اتفاقی بیفته که زبونم لال، زشت بشن، باز هم دوست‌شون دارم. علاقه‌ی من فقط به خاطر زیبایی‌ی شون نیست که. من یه آرمی واقعی‌ام.

- آرمی یعنی چی؟

آرمی به طرفدارهای واقعی بی‌تی‌اس می‌گن. ما مثل یک خانواده هستیم، مثل یه ارتش.

- فقط طرفدارهای بی‌تی‌اس یا کلاً کی‌پاپ؟

نه، فقط اونایی که طرفدار بی‌تی‌اس هستن اسم‌شون آرمیه.

- به همه‌ی طرفدارهای بی‌تی‌اس آرمی می‌گن؟

همه اسم خودشون رو می‌ذارن آرمی، ولی همه‌شون آرمی واقعی نیستن. بعضی‌ها فقط ادعا می‌کنن که طرفدارن. هیچی از بی‌تی‌اس نمى‌دونن. آرمی بودن رو نمى‌فهمن. فقط واسه‌ی پز دادن از اسم آرمی استفاده می‌کنن.

- به نظرت آرمی واقعی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشه؟

یه آرمی باید توى هر شرایطی هوادار همه‌ی اعضای گروه باشه. تقریباً به یک اندازه همه‌شون رو دوست داشته باشه. خیلیا هستن که می‌گن ما فقط چونگ‌کوک رو دوست داریم یا می‌گن مثلاً ما جین وى رو بیش‌تر از بقیه دوست داریم. اینا اصلاً معنی آرمی رو نفهمیدن. آرمی باید همه‌ی اعضا رو دوست داشته باشه و از همه حمایت کنه.

- دیگه آرمی چه ویژگی‌هایی داره؟

دیگه... دیگه این که یه آرمی نباید طرفدار گروهی به جز بی‌تی‌اس باشه، ولی نباید متعصب هم باشه.

- چه طور می‌شه متعصب نباشه و فقط هم طرفدار بی‌تی‌اس باشه؟

متعصب کسیه که می‌ره همه جا توی گروه‌ها و کامنت‌ها به اونایی که بی‌تی‌اس رو دوست ندارن بد و بی‌راه می‌گه و فحش می‌ده و از این کارهای احمقانه می‌کنه. منظور من اینه که یه آرمی، هیچ وقت هیچ گروهی رو با بی‌تی‌اس نباید مقایسه کنه اگه واقعاً طرفدار گروهه. و این که اعضای گروه رو هم نباید باهم مقایسه کنه.

- خوب بالاخره اعضاء باهم فرق دارن، یک‌سان که نیستند!

من نمی‌گم فرق ندارن باهم. اتفاقاً هرکدوم‌شون یه شخصیت منحصر به فردن و خودشون تیپ شخصیتی خاص هستن ولی کارشون رو نباید باهم مقایسه کرد جوری که بگی کدوم بهتره. چون با این کارت بهشون انرژی مثبت هم می‌دی که باهم ادامه بدن. چون بالاخره کار تیمیه دیگه، وقتی یه گروهی می‌ترکونه، یعنی ترکیب اون اعضاء خوب بوده.

- یعنی چی این که افراد بی‌تی‌اس خودشون تیپ شخصیتی اند، اصلاً می‌دونی تیپ شخصیت یعنی چی؟ آره، یعنی مدل خاصی از اخلاق و رفتار. هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس یک تیپ شخصیتی^۱ به حساب میان

و طرفدارایی که شبیه اونا هستن، اون تیپ شخصیت رو دارن.

- چه طور مشخص می‌شه که اون تیپ شخصیت رو داره؟

از مقداری که به یکی از اعضاء علاقه داره و بیش‌تر طرفدارشه. هر آرمی واسه‌ی خودش یه بایس داره. روی هر کی بایس داشته باشی، می‌شه ازش فهمید که شخصیت تو چیه که بایست اون شخص بوده. چون هیچ کسی بی‌دلیل بایس انتخاب نمی‌کنه، بر اساس شخصیتشه.

- به نظرت این شخصیت‌شناسی تا چه اندازه درسته و کاربرد داره؟

همیشه درست درمیاد. واسه‌ی من و دوستانم که همیشه درست دراومده. من تاحالا کسی رو ندیدم که روی یکی بایس داشته باشه و تیپ شخصیتش غیر از چیزایی باشه که واسه‌ی اون مشخص شده.

- کی مشخص کرده که هر کدوم چه تیپ شخصیتی دارند؟

توی سایت‌های مختلف کلی تست هست که ازش می‌فهمی شخصیتت بر اساس بایست چیه و چه ویژگی‌هایی داری. مثلاً مشخص کردن که اونایی که بایس‌شون نامجون باشه حتماً هیجان‌دوست دارن و درون‌گرا هستن و دردشون رو به کسی نمی‌گن. یا اونایی که هوپ رو دوست دارن مثلاً آروم و باحوصله و باوقارند.

- یعنی منظورت اینه که از روی طرفداری می‌شه شخصیت آرمی‌ها رو فهمید؟ آره، دقیقاً همین‌ه منظورم.

^۱ - ظاهراً مصاحبه‌شونده درک درستی از شخصیت و مفهوم تیپ شخصیت ندارد.

ریاکشن بی تی اس وقتی تو فنساین میبینت

7 سوال • صحیح/غلط • توسط: Haruko • انتشار: 2 سال پیش • 6,977 مرتبه انجام شده • گزارش • ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست



جانگ کوک:اروم بهت میگو شب منتظرم باش 😊(بقیه شو به ذهن کتیفتون میسپارم 😊😊)

صحیح ☒

غلط ☐

7

پس [قبلی](#)

میم های سم بی تی اس 😊😂(port1)

10 سوال • صحیح/غلط • توسط: Haruko • انتشار: 2 سال پیش • 6,544 مرتبه انجام شده • گزارش • ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست

تخ و سوزن یادت نره لطفا

امام حسین تو ماه محرم
چاقمون میکنه امام علی تو ماه
رمضون لاغرمون میکنه . چه تعادلی!



هعی خدا! 😊❤️❤️

صحیح ☒

غلط ☐

8

پس [قبلی](#)

ری اکشن بی تی اس

7 سوال • صحیح/غلط • توسط: نه نه 🇮🇷 • انتشار: 2 سال پیش • 4,204 مرتبه انجام شده • گزارش

📌 ذخیره در مورد علاقه ها • + افزودن به لیست

اگر روز تولدش سوپرایزش کنی 🥳🥳🥳

جیمین براش لباس دخترانه خریدی 🥳🥳🥳 جیمین(وای چقدر توی این لباس کیوت بشم من 🥳)

🥳🥳🥳

صحیح ☒

غلط ☐

3

قبلی > بعدی <

- خوب شخصیت خودت رو چی درآوردی؟

بایس من نامجونه، چون مثل اون شخصیت مهربونی دارم، هر کاری برای کمک به همه می کنم، شوخی می کنم و زیاد می خندم، باهوشم، ولی گیج بازی درمیارم و خرابکاری می کنم و فراموش کارم. نقطه ضعفم چال گونه ی نامجونه.

- یعنی چی نقطه ضعف چال گونه ی نامجونه؟

یعنی اون قدر چال گونه اش رو دوست دارم که آرزوش رو دارم.

- آرزوت اینه که شبیه اون، چال گونه داشته باشی؟

نه، من که شبیه اون نمی شم. آرزوی این که از نزدیک ببینمش و چال گونه اش رو لمس کنم و ببوسمش.



- دوست داری برای دیدن ستاره مورد نظر خودت، به کره سفر کنی؟
آره، خیلی. هیجده ساله که بشم می‌خوام کلاً از ایران برم و فقط هم کره رو دوست دارم، قطعاً می‌رم کره و می‌بینمش.

- کره رو فقط به خاطر بی‌تی‌اس دوست داری؟
نه فقط به خاطر بی‌تی‌اس. کلاً اون جا رو از بقیه جاها بیش‌تر دوست دارم. خیلی کشور خوبیه به نظرم.
- می‌شه چندتا از خوبی‌هایش رو بهم بگی؟
مثلاً مردمش خیلی شاد و خون‌گرم و مهربون هستن. شهرهاشون بزرگه و کلی برج دارن و خیلی تمیز ان. جدا از این کلی سازمان استعدادیابی دارن و کمکت می‌کنن پیشرفت کنی. کلاً کشور پیشرفته و روبه‌رشدیه. همون جوری که بی‌تی‌اس رو این قدر رشد دادن که جهانی شد. مردمش هم ظاهراً حسود نیستن و ازت حمایت می‌کنن.

- اگه یک روز بری کره و ببینی اون جوری که فکر می‌کردی نیست، چه طور؟
اون موقع دیگه فرقی نمی‌کنه، حداقل هر چی هم که باشه از ایران بهتره. هر چه قدر هم بد باشه، حداقل می‌تونم کنسرت بی‌تی‌اس برم. حداقل می‌دونم که بهشون نزدیکم.
- یعنی کلاً به هوای بی‌تی‌اس می‌ری کره؟
آره.

- اولین بار کی و چه طور با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟
حدوداً سه سال پیش توی مدرسه اولین بار یه آهنگ به اسم مایک دراپ^۱ از بی‌تی‌اس شنیدم و عاشقش شدم. تا قبلش طرفدار هیچ گروهی نبودم و هیچ آهنگی رو هم دوست نداشتم گوش کنم.



- یعنی قبل از اون هیچ آهنگی گوش نمی‌دادی که لذت ببری؟

^۱ - MIC DROP یا میکروفونت را بنذاز، یکی از آهنگ‌های آلبوم لائو یورسلف است که در سال ۲۰۱۷ انتشار یافته است. این آهنگ در جواب به هیترا یا افرادی هست که از بی‌تی‌اس متنفر هستند. در این آهنگ به آن‌هایی است که افتخارات بی‌تی‌اس را نادیده می‌گیرند، فخرفروشی شده است.

چرا، ولی این که طرفدار یک گروه یا خواننده بشم یا کلاً عاشق شنیدن آهنگ بشم رو بی‌تی‌اس برام درست کرد.

- توی مدرسه چه طور آهنگ بی‌تی‌اس رو شنیدی؟
دوستم گوشی آورده بود. آخر کلاس نشسته بودیم و هندزفری می‌زدیم. معلم داشت درس می‌داد ما آهنگ گوش می‌دادیم (باخنده).

- گوشی بردن به مدرسه مگه ممنوع نیست؟
چرا. اتفاقاً همه می‌ترسن بیارن، ولی دوست من از همون موقع یواشکی می‌آورد. من اون موقع هنوز گوشی نخριده بودم ولی از چند ماه بعدش که خریدم همیشه با خودم می‌بردم مدرسه.

- معلم یا مدیر متوجه نمی‌شدن شما گوشی دارین؟
از من تاحالا نتونستن گوشی بگیرن. فقط یه بار نزدیک بود معلم ببینه و من شانس آوردم که سریع قایم‌ش کردم. ولی همون دوستم که گفتم رو دوبار ازش گوشی گرفتن و مامانش اومده دفتر تعهد داده. منم بهش گفتم چون به تو مشکوک شدن، دیگه تو گوشی نیار، با گوشی من آهنگ گوش می‌دیم. چند وقت نیاورد، ولی الآن بازم میاره.

- گوشی بردن سر کلاس باعث نمی‌شه درس رو نفهمی؟
درس رو بفهمیم که چی بشه؟ اصلاً درس‌های ما فهمیدن نمی‌خواد، معلم واسه خودش میاد می‌شین، حرف می‌زنه، آدم خوابش می‌گیره خب. گوشی نباشه حوصله‌ام سر می‌ره تو کلاس و زنگ تفریح، خصوصاً زنگ آخر که خیلی کسل کننده هست. بعد اون قدر فشار مدارس ایران بالا هست که حتماً این کار به نظرم لازمه.

- وقتی درس رو از قبل گوش نکردی، موقع امتحانات اذیت نمی‌شی؟
نه، گفتم که من تیپ شخصیتیم جوریه که باهوشم، قبل از امتحان می‌خونم و هر جا رو هم بلد نیاشم، توی گوگل سرچ می‌کنم و تا جایی که لازمه رو یاد می‌گیرم. نمره‌هامم بد نیست. اما اگه نمره‌هام یه کم پایین‌تر بشه، بهتره از اینه که حالم بد باشه.

- می‌تونی حساب کنی از هر ساعتی که توی کلاس هستی چه قدرش رو بی‌تی‌اس گوش می‌دی؟
این بستگی داره به معلم که حواسش باشه یا نه؛ اگه حواسش نباشه و خیالم راحت باشه، کل کلاس هندزفری توی گوشمه. سیمش رو از زیر لباس رد می‌کنم، گوشامم که زیر مقنعه هست، سرمم می‌ذارم رو نیمکت، هیچی دیده نمی‌شه. یه بار معلم از من سوال پرسید، منم فقط آهنگ رو کم کردم و خیلی عادی جوابش رو دادم. خیلی حس باحالیه آهنگ گوش دادن سر کلاس.

چگونه در کلاس موسیقی گوش دهیم ؟

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
 ۱- مانند تصویر هدفون را زیر لباس خود قرار دهید	 ۲- يك سر آن را مثل تصویر در دستتان قرار دهید	 ۳- دستتان را روی گوشتان قرار داده و به موسیقی گوش دهید

- پس با این ترتیب بیش تر وقت مدرسه رو با آهنگ می‌گذرونی؟
- آره، ولی گفتم که بازم بستگی به موقعیتش داره؛ بعضی روزا توی مدرسه کلاً یک ربع، بیست دقیقه با گوشی کار می‌کنم. بعضی روزا هم ممکنه اصلاً گوشی نبرم.
- مامان و بابات می‌دونن با خودت گوشی می‌بری مدرسه؟
- نه، اگه بدونن هم کاری ندارن. شاید دعواش کنن، ولی من باز یواشکی می‌برم.
- اگه گوشی رو ازت بگیرن چی؟
- هیچ وقت نمی‌تونن گوشی من رو بگیرن. می‌دونن که اگه این کار رو بکنن، من دیوونه می‌شم.
- منظورت از دیوونه شدن چیه؟
- قاتلی می‌کنم. خونه رو می‌ریزم به هم. می‌زنم همه‌چی رو می‌شکنم تا وقتی که مجبور شن گوشیم رو بدن.
- تاحالا این کار رو کردی؟
- نه، ولی نزدیک بوده که بکنم. واسه همین می‌گم که هیچ وقت این کار رو نمی‌کنن، چون من رو می‌شناسن.
- پا رو دم نمی‌ذارن.
- خانواده‌ات بی‌تی‌اس رو دوست دارن؟
- اونا نظر خاصی ندارن. نمی‌دونم، نه می‌گن خوبه، نه می‌گن بده، ولی فکر نکنم بدشون بیاد، چه اشکالی داره مگه بی‌تی‌اس، این همه آدم مسن تر از پدر و مادر من هستن که آرمی ان و بی‌تی‌اس گوش می‌دن. بی‌تی‌اس برای همیشه و برای همه هست. مامانم فقط بعضی وقت‌ها می‌گه، آهنگ فارسی گوش کن که بفهمی چی می‌گن، من می‌گم: من که می‌فهمم چی می‌گه، تو نمی‌فهمی.
- جداً زیبون شون رو متوجه می‌شی؟
- یه کم انگلیسی بلدم، ولی ترجمه‌هاشون رو که چند بار می‌خونم، حفظ می‌شم و دیگه معنی‌هاشون رو می‌فهمم.

- به زبون کره‌ای آهنگ نمی‌خوانند؟

قدیم‌ها به چند زبان آهنگ خواندن، مثل کره‌ای و ژاپنی، ولی الان نه، فقط انگلیسی می‌خوانن چون بیش‌تر طرفدارا انگلیسی می‌فهمن. ولی من کره‌ای هم دوست دارم و یه چیزای کمی بلدم. با فیلم و سریال و اینترنت کم‌کم دارم یاد می‌گیرم.

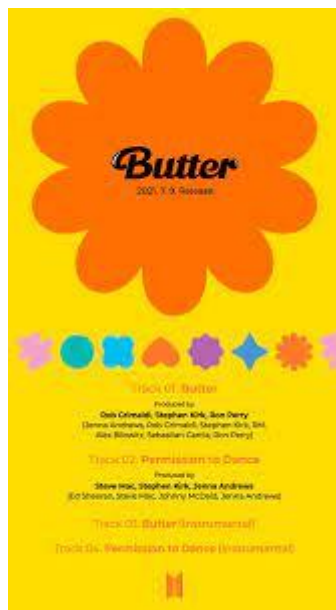
- قصد داری کره‌ای رو کامل یاد بگیری؟

آره، قبل از مهاجرت حتماً می‌رم کلاس زبان، ولی فعلاً در حد چندتا جمله و کلمه یاد می‌گیرم، فقط به خاطر علاقه‌ی شخصی.

- گفتی که متن آهنگ‌ها رو می‌خونی، می‌شه در مورد محتوای آهنگ‌ها توضیح بدی و بگی که چه چیزی رو بیش‌تر توی محتواشون دوست داری؟

معنی آهنگ‌ها بیش‌تر چیزای مثبت و امیدوارکننده هست. بعضی وقت‌ها خیلی چیزا رو یاد می‌ده، راهنمایی می‌کنه، نشاط بخشه و ساده و قابل فهم و دلنشین. همیشه توصیه می‌کنه شاد باشی و برقصی و نگران هیچی نباشی. یه جا می‌گه که ما برای رقصیدن نیازی به اجازه نداریم، نیازی به نگرانی نیست یا مثلاً می‌گه که نباید بترسی و دلیل واسه ترسیدن از چیزی نیست، اگه شکست خوردی باید قوی‌تر ادامه بدی و توی همین مایه‌ها.





– می‌شه لطفاً بیش‌تر راجع بهش برام بگی؟

دقیقش رو یادم رفته، صب کن تو گوشیم نگاه کنم یادم بیاد. این آهنگ رو خیلی دوست دارم^۱، توش می‌گه که: تو رو با هر طغیان درد حس می‌کنم. لازم نیست درست باشه، فقط می‌خوام همون طوری که هستی بمونی، خیلی زنده و واضحی، ولی وقتی دستم رو جلو میارم، یک‌دفعه محو می‌شی.



– این یکی عاشقانه به نظر می‌رسه، نه؟

آره، عاشقانه هست. خیلی آهنگ‌های عاشقانه‌ی قشنگی ساختن. تو هم اگه بیش‌تر تحقیق کنی و بیش‌تر گوش کنی، خودت آرمی می‌شی، چون آهنگ هاشون خیلی روان‌شناسیه و خیلی‌ها گفتن که آهنگ‌های بی‌تی‌اس افسردگی‌شون رو خوب کرده.

^۱ – آهنگ فیلم اوت Film out دومین آهنگ بی‌تی‌اس به زبان ژاپنی است که در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است.

- منظورت چیه روان‌شناسیه؟

همون طور که گفتم در مورد چیزهای امیدبخش می‌خونن یا به چیزهایی اشاره می‌کنن که می‌تونیم از شون لذت ببریم. مثل این خواننده‌های ایرانی نیستن که بیش‌تر افسرده‌ات بکنن و از غم و غصه بگن، کلاً زاویه دیدشون روان‌شناسیه.

- یعنی اگه محتوای آهنگاشون تغییر بکنه و غم انگیزتر بشه، گوش نمی‌دی؟
کلاً من که فکر می‌کنم بی‌تی‌اس هر آهنگی که بخونه، قشنگ می‌شه. حتی آهنگای غمگین‌شون هم چون زاویه دید اونا رو داره می‌تونه خفن باشه. حتی آهنگ‌های غمگین رو هم حتماً با یه هدف روان‌شناسی می‌سازن و می‌تونن کمکت کنن، به جای این که به غمت اضافه کنن.

- دیگه کدوم آهنگ رو خیلی دوست داری؟

آهنگ سو وات^۱ خیلی عالی هستش. یعنی خب که چی.

- می‌شه بگی راجع به چیه؟

اولش می‌گه: یکی می‌گه من آدم درستی‌ام و یکی می‌گه اشتباهی‌ام، من اهمیت نمی‌دم، تو چه طور، خب که چی؟ ما جوون و سرکش و رها هستیم. خب که چی؟ نگرانی‌های ما آخرش بی‌جواب می‌مونن. خب که چی و از این حرفا. بیش‌تر می‌خواد بگه که آزاد باش و به حرف هیچ‌کس اهمیت نده، چون هیچ فایده‌ای نداره، اگه از زندگی و جوونی لذت نبری.



^۱ - So what آهنگ پرطرفدار بی‌تی‌اس به زبان انگلیسی.



- یعنی خودت هم معتقدی که به حرف هیچ کس نباید اهمیت داد؟
آره. من به همه‌اش معتقدم. من به تک‌تک کلماتی که توی آهنگ‌هاشون هست باور دارم. چون که همه‌اش درسته.

- یعنی واقعاً نه به حرف کسی اهمیت می‌دی و نه نگران چیزی هستی؟
نه واقعاً. جدی می‌گم. نه هیچ وقت نگرانم، نه به حرف کسی اهمیت می‌دم. چرا بخوام دروغ بگم. واقعاً احساسم همین‌ه که گفتم.

- حتی نسبت به حرف پدر و مادرت؟
وقتی احساس کنم چیزی درست نیست یا چیزی رو دلم نمی‌خوادش، حتی حرف اونا، مجبور نیستم بهش گوش بدم. هر کسی خودش می‌دونه چی براش بهتره و خودش مسوول کاریه که می‌کنه. همه آزادن تا کارایی که دلشون می‌خواد و ازش لذت می‌برن رو انجام بدن، وگرنه زندگی بی‌معنی می‌شه.
- منظورت این‌ه که معنای زندگی در آزادی و لذت بردن از زندگی خلاصه می‌شه؟
آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنایی می‌تونه داشته باشه برات. هدف از زندگی این‌ه که کارایی که می‌تونی انجام بدی و کارایی که دوست داری انجام بدی رو تموم کنی و چیزی رو از دست ندی. نباید زندگی رو باخت. به نظرم گوش دادن به اونا حتی باعث شده که ما خیلی از چیزای مسخره‌ای که تو مردم‌مون هست رو قبول نکنیم و متفاوت بشیم.

- این فقط عقیده‌ی خودته یا همه‌ی آرمی‌ها همین‌طور فکر می‌کنند؟
آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنی می‌تونه برات داشته باشه. وقتی عقیده بی‌تی‌اس این‌ه آرمی‌ها هم باید همین عقیده رو داشته باشند، ولی ممکنه کسی جور دیگه‌ای فکر کنه. اون آرمی‌هایی که دوست من هستن، همه با من هم عقید ان؛ وقتی با من مصاحبه می‌کنی انگار داری با اونا مصاحبه می‌کنی.

- چندتا دوست آرمی داری؟
زیاد هستن، ولی اصلی‌هاشون که خیلی باهم دوستیم پنج نفر ان.
- با این پنج نفر ارتباط حضوری داری یا مجازی؟

یکیشون دوست دوران بچگی‌مه، از پیش دبستانی دوستیم، یکیشون دوست مجازیمه و سه‌تای دیگه هم مدرسه‌ای‌های من هستن.

- تا حالا شده به خاطر آرمی بودن با کسی دوست بشی؟

آره خب، همه‌ی دوستای من یا آرمی هستن یا دست به دست هم می‌دیم و اونایی که آرمی نیستن رو آرمی می‌کنیم. پس قطعاً همه‌ی دوستای من مثل خود من هستن.

- چرا همه رو آرمی می‌کنید، چی به شما می‌رسه؟

آخه ما هر چی بیش‌تر باشیم برامون بهتره. یه ارتش قوی باید پر تعداد باشه. وقتی کسی پشت سر بی‌تی‌اس حرفی می‌زنه، همه باهم می‌ریزیم سرش که دیگه یه وقت فکر نکنه بی‌تی‌اس بی‌کس و کاره.

- چه طور سرش می‌ریزد؟

یعنی پشت همدیگه در میایم. اگه یکی به یکی از ما یا به یکی از آیدول‌ها توهین کنه، خصوصاً راجع به بایس‌هامون مزخرف بگه، همه باهم می‌ریم سراغش.

- می‌رین سراغش که چه کار کنید؟

اگر حضوری باشه یا قانعش می‌کنیم که دیگه از این حرفا نزنه، اگه هم مجازی باشه همه باهم بهش پیام می‌دیم و تهدیدش می‌کنیم و قدرت خودمون رو بهش یادآوری می‌کنیم. بعضی‌هاشون که مرض دارن از قصد می‌خوان آرمی‌ها رو آزار بدن؛ این جور آدمای نفهم رو ریپورت و بلاک می‌کنیم تا پیجش پاک بشه و تنبیه بشه که دیگه با ارتش بی‌تی‌اس در نیفته.

- کنجکاوم بدونم بی‌تی‌اس چه کار کرده که این قدر دوستش دارید و براتون مهمه که به خاطرش با

دیگران درگیر می‌شید؟

ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست نداریم که، اونا هم ما رو همون قدر دوست دارن، وگرنه برامون این همه آهنگ نمی‌خوندن و این همه تو صفحه‌هاشون واسه آرمی‌ها وقت نمی‌داشتن؛ تنها دلیل جنگیدن و ادامه دادن‌شون عشق به ما آرمی‌ها هست. همون قدر که اونا به ما انگیزه می‌دن، ما هم به اونا انگیزه می‌دیم.





- ستاره‌ها چه طور با آرمی‌ها ارتباط می‌گیرن که می‌گی براتون وقت می‌گذارند؟
نفر به نفر که نمی‌تونن ارتباط برقرار کنن، چون ما خیلی زیادیم، ولی همین قدر که علاوه بر آهنگ ساختن و این همه کاری که می‌کنن، حاضر هستن توی صفحه‌هاشون برای طرفدارا عکس بذارن و متن بنویسن و اونا رو شریک زندگی‌شون می‌دونن، خیلی ارزش داره کدوم خواننده‌ای هست که به اندازه بی‌تی‌اس بزرگ و معروف باشه و خودش رو نگیره؟ هیچ کس نیست که این قدر شهرت داشته باشه و بیاد همه چی زندگیش رو صاف و ساده با همه درمیان بذاره و این احساس رو بهت بده که دوست هست و همیشه کمکت می‌کنه و راهنمایی می‌کنه که چه کار کنی توی شرایط حساس.

- یعنی احساس می‌کنی اعضای بی‌تی‌اس مثل دوست و راهنمای تو هستند؟
بله، همین طوره.

- خوب چه طوری ازشون راهنمایی می‌گیری؟
من هر موقع که مشکلی برام پیش میاد، آهنگای مورد علاقه خودم رو گوش می‌دم و انگار بهم الهام می‌شه باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه بعضی چیزا بهم الهام بشه، باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه، بعضی چیزا بهم یادآوری بشه و کمتر خودم رو اذیت کنم.

- مثلاً چی بهت یادآوری می‌شه وقتی آهنگ‌ها رو گوش می‌دی؟
مثلاً همون آهنگ سو وات، همیشه بهم یادآوری می‌کنه، همون چیزهایی که بهت گفتم رو... یا مثلاً خیلی آهنگ‌ها بهم یادآوری می‌کنن که دنیا ارزش غصه خوردن رو نداره و از زندگیم لذت ببرم.
- اگه یک روز به این نتیجه برسی که بی‌تی‌اس اشتباه کرده یا تو راه اشتباه رو رفتی، پشیمون نمی‌شی؟
اولاً که بی‌تی‌اس هیچ وقت اشتباه نمی‌کنه. دوماً یک آرمی یاد گرفته که هیچ وقت از کاری که کرده پشیمون نشه.

- دوست داری خودت یه روز مثل ستاره‌های بی‌تی‌اس بشی؟
آره، ولی فقط یه آرزوئه و هیچ وقت اتفاق نمی‌افته.
- چرا اتفاق نمی‌افته؟

خب اونا که می‌بینی الان این قدر معروف ان از بچگی استعدادیابی شدن؛ من با این شرایط ایران هیچ کاری نمی‌تونم بکنم، باید کلی زحمت بکشم که فقط بتونم برم کره، بعدش هم که اون جا به این راحتی ما ایرانی‌ها رو تحویل نمی‌گیرن. خیلی راه سخته آیدول شدن، ولی خیلی فوق‌العاده هست.

- اگر ایرانی نبودی و مثلاً کره‌ای یا آمریکایی بودی، ستاره می‌شدی؟
صد درصد همه‌ی تلاشم رو از بچگی می‌کردم؛ با این که حس می‌کنم زیاد استعداد خوانندگی ندارم، ولی رقص رو خوب بلدم و می‌تونست نقطه قوتم باشه و بالاخره به یه جایی برسم.

- رقص رو حرفه‌ای بلدی یا فقط علاقه داری؟
یه جورایی حرفه‌ای بلدم. شیش ماه کلاس باله رفتم. رقص عربی هم یه مدت تمرین کردم و همه جور رقصی رو دوست دارم. دلم می‌خواد سبک خودم رو توی رقص بسازم و معروف بشم.

- پیش اومده که از بی‌تی‌اس رقصی رو یاد بگیری؟

من وقتی که آهنگ گوش می‌دم، همیشه در حال رقصیدنم. وقتی هم که موزیک ویدیو می‌بینم، خوب دقت می‌کنم به این که هر کدوم‌شون چه طور می‌رقصن و کجای هر آهنگ چه رقصی رو اجرا می‌کنن و راحت حفظ می‌شم، دفعه بعدش دیگه بدون ویدیو دیدن هم می‌تونم مثل خودشون برقصم. کلاً استعدادم توی رقصه فقط.

- به نظرت رقصیدن با اعتقادات دینی شما منافات نداره؟

من چه کار به دین دارم اصلاً. دینی که با رقصیدن مخالف باشه، اصلاً به درد من نمی‌خوره.

- دین با رقص مخالف نیست، فقط می‌گه جلوی نامحرم نباید برقصی؟

خب دقیقاً اشکال همین جاشه. اگه تتونی جلوی همه برقصی، دیگه رقص برای چیه پس. چه طوری پس معروف بشی. نمی‌شه که فقط زن‌ها رقصت رو ببینن، وقتی فیلم پخش می‌شه، همه می‌بینن، چه فرقی داره زن باشه یا مرد؛ محرم باشه یا نامحرم. من به هیچ کدوم از اینا اعتقاد ندارم. بعضی از اعضا بی‌تی‌اس مثل وی، خیلی دیندار هستن، ولی دین‌شون نمی‌گه جلوی نامحرم نخون و نرقص. مگه ما چه فرقی با اونا داریم. حتی زن‌ها نمی‌تونن بخونن توی ایران، دیگه چه انتظاری برای رقصیدن و فرهنگش می‌مونه.

- دین اعضای بی‌تی‌اس چیه؟

جیمین و جونگ‌کوک مسیحی هستن و شوگا و جین بی‌دین ان فکر کنم، ولی همه‌شون هم باهم کنار میان و محدودیتی ندارن، سر عقایدشون باهم نمی‌جنگن و به هم‌دیگه چیزی رو تحمیل نمی‌کنن.

- از کجا می‌دونی که عقاید متفاوتی دارن یا از کجا می‌دونی که باهم بحث نمی‌کنن؟

خب مشخصه از روابطشون. اگر باهم مخالف بودن که این قدر عاشق همدیگه نبودن و باهم کار و زندگی نمی‌کردن. عقایدشون هم قطعاً باهم فرق داره؛ اگه فرق نداشته باشه که الکی جونگ‌کوک نمی‌گه که من مسیحی هستم یا من بی‌دینم، حتماً قبلاً راجع به همه چی فکر کردن و تصمیم گرفتن دیگه.

- خوب ممکنه که یه ستاره به خاطر این که طرفدارای مسیحی پیدا کنه، بگه من مسیحی‌ام.

ممکن نیست. خیلی‌ها ممکنه این کار رو بکنن، ولی یقیناً بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کنه، چون برای طرفدار داشتن، نیازی به این کار نداره. الآن من مثلاً اسماً مسلمونم، مگه بی‌تی‌اس گفته مسلمونه که من طرفدارشم. با این که به اسلام هم حتی بی‌احترامی نمی‌کنن، ولی برام مهم نیست کلاً.

هر جای دنیا، هر کسی، با هر دینی موسیقی خوب بشنوه، طرفدارش می‌شه. به خاطر دین کسی طرفدار بی‌تی‌اس نشده. اینا چیزاییه که دشمنای این که آیدول‌های بی‌پناه رو بدنام کنن، می‌سازن و پول می‌دن به یک سری‌ها که پخشش کنن بین مردم بی‌خبر از همه جا. مردم هم بدون تحقیق همه‌ی شایعات رو باور می‌کنن. کلاً به نظرم این مسأله تو ذهن‌شون مطرح نیست و نیازی هم بهش ندارن.

- چرا به نظرت بعضی‌ها می‌خوان ستاره‌ها رو بد نام کنن؟

چون نمی‌خوان خیلی قدرت بگیرن. اگه قدرت داشته باشن، هرکاری بخوان می‌تونن بکنن.

- مثلاً چه کاری؟

با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جور که خودشون می‌خوان کنن.

- یعنی به نظرت با خوانندگی که می‌شه دنیا رو اداره کرد؟

آره، می‌شه اتفاقاً خیلی راحت‌تر و اثرگذارتر می‌شه.

- اگر الان هر دستوری رو بدن تو انجام می‌دی؟

آره، من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم، چرا کاری که به نفعم رو نکنم.

- خوب، هر کاری که ازت می‌خوان، ممکنه به نفعت نباشه یا غلط باشه!

مطمئن باش هیچ‌وقت بی‌تی‌اس کاری نمی‌کنه که دنیا، جایی بدتر از این که هست بشه، هدف اونا فقط اینه که دنیا رو جای قشنگ‌تری بکنن. حتی اگه یک درصد هم اشتباهی بکنن، اشکالی نداره. وقتی این همه سیاست‌مدار هر روز دارن هزارتا اشتباه می‌کنن. مگه ما کارهایی رو که می‌گن انجام نمی‌دیم؟ حالا با فرق این که بی‌تی‌اس داره این دستور رو می‌ده و خیلی خیلی خفن‌تر و دلسوزتر از سیاست‌مدارا هست.

- خوب اگه این طوره چرا توی کشور خودشون حکومت نمی‌کنند؟

چون توی کشور خودشون سیاست‌مدارهای خوب هستن که باعث شدن همین آیدول‌ها بتونن موفق بشن.

اون جا دیگه نمی‌تونن حکومت رو تغییر بدن، چون خودشون یکی از نکات مثبت حکومت‌شون هستن.

- تاحالا شده واسه این که از بی‌تی‌اس حمایت کنی یا نشون بدی آرمی هستی، لوازم بی‌تی‌اسی رو بخری؟

آره. من هم بلوز بی‌تی‌اس دارم، هم یه تی‌شرت دارم که پشتش نوشته ARMY. دوتا ماگ با عکس‌های

بی‌تی‌اس دارم که یکیش عکس دسته جمعی همه‌شون هست و یکی رو خودم دادم با عکس نامجون ساختن برام که خیلی قشنگه. یه کلاه بی‌تی‌اس فور اور هم دارم. تازه یه کیف بی‌تی‌اس هم دارم که دختر خاله‌ام برام

خریده. چون می‌دونه عاشقشونم و خیلی از کادوش خوشحال شدم.

- عکس‌ها و پوسترهاشون رو چه طور؟

پوستر ندارم، ولی از همه‌شون عکس دارم. خودم گلچین کردم عکس‌ها رو دادم عکاسی چاپ کرد و آلبوم

کردم‌شون. چندتا عکس هم زدم روی میز و کدم. دفتر بی‌تی‌اس هم دارم دوتا. دفتر مشق و یادداشته فقط

عکس دسته جمعی بی‌تی‌اس رو روش داره و یک عکس هدیه داخلشه.

- پس لوازم التحریر بی‌تی‌اس هم ساخته شده؟

آره، هر چی دلت بخواد واسه آرمی‌ها می‌سازن. تا حالا لوازم مدرسه‌ام رو مامانم هر چی می‌دید، می‌خرید،

ولی از این به بعد می‌خوام اینترنتی لوازم بی‌تی‌اس رو انتخاب کنم و بخرم، اگه هم نخره، پولم رو جمع می‌کنم

و خودم یک جا همه رو واسه سال بعد می‌خرم.

- دوست داری همه بدنند که تو بی‌تی‌اسی هستی؟

بی‌تی‌اسی نه، بهتره بگی آرمی. من به آرمی بودنم افتخار می‌کنم. بعدشم این جور یه اون‌هایی که آرمی

هستن، می‌فهمن که تو هم از خودشون هستی و هوات رو دارن. این جور دوستای خوب بیش‌تری هم پیدا

می‌کنی و همیشه چندتا هم صحبت پایه داری که مثل خودت باشن. از همون اولش هم متوجه می‌شیم کی

چی دوست داره و اون‌هایی که از بی‌تی‌اس خوش‌شون نمیداد سمت ما نمیان. بعد این که مثلاً دختر خاله‌ام سلیقه من رو می‌دونه و بهش احترام می‌ذاره. اگه همه این طوری بودن، عالی می‌شد.

- یعنی دوست نداری با کسی که آرمی نیست یا با بی‌تی‌اس مخالفه، دوست بشی؟
به هیچ وجه.

- خوب این جوری به نظرت دوست‌های زیادی رو از دست نمی‌دی؟
برام مهم نیست. ترجیح می‌دم چندتا دوست مثل خودم داشته باشم تا این که کلی دوست داشته باشم که باهام فرق دارن و همه‌اش باهام مخالفت می‌کنن.

- تاحالا چندتا دوست آرمی توی فضای مجازی پیدا کردی؟
اووه، خیلی زیاد. آرمی‌ها اون قدر با اخلاق و با احساس و با روحیه ان که با هر کی که حتی نمی‌شناسیش حرف بزنی، جوابت رو خیلی خوب می‌ده و اگه کمکی ازش بخوای، کمکت می‌کنه. گفتم که ما هوای همدیگه رو داریم. خیلی راحت آرمی‌ها دوست آدم می‌شن. البته آرمی‌های واقعی.
- فعالیت داخل فضای مجازی در ارتباط با بی‌تی‌اس، چه قدر هست؟
توی تلگرام کانال دارم، پیج اینستاگرام هم دارم. کلاً با همینا سرگرم کل روز.
- چه چیزهایی توی کانال و پیجت پست می‌کنی؟
هردوشون برای آرمی‌ها هست. کلاً اون‌هایی که آرمی هستن، من رو دنبال می‌کنن، چون فقط راجع به بی‌تی‌اس و موزیکاشون مطلب می‌ذارم.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی که چه مطالبی در صفحه خودت می‌گذاری؟
عکس‌های نامجون و بقیه رو ادیت می‌کنم و پست می‌کنم یا با عکساشون کلیپ می‌سازم، آهنگ‌هاشون رو می‌ذارم. اخبار و اتفاقات رو می‌گم و گاهی اوقات دابسمش می‌سازم.

- چه طوری کلیپ می‌سازی؟
با موبایلم. من چندتا اپلیکیشن خوب دارم، مخصوص ادیت زدن و کلیپ ساختن که کار کردن باهاشون خیلی راحت. بهترین کلیپ‌ها رو با همین گوشی می‌سازم.

- یعنی روزانه سه، چهار ساعت صرف تولید محتوا برای بی‌تی‌اس می‌کنی؟
بله. حتی بیش‌تر هم شده که وقت گذاشتم.

- به جز بی‌تی‌اس، به طور کلی چه قدر با موبایلت مشغول هستی؟
کل روز گوشی دستمه دیگه، ساعت نداره، هر موقع که کاری نداشته باشم یا حوصله‌ام سر بره می‌رم تو گوشی ببینم چه خبره. الان هم که کلاً کارها با گوشیه. بدون گوشی نمی‌شه زندگی رو تحمل کرد.

- یک سوال دیگه برام پیش اومد تا حالا شده که از سبک لباس اعضای بی‌تی‌اس تقلید کنی؟
آره، من حتی لباس‌های مجلسیم رو همه رو به سبک نامجون می‌دوزم و می‌پوشم.
- یعنی لباس مجلسی پسرانه می‌پوشی؟

این سبک پسرانه و دخترانه نداره. من از لباس‌های پف پفی و دامن و این چیزا خوشم نمیداد. همیشه می‌ریتم پیش خیاط برام کت و شلوار می‌دوزه با همون مدلی که خودم بهش بگم.



- مادر یا پدرت مخالفتی با لباس پسرانه ندارند؟

گفتم که پسرانه نیست، فقط سبکش فرق می‌کنه، بعدشم مامانم خودش کت و دامن می‌پوشه، حالا چون من از دامن خوشم نیامد، می‌شه پسرانه؟ بعدشم اصلاً شلوار و کت پسرا فرق داره با اون جوری که من می‌دم خیاط طراحی کنه. مهم زیباییه و این که بهت بیاد چیزی که تنته.

- می‌شه راجع به سبکی که معمولاً طراحی می‌کنی، بیش‌تر توضیح بدی؟

کت رو مشکی با یقه‌ی سفید بلند با ظرافت خاص و متنوع، شلوار بلند مشکی، پیراهن رو با پارچه‌ی دانتل و گیپور می‌دوزه، پر از طرح‌های گل‌منگلی و توری سفید کار می‌شه معمولاً روی آستین یا یقه با یه ژبله‌ی مشکی اندامی. این یکی از مدل‌هایی که خیلی دوست دارم.

- تا حالا چند مدل دوختی؟

یه دست از همین ست، ولی سر تا پا سفید هم دوختم. فقط اون پیراهنش ساده و یقه بازه، گیپور نیست، ژبله هم نداره. هردوشون رو هم به یه اندازه دوست دارم.

- بیرون از خونه چی می‌پوشی؟

هودی می‌پوشم بیش‌تر. چون لباس راحتی، کلاً لَش و گشاده.



استایل مخصوص بی تی اس



- تاحالا شده به خاطر این که بتونی لباسی رو بپوشی، رژیم غذایی بگیری؟
من تاحالا چاق نبودم که بخوام لاغر بشم. رژیم واسه‌ی اوناییه که اضافه وزن دارن. من همیشه کم غذا می‌خورم که هیچ‌وقت چاق نشم.

- خوب کم غذا خوردن هم نوعی رژیمه، این طور نیست؟
نه، رژیم یه برنامه هست واسه لاغر شدن. من فقط کم‌تر از همه غذا می‌خورم که به خاطر سلامتی خودمه، واسه پیشگیری از روزیه که مجبور شم مثل مامانم رژیم بگیرم.

- از این نمی‌ترسی که کم غذا خوردن باعث بشه ضعیف بشی یا دچار سوءتغذیه بشی؟
سوءتغذیه که با کم خوردن نمی‌گیرن، پرخوریه که سوءتغذیه میاره و هزارتا مریضی بدتر. یه بار اتفاقاً مامانم من رو برد دکتر، گفت: دخترم اصلاً غذا نمی‌خوره، بهش بگو که باید زیاد بخوره و اینا... . دکتر هم مامانم رو ضایع کرد و گفت: این بچه که خوبه، همه‌ی آزمایش‌هاش درسته، چرا می‌خوای مثل خودت چاقش کنی؟ منم زدم زیر خنده (باخنده).

- یعنی دکتر با غذا نخوردن موافق بود؟
آره. فقط یه ویتامین و قرص آهن داد و گفت مشکلی نیست.
- چرا این قدر از چاقی با این سن کم ترس داری؟

چون چاقی باعث هر درد و مرضی می‌شه. آدم رو سنگین و پخمه می‌کنه. اگه چاق بشم دیگه نمی‌تونم خوب برقسم، شادی و سرحالی و روحیه‌ام از بین می‌ره. آدم چاق که می‌شه، زشت و بدقیافه می‌شه، هر لباسی رو نمی‌تونه بپوشه، هر کاری رو نمی‌تونه بکنه، هر غذایی رو نمی‌تونه بخوره. من ترجیح می‌دم فرم بدنم همیشه مثل آیدول‌ها باشه، توی هر سنی، چه الان، چه وقتی که چهل، پنجاه ساله باشم.

- ستاره‌ها چه طور رژیم غذایی‌ای برای این که همیشه خوش اندام باشن، دارند؟

اونا که اصلاً داستان‌شون با ما فرق داره، زندگی‌شون روی نظم و مقرراته، همه‌چی‌شون کنترل می‌شه، هر غذایی رو نمی‌خورن مثل ما. برنامه‌های غذایی‌شون زیر نظر بهترین دکترها هست. حتی برنامه‌های ورزشی و مراقبت از پوست و مو دارن.



- به نظرت این خوبه، یعنی دوست داری تو هم این طوری کنترل بشی؟
خب قطعاً. همین‌ها باعث شده که همیشه رو فرم باشن. همه حتی بی‌تی‌اس هم نیاز داره به این که بهشون کمک شه.

- یعنی به نظر تو اصلاً اذیت کننده نیست؟
خب همه‌ی کارای خفن نیاز دارن که براشون اذیت بشی، اما خب لازم ان قطعاً و چه قدر خوب که کسی باشه که کنترلت بکنه و حواسش بهت باشه.

- خوب چیزی مثل کار پدر و مادر نیست؟ خودت گفتی که حرف‌شون برام مهم نیست.
اونا فرق دارن. اونا مثل کسایی نیستن که به بی‌تی‌اس کمک می‌کنن. قطعاً اونا خیلی بهتر می‌فهمن که برای موفقیت باید چه کار بکنن. قطعاً مثل مامان بابای من از نسل قبل نیستن که. هر چیزی که بگن لازمه.

- حس می‌کنم مدل موهات شبیه یکی از ستاره‌ها هست، درسته؟
آره، همه بهم می‌گن که موهات شبیه نامجونه. راحت یعنی همه از موهام می‌تونن بفهمن که آرمی ام و بایسم نامجونه. حتی صورتمم می‌گن شبیه اونه.



- خودت عمداً این مدل رو زدی؟
- مدل موهای من کلاً همین جور بود از اول. می‌تونستم تغییر بدم. خیلی‌ها هم بهم گفتن مدل موت رو عوض کن، ولی من جوری کوتاه می‌کنم که بیش‌تر شبیه موهای نامجون بشه.
- حدس می‌زنم خیلی خوشحالی از این که شبیهش هستی. درسته؟
- آره. من خودم رو خیلی دوست دارم. چی بهتر از این که شبیه آیدول‌های دوست داشتنی خودت باشی.
- چیز خاصی هست که از بی‌تی‌اس یادگرفته باشی و دوست داشته باشی بگی؟
- من از بی‌تی‌اس یاد گرفتم که باید بیش‌تر از هرچیزی به خودم بهاء بدم. خود ما انسان‌ها هستیم که مهم هستیم و فرصت زندگی بهمون داده شده. باید خودمون به خودمون ارزش بدیم و خودمون رو فدای بقیه نکنیم. به ما ربطی نداره که کی چه کار می‌کنه. باید خودمون رو محدود نکنیم و کامل زندگی کنیم، یعنی همیشه شاد باشیم.
- یعنی این که خود فرد از همه چیز مهم‌تره؟
- آره، انسان مهم‌ترین و باهوش‌ترین موجوده و اختیار و استعداد داره.
- یعنی نظر بی‌تی‌اس اینه که انسان از خدا هستی هم مهم‌تره؟
- آره. اگه انسان نباشه چرا باید خدا دنیا رو خلق کنه. همه چی به خاطر انسان شکل گرفته، حتی خدا هم چیزیه که انسان فقط بهش فکر می‌کنه. اگه ما نباشیم انگار هیچی نیست.

تأملی دوباره

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

گلنوش در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: پیام لذت بردن از مواهب مادی زندگی، ترویج فرهنگ آزادی لیبرالی، دامن زدن به فردگرایی افراطی، تعمیق رابطه با هواداران، تحقق سناریوی «آیدول برای آرمی و آرمی برای آیدول»، اشاره داشته است. گلنوش در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارتقای اعتماد به نفس با فعالیت در جهت حمایت گروه، آشنایی با مهارت‌های فنی نظیر ادیت ویدیو، جهت‌بخشی به آینده حرفه‌ای برخی از هواداران، یادگیری زبان کره‌ای، شکل‌گیری هویت گروهی، جمعی و شبکه‌ای، دوست‌یابی مجازی، اخذ فرهنگ جامعه لیبرالی در لفافه موسیقی، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک مو و آرایش، الگوگیری از ستاره‌ها در انتخاب سبک پوشش، عادی‌سازی جنسیت‌زدایی از پوشش، رسیدن به تعارض با دستورات دینی، حرکت از تثبیت به سمت آنتیسم، قرار گرفتن در مسیر ارزشی جدید، قرار گرفتن در سبک زندگی جدید، تعمیق رابطه با هواداران، تحقق سناریوی «آیدول برای آرمی و آرمی برای آیدول»، پذیرش کنترل شدن ستاره‌ها به شکل برده‌داری نوین، ترویج فرهنگ آزادی لیبرالی، دامن زدن به فردگرایی افراطی، پیام لذت بردن از مواهب مادی زندگی، درگیر شدن در تبلیغات غیرعلمی، ضعف منطق هواداران نوجوان، تربیت هیجانی هواداران، برخوردهای هیجان‌مدار هواداران، بی‌منطق عمل کردن برخی از هواداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، طرفداری متعصبانه و کورکورانه، احساس دیوانه شدن، نسل عنان‌گسیخته، آمادگی هواداران برای عمل، اتلاف وقت، بازماندن هواداران در دید عینی خویش، تهدید بالقوه امنیتی هواداران و ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، اشاره داشته است.

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تشویق گروه دال بر لذت بردن از مواهب مادی زندگی، ترویج فرهنگ آزادی لیبرالی، دامن زدن به فردگرایی افراد، سوق دادن افراد به سمت فردگرایی افراطی، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، به اشتراک گذاشتن زندگی شخصی ستاره‌ها با طرفداران، تعمیق رابطه با هواداران، تحقق سناریوی «آیدول برای آرمی و آرمی برای آیدول»، گوگل کردن و ایجاد یک مدرسه پنهان در بطن مدارس معمول، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر گلنوش ۱۴ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با محمدرضا، ۲۱ ساله

بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً به کاپشن تبلیغ کرده بودن، من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا به کفش تبلیغ کرده بودن... قیمتش ۱۱۵ میلیون بود.

- خوب محمدرضا آماده‌ای شروع کنیم؟
آره حتماً.

- محمدرضا چند وقته کی‌پاپر هستی و چه گروه‌هایی رو دنبال می‌کنی؟
تقریباً دو یا سه ساله و اگر بخوام بگم چه طوری کی‌پاپر شدم، یکی از دوستای من کی‌پاپر بود، یعنی گروه‌های کی‌پاپ رو دنبال می‌کرد، بعد هیچی دیگه ما این رو زیاد مسخره کردیم (باخنده) ما این رو زیاد مسخره کردیم که چرا اینا رو دنبال می‌کنی آخه، این بنده خدا هم هی به ما توضیح می‌داد که اینا چه گروهی هستن و اینا.

هیچی دیگه، خلاصه بعد از چند وقت که اینا رو دیدم از ازشون خوشم اومد که چه قدر خوشگل هستن و بعد مثلاً آهنگایی که می‌خوندن اصن اثرات خوبی می‌داشت، هیچی دیگه بعد پیگیرشون شدم به مدت اولش هم فک کنم با آهنگ دینامیت^۱ بود، نه، نه، آهنگ آیدول^۲ بود، آیدول بی‌تی‌اس که من آرمی شدم.

به فن‌های بی‌تی‌اس آرمی می‌گن، فن‌های بی‌تی‌اس اسم فن دوم^۳ شون آرمی هست، هر گروه کی‌پاپ هم به فن دوم داره و به اسم مخصوص واسه فن دومش داره، مثلاً اکسو^۴ اسم فندومش اکسوال هست یا مثلاً بلک پینک^۵ اسم فن دومش بلینکه.

از بین این گروه‌های کی‌پاپ هم بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دنبال می‌کنم ولی خب بقیه گروه‌ها رو هم سرک می‌کشم توشون (باخنده)، مثلاً بلک پینک و دیگه اکسو همینا دیگه، البته اینا فقط گروه‌های کی‌پاپ هستن،

^۱- Dynamite

^۲- Idol

^۳- فندوم (Fandom) یک خرده فرهنگ است که از اجتماع فن‌هایی با علاقه مشترک به موضوعی خاص تشکیل می‌شود.

^۴- گروه اکسو (Exo) یک گروه پسرانه کره‌ای-چینی است که زیر نظر اس ام اینترتینمنت به فعالیت می‌پردازد. این گروه از نه عضو تشکیل شده است. موسیقی آن‌ها ژانرهایی مانند پاپ، هیپ هاپ و آر اند بی را در کنار ژانرهای موسیقی مانند دنس الکترونیک در خود جای داده است. (Wikipedia, 31 march 2012)

^۵- گروه بلک پینک یک گروه دخترانه کره‌ای متشکل از چهار فرد که تحت عنوان وای جی اینترتینمنت هستند. بلک‌پینک موفق‌ترین گروه دخترانه کره‌ای در سطح بین‌المللی است و لقب بزرگ‌ترین گروه دخترانه دنیا از سوی نشریات معتبر به آن‌ها داده شده است.

اگر بخوام کل گروه‌هایی که دنبال شون می‌کنم رو بگم خب گروه‌های موسیقی آمریکایی هم هستن، مثل ایمجین دراگونز^۱ ولی خب تو کی پاپ همونایی که گفتیم رو دنبال می‌کنم.

- خوب گفتی که تأثیرات مثبت هم داشته درسته؟

آره برای من واقعاً تأثیرگذار بوده.

- می‌تونی مثال بزنی؟

آره، آره، حتماً مثال زیاده، وقتی مثلاً خود آهنگاشون رو گوش می‌دی آهنگ خالی منظورمه، وقتی گوش می‌دی یه حس خوبی بهت منتقل می‌کنه، مثلاً یه حس رقص یه حس شاد که در کل خوبه، می‌دونی حالت رو خوب می‌کنه، بعد وقتی به معنی آهنگا توجه می‌کنی مثلاً لاو یورسلف بود فک کنم، آره یکی اونه مثلاً دیگه نمی‌دونم یکی شون دینامیت بود یا مثلاً آیدول این آهنگا معنی‌های خیلی خوبی دارن و کلاً هم نه فقط اینا، آهنگای دیگه شون هم همین طور اگر گوش بدی کلاً یه چیزایی گفته که خودت به خودت امیدوار می‌شی. مثلاً من خودم چند وقت پیش واقعاً در گیر افسردگی بودم که به نظر من خیلی هم زیاده تو سن و سالی که ما هستیم یا حداقل من خودم زیاد دیدم کسانی رو که در گیر افسردگی شدن یا الان بین فن دومها افرادی هستن که می‌گن ما افسرده بودیم، ولی وقتی آهنگای اینا رو گوش کردیم، به خودمون رسیدیم، روی من هم آره واقعاً تأثیرات خوبی گذاشت یا مثلاً وقتی معنی‌های آهنگاشون رو که گوش می‌کردم چیزای قشنگ و با معنی رو می‌گفتن مثلاً درباره لاو یورسلف که خب می‌گه به خودت اهمیت بده و نذار که چیزی تو رو زیاد ناراحت کنه، طوری که از درون بشکنی و واقعاً تأثیر خوبی می‌ذارن. می‌دونی انگار خودشون همه اینا رو تجربه کردن، برا همین آدم خیلی خوب میتونه باهاشون ارتباط بگیره.

در مورد موزیک ویدیوهاشون خب وقتی موزیک ویدیوهاشون رو می‌بینی، اصن خودت هم دوست داری پاشی رقص‌هاشون رو انجام بدی، ولی خب به شدت سخته (باخنده)، به خاطر همین اصن دوست داری هی انجام بدی و یاد بگیری و همین باعث می‌شه تحرک داشته باشی و شاد باشی، به نظرم اگر کسی آهنگاشون رو گوش بده تأثیرات مثبت میاد سراغش.

- این حس شادی و خوبی که به دست میاد، چه قدر ادامه پیدا می‌کنه، منظورم اینه که گذری هست یا برات طولانی مدت باقی می‌مونه؟

نه، اصلاً این طوری نیست که تأثیر طولانی داشته باشه، می‌دونی حداقل برای من دایمی و طولانی مدت نبوده، ولی خب حواسم رو از مشکلات پرت می‌کنه یه کم.

- محمدرضا چه چیزی در موردشون جذبیت کرد؟

^۱ - ایمجین دراگونز (Imagine Dragons) یک بند پاپ راک آمریکایی متشکل از چهار فرد است که نخستین بار با انتشار تک آهنگ «وقتشه» توانست به شهرت برسد.

تقریباً می‌شه گفت هم خوشگلی‌شون و هم آهنگاشون، آهنگاشون رو اگه گوش بدین مثلاً یه چیزایی مثلاً ورس^۱ آهنگ و فلو^۲ و این جور چیزا آرامش بخشه، یه جورایی می‌دونی مثلاً اون بیت^۳، بیت خالیش هم خیلی آرامش بخش هست یا مثلاً در مورد رقص‌شون که خب رقص‌شون تو سطح جهانی هم اوله، البته اول مایکل جکسون، بعدش اینا هستن در کل همه چیزشون رو می‌شه گفت، یعنی هم رقص‌شون هم موسیقی‌شون هم زیبایی‌شون باعث شد که من جذب‌شون بشم.

- بعضی از افراد هستن که به صورت افراطی یه چیزی رو دنبال می‌کنن، این مسأله تو موسیقی هم وجود داره، مخصوصاً توی کی‌پاپ؟

آره قطعاً هست، اتفاقاً خیلی هم زیاده (باخنده).

- خودت جزو اون‌ها هستی؟

اگه منظورتون سلو استن^۴ هست، یعنی اینایی که مثلاً روی یک نفرشون خیلی تعصب دارن، آره، بعضی از هوادارا قشنگ همینطورین، اما من خودم نه جزو اونا نیستم، البته رو هفتاشون باهم دیگه تعصب دارم (باخنده) ولی سلو استن نیستم. بعد مثلاً یه جورایی می‌شه گفت، چه طوری بگم، آره دیگه همین دیگه مثلاً کسانی که بیان به وی یا به این جونگ‌کوک بیش‌تر هم مثلاً روی جونگ‌کوک و جیمین و با وی یا همون تهیونگ غیرت دارن و متعصب هستن زیاده هیت^۵ دارن، چون اینا مثلاً بیش‌ترین هیت^۵ رو توی گروه اینا دارن، یعنی ببین کلاً این سه‌تا توی گروه بیش‌ترین طرفدار رو دارن، ولی خب معمولاً بیش‌ترین هیت^۵ رو هم دارن.

- این هیت شدن‌ها از دلش معمولاً چیه؟

همین مثلاً بعضی از این فنا یعنی بعضی از این سلو استن که روشون تعصب دارن، منظورم بی‌تی‌اسه، اگه مثلاً بحثی بشه یا بیاد کسی چیزی به اینا بگه خیلی واکنش نشون می‌دن. بعضی وقتا این هیت کردن واقعاً دلیل خاصی نداره، مثلاً فرض کنیم یه گروه وارد کی‌پاپ شده و خوب هم داره رشد می‌کنه، خب آرمیا نمی‌خوان اون گروهه رشد کنه، چون می‌گن فقط بی‌تی‌اس باید صدر باشه.

^۱ - ورس Verse جایی است که ریتم‌ها در فاصله‌های کوچک به یکدیگر پیوند می‌خورند و با یک هارمونی که سوار بر ریتم می‌شود، در سیکل‌های مختلف تکرار می‌شود.

^۲ - فلو Flow به معنای شناور بودن است، رپر‌ها معمولاً از تکنیک‌های خاصی استفاده می‌کنند تا بتوانند کلمات خود را روی بیت شناور کنند تا احساس خوبی به شنوندگان بدهند.

^۳ - Beat

^۴ - سلو استن Solo Stan افرادی هستند که فقط از یک نفر در جمع گروه حمایت می‌کنند.

^۵ - هیت‌رها Hater افرادی که از یک گروه و یا یک فرد خوششان نمی‌آید و واکنش‌های منفی به آن‌ها نشان می‌دهند.

ولی بعضی وقتا هم بدون دلیل نیست مثلاً طرفدارای هیدن^۱ رو در نظر بگیر هیدن اومده بود یه لوگو رو برداشته بود گذاشته بود رو آلبومش، بعد این طرفدارای بی‌تی‌اس واکنش نشون دادن اصن فن‌وار^۲ درست شد دیگه. فن‌وار درست شد و همین فنای بی‌تی‌اس یا همین آرمیا اومدن گفتن که آره این لوگو رو از رو بی‌تی‌اس اومده کپی کرده و فن‌وار درست شد، فنای هیدن و فنای بی‌تی‌اس باهم دیگه قاطی شدن و این استن‌ها و اینا اومدن و اصن شروع شد دیگه تقریباً یکی، دو هفته اینا باهم دیگه درگیر بودن، ولی خب من جزوشون نیستم (باخنده) من در اصل آهنگاشون رو دنبال می‌کنم فقط و مطلبای جالب رو درباره‌شون می‌خونم.

- با توجه به توضیحاتی که دادی، طرفدارای متعصب فعالیت‌های خاص زیادی انجام می‌دن. درسته؟

خب بین انجام دادن یه کارهایی مثل همون هیت کردن و فن‌وار فعالیت خاصی نیست، یعنی می‌دونی بیش‌تر باعث به وجود اومدن هیجان بین فن‌دوم‌ها می‌شه، ولی خب به نظر من تأثیر مثبت خاصی رو خود گروه نمی‌ذاره، ولی فعالیت خاص اگر بخوام، خب مثلاً اگه ویدیویی توی یوتوب، اینستا یا در کل فضای مجازی پست کنن، اینا اولین کسانی هستن که می‌رن کامنت می‌ذارن و لایک می‌کنن یا مثلاً بیش‌تر باشون کلیپ می‌سازن مثلاً بعضی از تیکه‌های کنسرت‌هاشون رو یا دنس‌هاشون رو برمی‌دارن باهاشون کلیپ درست می‌کنن و این جور چیزا، بعد اگه کسی بیاد به اینا هیت بده، اینا اولین کسانی هستن که جواب طرف رو می‌دن و فن‌وار درست می‌شه بعد فن‌وار هم خیلی درست می‌شه تو گروه‌های کی‌پاپ، مثلاً فن‌وار بی‌تی‌اس با بلک پینک زیاد باهم دعوا و جرّ و بحث دارن کلاً فن‌وار این دوتا گروه از همه بیش‌تره.

- محمدرضا چه چیزی باعث این تعصب می‌شه؟

خب بین اعضای کی‌پاپ یعنی همون آیدولا و آیدول هم یعنی همون خواننده‌های کی‌پاپ دیگه، در واقع این آیدولا نمی‌تونن ازدواج کنن تا وقتی تو اون گروه‌ها هستن، نه می‌تونن ازدواج کنن نه می‌تونن دوست دختر داشته باشن یا این جور چیزا دیگه، در کل تو این مسایل خیلی محدودیت دارن.

به خاطر همین بعضی از این فنا، البته بیش‌تر این فن استنا که دیگه خیلی رو اینا تعصب دارن، میان تو خیالات‌شون آخه یه کم توهمی ان (باخنده) توهم می‌زنن و فک می‌کنن، اون طرف دوست پسرشونه، مثلاً بعضی‌ها هستن که واقعاً با عکسای اینا زندگی می‌کنن یا مثلاً همه چی‌شون رو دارن، یعنی همه چی‌شون بی‌تی‌اسه، مثلاً کیف، لباس، دفتر، پوستر همه چیز دیگه، بیش‌تر همین توهمات باعث این تعصب می‌شه، مثلاً فک می‌کنن طرف دوست پسرشه، برا همین زیاد روش تعصب دارن، بعد اگه کسی به اون چیزی بگه، اینا هم نمی‌تونن تحمل کنن و جوابش رو می‌دن.

- موسیقی که این گروه داره ارایه می‌ده، ویژگی خاصی داره؟

ویژگی خاص که آره، ویژگی خاصی داره، یه جورایی با بقیه موزیکا فرق داره معنی‌هاشون و چیزایی که می‌خواد به ما برسونه، مثلاً موزیکاشون کلاً در مورد اینه که عشق وجود داره، به خودت اهمیت بده یه همچین

^۱ - مهرداد مستوفی راد با نام هنری هیدن، خواننده و ترانه‌نویس اهل ایران و جزو نسل یک پررهای ایران است.

^۲ - فن‌وار Fan war فعالیت‌های دو یا چند گروه علیه دیگر است که منجر به درگیری بین آن‌ها می‌شود.

چیزی، این چیزا باعث شده که موسیقیاشون خاص بشه یا مثلاً ریتم آهنگش، ریتم آهنگش یه جوریه که اگه گوش بدی می‌خوای برقصی اصن (باخنده).

- هم‌زمان با بی‌تی‌اس موسیقی‌های دیگه رو هم دنبال می‌کردی؟
یه مدتی نه، مثلاً برای یکی، دو ماه فک می‌کردم که اگه به بقیه موزیکا گوش بدم، به بی‌تی‌اس خیانت کردم (باخنده). حتی یه کم خودم رو هم سرزنش می‌کردم که چرا آهنگ دیگه‌ای گوش دادم، یه همچین چیزی بود برای یه مدت کوتاهی واقعاً فقط بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کردم و به هیچ آهنگ دیگه‌ای گوش نمی‌کردم فقط همین بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس با مثلاً یکی، دوتا خواننده دیگه که با اینا کار می‌کردن، مثل هالزی^۱ و یکی، دوتا دیگه هم بودن ولی الآن یادم نیست.

ولی بعد از یه مدت چرا، بعدش دیگه بقیه موزیکا هم بود، مثلاً رپ فارسی، رپ دری، آهنگای خارجی امینم^۲ در کل همه چیز گوش می‌کردم بی‌تی‌اس رو هم بغلش دنبال می‌کردم، هنوز هم همین‌طوری هستم، دیگه انگاری عادی شده برام و مثل اون موقع نیست که فک کنم خیانت کردم بهشون (باخنده).

- در مورد فن دوم‌ها، درگیری و حمایت‌هایی که انجام می‌دن چه نظری داری؟
درباره فن دوم‌ها می‌دونم یه جوریه بگم بین فن‌وار بیش‌تر زیاد داره و منم از این فن‌وارها واقعاً خوشم نیامد، به نظرم چیز مسخره ایه، چون آخه سر چیزای مسخره دعا می‌کنن، اصن یه چیز الکیه بیش‌تر دنبال سرگرمی خودشون چون گفتم که خیلی وقتاً اصن گروه خبردار نمی‌شه که مثلاً یه فن‌وار علیه یه گروه دیگه شروع شده، ولی خب بقیه چیزاشون اوکیه، مثلاً شما اگه کنسرت‌هاشون رو ببینی، کنسرت بی‌تی‌اس رو فن دوم بی‌تی‌اس واقعاً عالی‌ه، البته نه فقط فن دوم بی‌تی‌اس در کل فن دوم‌های گروه‌های کی‌پاپ خیلی خوب ان و تو کنسرت‌ها خیلی قشنگ و یه جورایی خاصه مثلاً شما هر کنسرتی از این گروه‌ها ببینی، کم‌تر از یه استادیوم مردم نمایان یعنی جمعیت‌شون خیلی زیاده، اصن بی‌تی‌اس هم که حالا چی می‌گن بهش اغراق نباشه، (باخنده) بزرگ‌ترین سالن‌های دنیا رو سولد اوت^۳ کردن دیگه یعنی بلیط‌هاش رو کامل فروختن دیگه.

- پس این حمایت‌هایی که انجام می‌دن از لحاظ مالی هم برای گروه خیلی می‌تونه خوب باشه؟
حتماً خیلی خوبه، چون مثلاً خیلیا طرفدار بی‌تی‌اس هستن، ولی خب مثلاً نمی‌رن کنسرت رو از نزدیک ببینن، حالا کلی هم علت ممکنه داشته باشه، مثلاً پولش رو نداره، وقتش رو نداره یا تو یه کشور دیگه هست و خیلی هم دوره مثلاً اون طرف کره زمینه (باخنده)، من خودم مثلاً اینا رو خیلی دوست دارم، خیلی هم

^۱ - هالزی Halsey خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را با آسترالورکس بست.

^۲ - امینم Eminem رپر، ترانه‌نویس و تهیه‌کننده موسیقی آمریکایی است. امینم با فروش تخمینی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از آثارش، یکی از پرفروش‌ترین هنرمندان موسیقی در تاریخ است. او بابت محبوب کردن موسیقی هیپ هاپ در مرکز آمریکا معروف است و از سوی منتقدان به‌عنوان یکی از برترین رپرهای تمام دوران تلقی می‌شود.

^۳ - Sold out

دنبال‌شون کردم، ولی کنسرت‌شون خب نرفتم. خیلیا این شرایط رو دارن، خب اگه فن دوما نباشن شاید این همه شلوغ نشه کنسرتاشون.

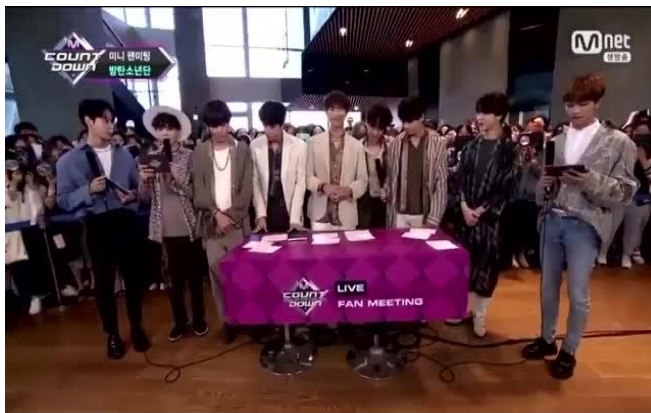
بعد جوّی که یه فن متعصب به وجود میاره، خیلی فرق داره با یه فن معمولی، چون مثلاً اون متعصبا می‌رن کلی جیغ و داد می‌کنن، می‌رقصن، مثلاً خیلیا دسته گل می‌برن برای گروه، بعد حالا قبل یا بعد اجرا این گلا رو می‌دن به اونا. کلاً آره خیلی برای گروه خوبه هم جوّ کنسرت خیلی خوب و هیجانی می‌شه، هم کلی بلیط می‌فروشن، اون حمایت مالیّه هم انجام می‌شه.



– تاحالا شده بر اثر هیت دادن یا فن‌وارهایی که اتفاق افتاده، تأثیری روی عملکرد ستاره‌ها به وجود بیاد، مثلاً از کار کناره‌گیری کنن یا از این قبیل؟

به خاطر هیت دادن آره، ولی فن‌وار نه، چون می‌دونی، یه چیزی که هست اینا خیلی مثلاً فناشون خیلی زیاده در این حد اون جوّی نیست که مثلاً بتونن این چیزا رو ببینن، مثلاً هیدنی که گفتم، همون داستان بین فن‌وار هیدن با آرمی‌ها، اصن بی‌تی‌اس و اینا هیچی از این موضوع نفهمیدن، چون قطعاً اون قدر سرشون شلوغه، بعد مشغله کاری دارن دنبال آلبوم و آهنگ و این جور چیزا هستن یا مثلاً دنبال برنامه‌های خودشون ان که اصن به این چیزا نمی‌تونن برسن، نه این که نخوان برسن‌ها، نه نمی‌تونن برسن.

بعضیا مثلاً می‌گن به فناشون هیچ اهمیتی نمی‌دن، ولی هیدن مثلاً اهمیت می‌ده و اینا، ولی خب این یه باور کاملاً اشتباهیه، چون هیدن زبونش فارسیه و قطعاً اون قدر طرفدار نداره مثل بی‌تی‌اس و طرفدارای بی‌تی‌اس جهانی هستن، کلاً از هر کشوری طرفدار بی‌تی‌اس پیدا می‌شه، ولی هیدن فقط ایرانیا می‌شینن یا در کل فارسی زبونا رپ اون رو گوش می‌دن و هیچ خارجی فک نکنم بیاد رپ فارسی گوش بده. ولی با همین بین‌المللی بودن فناشون و زیاد بودن فناشون و اینا باز یه فن میتینگ دارن یه برنامه‌ای هست که توش چندتا از فناشون رو می‌بینن، تعداد زیادی هم نیستا، مثلاً شاید صد نفر تقریباً ببینن فنا بهشون هدیه می‌دن و اونا امضاء می‌دن و اینا.



یه اتفاق مثلاً بر اثر هیت دادن برای این آیدولا، البته آیدولای زیادی بودن که خب هیت زیاد می‌گرفتن درباره این که مثلاً بعضی از این هیترا قیافه خودشون خیلی بد و ناجوره، بعد به این آیدولا می‌گفتن که مثلاً تو قیافهات این جوریه، دماغت این جوریه، در کل ایراد می‌داشتن روشن و این آیدولا هم چون هیت‌شون زیاد بود، همین هیتا رو می‌دیدن، دیگه طرفداراشون رو نمی‌دیدن با این که طرفدارای زیاد هم داشتن، شاید بیش‌تر از هیتراشون، خلاصه این که آره یه سری آیدول‌ها بودن، خب هیت زیاد گرفتن و خودکشی کردن یا اصلاً از بین آیدولا رفتن کلاً و هر سال هم اصن شاید هر سال مثلاً اون کمپانی یه یادبودی ازش برگزار کنه، یعنی یه آهنگش رو پخش کنه و یه همچین چیزایی یا مثلاً یه دلنوشته ازش رو پخش کنه تو یادبودش.

- ستاره خاصی تو ذهنت هست که خودکشی کرده باشه یا اصلاً کی‌پاپ رو کنار گذاشته باشه؟
خب کسی که کی‌پاپ رو کنار گذاشته باشه، نه نمی‌دونم، آخه اینا با کمپانی قرارداد می‌بندن و نمی‌تونن هر موقع که دل‌شون خواست کار رو کنار بذارن، چون کمپانی کلی رو اینا برنامه‌ریزی می‌کنه و کلی هزینه براشون کرده و منتظر نشسته تا سودش رو دربیاره و سر چهارتا دونه هیت گرفتن نمی‌تونن همچین کاری انجام بدن، ولی خب بین کسانی که خودکشی کردن به نظرم سولی^۱ از همه بیش‌تر تو ذهن بقیه موند.

بعد اینم بگم بعد از این که سولی خودکشی کرد، دوستش خودکشی کرد سولی با اون دوستش تو یه سریال با همدیگه بازی کرده بودن، بعد دیگه انگار خیلی بهم نزدیک شده بودن که خب دوستش خودش رو کشت و واقعاً دردناک بود.

- بسیار خوب یه کم وارد ریتم، متن، کنسرت و موزیک ویدیو بشیم، اینا اون قدر خوب هستن که تمام انتظارات تو رو برآورده کنن؟

یه چیزایی آره خب، انتظاراتی که داریم رو واقعاً برآورده می‌کنه، حتی بعضی وقتا فراتر از انتظاره، مثلاً شما وقتی یه موزیک فوق‌العاده رو می‌بینی با یه دنس فوق‌العاده با چندتا پسر جذاب رو می‌بینی، خب قطعاً خیلی خوش‌میاد از اون موزیک ویدیو یا از اون آهنگ. اینا کلاً همه چی‌شون خیلی خوبه و باید هم همین روند رو ادامه بدن، یعنی مجبور هستن.

- منظورت از این که می‌گی مجبور هستن چیه؟
یعنی اگر خودشون رو تو سطح بالا نتونن حفظ کنن، خب طرفداراشون می‌ریزه بعد از طرف دیگه باید بهتر هم بشن تا بیش‌تر طرفدار به دست بیارن برای خودشون.

- بیش‌تر دوست داری آهنگ شاد باشه یا غمگین؟
خب بستگی داره، من هم آهنگ غمگین گوش می‌دم، هم آهنگ شاد گوش می‌دم، همه چی گوش می‌دم من، مهم برای من اینه که آهنگش خوب باشه.
- دوست داری متن در چه حیطه‌هایی باشه؟

^۱ - چویی جین ری که با نام هنری سولی شناخته می‌شد، خواننده، ترانه‌سرا، هنرپیشه و مدل اهل کره جنوبی بود.

متن در مورد همین عشق و عاشقی، مثلاً قشنگه چیزای قشنگی می‌گه واقعاً یا مثلاً اگه دیپ باشه، خب مثلاً چیزایی که تتلو می‌گه خب؟ من از پرسنال ویو تتلو خوشم میاد، هم از آهنگاش، هم از لیریکاش، از همه چیز خوشم میاد، چون به نظرم چیزای قشنگی می‌گه. آلبوم بهت تتلو رو اگه گوش بدی واقعاً چیزای قشنگی می‌گه، می‌دونی چیزایی که می‌گه واقعیه.

دوست دارم متن در مورد واقعیت باشه، اما تو یه قسمت‌هایی هم دوست دارم، متن مثلاً در مورد خیالات آدم باشه، بعد خب این بی‌تی‌اس بیش‌تر می‌دونی نه تو مایه‌های خیالاته نه واقعیت، خودتون دیدید دیگه، به احتمال زیاد موسیقیاشون نه خیالاته، نه واقعیت، ولی بی‌معنی هم نیست، اصلاً در مورد توئه، درباره اون شخصی که داره گوش میدونه اون آهنگ رو می‌گه آقا لاو یورسلف مثلاً براتون توضیح دادم دیگه خیلی از آدمای افسرده که الان آرمی هستن، می‌گن ما اگه با این گروه آشنا نمی‌شدیم، قطعاً خودکشی می‌کردیم یا خیلیا بودن خودکشی کردن، ولی مثلاً ناموفق بوده، بعدش که با این گروه آشنا شدن، بعد بیش‌تر هم دختر بودن وقتی با این هفت نفر یا اصلاً بقیه آیدولا ولی من بیش‌تر اطلاعاتی که دارم در مورد بی‌تی‌اسه، وقتی با اینا آشنا شدن، خب به روال زندگی عادی‌شون برگشتن. دینامیت، آیدول، باتر اینا خب بهترین موزیکاشون هست، اگه کسی گوش بده واقعاً به زندگی امیدوار می‌شه، لیریکاشم خب شما می‌فهمید دیگه چون انگلیسیه، خلاصه آره بیش‌تر دوست دارم متن تو هر حوزه‌ای باشه، فقط مهم اینه که موزیکش به دلم بشینه.

- خوب همین که به صورت گذری صفحه‌هاشون رو دنبال می‌کنی، چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذارند؟ محتوایش خب بیش‌تر عکسای خودشونه، بعد خب اینا مدل برندای خاصی هم هستن مثل گوچی، مثلاً تهیونگ مدل برند گوچی، البته نه فقط اون، خب اینا چون گروه هستن همه‌شون باهم برای یه برند می‌رن مدل می‌شن، ولی خب تهیونگ، جونگ‌کوک با جیمین، این جور چیزاشون خیلی بیش‌تر می‌شه یعنی بیش‌تر مدل یه برند می‌شن. بیش‌تر این عکسایی که همین برندا ازشون می‌گیرن رو می‌دارن. البته کلاً زیاد تبلیغات انجام می‌دن فقط هم لباس و اینا نیست، مثلاً من خودم گوشی هم زیاد دیدم تبلیغ می‌کنن، مخصوصاً سامسونگ چون خود سامسونگ هم برای کره جنوبیه دیگه.

بعد مثلاً کارای روزمره‌شون رو می‌دارن یا مثلاً اگه آهنگی رو بخوان پخش کنن، یه قسمتی از اون آهنگ رو می‌دارن، آها یکی دیگه هم مثلاً در مورد تولداشونه، تولدای همدیگه رو تبریک می‌گن، جایی اگه برن هم خب می‌دارن، این طوری خیلی ویو می‌گیرن، ولی خب می‌گم من زیاد این چیزا رو نمی‌بینم، خب چون حوصله اینستا رو ندارم.

۵۰ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی تی اس درباره اعضای این گروه





- محمدرضا در مورد فن‌فیکشن‌ها نظرت چیه؟

من زیاد ندیدم، ولی خب خیلی از دخترا هستن که اینا رو می‌نویسن من خودم به نظرم تفکر خاصی پشتش نیست، اینا بیش‌تر می‌خوان خودشون رو سرگرم کنن و به خودشون امید بدن در کل یه همچین چیزاییه.

- گفتی که بیش‌تر بین دخترها هست، به نظرت دلیل خاصی داره؟

خب بین بیش‌تر این فیکشنا در مورد عشق و عاشقی با اعضای گروه هستن، بعد اینا هم هفتا پسران دیگه، برای همین خب خیلی تعداد نویسنده‌های دختر بیش‌تره، بیش‌ترش همینه، مثلاً دختریه یه جای دیگه هس، بدون این که مثلاً به تهیونگ بگه، بعد تهیونگ به این پیام می‌ده که کجایی و این می‌گه فلان جا، بعد مثلاً می‌گه همون جا وایسا دارم میام (باخنده) یه همچین داستان‌هایی هستن.

- خوب این طور که من متوجه شدم محتوای خیلی خاصی نداره درسته؟

اصلاً محتوای خاصی نداره (باخنده) من خودم هم برا همینه که دنبال نمی‌کنم، چون واقعاً وقت تلف کردنه، بعد ببین بیش‌تر هم داستان رو سکسی می‌کنن، برا همین می‌گم محتوا نداره، مثلاً یکی از این دوستای ما هست اسمش بارانه، تو این چیزا خیلی حساسه، مثلاً اون دفعه‌ای رفتیم بیرون، بعد این خب پولداره، یعنی خودش که نه، باباش، بعد این لباسایی که می‌پوشه مثلاً می‌دن براش طرح می‌دوزن و چاپ می‌کنن و اینا، بعد این عکس تهیونگ رو زده بود روی تی شرتش، بعد یکی دیگه اومد بهش گفت، اینا چیه نگاه می‌کنی، لباساشون رو می‌خوری و اینا، بعد اصن اون برگشت دعوا راه انداخت، بعد تو صفحه اینستاش هم زیاد از این داستانا می‌نویسه، ولی خب من واقعاً از این داستان زیاد خوشم نمیاد، آخه می‌دونی ساخته ذهن‌شونه دیگه، تخیلات‌شونه، ولی خب دوست دارن این چیزا رو.

- به نظرت چی باعث می‌شه که طرفدارها وقت بگذارن و این داستان‌ها رو بنویسن؟

خب کلاً شاید هر کسی هدف خاصی داشته باشه، ولی خب من خودم از اون دوستم همون باران که بهت گفتم الان، من خودم از اون پرسیدم اون یه هوادار با تعصبه، واقعاً داشت الکی الکی دعوا درست می‌کرد، اون خودش از روی علاقه و سرگرمی داستان می‌نویسه، خب بعضی از این دخترا روی این کراشن، بعد مثلاً شروع می‌کنن به نوشتن که مثلاً دیشب تهیونگ اومد خونه‌مون و یه کارایی هم کردیم (باخنده)، ولی خب بقیه شاید دیلای دیگه‌ای داشته باشن.

- محمدرضا از لحاظ ظاهری از این ستاره‌ها الگوبرداری کردی؟ مخصوصاً این که گفتی برای نشان(برند)های مختلف هم تبلیغ می‌کنن، شده مثلاً شبیه اونا لباس بپوشی یا مدل موی اون‌ها رو تقلید کنی؟ آره، من از لحاظ ظاهری این کار رو کردم، مثلاً لباس‌هایی که اینا می‌پوشیدن، خیلی گشاد بود، البته خیلی هم که نه، ولی گشاد بود نسبت به بدن خودشون، از این اندامی‌ها و جذبا نبود، اصلاً من خودم لباسای گشاد می‌پوشیدم مثل اینا.

مدل مو هم آره، من مدل موهام رو شبیه اینا کرده بودم، من موهام رو لخت کردم، بعدشم گذاشتم بلند بشه، بعد فرق باز می‌کردم (باخنده)، بعد واقعاً شبیه‌شون شده بودم، بچه‌ها خیلی بهم می‌گفتن که چه قدر شبیه کره‌ایا هستی، البته خب من چشمام هم بادومی هست، اینم دیگه خیلی تأثیر می‌ذاره.

- از این که بقیه می‌گفتن شبیه اونا شدی، چه حسی داشتی؟

یه حس خوبی داشت، چون اینا خیلی معروف ان دیگه، بعد وقتی بهم می‌گفتن شبیه اینا شدی یه حس اعتماد به نفسی بهم دست می‌داد خیلی خوبه واقعاً.

- این اعتماد به نفس که در تو ایجاد می‌شه، دلیلش چیه؟

خب اینا خیلی طرفدار دارن و خیلیا اصن به خاطر ظاهرشون از اینا خوش‌شون میاد و دنبال‌شون می‌کنن، برای همین وقتی من هم شبیه اینا باشم و این رو بقیه هم بهم بگن، اون اعتماد به خودم ایجاد می‌شه، یعنی این که خب من هم خیلی خوبم.

اصن خیلیا هستن که این کار رو می‌کنن، ببین می‌دونی یه عده زیادی هستن که خب اصن کی‌پاپ رو دنبال نمی‌کنن از این گروه‌های کره‌ای و موسیقی و اینا هم خوش‌شون نمیداد، ولی از لحاظ ظاهر عشق این رو دارن که شبیه اینا بشن.

- آلبوم یا کلاً وسایلی که خود ستاره‌ها استفاده می‌کنن یا مثلاً تبلیغ می‌کنن رو خریدی؟

من نه راستش تو این مورد من اصلاً حوصله‌اش رو ندارم، بعد هزینه کردن برای خرید اینا هم زیاده واقعاً، ولی خب دوستایی دارم که آره این کارا رو انجام می‌دن.

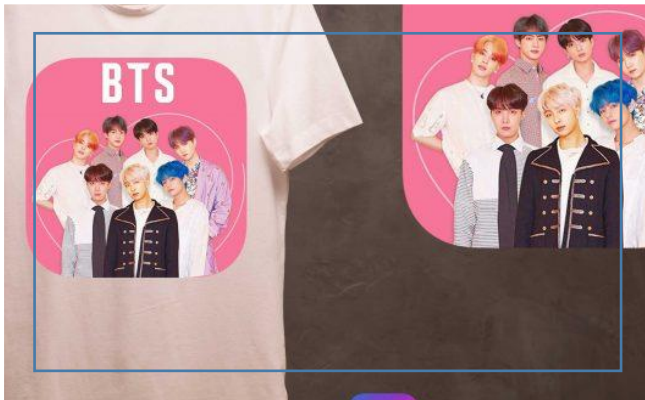
می‌دونی چیزایی که تبلیغ می‌کنن، واقعاً در سطح توان خرید خیلیا نیست، اصن یعنی چیزایی تبلیغ می‌کنن که همه‌شون برند ان، مثلاً یه لباسش شاید نزدیک ۱۴، ۱۵ تومن قیمتش باشه، بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن، اگه درست یادم باشه ورساچه بود، نمی‌دونم یا گوچی یا ورساچه بود، یکی از این دوتا قیمتش ۱۱۵ میلیون بود. خیلی چیزای دیگه هم هست که خب با این قیمتا تعداد خیلی کمی توان خریدش رو دارن.

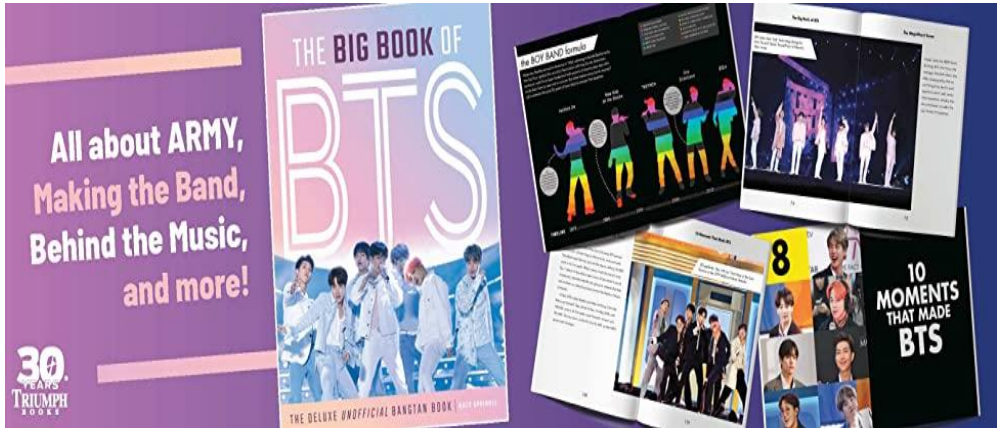
- در مورد چیزهایی که توان خریدش وجود داره چه طور، خودت تاحالا خریداری کردی؟

خودم نه، کلاً چیزی مربوط به اینا رو نخردیدم، ولی خب یه سری دوستای من هستن که آلبوم‌هاشون رو می‌خرن یا کتاباشون رو به نظرم کتاباشون رو خیلیا می‌خرن، لباسایی که عکس این گروه یا کلاً گروه‌های کی‌پاپ روشون چاپ شده هم خیلی زیاده، یه تعداد زیادی از مردم به نظرم پول می‌دن و این کارا رو می‌کنن و برای این چیزا هزینه می‌کنن.

تو همین خیابونای خودمون ببینی مثلاً بیش‌تر بی‌تی‌اس هست، یه کم قبل‌تر اگه مثلاً رو کلاه‌ها رو می‌دید، ای اکس او بود، یعنی اکسو که یکی از همون گروه‌های بزرگ قدیم بود که الان دیگه تقریباً کنار رفته و بی‌تی‌اس اومده دیگه، در موردش همون اول هم حرف زدیم.

– گفتی که کتاب‌هاشون رو خیلی می‌خرند، این کتاب‌ها در مورد چیه و چرا مردم خیلی می‌خرند؟
آمار فروش این کتابا اصن خیلی زیاده، چون تو کل جهان فروش می‌ره، بعد بین کتابا بیوگرافی ان که خود آیدولا نوشتن، برای همین که در مورد خود آیدول‌ها و زندگی نامه‌شون هست، طرفدار زیاد داره، چون مردم به اینا خیلی علاقه دارن، دوست دارن در مورد گذشته‌شون هم بدونن، بعد حالا چی بهتر از این که زندگی نامه خودنوشت رو بخونن و اطلاعات خیلی بیش‌تری هم به دست بیارن، چون مثلاً یه چیزی که من خودم دوست دارم بدونم اینه که این آیدولا تو زندگی عادی‌م همین طوری ان یا نه، ولی خب باز تو کتاباشون هم ممکنه واقعیت رو نیارن، برا همین زیاد مشخص نمی‌شه، ولی خب باز خیلی خوبه دیگه یه منبع اطلاعاتیه.





- محمدرضا دوست داری از نزدیک ببینیشون و تو کنسرت‌ها و اجراهاشون حضور داشته باشی؟
- آره، صد در صد، صد در صد (باخنده) چون واقعاً کنسرت‌شون یه جوریه که بری، دیدی می‌گن دل آدم وا می‌شه؟ دقیقاً همونه، بری اون جا اجراشون رو ببینی، بالا پایین ببری، باهاشون بخونی، اصن آدم خالی می‌شه از هر چی انرژی بده به نظرم خیلی خوبه و من خودم خیلی دوست دارم برم.
- خوب در مورد آرایش کردن پسرها نظرت چیه؟
- نظر شخصیه من اینه آرایش کردن، پسر و دختر نداره، آرایش کردن یه چیزی برای رسیدن چه طوری بگم برای رسیدن به خود آدمه دیگه، یعنی آدم به خودش برسه.
- پسرهایی رو دیدی که آرایش کنن؟

آره، هست، مثلاً من یکی از رفیقام هست، پسر هم هست، آرایش نمی‌کنه در اون صورت، ولی خب کرم ضد آفتاب می‌زنه، بعد این چون لبش نسبت به پوست صورتش رنگ تیره‌تری داره، یه ذره رژ لب هم می‌زنه خب که رنگ لبش با صورتش یه کم متناسب بشه.

آرایش کردن پسر و دختر نداره، از نظر من یه چیزیه که خب هر کسی می‌تونه آرایش کنه و بستگی به سلیقه خود طرف داره، یکی هست، می‌گه پوست من همین طوریش هم خوبه، یکی دیگه می‌گه پوست من زیادی مثلاً تیره هست، من می‌خوام یه کم روشن‌ترش کنم، برا همین از پودر و کرم و اینا استفاده می‌کنه، ولی خب اون طوری آرایش غلیظ برا پسر یه جوریه به نظر من، یه جوریه خب، ولی مثلاً برای ترنس‌ها و کلاً مثلاً یه پسر که اخلاقیات دختر رو داره، خب آرایش غلیظ هم انجام می‌ده که فقط هم نه اینا، پسراییی رو من خودم دیدم که آرایش غلیظ هم دارن.





از نظر من همون آرایش ملایم برای پسر قشنگ هم هست، یه چیزیه که آزادی رو نشون می‌ده دیگه خوبه و به نظرم هیچ بدی نداره.

آرایش کردن هم خب برای زیباتر شدن، مثلاً وقتی می‌ریم آرایشگاه، موهامون رو کم می‌کنیم خب آرایش کرده و برای رسیدن به خودمونه که خیلی هم خوبه مثل همون کرم یا حالا یه کم پودر زدن هست. - از چه لحاظ آزادی رو نشون می‌ده؟

خب برای پسرا یه چیز جدیدی که تا حد زیادی هم پذیرفته نشده، از نظر من کسی که این کار رو انجام می‌ده، در مقابل خیلیا داره وایمیسته، چون می‌دونی کلی از آدما هستن که سر همین مسأله میان برای یه پسر که فقط یه خورده آرایش کرده، مثلاً حرفای خوبی نمی‌زنن، خب برای همین می‌گم نشون دهنده آزادی هست. بعد ببین تا چه حد تو کل دنیا پذیرفته شده نیست که خود بی‌تی‌اس هم مثلاً نمیداد بگه آرایش کنید، یعنی به صورت مستقیم اصلاً نمی‌گه، ولی خودشون آرایش می‌کنن، البته بهتره بگیم گریم، خودشون رو گریم می‌کنن یا مثلاً از رنگ موهای قرمز، صورتی، نارنجی و... استفاده می‌کنن، خب اینا مستقیم نمیان بگن، چون کلی آدم هست که مخالف آرایش کردن پسرا هستن و اگر اینا مستقیم تبلیغ کنن، کلی هیت می‌گیرن و طرفداراشون ریزش می‌کنن.

- خوب افرادی که گروه رو دنبال می‌کنن منظورم بیش‌تر آقایون هست، تحت تأثیر قرار گرفتن تا به تقلید از گروه آرایش کنن؟

نه، ببین تحت تأثیر قرار نگرفتن که آرایش کنن، تحت تأثیر قرار گرفتن که به خودشون بیش‌تر برسن، مثلاً این بی‌تی‌اس فنا رو ببینی، بیش‌ترشون خیلی به ظاهرشون می‌رسن، من خودم خب صبح تا شب سرکارم، واقعاً وقت نمی‌کنم به این چیزا زیاد برسم (باخنده)، ولی خب این فنا خیلی به خودشون رسیدگی می‌کنن، مثلاً موهاشون، من خودم قبلاً به موهام خیلی می‌رسیدم، واقعاً بقیه بهم می‌گفتن که موهاش خیلی خوبه، از دور برق می‌زنه و اینا (باخنده) به پوستم خیلی اهمیت می‌دادم، زیاد از ماسک استفاده می‌کردم، بعد هر کدوم از ماسکایی که می‌خریدم ۶۰-۷۰ تومن بودن، بعد خب این کارایی که من می‌کردم برای دو، سه سال پیش بود که باز ۶۰-۷۰ تومن ارزشش زیاد بود، یادش بخیر واقعاً (با حسرت).



- ولی با توجه به مواردی که گفתי خوب این ستاره‌ها به صورت غیرمستقیم برای آرایش کردن فعالیت می‌کنن تا دیگران هم از اون‌ها الگوبرداری کنن و این با رسیدن به خودمون متفاوت، چون همون طور هم که خودت گفתי، خیلی‌ها این مسأله رو نمی‌پذیرن.

خب آره، خیلی درسته، ولی من خودم تحت تأثیر قرار نگرفتم که آرایش کنم، ولی بیش‌تر به خودم رسیدم و به نظرم اصل تأثیرش هم همین‌ه که دیگران یه خورده بیش‌تر به خودشون برسن. تو آهنگاشونم به این مورد خیلی اشاره می‌کنن که تو مهمی و باید به خودت اهمیت بدی، حالا این اهمیت دادنه می‌تونه ظاهری باشه یا دوست داشتن خودت با ویژگی‌هایی که داری باشه، یعنی باطنی هر جفتش هست، و کسی که اینا رو دنبال می‌کنه و آهنگاشون رو گوش می‌ده، به این می‌رسه که خب هم ظاهری و هم باطنی به خودش اهمیت بده، اینا چیزاییه که من خودم زیاد دیدم بین فنا، ولی خب این که بخوان آرایش کنن نه، در همون حد دوستم که برات گفتم، همون کرم و یه کم هم رژ.



- ستاره‌ها برای زیبا و جذاب رسیدن چه کارهایی انجام می‌دن؟

اول این که خب اینا گریموور دارن، یعنی خودشون آرایش نمی‌کنن خودشون، بعد گریمراشونم خیلی حرفه‌ای ان بخوان خودشون رو جذاب‌تر نشون بدن، بیش‌تر میان حرکات جذاب انجام می‌دن یا مثلاً خب آیدول‌ها حالا فرق نداره بی‌تی‌اس باشه، بلک پینک باشه یا آیدول‌های دیگه، رژیم غذایی‌های خیلی حرفه‌ای و پیچیده دارن

یه چیزی که واقعاً به خودشون سخت می‌گیرن، مثلاً جیمین تو بچگی خیلی چاق بوده، الانم خیلی لپ داره (باخنده) ولی خب لاغر کرده یه رژیم خیلی سختی گرفت، می‌گفت من رژیمم یه جوری بود که موهام همه‌اش داشت می‌ریخت.



من خودم تا دو سال پیش واقعاً یه دوره‌ای بود که خیلی چاق شدم و تقریباً به ۹۰ کیلو رسیدم. چند بار اومدم رژیم بگیرم، ولی خب خیلی سخته دیگه، هی ول می‌کردم، ولی تحت تأثیر جیمین قرار گرفتم و سفت و سخت رژیم گرفتم.

- (با حیرت) یعنی این قدر روی تو تأثیر گذاشت؟

خیلی تأثیرگذاری شون رو من زیاد بود و تو این مورد هم کمک کرد که اتفاقاً منم دقیقاً موهام شروع کرد به ریختن. واقعاً اسم رژیم گرفتن راحت، می‌گی یه رژیم دیگه، چیزی نیست که ولی خیلی سخته چون باید یه چیزی رو تا حد خیلی زیادی بذاری کنار، مثل ترک کردن یه جواری، ولی خب اینم به نظرم جزو همون تأثیرات مثبت بی‌تی‌اس روی منه، چون چاقی هم روی ظاهر، هم سلامتی، هم اعتماد به نفس و اینا تأثیر داره دیگه.

- خوب علاوه بر رژیم غذایی، چه موارد دیگه‌ای وجود داره؟

خب اینا بیش‌تر برا جذاب به نظر رسیدن، خب یه روتین پوستی خیلی خوب دارن، یه رژیم غذایی خیلی خوب دارن، ورزش می‌کنن برای این که روی استیج بیان و اجرا داشته باشن، قطعاً گریم هم می‌کنن، بعد یه چیز دیگه هم هست اینا از طرح تتو استفاده می‌کنن، خود تتو نیستا، فقط طرح تتوئه و موقتیه، مثلاً یه شاخه

می‌کشن رو گردن‌شون که واقعاً جذاب‌شون می‌کنه. تو اون موزیک ویدیو فایر^۱ بود فک کنم، تهیونگ یه دونه درخت به نظر می‌رسه و یه درخت روی گردنش کشیده شده که واقعاً جذابه.



اینا بعضی از کاراییه که انجام می‌دن، بعد آرایش غلیظ هم انجام نمی‌دن، اصن حق این کار رو هم ندارن، مثلاً تو این فن شوها و این لایوایی که می‌ذارن، اصن حق آرایش کردن ندارن و قیافه‌های اصلیشونه، بعد حالا قیافه‌های اصلی‌شون رو با قیافه‌های گریم شده یا آرایش کرده مقایسه کنی، میبینی تفاوت زیادی نداره. - جراحی‌های زیبایی چه طور، انجام می‌دهند؟

خب بین کلاً وقتی این آیدول‌ها رو برگردیم عقب و معیارهای انتخاب شدن‌شون رو ببینیم، متوجه می‌شیم که یکی از معیارهاشون باید این باشه که همچین بگی نگی قیافه خوبی داشته باشن، حالا اگر کمپانی تشخیص بده که اگر این آیدول جراحی کنه، زیباتر و جذاب‌تر می‌شه، خب چرا که نه، جراحی رو انجام می‌دن براش، ولی این طوری نیستش که مثلاً چندتا جراحی انجام بدن و کلاً قیافه‌اش رو تغییر بدن، حداقل تا جایی که من می‌دونم این طوریه که تغییرات جزئی مثلاً عمل بینی و این جور چیزا رو انجام می‌دن، اصن باید این طوری باشه.

- خوب چرا باید تغییرات جزئی شکل بگیره، یعنی چرا نمی‌شه یه کم تغییرات بزرگ‌تر باشن؟ خب بین این آیدول اگر با کلی جراحی و عمل زیبایی یه قیافه خوب به دست بیاره، زیاد پذیرفته نمی‌شه، چون بقیه می‌گن این اصلاً جذاب و خوش تیپ نبوده، فقط رفته چندتا عمل کرده، حالا این شکلی شده، پس اصلاً فرد خاصی نیست، همه می‌تونن با چهارتا عمل، خیلی خوشگل بشن، بین قدرت رو ازشون می‌گیره و دیگه آیدول محبوب و خاصی نیستن انگار.

- توی صحبت‌هایی که در مورد زیبا به نظر رسیدن ستاره‌ها داشتیم، یه جا اشاره کردی، اگر کمپانی تشخیص بده، جراحی هم انجام می‌دن. آره، آره.

^۱- Fire

- نظر خود ستاره‌ها مهم هست در مورد این که دوست داشته باشن این جراحی‌ها انجام بشه یا نه؟ راستش نه زیاد مهم نیست، چون در اختیار کمپانی هست، بین اینا قرار داد امضاء کردن و تمام این موارد تو اون قرار داد نوشته شده، اینا امضاءش کردن دیگه؛ یعنی همه رو پذیرفتن دیگه.

- پس با این اوصاف ستاره‌ها محدودیت دارن، درسته؟

خب آره خیلی محدودیت دارن، مثلاً همین که الان گفتم تو لایو نمی‌تونن آرایش کنن، در مورد جراحی زیبایی هم اختیار ندارن خب یا مثلاً تو رابطه‌ای نمی‌تونن باشن دیگه، خب محدودیت‌هاشون در این موارد. و البته این رابطه داشتن با کسی که دوستش دارن و اینا خب خیلی مهمه، ولی اینا واقعاً ازش محروم ان، بعضیا هستن که فکر می‌کنن این بی‌تی‌اس گی^۱ باشن به خاطر همین دوست‌شون دارن، یه سری دیگه فک می‌کنن استریت^۲ ان، برای همین دوست‌شون دارن یا مثلاً بعضیا که من اون اوایل گفتم با خودشون خیال‌پردازی می‌کنن که اینا دوست پسرشون هستن و اینا به خاطر همین چیزا اصن دوست‌شون دارن، اگر بفهمن طرف وارد یه رابطه‌ای شده یا مثلاً اونایی که هم‌جنس‌گرا هستن، متوجه بشن این آیدول‌ها استریت ان یا مثلاً برعکسش، این استریتا متوجه بشن آیدول‌ها هم‌جنس‌گرا هستن، خب خیلی از طرفداراشون از بین می‌ره دیگه. پس اصن نباید حرفی از گرایش جنسی‌شون بزنین.



- خوب این که ستاره‌ها تحت کنترل هستن، قدرت تأثیرگذاری رو ازشون نمی‌گیره؟ یعنی مخاطب رو به اندازه کافی می‌تونه مجاب کنه که از این ستاره‌ها الگوبرداری کنن؟

تحت کنترل اگه منظورتون مثلاً این باشه که مثلاً کمپانی اینا رو تحت کنترل داره که اینا وارد رابطه نشن، خب آره درسته، ولی به نظر من کنترل شدن اینا در اون حد خیلی زیاد نیست.

فقط داستان اینه که وقتی وارد رابطه‌ای می‌شن، بهتره بگم اگه وارد رابطه‌ای بشن که قطعاً هم نمی‌شن، چون کمپانی همه اینا رو بهشون گفته و ازشون تعهد گرفته، قرارداد امضاء کردن دیگه، اگه وارد رابطه بشن و عکس و فیلم‌شون لو بره، دیگه تمومه یه جورایی چون نصف طرفداراشون می‌ریزه.

- این که طرفداراشون می‌ریزه به خاطر همون استریت و هم‌جنس‌گرا بودن هست که الان گفتم، درسته؟ آره، آره، دقیقاً همونه بعد یه چیز دیگه هم هست که چند دقیقه پیش حرفش شد، همون که در مورد فنا گفتم، خب خیلی از این فنا شدیداً عاشق این آیدولا شدن، بعد یارو فک می‌کنه تهیونگ دوست پسرشه، یعنی

^۱- Gay

^۲- Strait

خیال‌پردازی‌هایی که انجام می‌دن. حالا حسابش رو بکن، اگر یکی از این آیدولا بره رابطه‌ای رو شروع بکنه، بدون هماهنگی کمپانی کلی از طرفدارا رو از دست می‌ده و کمپانی هم خیلی ضرر می‌کنه.

- یه سری فیلم و عکس از ستاره‌ها هست که در مورد رابطه‌ای که دارن منتشر می‌شه، پس همه این‌ها برنامه‌ریزی شده هست؟

آره همه‌اش از رو برنامه داره انجام می‌شه، چون بین گفتیم که اگر طبق برنامه‌ریزی کمپانی پیش نرن، کنار گذاشته می‌شن. حالا خیلی‌های دیگه هم هستن که میان اینا رو شیب^۱ می‌کنن بهم دیگه، مثلاً میان می‌گن اگه این دوتا کاپل بشن، چه قدر خوب می‌شه، بعد یه سری ویدیوهای فیک هم می‌سازن از شون با فتوشاپ و اینا واقعاً هم خیلی خوب می‌سازن شون، مثلاً جیمین رو با رزی شیب می‌کنن یا مثلاً تهیونگ رو با جونگ‌کوک شیب می‌کنن این هم جنس گراها. در مورد جونگ‌کوک هم یه چیز جالب بگم، یه آیدول هستش به اسم آیو، می‌تونی سرچ هم بکنیش، جونگ‌کوک مثل این که اعتراف کرده، البته نه اعتراف نکرده‌ها یه جورایی مثلاً چون آهنگاش رو کاور کرده، بعضیا اومدن گفتن که آره جونگ‌کوک روی آیو کراش داره.



- خوب این شیب شدن‌ها چرا انجام می‌شه و اصولاً چه هدفی دارند؟

بین، اینم مثل همون فن فیکشنا هست. خود فنا انجام می‌دن شون، برای سرگرمی هم هست، دیگه هدف خاصی نداره ولی یه چیز دیگه هم هست که برای کمپانیا به نظرم خیلی خوب و سودآور می‌شه. مثلاً جیمین و رزی که بهم دیگه شیب می‌شن، هوادارای جیمین حالا بهتر بگیم هوادارای بی‌تی‌اس، چون جیمین هم خیلی فن داره تو بین این هفت نفر، هوادارای جیمین می‌رن در مورد رزی می‌خونن و آهنگاش رو گوش می‌دن، بعد هوادارای رزی هم می‌رن در مورد جیمین و بی‌تی‌اس می‌خونن و آهنگای اونا رو گوش می‌دن، بعد

^۱- Ship

هواداراشون منتقل می‌شن بهم، می‌دونی مثل یه ویروس بهم دیگه منتقل می‌شن و هواداراشون خیلی خیلی بیش‌تر می‌شن که برای کمپانی عالیه واقعاً.

- به نظرت این مسأله یکی از راه کارهای خود کمپانی نیست که بخواد محبوبیت‌های ستاره‌ها رو افزایش بده؟

می‌تونه باشه، ولی غیرمستقیمه، چون بین بعضی از فن پیجا که خیلی هم دنبال کننده دارن و زیاد فعالیت می‌کنن هست که مثلاً پیج اصلی کمپانی اومده یه پست از اون فن پیج رو لایک کرده، بعد طرفدارا هی می‌رن تو اون فن پیجا و بیش‌تر در مورد اینا می‌خونن و فک می‌کنن این شیپ کردن واقعیه، چون پیج کمپانی رفته اون پست رو لایک کرده دیگه، برای همین اگر هم کمپانی پشت این ماجراها باشه، خب خیلی به نفعشه، ولی کلاً غیرمستقیمه این جور کاراشون.



- برای ستاره‌ها تحت کنترل بودن چه احساسی رو به وجود میاره، به نظرت محدودیت داشتن سخت نیست؟ یه جورایی آره تحت کنترل بودن شون آزارشون می‌ده قطعاً، آره ولی خب ماها واقعاً متوجه نمی‌شم که اون چه احساسی داره، بعد آخه اگر در مورد این موضوعات صحبت هم نکنن، برای کمپانی خیلی بد می‌شه، چون مردم واکنش نشون می‌دن خب و می‌گن، چرا بد با اینا رفتار می‌کنید یا این که چرا اختیار رو از این آیدول‌ها گرفتید.

خب این که نمی‌تونن رابطه درست و حسابی و از روی عشق و علاقه داشته باشند، آزارشون می‌ده واقعاً وقتی که نمی‌تونن مثل بقیه افراد عادی یه رابطه خوب و درست داشته باشن، واقعاً آزار دهنده هست ولی از یه طرف هم داره جبران می‌شه، چون میلیون‌ها آدم اینا رو دوست دارن، میلیون‌ها دختر دنبال اینن که با اینا وارد رابطه بشن، حالا خیالیه‌ها ولی بالاخره دنبال این آیدول‌ها هستن.



به نظرم حس قدرت بهشون دست می‌ده، یه حس قدرت زیاد چون ببین کلی آدم فرض کن دنبال شما باشن، بعد شما مثلاً به اینا توجه نکنی، خب کلی اثر رو ذهن و روان اونا می‌ذاره.

- در مورد نوع رفتاری که با ستاره‌ها می‌شه تاحالا اعتراضی شکل گرفته؟

بازخورد بین المللی داشته خب، آره، مثلاً ماجرای سولی رو که گفتم خب واکنش نشون دادن، چه اونایی که هوادارش بودن، چه اونایی که نبودن، چون ببین نمی‌شه سر چهارتا هیت گرفتن طرف خودش رو بکشه، کلی فشار رو سولی بوده قطعاً، حداقل نظر من اینه در کل اعتراض شکل گرفته، ولی خب سیاست کمپانیا تغییری نکرده اصن، حتی یه کم متعادل‌تر هم نشده.



- در مورد حس قدرتی که گفتمی به کم بیش‌تر توضیح می‌دی، این حس قدرت از کجا داره میاد؟
 ببین وقتی خود من بین چندتا از دوستانم بهم توجه بشه اعتماد به نفس زیادی پیدا می‌کنم، حالا چه برسه به بی‌تی‌اس و بقیه آیدولا که تعداد طرفداراشون میلیونی باشه. به نظر من این حس قدرت توشون ایجاد می‌شه چون کلی آدم اینا رو دنبال می‌کنن ازشون الگوبرداری می‌کنن حتی می‌خوان شبیه اینا بشن خب با این چیزا اگر احساس قدرت در یه آدم به وجود نیاد، پس با چی قراره بیاد؟

- پس از نظرت علاوه بر خوبی‌ها، بدی‌هایی هم وجود داره، درسته؟
 آره همین، ولی خب به نظرم بدی‌هاش می‌چربه (باخنده)، آزار دهنده هست این ماجرا برای این آیدولا ولی خب دیگه نمی‌شه کاریش کرد دیگه، کارشون اینه از همون اول هم باهاشون صحبت کردن در مورد این چیزا و هر کاری هم یه سختی داره و اینا هم می‌دونستن همه چیز رو که وارد این صنعت شدن، بعدش خب هر کدوم کارای مورد علاقه‌ای دارن که دوست دارن انجام بدن، ولی خب نمی‌شه دیگه، چون تعهد دارن به کمپانی، بعد الانم که گروه دیس‌بند^۱ شده، برای یه مدته چون دیس‌بند شدن شون برای یه مدت هست، بعدش دوباره گروه جمع می‌شه پیش همدیگه، خب اینا گفتن دیگه ما باید یه کم بریم دنبال زندگی شخصی خودمون و زندگی شخصی خودمون رو اصن یاد بگیریم، چون می‌گن از زندگی شخصی خودمون عقب افتادیم، به خاطر همین شاید مثلاً برن سر اون کارهایی که دوست دارن، مثلاً یه سریاشون دوست دارن پیانیست بشن، می‌رن پیانو کار می‌کنن، یکی دیگه شون مثلاً معماری دوست داره، می‌ره یه کم اون رو یاد می‌گیره برای یه مدتی، الان هم فک کنم داستان سربازی شون پیش اومده که یه کم براشون مشکل ساز شده.

بعد یه چیز دیگه هم اینه که من خودم دنبال این بودم در مورد این کمپانی اطلاعات به دست بیارم و عکس پیدا کنم ببینم چه طوریه، ولی انگار محرمانه هست، نمی‌دونم شاید هم من نتونستم چیزی پیدا کنم.

- چرا محرمانه، یعنی این قدر اهمیت داره که هیچ اطلاعاتی نباید ازشون خارج بشه؟
 خب از یه طرف بین کمپانی رقابت وجود داره، شاید نمی‌خوان مثلاً امکانات خودشون رو نشون بدن یا چیزایی مثل همین، از طرف دیگه هم آموزشاشون نباید لو بره، آیدولا رو به صورت ویژه دارن آموزش می‌دن دیگه و خب فعالیت‌هایی که داره انجام می‌شه، نباید ازشون فیلم و عکسی منتشر بشه، ولی اطلاعات زیادی در مورد اینا وجود نداره برای همین معلوم نیست چه خبره واقعاً.

- سوال بعدی من در مورد یکی دیگه از فعالیت‌های گروه هست که باز هم به صورت غیرمستقیم انجام می‌شه که در ارتباط با هم‌جنس‌گرایی و تلاش‌هایی برای عادی شدن روابط هم‌جنس‌گرایانه هست. نظر شخصی خودت در مورد این موضوع رو می‌خوام، البته اگر دوست نداری می‌تونی جواب ندی.

نه، نه، اصلاً مشکلی نیست، حتماً می‌گم. اول این که خب آره چیزی که گفتمی کاملاً درسته، یعنی فعالیت گروه به صورت غیرمستقیم هست، اگر نظر خودم رو هم بخوام بگم، خب به نظر من کاری که انجام می‌دن مثبت، کاملاً مثبت، ببین، من نمی‌گم بی‌تی‌اس یا اصن هر گروه دیگه، چون کلاً آیدولای کی‌پاپ دنبال این هستن که همه چیز رو عادی جلوه بدن، چیزایی که مردم خیلی سخت می‌گیرن شون رو عادی جلوه بدن.

^۱- Disband

مثلاً این که طرف گرایش جنسیش به هم جنس خودش و اینا دنبال این هستن که این رو عادی‌سازی کنن که به نظر من واقعاً مثبت، چون آخه اون طرف که تقصیری نداره به هم‌جنس خودش گرایش پیدا کرده، اگر اصن دست خودش بود، قطعاً این کار رو نمی‌کرد، به نظر من چون کلاً تو دنیا خیلی دیدگاهای منفی در مورد هم‌جنس‌گراها وجود داره، بعد حالا تو وقتی چند نفر ازت حمایت کنن سر به سری از مسایل، خب واقعاً خوبه، چون همون طوری که گفتم، کلاً تو جهان دیدگاه مثبتی نسبت به هم‌جنس‌گراها وجود نداره و اکثراً این آدم‌ها که گرایش جنسی‌شون این طوری هست، هیت می‌شن واقعاً.

- به نظر تو حمایتی که از این افراد که گرایش جنسی‌شون به سمت هم‌جنس خودشون هست، خیلی می‌تونه حمایت‌گرانه و تأثیرگذار تو زندگی فردی و اجتماعی این‌ها باشه، نه؟

دقیقاً دقیقاً همین، آخه حسابش رو بکن، تو همچین فضای منفی حالا به سریا مثل همین بی‌تی‌اس با کلی آیدول دیگه بیان از این هم‌جنس‌گراها حمایت کنن که آقا تو گی هستی، ما بهت احترام می‌ذاریم یا لزبین هستی، ما بهت احترام می‌ذاریم، لباس دخترونه دوست داری، پسرונה دوست داری، هر چیزی که داری، خب ما بهش احترام می‌ذاریم که من خودم هیچ جوره نمی‌تونم اینا رو منفی در نظر بگیرم واقعاً.

من خودم به مدت یادم هست تو همین اخبار تلویزیون خودمون بود، گزارش تهیه کرده بودن که هم‌جنس‌گراها رو جامعه تأثیر بد گذاشتن و اینا. خب حالا شاید هم این طور باشه، چون بالاخره همچین مسأله‌ای تو خیلی از جاهای دنیا قابل پذیرش نیست کلاً. مثلاً تو سال‌های اخیر مردم فرانسه خیلی تظاهرات کردن که ازدواج هم‌جنس‌گراها حداقل تو خود فرانسه رسمیت پیدا کنه، ولی اصن موفق نشدن، یعنی همه جا به گارد بالایی وجود داره در مقابل اینا یا مثلاً تو آلمان به قانون تصویب کردن که هم‌جنس‌گراها نباید درمان بشن اصن، یعنی خدمات پزشکی بهشون نمی‌دن اصن، ولی در مورد همه افرادی که هم‌جنس‌گرا باشن که نمی‌شه این طوری گفت که اینا مثلاً باعث فساد تو جامعه شده باشن و حالا تو همچین فضاهایی، شما ببین این آیدول‌ها از اینا حتی به صورت غیرمستقیم هم حمایت کنن براشون خوبه.



بعد به چیز دیگه هم هست که خیلیا اشتباه برداشت می‌کنن، این آیدولا نمایان بگن گی بودن خوبه، لز بودن خوبه یا این جور چیزا، اینا می‌گن تو هر جوری هستی، قابل احترامی، هر طوری که باشی ما بهت احترام

می‌داریم، کاری که دوست داری رو انجام بده، کسی نمی‌تونه به تو چیزی بگه، آخر آخرش همینه که می‌گن خودت رو دوست داشته باش، لاو یورسلف در هر شرایطی با هر ویژگی که داری.

- این نوع فعالیت‌ها به محبوبیت خود گروه هم خیلی کمک می‌کنه؟

خیلی خیلی براشون خوبه، گفتیم که اصن کلی آدم هستن با کی پاپ و صنعت موسیقی کاری ندارن، ولی از ظاهر اینا مثلاً خوش‌شون میاد یا لباساشون یا به قول شما همین فعالیت‌هایی که انجام می‌دن خب خیلی چهره مثبتی پیدا می‌کنن.

- جنسیت‌زدایی هم تقریباً از همین قبیل فعالیت‌های گروه هست، درسته؟ یعنی غیرمستقیم، تأثیرگذار و همین طور کمک کننده به خود گروه.

آره کاملاً جهت‌شون یکیه، خیلی شبیه هم هستن، نظر منم در مورد جفت‌شون یکیه، جنسیت‌زدایی خب به نظر من یه چیز خیلی خوبیه، من خودم نمی‌تونم بد در نظر بگیرمش، خب وقتی داری به سلیقه همه احترام می‌داری، خب قطعاً یه چیز عالی و در کل فکر خوبیه و من خودم به این تفکر احترام می‌ذارم، واقعاً چیز خوبیه من قبولش دارم، البته این طور نیست که همه هم بگن عالیه، دقیقاً مثل نظری که در مورد هم‌جنس‌گراها وجود داشت، بالاخره یه سری موافقش هستن و یه سری هم مخالف، اما باید در نظر بگیریم که مخالفاش واقعاً بیش‌تره، ولی خب من نظر خودم رو دارم می‌گم که به نظر من خیلی هم خوبه و شاید یه کم دیگه که بگذره، به تعداد موافقا اضافه بشه و یه خورده دید منفی به اینا کم بشه.

- ستاره‌ها از جایگاهی که به دست آوردن سوءاستفاده هم کردن؟
آره بابا تا دلت بخواد (باخنده).

- این قدر تعدادش زیاده (باخنده)، می‌تونی مثال هم برام بزنی؟

آره حتماً فقط یه کم باید فک کنم تا یادم بیاد، آخه می‌دونی یه سری از آیدولا کوچک‌ترین اشتباهی انجام بدن معلوم می‌شه سریع و خیلی براشون بد می‌شه، مثل بی‌تی‌اس چون خیلی شهرت‌شون زیاده، ولی یه سری دیگه که کم‌تر مشهور ان و شهرت‌شون اصن فقط تو خود کره وجود داره مثلاً خارجیا نمی‌شناسن‌شون، بیش‌تر اینا جرم و کارای بد انجام می‌دن.

(بعد از چند ثانیه) یه دونه آیدول هست فک کنم اسمش سونگری بود، نه، نه، سئونگری بودش، آره معلوم شد که این یه کلوپ داشته بعد تو اون کلوپه پیشنهاد می‌دادن برای سکس و اینا، بعد این شروع می‌کرده ازشون فیلم‌برداری کردن و بعدش هم اخاذی می‌کرده از اونایی که فیلم‌شون رو گرفته. بعد کلاً تو کی‌پاپ همچین چیزایی زیاد وجود داره، این آیدولا می‌رن رابطه برقرار می‌کنن بعد یه جوری هم دهن طرف رو می‌بندن که براشون درسر نشه. تو هر صنفی آدم ناجور هم هست دیگه ولی مثلاً بی‌تی‌اس اصلاً این طوری نیست. من یه سری اطلاعات در همین رابطه دارم که برات می‌فرستم.^۱

^۱ - در فوریه ۲۰۱۹، رسانه‌های کره‌ای خبر دادند که «سونگری»، ستاره گروه پاپ «بیگ بنگ» در کلاب شبانه خود در سئول به نام «آفتاب سوزان» به مشتریان معروفش خدمات جنسی پیشنهاد می‌داد و بدون اطلاع ایشان از آن‌ها فیلم‌برداری می‌کرد. (<https://meaww.com/k-pop-seungri>)



بعدتر، گزارش‌های رسانه‌ای دیگری منتشر شد که نشان می‌داد منطقه «گنگنام-گو» که با موزیک ویدیوی گنگام استایل از PSY شهرت جهانی پیدا کرد و در واقع منطقه مرفه نشین سئول است، چندین کلاب و محفل مخفی دارد که در آن ستارگان کی‌پاپ و مدیران این صنعت سرگرمی، عیاشی‌های جنسی وحشیانه از جمله تجاوز، آزار فیزیکی زنان و دختران، بهره‌کشی از دختران کم سن و دیگر جنایات جنسی را صورت می‌دهند و صدها هزار دلار پول خرج می‌کنند

(<https://www.bbc.com/news/world-asia>)

Gangnam: The scandal rocking the playground of K-pop

By Laura Bicker
BBC News, Seoul

© 25 June 2019



در ۱۲ مارچ همان سال، جونگ جون-یونگ، ستاره سینما و موسیقی هم اعتراف کرد که از رابطه جنسی خود با زنان فعال در صنعت سرگرمی مخفیانه فیلم می‌گرفته و در یک چت روم خاص با دیگر اعضاء به اشتراک می‌گذاشته است
(<https://www.billboard.com>)



تنها دو روز بعد، یعنی در ۱۴ مارچ، دیگر ستاره موسیقی پاپ کره‌ای به نام «چوی جونگ-هون»، توسط دستگاه قضایی کره متهم شد که علاوه بر آزار جنسی و تجاوز به زنان و دختران، از آن‌ها مخفیانه فیلم نیز می‌گرفت
(<https://www.bbc.com>)

- محمدرضا از تأثیر کی‌پاپ روی زندگی خودت برام گفتی، جایگاه کی‌پاپ رو توی زندگی خودت کجا می‌بینی؟ جزو اولویت‌های بالا هست؟
الآن جزو اولویت‌های بالا نه، واقعاً نیست، البته قبلاً بود، چون قبلاً به سری انگیزه‌های خوبی به من می‌داد، واقعاً جزو اولویت‌هام بود.



انتشار این خبرها، جنجال زیادی در کره جنوبی به پا کرد و رسوایی‌ها به بار آمد. در پیگیری‌های رسانه‌ای معلوم شد که چت روم‌های خاصی وجود دارد که در آن‌ها، ستارگان صنعت سرگرمی کره، فیلم‌های رابطه جنسی خود را که مخفیانه فیلم‌برداری شده بود با دیگر اعضا به اشتراک می‌گذاشتند!
علاوه بر این، فشارهای روانی و جسمی ناشی از عقده «خوش سیما» بودن و «گرسنگی» برای انجام مناسب در صنعت سرگرمی و به طور خاص «پاپ کره‌ای»، منجر به برخی خودکشی‌های پرسرو صدا در این صنعت شد (<https://people.com>)
در سال ۲۰۱۷، کیم جونگ-هون، هنرپیشه مرد محبوب و مشهور کره‌ای، خودکشی کرد. در کنار جنازه او یادداشتی یک جمله‌ای به این مضمون بود: «از درون ویران شدم».



البته سابقه خودکشی در بین ستارگان کی‌پاپ به همان اوایل رونق این صنعت باز می‌گردد. در سال ۱۹۹۶، خواننده ۱۹ ساله پاپ کره‌ای به نام «چارلز پارک» با اسم هنری «سو جی-وون» خودکشی کرد. خودکشی او درست چند روز بعد از آن صورت گرفت که آلبوم موسیقی او در رأس جدول فروش کره قرار گرفت (<https://theculturetrip.com>)



- یعنی الان دیگه اون انگیزه‌ها رو نمی‌ده؟

من همین الانش هم با تمام مشغله‌هایی که دارم، باز خیلی سعی می‌کنم به خودم برسم که شاید بگم بیست درصدش به خاطر کی‌پاپ باشه، برای همین که می‌گم قبلاً جزو یکی از اولویت‌ها بود که دنبال کنم، ببینم چی گفتن تو آهنگاشون یا مثلاً آهنگاشون رو گوش کنم، به خودم انرژی مثبت بدم، واقعاً به چیز خوب بود برام، برای من نه فقط برای خیلی‌های دیگه هم این طوری بوده.

- اگر بخوای تفریحات یا وقت‌های آزادت رو در نظر بگیری، چه قدر براش زمان می‌گذاری؟

تو تفریحاتم خب موسیقی اهمیت بالایی داره، کی‌پاپ نه‌ها، کلاً موسیقی رو می‌گم، چون موسیقی رو من به چیز خیلی خوب می‌دونم تو زندگی، اگر واقعاً موسیقی نباشه، خب شاید خیلی چیزای دیگه هم نباشه، مثل انگیزه.

به نظر من موسیقی چیز تأثیرگذار و خوبیه و من خودم صبح تا شب هندزفری تو گوشمه، آهنگ گوش می‌دم و کار می‌کنم، واقعاً کیف می‌کنم باهاش و بدون موسیقی واقعاً برام سخته، بدون موسیقی انگار نمی‌تونم کاری رو جلو ببرم، ولی با موسیقی خیلی راحت می‌تونم کارام رو جلو ببرم. بعد برای کی‌پاپرها این طوره که هر کاری، هر کاری بخوان انجام بدن، کی‌پاپ گوش می‌دن، من خودم و بعضی از دوستانم، دقیقاً این طوری هستن.

- مثلاً علاوه بر کار کردن که گفتی، موقع انجام چه کارهای دیگه‌ای آهنگ گوش می‌دن؟

مثلاً شما کتابخونه که بری شاید مثلاً از هر ده نفر یک نفر داره موسیقی کره‌ای گوش می‌ده، رپ و اینا نه‌ها، حالا به آهنگ جیمین داره، اسم آهنگش پرومیس (قول دادن) هست، این رو مثلاً کسی گوش بده، به حس آرامشی می‌گیره به کمش رو انگلیسی خونده به کمش رو هم کره‌ای، حتی اگر کسی هیچ کدوم از این دوتا زبان رو بلد نباشه، باز باهاش ارتباط برقرار می‌کنه و اون حس آرامش رو می‌گیره.

کتابخونه رو هم برای همین گفتم، چون من زیاد دیدم کسانی رو که موقع کتاب خوندن آهنگای اینا رو گوش می‌کنن، آهنگایی مثل همین پرومیس که فضای آرومی داره و این به نظرم فوق‌العاده هست.

- یعنی تمرکزشون رو بیش‌تر می‌کنه؟

فک کنم برای هر کسی فرق داره من خودم مشکل خواب دارم بعد از این که اینا رو دیدم که این کار رو انجام می‌دن، یعنی با موسیقی کتاب می‌خونن، گفتم بذار امتحان کنم ببینم چه تأثیری داره، دیدم واقعاً خیلی خوبه بعضی شبا می‌شینم کتاب می‌خونم با موسیقی و واقعاً کمک می‌کنه بهم تاحدی برای همین موسیقی خیلی تأثیر گذاره روی من حداقل، خب در مورد همه افراد نمی‌تونم این حرف رو بزنم، ولی در مورد خودم می‌تونم بگم که روم خیلی تأثیرگذار بوده، من حتی بعضی وقتا که کارام توی همدیگه می‌پیچن و حالا اوضاع خوب نیست برام، بازم موسیقی گوش می‌دم که واقعاً آرومم می‌کنه و باعث می‌شه آرامش به دست بیارم، بعدش خب بشینم منطقی فک کنم که باید چه کار کنم.

- چه قدر وقت صرف دنبال کردن یا حرف زدن در موردشون با دوستان خودت می‌کنی؟

قبلاً زیاد بود، این طوری بگم که من اگر گرفتار نبودم و کاری مثلاً نداشتم، سریع تو یوتوب بودم و فیلم‌شون رو نگاه می‌کردم، موزیک ویدیوها مخصوصاً حالا مصاحبه‌هاشون رو هم دنبال می‌کردم، کلیپ‌هایی که فنا

درست می‌کردن رو می‌دیدم، یعنی همه جوهره اینا رو دنبال می‌کردم دیگه (باخنده) ولی الان نه، خب الان ترجیح می‌دم موسیقی‌هاشون رو گوش بدم در حین کاری که انجام می‌دم، چون مثل قبل دیگه وقت خالی ندارم.

- به نظرت بی‌تی‌اس تو حوزه سیاست فعال هست؟

تو زمینه سیاست به نظرم اون جوری دستی نداره، مثلاً بگیم در حد ایلومیناتی تأثیرگذار باشه، اصلن غیرممکنه، چون ایلومیناتی برای اهدافی که داره و رسیدن به اون اهداف به نظرم از هنر خیلی خیلی استفاده می‌کنه، مخصوصاً موسیقی و فیلم حالا تو حوزه فیلم به صورت ویژه می‌ره سراغ هالیوود یه شایعاتی هم در مورد این هست که بی‌تی‌اس برای ایلومیناتی هم کار می‌کنه و کلاً اهداف اونا رو می‌خواد بنشونه رو کرسی، ولی هیچ مدرکی نیست اصن، من در موردش سعی کردم بخونم، ولی اصلاً هیچی نیست در موردش.

- پس از نظر تو یعنی فعالیت چندانی نداره؟

تو زمینه سیاست مؤثره به نظرم، ولی نمی‌تونیم بگیم فعال، چون به صورت غیرمستقیم دارن یه کارهایی انجام می‌دن اگر مستقیم بود، می‌گفتم فعال ولی خب اینا تاحدی مؤثر هستن.

- آهااا به نظرت تاحدی پس می‌تونن اثرگذار باشن. تاحالا از این اثرگذاری استفاده کردن؟ حالا تو زمینه مثبت یا منفی اگر آره می‌تونن بیانش کنی؟

مثلاً یه مثال بخوام بزنم اینه که رابطه کره جنوبی با آمریکا رو تونست تاحدی بهبود بده، چون این کره و آمریکا می‌تونیم بگیم ارتباط خوبی داشتن، چون از اون طرف آمریکا می‌خواد کره شمالی رو کنترل کنه، پس ارتباطش رو با کره جنوبی باید بهبود بده دیگه، اینا کلاً ارتباطشون خوب بود باهم، ولی بی‌تی‌اس تونست باز بهتر بکنه این ارتباط رو.

- چه طور تونست این رابطه رو بهبود ببخشه؟

وقتی بایدن اینا رو دعوت کرد کاخ سفید، خیلی ارتباطشون بهتر شد این طوری منظورم تو این زمینه‌ها هست، خیلی تأثیرگذاره واقعاً.



- و نظرت در مورد این که سیاست مثبت رو دنبال می‌کنن یا منفی چی هست؟
 بستگی داره به شرایط خب، بعضی وقتا مثبته یعنی می‌تونم بگم بیش تر وقتا مثبته، اصن نمی‌تونن به صورت آشکار بیان خط منفی رو دنبال کنن چون هواداراشون می‌ریزه، بین در ظاهر خب بخوایم ببینیم، اول ظاهرش رو بررسی کنیم، بعد بریم به عمقش، اینا خب اصن به کشورهای دیگه کاری ندارن، منظورم اینه مثلاً از یه کشوری بد نمی‌گن یا علیه کشوری نیستن، در ظاهر کلی کار خوب هم انجام میدن مثلاً فعالیتای نژادپرستانه رو خیلی بد می‌دونن تا جایی که کلی کمک مالی هم کردن به این ارگان‌هایی که برضد نژادپرستی و تبعیض هستن.

یا اون ماجرای لایورسلف یه طرح هست که فک کنم یونیسف اجرا می‌کنه، درست یادم نیست، یونیسف یا سازمان ملل، ولی به نظرم یونیسف باشه، خب اینا سفیر اون طرح تو کل جهان هستن، یعنی در ظاهر خیلی هم موجه هستن و کلی فعالیت مثبت انجام می‌دن که همینم باعث شده طرفداراشون بیش تر و بیش تر بشن.



ولی اگر بخوان فعالیت‌هایی رو انجام بدن که حالا از راهی باعث آسیب رسیدن به یه گروه یا به یه جامعه بشه، خب بازم هیت می‌شن و کلی از طرفداراشون از بین می‌ره اصن.

- تاحالا شده احساس کنی ستاره‌ها فعالیتی انجام دادن که نمی‌خوام بگم بد، چون همون طور که گفتی اون قدر شهرت دارن که خیلی دقت می‌شه رو کاراشون، بهتره بگم خاکستری، تاحالا احساس کردی کاری انجام بدن که خاکستری باشه؟

آره به نظرم هست مثلاً این برندای جهانی مثلاً استار باکس یا مک‌دونالد خب اینا جفتش برای آمریکا هست، ولی همه جای دنیا اینا شعبه دارن و پول اصلیش برای خود آمریکاست، ولی تو کشورهای مختلف کلی آدم با حقوق کم دارن برای این برندا کار می‌کنن.

بی‌تی‌اس هم برای مک‌دونالد، هم برای استار باکس تبلیغ کرده، برندای دیگه هم هستن مثل کوکا، ولی همون مک‌دونالد و استار باکس رو در نظر بگیریم، بهتره، چون بیش‌ترین سود داره تو جیب کشور مبدأ می‌ره، ولی کسانی که تو کشورهای دیگه دارن کار می‌کنن، برای این برندا خب نه حقوق‌شون خوبه، نه مزایا، نه امنیت شغلی بی‌تی‌اس، فقط میاد تبلیغ اون برندا رو انجام می‌ده و کاری به اینا نداره، البته اگه دست خودشون بود، خب شاید اعتراض می‌کردن به اوضاع این کارگرا، ولی باید کاری که کمپانی می‌گه رو انجام بدن، دیگه

به نظر من این نوع کارهایی که انجام می‌دن دقیقاً مثال همون واژه خاکستریه که گفتی، خب اینا به کسی آسیبی وارد نمی‌کنن اصلاً، ولی از حق اون کسانی که گفتیم هم دفاع نمی‌شه خب.



- خوب محمدرضا تو استریم کردن و حمایت‌ها ها هم شرکت داشتی؟
من واقعاً یه زمانی استریم بودم اصن (با هیجان زیاد)، یه استریم حرفه‌ای، من واقعاً اون زمان خیلی فعال بودم تو استریم کردن ۲۴ ساعت دنبال اینا بودم اصلاً. چون قبلاً من زیاد وقتم پر نبود، خب برای همین آره من خیلی حمایت می‌کردم استریم هم که دیگه نگو و نپرس (باخنده) من فقط منتظر بودم اینا یه چیزی ازشون بیاد بیرون حمایت کنم دیگه (باخنده).

- بین اعضای گروه چه شخصی رو از همه بیش‌تر دوست داری؟
منظورت بایس^۱ هست، درسته؟

- بایس یعنی چی؟

^۱- Bias

وقتی تو به گروه از یکی بیش‌تر خوش‌تر میاد، بین سلو استن، یعنی فقط از یکی خوش‌تر میاد، ولی بایس یعنی از همه خوش‌تر میاد، ولی خب یکی‌شون بیش‌تر مورد علاقه تو هست، شخصیتی که بایس من بود قبلاً خب جیمین بود، بعدش تهیونگ شد، بعدشم جونگ‌کوک شد، بهشون هی خیانت کردم (باخنده).

- جونگ‌کوک چه ویژگی داره که توجه تو رو به خودش جلب کرده؟
جیمین به فیس کیوتی داره، بعد تو اجراهاش جذاب هم هست واقعاً از این لحاظ جذب جیمین شدم. البته خب تهیونگ و جونگ‌کوک هم واقعاً جذاب هستن.

- اعتقادات و رفتارهایی که این فرد داره، روی تو تأثیر گذاشته؟
نه (با تأکید)، البته رفتاراش چرا مثلاً ۲۴ ساعته دستش تو موهاش بود، مثلاً موهاش رو می‌داد عقب، این کار رو من خودم زیاد انجام می‌دم به خاطر همین جیمین هم هست، خب این رفتاراش به من هم داده شده انگاری، ولی در همین حد هست این که عقاید و ویژگی‌های اخلاقی رو بخوایم بگیریم نه، واقعاً روی من تأثیری نداشت.

- اصلاً می‌تونه روی افراد تأثیر بگذاره؟
صد در صد، صد در صد یکی از مهم‌تریناش اینه که مردم بیش‌تر به خودشون می‌رسن، کسایی که این رو دنبال می‌کنن، قطعاً بیش‌تر به خودشون می‌رسن، تیپایی که این داره رو بقیه هم الگو می‌گیرن ازش، من خودم هم این کار رو کردم.

- در مورد عقاید چه طور، می‌تونه روی عقاید افراد هم تأثیر بگذاره؟
خب معمولاً باز عقاید خودشون رو خیلی نباید بگن، چون کلی موافق و مخالف وجود داره و باز احتمال هیت شدن و بقیه داستانا رو به وجود میاره، مثلاً فرض کنیم یکی از اعضای گروه بگه که آقا من خیلی به خدا اعتقاد دارم، بعد یهو کسایی که خیلی به خدا و دین و اینا اهمیت نمی‌دن، دیگه گروه رو دنبال نمی‌کنن، خب بعدشم کلاً براشون ضرر به وجود میاره دیگه.

- برای بقیه افراد تو زمینه کار و موسیقی می‌تونن الهام بخش باشن؟
بازم صد در صد، وقتی ما یکی رو می‌بینم که موفق هست، اگه خب آدم حسودی نباشیم، قطعاً می‌تونیم از اون آدم الگوبرداری کنیم، مثلاً جیمین به زمانی بوده، نه جیمین، نه شوگا به زمانی بوده که طرف لیریک می‌نوشته، لیریکاشو می‌فروخت که بتونه شهریه کمپانی رو بده، خب اگه این چیزا رو این تازه کارا بدونن، خیلی الهام‌بخش می‌تونه براشون باشه.

- خیلی لطف کردی و واقعاً کلی وقت گذاشتی و مفصل در مورد هر سوال توضیح دادی، متشکرم.
نه بابا کاری نکردم، این موضوع بحثیه که خودمم خیلی دوست داشتم و خوشحال شدم که اگه حتی به کم هم شده کمکت کرده باشم، امیدوارم نتیجه‌اش خوب باشه.

تأملی دوباره

محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

محمدرضا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: انگیزه بخشی، ایجاد ذهنیت مثبت حاصل از انجام برخی فعالیت‌ها در ذهن مخاطبان، ایجاد فضای خاصی بین واقعیت و خیال برای افراد، وجود گریموهای مخصوص برای زیباتر کردن ستاره‌ها، عدم اجازه ستاره برای ابراز علنی عقاید و باورها، شیپ شدن ستاره‌ها و افزایش تعداد طرفداران، داشتن رژیم‌های غذایی سخت و فشرده برای داشتن اندامی متناسب، انجام تبلیغات گروه بی‌تی‌اس برای برندهای بزرگ پوشاک مانند گوچی، ورساچه و پوما، اختصاص پیدا کردن تبلیغات به قشر توانمند و مرفه جامعه، تحقیر خودبه‌خود هواداران معمولی در مواجهه با تبلیغات گروه بی‌تی‌اس، اجرای برخی از سیاست‌ها به صورت غیرمستقیم توسط کمپانی (مانند توصیه دال بر دنبال کردن برخی از فن پیچ‌ها و کامنت گذاشتن در ارتباط با برخی از پست‌ها) برای افزایش طرفداران، ممانعت کمپانی از انتشار هر گونه مطلب در ارتباط با کمپ‌های آموزشی کمپانی، ضرورت تلاش برای عادی سازی میکاپ برای پسران، ضرورت غیرمستقیم بودن برخی از فعالیت‌های گروه مانند جنسیت‌زدایی، تحت کنترل بودن زندگی شخصی و کاری ستاره‌ها توسط کمپانی، احساس تعارضی که ستاره‌ها را به خوردن قرص اعصاب می‌کشاند، صحنه‌سازی درباره روابط هم‌جنس‌گرایی و یا دگرجنس‌گرایی و تلاش برای تعدیل واکنش‌های منفی نسبت به روابط هم‌جنس‌گرایانه، اشاره داشته است.

محمدرضا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: برطرف کردن نیازهای هیجانی و ماجراجویی‌های هواداران، تقلید برخی از رفتارهای ستاره‌ها توسط هواداران، ایجاد احساسات مثبت و شاد در هواداران، تأثیرگذاری مقطعی و کوتاه مدت ستاره‌ها بر طرفداران، دنبال نکردن دیگر گروه‌ها به دلیل احساس خیانت به بی‌تی‌اس، پیش گرفتن برخوردهای هیجانی، افزایش اعتماد به نفس در صورت شباهت ظاهری بین فرد و ستاره مورد نظر، مقایسه شخصیت و ویژگی‌های ستاره در فضای اجتماعی و شخصی خویش، پرداختن هزینه‌های قابل توجه در جهت رسیدگی به ظاهر و پوشش توسط هواداران، دنبال کردن افرادی که با بی‌تی‌اس همکاری دارند و کنار نهادن دیگر گروه‌ها و خواننده‌ها، تقلید و الگوبرداری از سبک پوشش ستاره‌ها، تحت تأثیر قرار گرفتن هواداران برای تغییر ظاهر و نوع پوشش خود، یافتن عشق جنسی به ستاره‌ها، نوشتن داستان‌هایی با مضامین جنسی در ارتباط با ستاره‌ها، پذیرش نسبی نگاه مبتنی بر جنسیت‌زدایی، تقلید و الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب مدل مو، پوشش و موارد مشابه، تعدیل واکنش‌های منفی نسبت به روابط هم‌جنس‌گرایانه، ایجاد حس کنجکاوی در هواداران برای دانستن هر چه بیش‌تر از زندگی شخصی ستاره‌ها، دنبال کردن تعداد قابل توجهی از محتواهای مربوط به گروه و آسیب‌های جسمانی ناشی از رژیم‌های سخت غذایی، اشاره داشته است.

محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ایجاد الگوهای چند بعدی (صدای خوب، زیبایی و جذابیت، اجراها و

رقص‌های خاص)، انجام فعالیت‌های اجتماعی ضد نژادپرستانه، ایجاد فضای خاصی بین واقعیت و خیال برای افراد، اشتراک‌گذاری محتواهایی مانند سفر به مکان‌های جذاب، تولدها و حریم شخصی در فضای مجازی، انتخاب مفاهیمی خاص مانند عشق برای تأثیرگذاری بیش‌تر، اشاره برخی از آهنگ‌ها به اهمیت زیبایی‌های درونی، ایجاد ذهنیت مثبت حاصل از انجام برخی فعالیت‌ها در ذهن مخاطبان، استفاده از ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی برای تبلیغات، انجام تبلیغات برای برندهای بزرگ پوشاک مانند گوچی، ورساچه و پوما، اختصاص پیدا کردن تبلیغات به قشر توانمند و مرفه جامعه، تحقیر خودبه‌خود هواداران معمولی در مواجهه با تبلیغات گروه بی‌تی‌اس، تلاش برای عادی‌سازی آرایش برای پسران، طرح غیرمستقیم برخی از فعالیت‌های گروه مانند جنسیت‌زدایی و آسیب‌های جسمانی ناشی از رژیم‌های سخت غذایی، اشاره داشته است. از بیانات اخیر محمدرضای ۲۱ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با زهرا، ۲۴ ساله

یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن.

- خوب آماده هستید که شروع کنیم؟

لطف می‌کنید یک بار دیگه بگید دقیقاً موضوع تحقیق شما چیه؟ چون اگر صرفاً موضوع جبهه‌گیری و مبتذل نشون دادن علایق عده‌ای باشه، کمکی از دستم برنمیاد و ترجیح می‌دم که همکاری نداشته باشم.

- خیر اصلاً نگران نباشید.

- نگاه کنید من دیدگاه شخصی شما رو در مورد این گروه می‌خوام و قرار نیست سوگیری انجام بشه و یا به قول شما به مبتذل نشون دادن علاقه افراد بپردازم. صرفاً دیدگاه شخصی شما در مورد گروه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، عقیدتی و روان‌شناختی رو بررسی می‌کنیم. ضمن این که شما مختار هستید به هر کدام از سوالات که دوست نداشتید، اصلاً پاسخ ندید و کاملاً راحت باشید.

باشه قبوله، سوال‌های خودتون رو پرسید.

- در ابتدا زمینه فعالیت کلی شما چی هست؟

من مدرس زبان انگلیسی هستم.

- خوب، شما چه مدت زمانی هست که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنید؟

تقریباً از سال ۹۸ بود که شروع شد، بیش‌تر هم بی‌تی‌اس بود. اما گذری به آهنگ‌های دیگه کی‌پاپ هم داشتم و فقط بی‌تی‌اس نبود، بعدش هم صرفاً گوش دادن به آهنگ‌هاشون بوده، نه مثل بعضی از طرفدارها دنبال کردن تمام جزییات خواننده یا گروه خاصی به طوری که تمام زیر و بم زندگی فرد رو بدونم.

- پس فقط موزیک‌ها رو گوش کردید و خیلی وارد جزییات و زندگی خود خواننده نشدید، درسته؟ کاملاً همین طوره.

- خوب گفتید بیش‌تر بی‌تی‌اس بوده، اصلاً چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدید؟

از طریق الن شو^۱ بود من خیلی دنبال کردم این برنامه رو چون هم جذابه برام، هم از الن خیلی خوشم میاد هم این که خب تأثیرگذاره روی یادگیری زبان. تو یکی از قسمت‌ها بود که یهو دیدم بی‌تی‌اس مهمون برنامه بود، منم اون قسمت رو دیدم و ازشون خوشم اومد. بعد در موردشون یه کم بیش‌تر خوندم که چه طور گروهی هستن و آهنگ‌هایی که داشتن رو هم واقعاً دوست داشتم.

۱ - الن شو Ellen show یک تاک شوی آمریکایی است و مجری آن کم‌دین/بازیگر آمریکایی الن دی جنرس است. این شو در ۸ سپتامبر ۲۰۰۳ آغاز به کار کرد و از هنگام اجرای آن تاکنون برنده ۳۲ جایزه امی شده است (Wikipedia).



- چه چیزی بود که باعث شد شما جذب‌شون بشید، در موردشون اطلاعات به دست بیارید و آهنگ‌هاشون رو گوش بدید؟

فان بودن‌شون باعث می‌شد بخندم، به همین سادگی جذب شدم واقعاً، البته در یک دوره‌ای بودم که یک مقدار مشکلات شخصی برام ایجاد شده بود و خیلی به دنبال سرگرم کردن خودم بودم تا کمی از اون مسایل هم فاصله بگیرم، یک علت دیگه هم همین بود که شوی الن رو شروع کردم به دیدن و اتفاقی تو یکی از قسمت‌ها این گروه رو دیدم.

- پس در برخورد اول، شوخ بودن‌شون باعث شد که شما جذب‌شون بشید.

بله، هم فان بودن هم خوش اخلاق و شاد.

- در ادامه که به سراغ موسیقی‌های گروه رفتید، چه چیزی باعث شد که شما به آهنگ‌های گروه علاقه‌مند بشید؟

معانی شعرهاشون جالبه و اغلب برخلاف رپ فارسی الفاظ رکیک استفاده نمی‌شه و اکثر اوقات نه همیشه، درباره‌ی دغدغه‌ها صحبت می‌شه.

- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنن، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟
 بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنن در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنن، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم یه لیریک^۱ معروفش اینه که فقط هدف رو ببین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره.

^۱- Lyric

- در مورد این سه مورد، منظورم اعتماد به نفس، ادامه داشتن زندگی و لذت بردن از مسیر در جهت رسیدن به هدف هم می‌شه مثل مورد اول توضیح بدید؟
تو آهنگ‌های مختلف در مورد اعتماد به نفس داشتن صحبت کردن که معروف‌ترین شون هم لاو یورسلفه^۱ که می‌گن باید خودمون رو دوست داشته باشیم، جدا از همه تفاوت‌هایی که بین آدما وجود داره، مثلاً یکی چاقه، یکی لاغره، یکی قد بلنده یا یکی کوتاهه، خب این ویژگیا خوب یا بد، باید پذیرفته بشن و ما خودمون رو دوست داشته باشیم.



زندگی ادامه داره هم منظورش اینه با تمام سختی‌هایی که هست، باز زندگی قشنگی‌های خودش رو داره و باید تا حد ممکن ازش لذت برد.
اون یکی مفهومی که گفتم هم خیلی مهمه، بعضی از مردم فقط به فکر رسیدن به هدف هستن و خودشون رو به آب و آتیش می‌زنن و واقعاً سختی می‌کشن تا برسن به هدفی که داشتن، ولی در آخر بعد از یه مدت اون هدف هم براشون تکراری می‌شه و لذت چندانی ازش نمی‌برن، برای همین باید قبل از رسیدن به هدف از تلاش‌هایی که برای رسیدن به اون انجام می‌دیم هم لذت ببریم. معنی تعداد زیادی از شعرهاشون به این موارد می‌پردازه بیش‌تر معانی مثبت داره.

- روی شما و اطرافیان، شنیده شدن این معانی مثبت تأثیر داشته؟
(با کمی مکث) اگر خودم رو بخوام بگم یه مقداری بله، تأثیر داشته، اما نه تا اندازه‌ای که بگم کلاً رفتار و اخلاق من رو تغییر داده، نه واقعاً این طوری نبوده، اما باعث تغییرات جزئی، بله شده. اگر بقیه افراد رو بخوام بگم، بیش‌تر به شخصیت اون‌ها بستگی داره، کسانی هستن که راحت‌تر و سریع‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرن و

^۱- love yourself

احتمالاً بیش‌تر تأثیر می‌پذیرن، اما افرادی که کم‌تر تأثیرپذیر هستن هم وجود دارن و حتی ممکنه تأثیری از این معانی دریافت نکنند.

- می‌تونید نمونه‌ای از همون تأثیرات، هر چند جزئی و کوچک رو بگید؟
در همین موردی که الان گفتم، این که می‌گن فقط هدف رو ببین و از مسیر هم لذت ببر، می‌تونم بگم تأثیر گرفتم. من کاملاً برعکس عمل می‌کردم مثلاً اگر به اختیار خودم به سفر می‌خواستم برم، قطعاً شب رو انتخاب می‌کردم برای راه افتادن، چون مسیر رسیدن رو دوست ندارم و فقط مقصد برای من مهم بود، اما الان تا حدی تغییر کردم توی رسیدن به اهداف و خواسته‌هام مسیر رو هم در نظر می‌گیرم و این روی اخلاق من هم تأثیر گذاشته، البته باز هم می‌گم تا حد کمی تأثیرگذار بوده و الان هم جوری نیستم که بگم من عاشق سختی کشیدن برای رسیدن به هدفم هستم (باخنده).

- همین تأثیر کمی که شما پذیرفتید، یعنی این مفهوم رو قبول داشتید، درسته؟
بله، به نظرم افرادی که فقط روی هدف متمرکز هستن و مسیر رو نمی‌بینن، بعضی وقتا آدم‌های موجود در این مسیر رو هم نمی‌بینن، پس بی‌تفاوت نسبت به اون‌ها فقط عبور می‌کنن. من زمانی که فقط به هدف خودم فکر می‌کردم، خب حقیقتاً فقط به خودم اهمیت می‌دادم، ولی بعدتر به مقداری این نوع رفتارم تغییر کرد.
- تأثیرپذیری شما که چندان عمیق نبوده، به علت برخی از تعارض‌های گروه هست یا به شخصیت شما برمی‌گرده؟

منظورتون از تعارضات گروه چیه؟
- ببینید مثلاً گروه شعار لاو یورسلف رو بیان می‌کنه که از افراد دیگر هم شنیدیم، منظورش اینه که خودت رو با تمام ویژگی‌هایی که داری دوست داشته باش. اما خود آیدول‌ها مثلاً عمل‌های زیبایی رو دارن. اعضای گروه توی این طور مسایل اختیار زیادی ندارن، اگر مختار بودن شاید اصلاً برخی از کارها رو نمی‌کردن. شاید بعضی وقتا تعارض داشته باشن، ولی این جزوی از اونا نمی‌شه. در مورد سوال اصلی شما می‌تونم بگم که من تقریباً دو دهه اون اخلاق و رفتار رو داشتم و تغییرش ساده نیست.
- یعنی این که زیاد باعث تغییر این مورد در شما نشد، به خود شما برمی‌گرده؟
آره، از شخصیت خودمه حتماً.

- با توجه به صحبت‌هایی که داشتیم از نظر شما می‌تونن باعث ایجاد معانی و تغییرات مثبت بشن؟
آره تقریباً. هر چیزی بخش مثبت و منفی داره، نمی‌تونم بگم دنبال کردن بی‌تی‌اس هم کاملاً مثبت هست، منم به این آگاهم که یک سری از افراد که خب رده‌ی سنی کم‌تری دارن، گم می‌شن توی علاقه‌هاشون نسبت به یه گروه یا خواننده‌ی خاص، اما صرفاً همه این طور نیستن.

- منظورتون در مورد علاقه‌ها نسبت به خواننده یا گروه رو کمی بیش‌تر توضیح می‌دید؟
من فک می‌کنم بیش‌تر افرادی که تو این فضا غرق می‌شن، نوجوان‌ها هستن که دنبال شکل دادن به هویت و شخصیت خودشون هستن و از خواننده یا اون گروه تا حد زیادی تأثیر می‌گیرند، اما همه افراد صرفاً این طور رفتار نمی‌کنن.

- پس گروه و خواننده قابلیت تأثیرگذاری بر روی افراد رو دارن و از نظر شما نوجوان‌ها تأثیر بیشتری می‌پذیرند.

از نظر من تا حد قابل توجهی هم تأثیرگذار هستن.

- چه عاملی باعث این اثرگذاری می‌شه، منظورم این هست که از نظر شما یک فرد چه ویژگی رو اگر داشته باشه، می‌تونه تأثیر رو منتقل کنه؟

محبوبیت تأثیرگذار هست. بعضی از سلبریتی‌ها شهرت زیادی دارن، اما از طرف خیلی از افراد، دوست داشته نمی‌شن، اما محبوبیت متفاوت هست. به نظر من یعنی شهرت و دوست داشته شدن هم زمان، عامل مهمی برای اثرگذاری هست.

البته تبلیغات هم در جهان امروز اهمیت بالایی داره و باعث می‌شه گروه یا فرد، بیش‌تر شناخته بشن که طبعاً این مورد نیازمند ثروت هست، چون تبلیغات اگر می‌خوان باورپذیر باشن، باید نزدیک به واقعیت بشن.

- این که تبلیغات اگر می‌خوان باورپذیر بشن، باید به واقعیت نزدیک بشن یعنی چی؟

منظورم این هست که مثلاً می‌گیم که گروه ایکس داره کمک‌های بشردوستانه در سراسر دنیا انجام می‌ده. خب اگر یک گروه حرفه‌ای مستندساز، همراه اینا وجود نداشته باشه و از این فعالیت‌ها مستند نسازه، این کمک‌ها فقط توسط یه عده کمی دیده می‌شن و محبوبیت گسترده تو جهان رو به دنبال خودش نمیاره. اگر بی‌تی‌اس تو دنیا این قدر معروف می‌شه، خب یه بخش زیادیش برای فعال بودن تو حوزه تبلیغات هست.

- اگر تبلیغات رو به عنوان یکی از عوامل محبوبیت بی‌تی‌اس در نظر بگیریم، در این تبلیغات چه مواردی

بیان و یا نشون داده می‌شه؟

خب قطعاً باید فعالیت‌های مثبت گروه رو نشون بدن تا وجهه خیلی خوبی به نمایش گذاشته بشه. بعدش هم تعداد دنبال‌کننده‌ها زیاد می‌شه و تأثیرگذاری هم به وجود میاد، برای این که فارغ از بحث موسیقی، استعداد، اجرا و کنسرت‌ها، تعداد زیادی از افراد جذب این فعالیت‌های گسترده که گروه داره، می‌شن.

- لطف می‌کنید، نمونه‌هایی از فعالیت‌های خارج از صنعت موسیقی گروه رو بیان کنید؟

فعالیت‌های خیلی زیادی دارن، شاید عمده‌ترین‌هاش مربوط به همین تبلیغات باشه. مثلاً ورزشکارهای معروف هم خیلی تو کار تبلیغات فعال هستن، حالا این می‌تونه تو فضای مجازی یا تلویزیون و بیلبردهای شهر باشه. البته همه تبلیغاتی هم که انجام می‌شه هدفش نشون دادن نقطه مثبت‌های بی‌تی‌اس نیست، خیلی وقت‌ها تبلیغات برای شرکت‌های بزرگ کره‌ای انجام می‌شه مثلاً هیوندا^۱ یه نوع ماشین درست کرد که آسیب خیلی کمی به محیط زیست وارد می‌کنه. برای تبلیغ اون ماشینش از بی‌تی‌اس استفاده کرد، چون شهرت جهانی دارن و ماشینی هم که دارن تبلیغش رو انجام می‌دن، داره تو سطح جهان دیده می‌شه.

^۱- Hyundai



علاوه بر ماشین خب کره تو صنعت، کشوری هست که حرف‌هایی برای گفتن داره، علاوه بر ماشین‌های زیادی که تولید می‌کنه، تولیدات سامسونگ هم خیلی گسترده هستن تو جهان، از گوشی، لپ‌تاپ و هدفون گرفته تا تلویزیون و یخچال و کلاً لوازم خانگی. شرکت‌هایی که این قدر بزرگ هستن، برای خود کره خیلی اهمیت دارن و سعی می‌کنن تبلیغات خوب و قانع کننده‌ای داشته باشن، برای این که مخاطب اون‌ها رو بخره. مثلاً سامسونگ^۱ گوشی که تولید کرد، اومد از لوگوی بی‌تی‌اس استفاده کرد برای طرح یکی از گوشی‌هایش فک می‌کنم، همین الان هم من عکسش رو داشته باشم (در حالی که گوشی خود را نگاه می‌کند) چند لحظه صبر کنید بهتون نشون بدم.

(بعد از چند ثانیه) پیدا شد، نگاه کنید حتی رنگ گوشی رو متناسب با تم^۲ رنگی لوگوی بی‌تی‌اس طراحی کردن.

- بله همین طوره، می‌شه لطفاً این عکس رو هم برای من بفرستید؟
آره، حتماً همین الان براتون می‌فرستم.

^۱- Samsung

^۲- Theme



- علاوه بر تبلیغاتی که برای کشور کره انجام می‌شده، تبلیغات دیگری هم انجام شده که اون برند یا کمپانی برای یک کشور دیگه باشه؟

بله زیاد هم شده، مثلاً تو زمینه مد و لباس کلاً تبلیغاتشون برای برندهای کشورهای دیگه هست، چون کره از لحاظ صنعت پوشاک زیاد قوی نیست و نمی‌تونه از بی‌تی‌اس استفاده کنه، چون وجهه گروه رو خراب می‌کنه. بی‌تی‌اس با این شهرتی که داره خب قاعدتاً باید بهترین‌ها رو تبلیغ کنه، مثل همون سامسونگ و هیوندا که جزو بهترین شرکت‌های تولید ماشین و لوازم الکترونیکی هستن.

تو زمینه پوشاک تبلیغاتشون برای شرکت‌های خارجی، مثلاً فیلا^۱ یه برند ایتالیایی هست، این برند کلاً معروف بود، ولی وقتی برای تبلیغاتش از بی‌تی‌اس استفاده کرد، به نظرم خیلی معروف‌تر شد.

- چه طور متوجه شدید که شهرت این برند بیش‌تر شده؟

^۱- Fila

تو اینستا پست‌هایی که مربوط به این شرکت هست زیاده، یعنی تو فضای مجازی خیلی فعال هستن، بعد پست‌هایی که می‌ذارن در مورد فروشگاه‌هاشون تو سراسر جهان چون فروشگاه‌های زنجیره‌ای هم دارن و بیش‌تر شدن فروش‌شون رو نشون می‌ده که خیلی بهتر و بیش‌تر داره این برند رشد می‌کنه، مخصوصاً لباس‌ها و کفش‌هایی که طرح بی‌تی‌اس رو دارن، خیلی محبوب‌ان، مثلاً وقتی مسی رفت پاریس سنت ژرمن^۱ فروش پیرهن این تیم خیلی خیلی زیاد شد، بی‌تی‌اس هم وقتی برای فیلا تبلیغ کرد، فروش‌شون خیلی بیش‌تر شد.



- و علاوه بر فیلا برای چه شرکت‌های خارجی دیگه‌ای تبلیغ می‌کنند؟
یه شرکت دیگه‌ای که هر کس که مشهور می‌شه بازی می‌کنه کوکاکولا^۲ و مک‌دونالد^۳ (باخنده) کلاً تبلیغات برای این شرکت‌های خوراکی رو یه تعداد قابل توجهی انجام دادن. باز مثلاً مسی رو بگم که برای پپسی^۴ تبلیغ انجام داد یا قبل ترش بکهام انجام داده بود.
بی‌تی‌اس هم برای این دوتا شرکت تاحالا تبلیغ انجام داده، یک بار هم نبوده، بیش‌تر بوده، فک می‌کنم برای مک‌دونالد بیش‌تر بوده باشه، بعد برای مک‌دونالد هم که تبلیغ کردن، مک‌دونالد اومد کاور خوراکی‌هاش که قرمز هستن رو تغییر داد و بنفش کرد برای یه مدت کوتاه.

^۱- Paris Saint-Germain

^۲- Coca-Cola

^۳- McDonald's

^۴- Pepsi

- تبلیغاتی که گروه دارن معمولاً برندهای مشهور و بسیار گرون قیمت رو پوشش می‌ده و تعداد قابل توجهی شاید نتونن اونا رو بخرن، این چه طور سیاستی هست که کمپانی در نظر می‌گیره.

گرون قیمت بودن شون بله، برای همه اقشار جامعه نیستن اونا. شاید تعداد کمی هم بتونن اونا رو خریداری کنن، ولی می‌تونن فیکش رو بخرن.

- خرید فیکش همون لذت خاص رو بهشون می‌ده؟

قاعدتاً نه، ولی دنبال کردن مد هزینه زیادی رو نیاز داره. فک می‌کنم هر کسی دنبال مد نره، شاید تقلید کنن از نوع لباس پوشیدن شون، ولی تعداد زیادی نمی‌رن که همون لباسای برند رو بخرن.

- مثل همون کاری که سامسونگ با گوشی تولید خودش انجام داد.

بله کاملاً مثل همون بود چون اگر این کار رو انجام بدن برای هر دو طرف خیلی خوبه فرض کنیم بی‌تی‌اس برای مک‌دونالد تبلیغ کنه و فقط پول تبلیغش رو بگیره. این طوری مک‌دونالد بیش‌تر مشهور می‌شه و بیش‌تر هم درآمد به دست میاره، ولی بی‌تی‌اس فقط تونسته پول دریاره.

ولی کاری که سامسونگ و مک‌دونالد کردن برای هر دو طرف خوبه چون بی‌تی‌اس براشون تبلیغ کرده و اونا هم بی‌تی‌اس رو حمایت کردن.

- به نظر شما انجام تبلیغات متقابل جزو پیش شرطهای گروه برای تبلیغ اون برند نیست؟

(با کمی مکث) من قبلاً به این موضوع فکر نکرده بودم ولی صحبت شما می‌تونه درست باشه، با توجه به این که همه اون برندها یعنی سامسونگ، مک‌دونالد و کوکاکولا با فیلا بعد از این که بی‌تی‌اس براشون تبلیغ کرد، اون‌ها هم از لوگو و تم رنگی گروه استفاده کردن. فیلا حتی اسم و تصویر اعضای گروه رو هم روی بعضی از محصولات خودش آورد.





- علاوه بر این تبلیغات که بیش‌تر جنبه تجاری برای بی‌تی‌اس و کمپانی‌هایی که برایشون تبلیغات انجام شده دارن، شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستند. بله اون تبلیغات هم هستن که هدفشون در اصل اطلاع‌رسانی هست. یعنی می‌خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت‌های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می‌ده که خب با این فعالیت‌های مثبتی که انجام می‌دن چندتا هدف به دست میاد.

- چه هدف‌هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت‌ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می‌شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می‌شه با توجه به فعالیت‌های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می‌کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می‌کنه، هم برای جهان و هم برای بی‌تی‌اس فایده داره. به قول معروف بازی برد-برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی‌تی‌اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الآن با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه‌ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه‌ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی‌کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می‌کنن مهارت یا دانش دیگه‌ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می‌گیرن. خب حالا بچه‌ها دارن مهارت‌های مختلف رو یاد می‌گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام میدن.

- از نظر شما علتش چی هست و می‌تونه تأثیری داشته باشه؟

قطعاً تأثیرگذار هست. علتش رو خب نمی‌شه قطعی و دقیق گفت، چون برای هر کسی می‌تونه مختلف باشه، یه مثال الان تو ذهن من هست، مثلاً راموس^۱.

من فوتبال رو زیاد دنبال می‌کنم برای همین یه کم مثال‌هام به این سمت میاد. ببینید وقتی که کرونا تو جهان شیوع پیدا کرد، برای یه مدت زمان قابل توجه خیلی از فعالیت‌ها رو به سمت تعطیلی کشوند که ورزش هم جزو اون‌ها بود. مخصوصاً فوتبال که تمام لیگ‌ها رو متوقف کردن. تو این مدت زمان راموس تو صفحه‌های مجازی خودش مخصوصاً اینستا پستایی رو گذاشت که نشون می‌داد علاوه بر تمرین‌های ورزشی ثابت خودش، داره پیانو هم یاد می‌گیره و خیلی خیلی بازتاب داشت تو کل دنیا، حتی نشریه‌های فوتبال اومدن به این مسأله اشاره کردن. خب تا حد زیادی شهرت این آدم بیش‌تر شد چون یه کم هم دید منفی بهش وجود داشت که تو بازی خشن بازی می‌کنه و کلاً هم آدم خشنی هست، ولی بعد از این ماجرا دیدن که نه وقتی یه نفر موقع پیانو زدن اشک می‌ریزه، نه تنها آدم خشنی نیست، اتفاقاً احساسی هم هست.



- پس حتی می‌تونه نوع دیدگاه آدم‌ها رو نسبت به اون فرد تغییر بده.
بله حتماً می‌تونه.

- چندوجهی بودن بی‌تی‌اس در چه حوزه‌هایی هست؟
علاوه بر موسیقی، خیلی تو اجراها خوب هستن، مثلاً رقص‌هایی که دارن واقعاً سخته و برای خیلی از افراد جذاب هست. مثلاً من خودم دارم بین دوستانم که از موسیقی‌های گروه خوش‌شون نمیداد، ولی اجراشون رو می‌بینن و خیلی هم براشون جذابه.

یه مورد دیگه می‌تونم مدل بودن‌شون رو بگم. ویژگی‌های مناسب یک مدل رو دارن، مثلاً قد و وزن مناسب و ظاهر خوب و حتی یه فاکتور اضافه‌تر رو هم دارن که شهرت هست و تو زمینه فروش اون محصولات، می‌تونه خیلی اثرگذارتر باشه.

- یک سوال دیگه برای من موجود هست در مورد تبلیغات که شما گفتید هدفش بیش‌تر اطلاع‌رسانی به مردم هست که این گروه داره کارهای مثبتی انجام می‌ده، نمونه‌هایی از این فعالیت‌های مثبت رو می‌تونید نام ببرید؟

^۱- Sergio Ramos

بله این کارهای مثبت رو در درجه اول می‌شه با موسیقی که گروه ارایه می‌ده درک کرد، در مورد معانی آهنگ‌ها گفت و گو کردیم.

- درسته مثال‌هایی رو هم شما گفتید، مثل اعتماد به نفس و جریان داشتن زندگی با تمام سختی‌ها و مشکلات.

آره که به نظر من خیلی هم مهم هست، چون خودمون هم با توجه به فرهنگی که داریم، می‌گیم انسان باید حرف و عملش باهم هماهنگ باشه، فقط هم مربوط به فرهنگ ما نیست، شاید بتونیم بگیم یه ارزش هست، اگر بی‌تی‌اس یا هر گروه و فرد دیگه‌ای از کمک کردن و امیدوار کردن بقیه صحبت کنن، ولی در عمل کاری انجام ندن، خب خیلی بده.

بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌ده، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به شورای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی مالی ندارن. مثلاً گواردیولا^۱ یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد.

- جورج فلویید^۲.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلویید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نموندن. حتی کمک مالی هم انجام دادن، البته کمک‌های مالی که انجام دادن فک می‌کنم قبل از این اتفاق بود.

- پس علاوه بر موسیقی‌هاشون که درباره‌ی موارد خوب هست، یکی از فعالیت‌هاشون هم در زمینه حقوق بشر هست؟

آره حقوق بشر خیلی درست‌تر هست، چون فقط محدود به حمایت از سیاه پوست‌ها نیست. تو آمریکا رفتار خوبی با آسیایی تبارها هم وجود نداره. حتی خود بی‌تی‌اس هم با این رفتار نژادپرستانه مواجه شدن و در موردش صحبت کردن.

- یک مقدار در مورد فن‌ها گفت‌وگو داشته باشیم. شما فن پیچ‌ها (صفحات طرفداری) رو دنبال می‌کنید؟ من بیش‌تر پیچ اصلی خود گروه با اعضای گروه رو دنبال می‌کنم، ولی بعضی از فن پیچ‌ها رو هم دارم. فن پیچ‌هایی که تعداد دنبال کننده‌هاشون زیاد هست، معمولاً خوب ان، چون سعی می‌کنن پست‌هایی رو بذارن که خیلی خوب باشه و تعداد دنبال کننده‌های گروه پایین نیاد. یه پیچ هم هست به اسم بی‌تی‌اس آیلند^۳ یعنی

^۱- Pep Guardiola

^۲- George Floyd

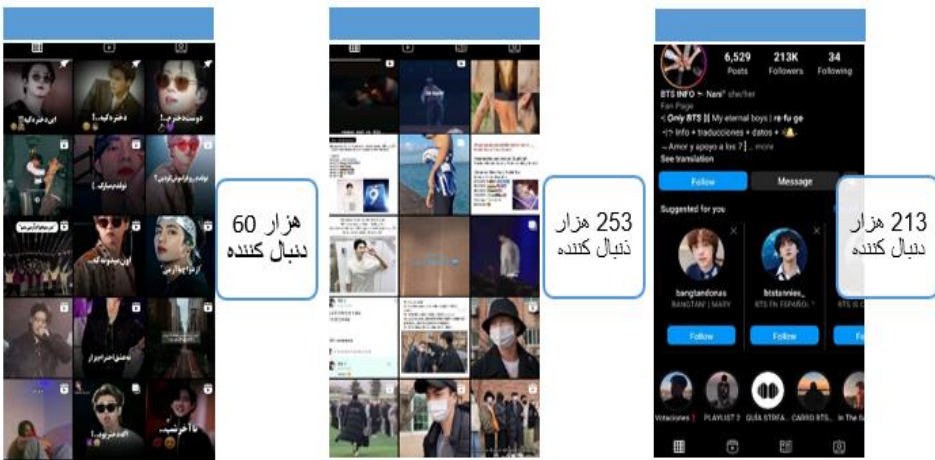
^۳- BTS Island

جزیره بی‌تی‌اس اون رو من خیلی خیلی دوست دارم (با تأکید و هیجان زیاد) اگر خواستید در مورد اون هم به شما بگم.

- بله حتماً، اگر به همه‌اش بپردازیم، بهتر هست. فن پیج‌هایی که دارید بیش‌تر چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذارند؟

پیج‌های مختلف باهم فرق دارن، بعضی از فن پیج‌ها فقط کاور^۱ آهنگ‌های گروه رو با چند ثانیه از آهنگش رو پست می‌کنن، بعضی‌هاشون فقط عکس افراد گروه رو می‌ذارن یا مثلاً گروه‌های کی‌پاپ علاوه بر ساختن آهنگ، برنامه‌های مختلف هم می‌سازن، برنامه‌های کوتاه که حالا کارهای مختلف انجام می‌دن که جنبه‌ی فان داره، تعداد زیادی از فن پیج‌ها این ویدیوها رو ترجمه می‌کنن یا یک سری ادیت می‌زنن بعد پست می‌کنن این‌ها رو.

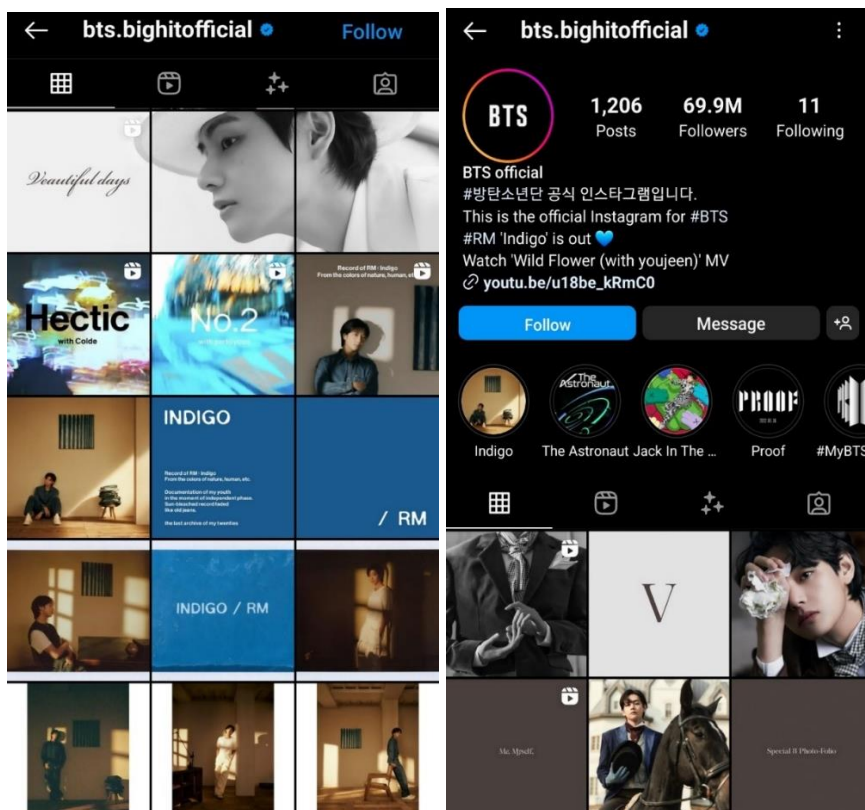
بعضی از فن پیج‌های معتبرتر برنامه‌ی کمک به خیریه می‌چینند به مناسبت تولد اعضاء اینا همون پیج‌هایی هستن که گفتم تعداد دنبال کننده‌هاشون بیش‌تر هست.



- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شوند؟ معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز^۲ کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین‌طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جونگ‌کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو.

^۱ - Cover

^۲ - Release



- گفتید یک صفحه وجود داره که شما علاقه‌مندی زیادی بهش دارید.

بی‌تی‌اس آیلند.

- بله، بی‌تی‌اس آیلند چه طور صفحه‌ای هست و چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذاره؟

بی‌تی‌اس آیلند هم جزو پیج‌های اصلی گروه هست و تفاوت زیادی در محتواهاشون وجود نداره، ولی یه داستان در موردش هست. این هفت نفر دارن تو یه فضایی که کاملاً آرامش و صلح درش وجود داره، زندگی می‌کنن. پست‌هایی که گذاشته می‌شن هم تماماً کارتونیه هستن. بیش‌تر جنبه سرگرمی داره و کمی هم متفاوت با پیج‌های دیگه گروه هست. به خاطر کارتونیه بودنش شادتر و بامزه‌تر هست.

- آیا خود کمپانی پشت پرده این فن‌پیج نیست؟

نمی‌دونم.

- عکس‌هایی که داخل این صفحه گذاشته می‌شه، اون‌ها رو در حال انجام چه کارهایی نشون می‌ده؟ خیلی کارها انجام می‌دن که بیش‌تر نشون روزمره به حساب میان، مثلاً می‌رن به طبیعت برای خوش‌گذرونی. پیک نیک دیگه (باخته) می‌رن پیک نیک. ولی مثلاً تازگی چندتا پست گذاشته بودن که اینا رفته بودن فضا بازم برای خوش‌گذرونی (باخته). چون کارتونیه هست یه کم چیزای غیر واقعی رو هم می‌ذارن. ولی هدف اصلی سرگرم کردن دنبال‌کننده‌ها هست.

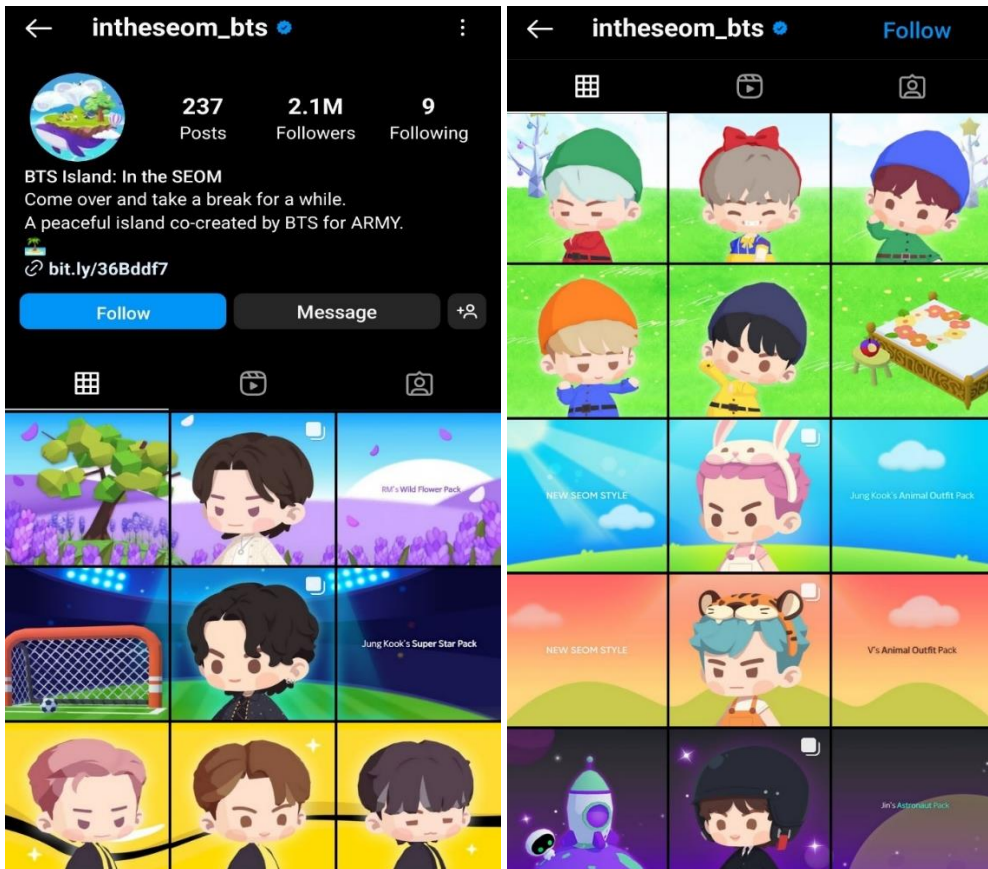
- با توجه به این که گفتید داخل یک جهان پر از آرامش و صلح زندگی می‌کنن، یک مقدار آرمان‌گرایی هم داره.

همین‌طور اصلاً برای بیو^۱ پیج هم نوشتن که یک جزیره پر از آرامش و صلح که توسط بی‌تی‌اس برای طرفدارها ساخته شده و بعدش هم گفته بیاید برای استراحت یه کم نگاه کنید پست‌ها رو. هدف خیلی بزرگی هست با توجه به تنش‌هایی که سر کوچک‌ترین مسأله در جهان به وجود میاد، اما خب یک روزه نمیشه بهش رسید و باید زمان زیادی صرف رسیدن بهش کرد. فک می‌کنم همین کارهای خیلی کوچیک بتونن در آینده زمینه ساز تغییرهای بزرگ بشن.

- نشانی این صفحه رو هم اگر برای من بفرستید، ممنون میشم.

همین بی‌تی‌اس آیلند رو؟ حتماً براتون میفرستم.

- خیلی ممنونم.



¹- Bio

یه چیزی می‌شه من از خودم بگم؟ ارتباطی به سوال قبلی نداره.

- بله حتماً، بفرمایید.

یه چیزی که باعث جذب شدن به بی‌تی‌اس می‌شه و من خودم هم توی فن پیچ‌ها خندم و یا از دوستانم که این گروه رو دنبال می‌کنن شنیدم، اینه که از صفر شروع کردن و با تلاش رسیدن به اینجا. اولش یه گروه توی یه کمپانی ورشکسته درست می‌شه که هفت نفر توی یک اتاق می‌خوابیدن حتی برای کنسرت‌هاشون باید می‌رفتن توی خیابون خودشون تبلیغ می‌کردن این جالبه برام که با تلاش به جایی که هستن رسیدن. ولی بعضیا فک می‌کنن، این هفت نفر وارد کمپانی شدن دیگه فقط باید متمرکز می‌شدن روی تمرین‌های رقص و موسیقی، ولی اصلاً این طوری نیست.

- این میزان از تلاش و سختی فقط برای بی‌تی‌اس بوده یا افراد و گروه‌های دیگر کی‌پاپ هم تجربه‌اش رو داشتن؟

خب بستگی داره به کمپانی که آیدول‌ها باهاشون کار می‌کنن، البته اول افراد معمولی هستن و بعدش آیدول می‌شن. بعضی از کمپانی‌ها مثلاً اوضاع مالی خیلی خوبی دارن و از همون اول خیلی خوب این‌ها رو حمایت می‌کنن. از طرف دیگه، میزان شهرت بی‌تی‌اس با گروه دیگه‌ای قابل مقایسه نیست و تقریباً همه پذیرفتن که مشهورترین و بهترین گروه موسیقی جهان هست، یعنی از هیچ رسیدن به همه چیز.

- در منابع ذکر شده که بی‌تی‌اس بهترین گروه جهان هست؟

بله خبرگزاری‌های مختلف بین‌المللی هستن که این رو گفتن مثلاً بیل‌بورد رو درست یادم هست که اون‌ها رو بهترین دونست. علاوه بر بیل‌بورد منابع دیگری هم هستن^۱.

^۱ - گروه بی‌تی‌اس در سال ۲۰۲۱ رکوردهای فراوانی را شکست. این گروه موسیقی پاپ کره‌ای در مجموع ۲۵ رکورد گینس را در زمینه‌های موسیقی، رسانه‌های اجتماعی، تعداد جایزه‌های صنعت سرگرمی و جوایز فرهنگی شکسته است. برخی از این موارد، با استناد به سایت گینس، به قرار زیر هستند:

- بیش‌ترین هفته حضور در صدر فهرست Hot 100 در ایالات متحده به عنوان ترانه پاپ کره‌ای،

- بیش‌ترین هفته در صدر فهرست Digital Song Sales،

- بیش‌ترین تعداد جایزه برگزیده کودکان نیکلودین،

- بیش‌ترین اجرای گروهی گوش داده شده در Spotify،

- سریع‌ترین زمان به دست آوردن یک میلیون دنبال کننده در اینستاگرام،

- سریع‌ترین زمان به دست آوردن ده میلیون دنبال کننده در اینستاگرام،

- بیش‌ترین تعداد دنبال کننده در اینستاگرام برای یک گروه موسیقی،

- پرفروش‌ترین آلبوم در کره جنوبی.

- بسیار خب. سوال بعدی من در مورد فن‌فیکشن‌ها هست، نظرتون چیه خودتون دنبال می‌کنید فیکشن‌ها رو؟

از نظر من خیلی بی‌ربطه، چون واقعاً ربطی به گروه نداره، اگر که یک آدمی بیاد همچین چیزی رو بنویسه پای گروه نوشته نمی‌شه، حتی خود اعضاء هم چندبار اعلام کردن که از این کار خوششون نمیداد، اما متأسفانه هستن یک‌سری فیکشن‌هایی که با اسامی بی‌تی‌اس یا گروه‌های دیگه کی‌پاپ نوشته می‌شن. - شما این فعالیت فن‌ها رو نمی‌پسندید، درسته؟

نه، اصلاً من دوست ندارم و دنبال هم نمی‌کنم، چون ارتباطی با گروه ندارن و همون طور که گفتم خود اعضاء هم چندین بار اعلام کردن که این کار رو اصلاً دوست ندارن چون بعضی از فیکشن‌ها مثلاً توهین‌آمیز هستن و اصلاً جدای از این‌ها فیکشن هستن، یعنی خیالی هستن و به نظر من ارزش خونده شدن رو ندارن، اما بعضی از افراد می‌نویسن این‌ها رو.

شما گفتی جبهه‌نگرفتی درباره‌ی این گروه، ولی این سوالاً دقیقاً شبیه آدمیه که می‌خواد ثابت کنه این کار غلطه. البته در هر صورت من کمک می‌کنم.

- خیر فکر می‌کنم نوع بیان من بد بود و باعث ایجاد سوءتفاهم شد. این چنین نیست من جبهه‌گیری کرده باشم، اما فعالیت فن‌ها واقعاً زیاد هست که فقط یکی از اون فعالیت‌ها فن‌فیکشن‌ها هستن. اما همون طور که شما گفتید، فن‌فیکشن‌ها ارتباط مستقیمی واقعاً با گروه ندارن و فقط مربوط به فن‌ها هستن.



درسته.

- صرفاً خواستم نظر شما رو در این موضوع بدونم که شما اون کار رو نمی‌پسندید. ببینید می‌دونم که فیکشن‌های زیادی هست که از چهارچوب‌ها رد شدن، اصلاً همین مورد شاید باعث می‌شه که حتی اعضای گروه هم اعلام نارضایتی کنن و دوست نداشته باشن که این طور داستان‌ها ادامه پیدا کنه. من هم به این داستان‌ها علاقه ندارم و ترجیح شخصی که دارم، خوندن کتاب مفیدتری هستش تا رمان و فیکشن.

- من با شخص دیگری صحبت می‌کردم که طبق نظر شخصی خودشون گفتن، معمولاً نوشتن فیکشن‌ها برای سرگرمی هست. شخصی که فیکشن می‌نویسه هم خودش رو سرگرم می‌کنه و هم افرادی رو که فیکشن‌ها رو می‌خونن. نظر شما در مورد هدف نوشتن فیکشن‌ها چی هست؟

به نظرم تا حد زیادی درست هست که برای سرگرمی این داستان‌ها رو می‌نویسن، ولی از نظر من می‌تونیم یک گروه دیگه هم داشته باشیم از افرادی که علاقه‌مند به نوشتن هستن. شاید تعدادی از فیکشن‌ها هم هستن که از نبود امکانات برای نویسنده جوان نشأت می‌گیره. اما امکانات و حمایت‌های مورد نیاز اگر وجود نداشته باشه، قطعاً نویسنده‌های جوان زیادی داریم با قلم‌های زیبا که وارد نوشتن داستان‌هایی از این قبیل می‌شن. - نوشتن فیکشن‌ها می‌تونه کمکی کنه به افرادی که توانمندی خوبی در نوشتن دارن، یعنی ممکنه باعث شهرت نویسنده و ارزش دادن به فیکشن‌هایی که نوشته بشه؟

راه خیلی سختی هست، مخصوصاً وقتی اعضای یک گروه میان نارضایتی خودشون رو از فیکشن‌ها ابراز می‌کنن. اما بعضی از گروه‌های دیگه همچین صحبتی نکردن، فیکشن‌ها رو تأیید نکردن، اما رد هم نکردن، برای همین هنوز امیدی هست. ضمن این که از بین همین فیکشن‌ها کتاب هم نوشته شده. - چه کتابی هست؟

ببینید فیلم افتر^۱ از روی فیکشن ساخته شده. یه دختر رمانی می‌نویسه با همین مضمون با اسم یکی از افراد وان دایرکشن^۲ اگر اشتباه نکنم هری، مطمئن نیستم، اما کتابش با حمایت چاپ می‌شه و حتی فیلم هم می‌شه. اون دختر هم از وان دایرکشن استفاده کرد و شروع کرد به نوشتن و در نهایت کتاب شد و چاپش هم کرد.

^۱- افتر After یک فیلم درام و رمانتیک محصول سال ۲۰۱۹ به کارگردانی جنی گیج و نویسندگی سوزان مک مارتین، تامارا چستنا و گیج است. این فیلم برگرفته از کتابی با همین نام است که در سال ۲۰۱۴ از آنا تاد منتشر شد. جوزفین لانگفورد در نقش تسا یانگ ظاهر می‌شود که در دانشگاه رابطه‌ای آشفته را با پسری به نام هاردین اسکات با بازی هیرو فاینس تیفین آغاز می‌کند (Wikipedia).

^۲- وان دایرکشن One Direction گروهی پاپ انگلیسی-ایرلندی است که در لندن، انگلستان در سال ۲۰۱۰ تشکیل شد. این گروه از نایل هوران، لیام پین، هری استایلز و لوئیس تاملینسون تشکیل شده‌است؛ عضو سابق گروه زین مالیک در سال ۲۰۱۵ از گروه جدا شد.



- به نظر شما میزان تأثیرگذاری بی‌تی‌اس چه قدر هست؟
من زیاد خودم رو طرفدار نمی‌دونم، خیلی معمولی اما علاقه‌ی شدید به این گروه رو توی دوستانم دیدم، مثل استریم^۱ زدن‌های پشت سرهم، خرید آلبوم به دلار برای حمایت و چیزهای دیگه از این قبیل. به خاطر همین می‌گم اثرگذاری و جذب‌شون به شدت بالاست.
- معمولاً آلبوم‌ها رو چه طور خریداری می‌کنن؟
چون خودم نخریدم دقیق نمی‌دونم چه طور هست، ولی از آنلاین شاپ‌ها می‌خرن.
- استریم کردن‌ها به چه شکلی هستن؟
وقتی که بی‌تی‌اس یه آهنگ جدید می‌ده بیرون، طرفدارها اون آهنگ رو حمایت می‌کنن داخل پلتفرم^۲های مختلف مثلاً یوتوب^۳، اسپاتیفای^۴ و سوندکلود^۵ هر کدوم از طرفدارا چندبار آهنگ رو گوش می‌دن تا تعداد ویو^۶ها بالا بره. البته فقط هم آهنگ‌ها نیستن، کلاً در مورد هر چیزی می‌تونه باشه، مثلاً وقتی که توی توئیتر یا اینستا پست می‌ذارن، هوادارها می‌رن لایک و کامنت می‌ذارن که مثلاً رکورد لایک و کامنت برای بی‌تی‌اس

1- Stream

2- Platform

3- You Tube

4- Spotify

5- Sound cloud

6- View

بشه. لایو^۱ هم همین طور. در مورد تمام محتواهایی که گروه به اشتراک می‌ذاره، این استریم کردن‌ها وجود داره.

- این حمایت‌ها در نهایت چه هدفی دارن؟

برای گروه منافع زیادی داره. شما فرض کنید رکوردهایی که به اسم گروه ثبت می‌شه باعث شهرت بیشتر اون‌ها می‌شه. حمایت تو پلتفرم‌ها هم از لحاظ مالی خیلی برای گروه سود داره، مخصوصاً یوتیوب. ویدیوهایی که چند صد هزارتا بار دیده می‌شن، سود خوبی برای تولیدکننده‌های اون ویدیوها دارن چه برسه به ویدیوهایی که چند صد میلیون بازدید دارن. البته برای بعضیا مثل امینم حتی به دو میلیارد هم می‌رسه. هم شهرت هم ثروت رو باهم مباره و خب اسمش هم روش هست حمایت کردن. وقتی که گروه حمایت بشه راه خودش رو جدی‌تر ادامه می‌ده از این لحاظ که توقع طرفدارها رو برآورده کنن.

- استریم کردن‌ها خودجوش هست یا گروه، طرفدارها رو تشویق به انجامش می‌کنه؟

طرفدارا از علاقه‌شون دارن این کار رو می‌کنن، اما فن پیچ‌ها هم هدف‌گذاری می‌کنن، ولی خود گروه تو صفحه‌های رسمی که داره، اصلاً هوادارها رو تشویق به انجام این کار نمی‌کنه. فقط بی‌تی‌اس هم نیست گروه‌ها یا افراد مشهور اگر این کار رو انجام بدن براشون اصلاً خوب نیست، چون اگر طرفدار به اندازه کافی داشته باشه، دیگه نیازی نیست برای گرفتن ویوی بیش‌تر بیان درخواست کنن از طرفداراشون.

- تأثیرگذاری گروه در مورد سبک لباس و به طور کلی ظاهر اعضای گروه چه قدر هست؟ افراد از اون‌ها الگوبرداری می‌کنن؟

توی هر کشوری استانداردهای زیبایی متفاوت و می‌تونید از یوتیوب معیارهای زیبایی هر کشور رو ببینید. در کره‌ی جنوبی معیار زیبایی زن‌ها سفید بودن و لاغر بودن با پاهای کشیده هست، برای مردها یک مقداری عضلانی بودن، پوست صاف و خط چشم هست. از این بگذریم چندین ویدیو از افراد کره‌ای که این رو تأیید کردن هم هست.

یکی از مردهای کره‌ای توضیح می‌ده که رقابت توی پیدا کردن کار به شدت بالاست، تقریباً افراد توانمند هم زیاد هست در نتیجه وقتی دو فرد با توانایی یک‌سان برای کار کردن برای مصاحبه بیان فردی که زیباتره رو انتخاب می‌کنن، به خاطر همین مردها آرایش می‌کنن.

- اون جور که متوجه شدم آرایش کردن جزو چهارچوب‌های زیبایی این کشور هست و این زیبایی و آراسته بودن در برخی از موارد به نفع‌شون هم هست.

بله، همین طور هست. ضمن این که سلبریتی هر کشوری توی چهارچوب استانداردهای زیبایی اون کشور هست و براساس ملاک‌های زیبایی همون کشور سنجیده می‌شه. پس آرایش کردن یا رنگ کردن موهاشون و با لباس‌های رنگی به اصطلاح دخترانه هر چند اصطلاحاً اشتباهه (با تأکید) اما کاملاً توی اون کشور عادی هست.

¹- Live

خب در واقع این گروه توی اون کشور زندگی می‌کنه و برای اون مردم آهنگ می‌سازه و بعد جهانی می‌شه، پس این طور لباس پوشیدن و ظاهر شاید تو کشور ما عجیب باشه، ولی توی کشور خودش ملاک زیبایی به حساب میاد.

- همین که قسمتی از فرهنگش هست رو در نظر بگیریم. اگر این فرهنگ پسندیده بشه، به کشورها و مناطق دیگه هم صادر می‌شه. از نظر شما اون قدر اثرگذار هست که ازش تقلید بشه؟

بله. تأثیرگذار هست، اما چه مشکلی داره، اگر یکی بخواد نوع لباس و پوشش رو خودش انتخاب کنه، من تاحالا ندیدم روی لباسی نوشته باشه زنونه یا مردونه یا همچنین رنگ. این خود ماییم که داریم برچسب زنونه یا مردونه می‌دیم بهشون. در کل اثرگذار هست، اگر فردی اون نوع پوشش رو دوست داشته باشه و بخواد آزادانه و جسورانه علاقه‌اش رو توی فشن دنبال کنه، خیلی بهتر از این هست که صرفاً دنباله روی حرف بقیه باشه.

- برخی می‌گن بی‌تی‌اس به صورت مستقیم و غیرمستقیم، غالباً غیرمستقیم به دنبال ترویج جنسیت‌زدایی از پوشش و آرایش هست. از نظر شما هدف گروه این هست؟

بله من هم این رو شنیدم، ولی واقعاً نمی‌دونم هدف گروه ترویج دادن این مورد هست یا نه، اما اگر هم باشه به نظر خیلی طبیعی هست. برای این که الآن در دنیا اگر کشوری بخواد بگه من قدرتمند هستم، یکی از عوامل مهم می‌تونه فرهنگ باشه. کشور خودمون هم دنبال صادر کردن فرهنگش هست.

هر کشوری اگر بتونه فرهنگ خودش رو صادر کنه به نظرم دریغ نمی‌کنه و این کار رو انجام می‌ده. آرایش کردن پسرهای کره‌ای کاملاً طبیعی هست، البته بهتره بگیم برای شرقی‌ها. این که فرهنگ یک کشور صادر بشه برای کشورهای دیگه ممکنه خوشایند نباشه، اما برای کشور مبداء خیلی هم خوبه.



- در مورد دیدگاه‌های همجنس‌گرایانه که پیرامون گروه وجود داره، چه نظری دارید؟

این که اعضاء همجنس‌گرا هستن یا همجنس‌گرایی رو ترویج می‌دن؟

- با توجه به مواردی که بقیه می‌گن شایعات درباره‌ی هر دو مورد هست. اگر نظر خودتون رو در مورد هر دو بگید، خیلی خوب هست.

من به شخصه مشکلی با همجنس‌گرایی ندارم، حالا یه سری می‌گن ترویج می‌دن این قضیه رو. تاحالا حمایت کردن از این افراد، اما نگفتن عضوی از این جامعه هستن یا نه.

پس من نمی‌تونم بگم که اینا ترویج می‌دن یا نه و نظر من درباره‌اش چیه، وقتی اصلاً بحثی از این نشده. درسته یه سری‌ها اینا رو به قول ما شیب می‌کنن باهم، ولی خودشون این رو تأیید نکردن. من حمایت‌شون رو انکار نمی‌کنم، چون بارها خیلی مستقیم حمایت کردن مثل خیلی از گروه‌های دیگه و یا خواننده‌های دیگه کی پاپ.

- پس حمایت‌هایی از افرادی که هم‌جنس‌گرا هستن، داشتن، ولی این که خودشون هم‌جنس‌گرا هستن رو تأیید و یا تکذیب نکردن.

بله، در مورد خودشون حرفی نزدن، ولی حمایت کردن از این قشر جامعه. علاوه بر بی‌تی‌اس افراد و گروه‌های دیگری هم حمایت‌های خودشون رو نشون دادن، یعنی فقط بی‌تی‌اس نیست که این کار رو انجام می‌ده و فعالان دیگه‌ای هم در کی پاپ هستن که این کار رو انجام می‌دن. - عده ای می‌گن بی‌تی‌اس به دنبال عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه هست. ارزیابی شما از این کار چه طور هست؟

همون طور که گفتم من با این قضیه مشکلی ندارم، نمی‌دونم می‌تونیم اسمش رو عادی‌سازی بذاریم یا نه، من بیش‌تر حمایت کردن تلقی می‌کنم. از یک جهت می‌تونه عادی‌سازی باشه. ترویج دادن روابط هم‌جنس‌گرایانه یعنی تشویق کردن دیگران به این که بیان و هم‌جنس‌گرا بشن. فارغ از این بحث ترویج کردن یعنی گسترش دادن، بی‌تی‌اس تاحالا به دنبال ترویج این مورد نبوده.

عادی‌سازی هم مربوط به دیدگاه‌هایی هست که به هم‌جنس‌گراها وجود داره. من امریکنز گات تلنت^۱ رو می‌دیدم، یه پسر نوجوون به عنوان خواننده تو مسابقه شرکت کرده بود و وقتی خودش رو معرفی می‌کرد گفتش که هم‌جنس‌گرا هست و به خاطر همین خانواده‌اش اون رو از خونه بیرون کردن و کلاً طرد شده و از هیچ حمایتی از طرف خانواده برخوردار نیست.

دیدگاه‌ها تا این حد منفی هستن. بی‌تی‌اس و بقیه گروه‌ها و افراد به دنبال این هستن که یک مقدار از این دیدگاه‌ها تعدیل بشه، من این عادی‌سازی رو خوب تلقی می‌کنم و موافقش هستم، اما ترویج هم‌جنس‌گرایی رو نمی‌پذیرم و بی‌تی‌اس هم تا به حال این کار رو انجام نداده.

- در مورد این صحبت کردید که اعضای گروه هم‌جنس‌گرا بودن خودشون رو تأیید و یا رد نکردن. بله تاحالا هیچ کدوم از بین این هفت نفر در مورد این موضوع حرفی نزده. - این که یک نفر از گرایش جنسی خودش حرفی نمی‌زنه خب معقول و منطقی هست، چون جزو شخصی‌ترین مسایل فرد هست. اما وقتی یک فرد در معرض این قرار می‌گیره که بهش بگن هم‌جنس‌گرا، اون هم با دیدگاه‌های غالباً منفی که شما هم عرض کردید، به نظر شما چرا سکوت می‌کنه و تأیید یا تکذیب نمی‌کنه؟

^۱- امریکن گات تلنت Americas got talent نام سری مجموعه مسابقه استعدادیابی است که از شبکه ان‌بی‌سی آمریکا پخش می‌شود. استعدادهای خوانندگان، رقاصان، شعبده‌بازان، آکروبات‌بازان، کمدین‌ها، نوازندگان و در کل هر استعداد نمایشی شگفت‌انگیز در تمام سنین می‌توانند در آن شرکت کنند. شرکت‌کنندگان با یکدیگر برای بردن جایزه بزرگ ۱ میلیون دلاری رقابت می‌کنند. سایمون کاول سازنده این برنامه است. (NBC, september 2016)

این جزو یکی از مواردی هست که تصمیمش با گروه نیست و کمپانی تصمیمش رو گرفته. ببینید کمپانی‌ها دنبال منفعت خودشون هستن. اگر هر گروه و یا فردی هم‌جنس‌گرا بودن یا نبودن خودش رو تأیید کنه، احتمال بسیار بالا، تعدادی از دنبال کننده‌های خودش رو از دست می‌ده و کمپانی حاضر نیست ضرر کنه، پس به خواننده‌های خودش اجازه بیان حقیقت رو نمی‌ده.

- چون ممکن هست که دنبال کننده‌هاشون رو از دست بدن؟

اگر بگن آره، ما هم‌جنس‌گرا هستیم با وجود اون دیدگاه‌های منفی که گفتیم قطعاً طرفدارهاشون کم می‌شه. اگر هم بگن نه ما هم‌جنس‌گرا نیستیم، باز هم بازخوردهای منفی دیگه‌ای براشون به همراه داره از طرف افرادی که هم‌جنس‌گرا هستن.

- در مورد شپ کردن اعضای گروه که گفتید، می‌شه کمی بیش‌تر توضیح بدید.

شپ کردن یعنی مرتبط کردن دیگران به هم. مثلاً توی دانشگاه یه دختر و پسر ممکنه باهم ارتباط دوستانه خیلی خوبی داشته باشن. بقیه که این دو نفر رو از بیرون نگاه می‌کنن و نمی‌دونن چه نوع رابطه‌ای بین‌شون وجود داره، می‌گن این دو نفر همدیگه رو دوست دارن، در حالی که رابطشون دوستانه هست نه عاشقانه.

برخی از هوادارها اعضای گروه رو هم مثل همین موردی که براتون گفتم، به همدیگه مرتبط می‌کنن. ولی فقط بین اعضای گروه نیست کسانی که این هفت نفر رو بهم شپ می‌کنن به نظرشون اینا هم‌جنس‌گرا هستن، ولی خیلی از شپ شدن‌ها مربوط به یکی از این‌ها با یک نفر دیگه هست که اتفاقاً دختر هم هست.

- هدف خاصی برای شپ کردن افراد وجود داره؟ من از فرد دیگری پرسیدم نظرش این بود که بیش‌تر برای سرگرمی این کار رو انجام می‌دن.

راستش نظر درستی نمی‌تونم در موردش بدم، ولی احتمالاً بیش‌تر برای همون سرگرم کردن خودشون هست. مثلاً می‌گن لیسا اگر با جونگ‌کوک باشه، خیلی خوبه، البته این مثال الکی هست، این دوتا رو باهم شپ نکردن لیسا جزو گروه بلک پینک هست. مثلاً می‌گن این دوتا اگر شپ بشن، خیلی خوبه، جفت‌شون خوشگل ان و از این طور دلایل میارن برای شپ کردن.



این قضیه شپ کردن اصلاً از بی‌تی‌اس شروع نشد قبل‌تر با گروه وان دایرکشن بوده ولی خب بعدش بیش‌تر شد و به بی‌تی‌اس هم رسید.

- طبق صحبت‌هایی که در مورد گرایش جنسی داشتیم، شما گفتید که اعضای گروه اجازه تأیید و یا رد اون شایعات رو ندارن و تصمیم‌گیری در مورد این موضوع به عهده کمپانی هست. آره، همین طوره.

- این محدودیت از کجا داره میاد و چه طور کمپانی این اختیار رو داره؟ آیدول‌ها با کمپانی‌ها قرارداد دارن و هر قراردادی هم خب محدودیت‌هایی رو به وجود میاره در هر شغلی. وارد شدن به کی پاپ هم محدودیت‌های خاص خودش رو داره و یکی از اون محدودیت‌ها هم همین هست که در مورد علتش هم صحبت کردیم. - بله به خاطر منافعی که وجود داره، این اتفاق می‌افته. محدودیت‌هاشون به همین جا ختم می‌شه یا باز هم وجود داره؟

کلاً سیستم کره جنوبی برای سلبریتی‌هاش متفاوت و سخت‌گیرانه هست. چه بازیگر چه سولو آرتیست^۱ گروه، همه این‌ها تحت حمایت کمپانی خاص هستند و فوق‌العاده سخت‌گیری‌ها و قوانین زیادی هست برای این‌ها. مردم‌شون هم نسبت به سلبریتی‌ها سخت‌گیر هستند، اون قدری که اگر یه خطای کوچیک انجام بدن یا باید معذرت‌خواهی رسمی بکنن و یا بعضی مواقع برخورد‌ها شدیدتر هم در انتظارشان هست.

- این نوع رفتار فقط مربوط به سلبریتی‌های هنرمند هست و یا در عرصه‌های دیگه کشور هم وجود داره؟ کلاً مربوط به اشخاص مشهور و یا مهم کشور تو زمینه‌های مختلف مثل هنر، ورزش و سیاست هست. افراد خیلی باید مراقب باشن که کار اشتباهی انجام ندن یا حرف اشتباهی نزن. البته فقط مربوط به کره نیست، کلاً بین شرقی‌ها زیاد هست مثلاً کره شمالی و ژاپن هم همین طور هستن. کلاً افرادی که تو یک کشور به جایگاه خوبی می‌رسن توجه‌ها بهشون جلب می‌شه و انتظارات زیادی نسبت به اون‌ها وجود داره، ولی خب بین کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها بیش‌تر هست.

- می‌تونید موردی رو بگید که خطایی از یک فرد مشهور و مهم سر زده و بعد چه واکنشی بهش نشون داده شده؟

بله مورد زیاد هست، ببینید تاحالا من خودم توی خبرها زیاد شنیدم که مثلاً یه وزیر استعفا داد به خاطر یه مشکلی که چندان هم بزرگ نبود. من خودم مثلاً می‌گفتم که استعفاء دادن یعنی فرار کردن و راحت‌ترین کار هست. اگر یک نفر توانمند، باید ب نمونه و مشکل رو حل کنه، ولی این هم جزوی از برخوردهای اون‌ها هست یا مثلاً در حوزه ورزش، وقتی که تیم ملی کره حالا تو هر رشته ورزشی که هست وقتی که تا یه جاهایی خوب نتیجه می‌گیرن ولی در آخر به مقام و رتبه خوبی نمی‌رسن، خیلی زود عذر خواهی می‌کنن یا استعفا می‌دن چون واکنش‌های تندی در انتظارشون هست.

- در حوزه کی پاپ هم مثالی رو به خاطر دارید که بزنیند؟ توی حوزه کی پاپ، قرار گذاشتن آیدول‌ها ممنوعه، برای مثال خیلی از خواننده‌ها به این دلیل از گروه حذف شدن و به کلی کنار گذاشته شدن که واقعاً برای یک هنرمند سخت هست. یعنی منبع کسب درآمد خودش رو

¹- Solo artist

تا حد خیلی زیادی از دست می‌ده و از شهرتش هم کم می‌شه. همون طور هم که گفتم از طرف مردم هم با رفتارهایی مواجه می‌شن که شرایط رو براشون سخت‌تر می‌کنه.
- با توجه به محدودیت‌هایی که برای ستاره‌ها وجود داره، اعتراضی برای کم‌تر شدن سخت‌گیری‌ها صورت نمی‌گیره؟

با توجه به این که مردم کره خودشون این شرایط رو برای سلبریتی‌هاشون سخت‌تر می‌کنن، نه واقعاً اعتراض پیوسته و تأثیرگذاری داخل خود کره انجام نشده.
اما وقتی صنعت موسیقی کره جهانی شد، طرفدارهای اینترنت‌شنال اعتراض کردن، اما به هر حال اون‌ها توی کره زندگی می‌کنند و باید طبق قوانینی که در این کشور وجود داره زندگی کنن.



یکی دیگه از محدودیت‌ها برای گروه‌هایی که شامل دختر و پسر هستن، اینه که حتی غذاخوری‌هاشون هم جدا هست.

همیشه باید توی وزن خاصی باشن و هر هفته وزن می‌شن. من گزارش‌هایی رو خونده بودم که وقتی وزن این‌ها رو بررسی می‌کنن، حتی اگر تغییرهای کوچیک وجود داشته باشه، باهاشون برخورد بدی می‌کنن و حرف‌های زشتی می‌زنن بهشون و سر مسایل کوچیک مثل همون قرار گذاشتن‌ها کنار گذاشته می‌شن.
- مثلاً بعد از این که اون ستاره کنار گذاشته شد، کمپانی علت رو هم بیان می‌کنه؟ چون اون فرد طرفداران زیادی هم داره.

آره معمولاً می‌گن، اما طوری که کمپانی جلوه بدی پیدا نکنه و معمولاً این طور خبرها سر بسته اعلام می‌شن تا به این صنعت آسیبی وارد نشه.

واقعاً می‌تونیم بگیم که برای کمپانی، منافع در اولویت قرار می‌گیره و کمپانی‌ها حاضر هستن تا جای ممکن تلاش کنن سود بیش‌تری به دست بیان.

نوع رفتار کمپانی واقعاً با آیدول‌ها (با تأکید) نامناسب هست و کسی نمی‌تونه منکر این بشه اجرایی که بی‌تی‌اس تو ژاپن داشت رو همه یادشون هست که پای جیمین وسط اجرا آسیب دید. این قدر اجراها سخت

هستن که با وجود تمرین زیاد باز هم احتمال آسیب دیدگی تا حد بالایی وجود داره. با این که جیمین آسیب دید، ولی تمام اجرا رو با پای آسیب دیده ادامه داد و تحت هیچ شرایطی نباید اجرا متوقف می‌شد.



- این عدم توقف در اجرا می‌تونه آسیب شدیدتری رو برای ستاره ایجاد کنه؟
درسته، اما کارگردان‌ها به هیچ وجه این اجازه رو نمی‌دن برای این که اجرا از بین می‌ره و نمی‌شه ادامه داد. بعد مورد قابل توجه دیگه‌ای هم وجود داره، معمولاً کمپانی و مدیر برنامه‌ها سعی می‌کنن آسیب‌ها و اتفاقاتی که به این صورت رخ می‌ده رو به صورت خیلی ناچیز به مردم اطلاع بدن. وقتی که سه نفر از اعضای اکسو از این گروه جدا شدن یک نفرشون داخل یکی از مصاحبه‌هایی که داشت این موارد رو گفت.

- ستاره‌ها برای این که ظاهر خوب و جذابی داشته باشن چه کارهایی انجام می‌دن؟
خیلی کارها انجام می‌دن (باخته). ببینید اون قدر به خودشون می‌رسن و باید برسن، چون کمپانی نظارت خیلی زیادی روی افرادش داره. اون قدر به خودشون می‌رسن باید کارهایی رو که انجام می‌دن رو طبقه‌بندی کرد.

- این طبقه‌بندی دقیقاً چه طور هست؟
یعنی کارهایی که انجام می‌دن برای وزن مناسب جدا هست. کارهایی که انجام می‌دن برای داشتن پوست خیلی خوب و کارهایی که انجام می‌دن برای داشتن موهای خیلی خوب هم جدا هست و هر کدوم از این‌ها شامل چندین مراقبت هست. اگر بخواید براتون می‌گم ولی زیاده‌ها (باخته).
- اگر همه رو بگید خیلی هم خوب هست. بفرمایید حتماً.

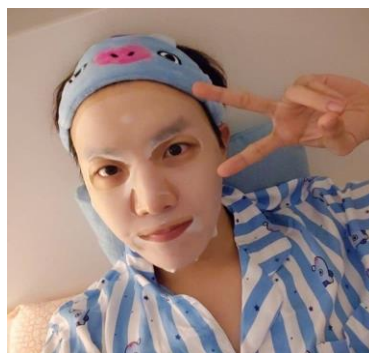
اول کدومش رو بگم؟
- هر کدوم که دوست دارید رو بگید می‌خواید به همون ترتیبی که گفتید توضیح بدید یعنی برای وزن مناسب چه کارهایی انجام می‌دن؟

باشه از همون شروع می‌کنم. خب چند دقیقه پیش هم گفتم که وزن آیدول‌ها خیلی مهمه و هر هفته چک می‌شن و نیم کیلو بالا و پایین بودن هم اهمیت داره برای کمپانی‌ها.

رژیم‌های غذایی ثابت و طولانی مدت برای این‌ها وجود دارد و پایبند هم باید بهش باشن وگرنه قوانین رو اجرا نکردن و برخلاف قوانین هست. البته به نظرم نمی‌شه رژیم رو اجرا نکرد، چون براشون غذا رو آماده می‌کنن و مقدار و کم و کیفش همه مشخص هست. مورد بعدی هم ورزش هست، چون رژیم غذایی وزن فرد رو خوب و با ثبات می‌کنه، ولی بدن زیبا و خوش فرم علاوه بر رژیم غذایی ورزش رو هم نیاز داره.



- بسیار خوب. برای داشتن پوست خوب هم گفتید که کارهای مختلفی انجام می‌دهند. مراقبت‌های پوستی که دارن خیلی ویژه هست. آیدول‌ها گریم و میکاپ دارن، هم پسرها هم دخترها تفاوتی نداره موقع اجراهای صحنه‌ای معمولاً میکاپ دارن و این‌ها مواد شیمیایی هستن دیگه. طولانی مدت هم باعث آسیب رسیدن به پوست می‌شه، اون هم میکاپ‌های سنگین و خیلی زیاد، برای همین مراقبت پوستی آیدول‌ها خیلی مهمه و جزییات زیادی داره. از ماسک‌های صورت استفاده می‌کنن و ماسک‌هایی که جزو بهترین برندهای دنیا هستن و واقعاً باعث مراقبت از پوست می‌شن. بین اعضای بی‌تی‌اس به جین می‌گن عشق ماسک (باخنده) چون توی چندتا لایو که برقرار کردن، جین روی صورتش ماسک بوده.



- اعلام می‌کنن که از این ماسک‌ها استفاده می‌کنند؟

آره چون توی لایوهاشون اصلاً تعداد خیلی زیادی پرسیدن که چه طوره این قدر پوست خوبی دارید، با وجود این که میکاپ هم می‌کنید. چون میکاپ باعث آکنه می‌شه و باید حتماً بهش رسیدگی بشه. یه مورد دیگه یادم اومد که خیلی ویژه هست. (باخنده) بی‌تی‌اس کنسرت‌های زیادی رو تو کشورهای مختلف اجرا کرده و تورهای مختلفی رو هم داشتن و ساعت زیادی رو باید پرواز کنن تا برسن به کشورهای مختلف. کشورهای مختلف هم آب و هوای متفاوتی دارن و تأثیر زیادی روی پوست می‌ذارن، برای همین همیشه باید وسایل مراقبت‌های پوستی خودشون رو داشته باشن. فک می‌کنم تهیونگ و جیمین هم توی یکی از لایوها در مورد این صحبت کرده بودن.

- و برای موهاشون چه طور؟

برای موهاشون زیاد پیچیده نیست، حداقل به پیچیدگی مراقبت پوستی که دارن نیست، چون موهای خیلی خوب و قشنگی دارن، فقط هم بی‌تی‌اس نیست کلاً چشم بادومی‌ها موهاشون خیلی لخت و قشنگ هست، مثلاً افغانستانی‌ها، کره‌ای‌ها، چینیا و ژاپنیا موهای صاف و قشنگی دارن. بیش‌ترشون رو موهاشون کار خاصی انجام نمی‌دن، ولی خب رنگ می‌کنن و این رنگا هم جزو برندهای خیلی معروف هستن که باعث ریزش یا ضعیف کردن موهاشون نشه و آسیب نرسونه به موهاشون. در مورد رسیدگی کردن به خودشون، من این موارد رو می‌دونستم.

- برای برندهای مختلف ماسک، رنگ مو و یا لوازم‌های آرایشی تبلیغات انجام نمی‌دن؟ راستش چیزی در این مورد نمی‌دونم و می‌ترسم چیزی بگم که اطلاعات غلطی رو به شما داده باشم.





- خیلی هم خوب. از نظر شما طرفداران گروه تحت تأثیر این مراقبت‌های ویژه قرار می‌گیرند تا اون‌ها رو انجام بدهند؟

قطعاً قرار می‌گیرن وگرنه کنجکاوای در مورد مراقبت‌های پوستی یا رژیم‌هاشون وجود نداشت، همون طور که گفتم داخل لایوها از این دسته سوال‌ها پرسیده می‌شه.

- جراحی‌های زیبایی چه طور، انجام می‌دن؟

بعضی وقتا آره، اگر کسی لازم داشته باشه، انجام می‌دن.

- لازم داشتن یا نداشتن رو چه کسی تشخیص می‌ده؟

کمپانی مشخص می‌کنه. طوری که من اطلاع پیدا کردم مربی‌های مختلفی وجود داره برای آموزش. یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن.

- از خود فرد هم نظرخواهی می‌کنن؟

جزو مواردی که داخل قرار داد هست میارن که اگر لازم به جراحی زیبایی باشه، اون فرد باید بپذیره. چون در همون ابتدا پذیرفته، دیگه موقع انجام این طور کارها مدام نظرشون رو نمی‌پرسن.

با این شرایط، اگر مخالف هم باشن چاره‌ای وجود نداره، چون از همون ابتدا در جریان این قضایا هستن.

- ترغیبی از سمت ستاره‌ها وجود نداره برای این که طرفداران هم جراحی زیبایی انجام بدن؟

نه تاحالا من این رو از گروه ندیدم، اما خب افرادی رو در نظر بگیریم که وقتی می‌بینن آیدول مورد علاقه‌شون کار خاصی مثل همین جراحی‌های زیبایی انجام داده باشه، احتمال داره که به انجامش فکر کنن. انجام بدن یا نه رو نمی‌دونم، هر چند بعضی از افراد خیلی شدید دنبال کننده هستن و احتمال انجامش هم وجود داره.

- با توجه به یکی از شعارهای گروه که خودت رو همون طور که هستی دوست داشته باش هست، انجام

این جراحی‌های زیبایی مخالف شعار گروه نیست؟

فرمایش شما درسته اما اختیار این کار به دست آیدول‌ها نیست، اگر بود شاید این کار رو انجام نمی‌دادن.

- در مورد مربی‌های آموزشی می‌شه بیشتر صحبت کنید، این افراد چه مواردی رو آموزش می‌دهند؟

خب این افراد که بعدها آموزش می‌بینن و تبدیل به آیدول می‌شن باید تاحدودی مستعد هم باشن. بعد از این که انتخاب شدن، تو بخش‌های مختلف تمرین می‌بینن.

یکی از تمریناتی که دارن در مورد اجرا هست. تمرین‌های ویژه رقصیدن که واقعاً سخت هست و یک فرد معمولی که هیچ تمرینی ندیده و از شرایط بدنی خوبی برخوردار نیست به هیچ وجه نمی‌تونه اون‌ها رو انجام بده.



تمرین‌های حرفه‌ای موسیقی که هم به صورت تئوری هست و هم نواختن آلات موسیقی رو آموزش می‌بینن. شعر گفتن بیش‌تر ذاتی هست، ولی تمرین می‌شه باعث پیشرفت و بهتر شدن اون بشه که روی این مورد هم کار می‌کنن.

(با کمی مکث) از همون ابتدا انگلیسی رو هم بهشون آموزش می‌دن. برای لباس پوشیدن‌ها و مدل مو هم افراد خاصی رو دارن که براشون لباس‌ها رو انتخاب کنن و به ظاهرشون برسن تا بهترین شرایط رو داشته باشن از لحاظ ظاهر و پوشش.

- به چه علت انگلیسی رو بهشون آموزش می‌دهند؟

برای جذب بیش‌تر طرفدار هست. اگر بی‌تی‌اس فقط بخواد به زبان کره‌ای بخونه، باز هم طرفدار زیاد داره ولی اگر در کنار کره‌ای، انگلیسی هم بخونن، طرفدارهاشون بیش‌تر می‌شه. ضمن این که آهنگ‌های انگلیسی بیش‌تر شنیده می‌شن. افرادی هستن که این زبان رو متوجه نمی‌شن، ولی خب باز هم آهنگ‌های انگلیسی رو گوش می‌دن.

- علاوه بر جذب مخاطب بیش‌تر، امتیاز دیگه‌ای براش وجود نداره؟

(با کمی مکث) یکی از مزایای دیگه یادگرفتن انگلیسی این هست که داخل جشنواره‌های خارجی و یا مجامع بین‌المللی می‌تونن به راحتی صحبت کنن و این خیلی خوب هست و نوعی توانمندی به حساب میاد.

- منظور از مجامع بین‌المللی همون جشنواره‌های موسیقی خارجی هستن؟

جشنواره‌ها یک بخشی از اون هستن و بخش دیگری هم وجود داره مثل یونیسف، سازمان ملل و جنبش‌های مختلف اجتماعی که وجود داره. کاخ سفید هم که رفتن و با بایدن صحبت کردن در ارتباط با همون موضوعی که گفتم، یعنی تبعیض علیه آسیایی تبارها.

- بین گروه‌ها و اعضای کی‌پاپ، مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی معمول هست؟
مسایل اجتماعی آره مثلاً دیدار کردن با بچه‌هایی که بی‌سرپرست هستن و دارن توی پرورشگاه‌ها زندگی می‌کنن. ولی معمولاً وارد مسایل سیاسی نمی‌شن، اما این در مورد بی‌تی‌اس متفاوت هست، چون میزان شهرت بی‌تی‌اس بسیار بیش‌تره. زمانی که رفتن و در سازمان ملل سخنرانی کردن، خودشون هم گفتن که نماینده رئیس‌جمهور کره هستن. ببینید چه قدر این‌ها مهم هستن که رئیس‌جمهور هم توجه ویژه‌ای بهشون داره.
- این حجم از توجه ویژه از کجا داره میاد؟
شهرت بسیار زیاد و تأثیرگذاری گروه می‌تونه باعث این اعتماد بشه که یک گروه هنری وارد یکی از بزرگ‌ترین مجامع سیاسی دنیا که تمام رهبرهای بزرگ در اون حضور دارن می‌شه و سخنرانی هم انجام می‌ده. ضمن این که برای کشوری مثل کره هم اتفاق ویژه و بزرگی هست و می‌تونه بگه من گروه هنری دارم که تا این سطح می‌تونه وارد بشه و مؤثر باشه.



- اگر موافق باشید به کم در مورد ویژگی‌های موسیقی گروه صحبت کنیم.
بله موافقم.
- برای این حجم از طرفداری که بی‌تی‌اس داره، می‌شه علت‌های مختلفی رو در نظر گرفت مثل فعالیت‌های خیریه و اجتماعی، تبلیغات، مد و لباس که در موردشون صحبت کردیم. به نظر شما چه قدر از این طرفدارها رو می‌تونیم بگیم که جذب موسیقی بی‌تی‌اس شدن؟
تعداد زیادی رو می‌تونیم بگیم. از ابتدا که گروه تشکیل شد و کریر^۱ موسیقی رو به شکل جدی شروع کرد، کارهای تبلیغاتی یا فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی اصلاً نداشتن. نمی‌تونستن که داشته باشن، چون کسی این‌ها رو نمی‌شناخت و نمی‌تونستن چندان اثرگذار باشن.

^۱- Career

شهرت گروه باید به حدی برسه که بشه برای انجام چنین کارهایی روشن حساب کرد. برای همین از ابتدای شکل‌گیری گروه به این سمت، تعداد زیادی واقعاً جذب موسیقی و هنر گروه شدن، اما بعضی افراد هم فقط به ظاهر و تبلیغات گروه اهمیت میدن. حتی الآن که از لحاظ هنری گروه موفقیت‌های خیلی زیادی به دست آورده.

- بی‌تی‌اس چه گونه(ژانر)هایی از موسیقی رو پوشش می‌ده؟

این سوال خیلی مهمه. تعداد زیادی به اشتباه می‌گن پاپ و رپ کار می‌کنن، اما این طور نیست. ژانر بی‌تی‌اس هیپ هاپ^۱ هست که با رپ و پاپ تفاوت داره.

- تفاوت بین‌شون رو می‌شه بگید؟

ببینید هیپ هاپ در اصل برمی‌گرده به آمریکا مخصوصاً نیویورک که می‌تونیم بگیم تلفیقی از رپ و پاپه و شاد هم هست. بین اعضا هم شوگا، آر ام و جی هوپ رپر هستن.



- بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگه کی پاپ از لحاظ موسیقی تفاوت داره؟

یه تفاوت خاص داره، اما از لحاظ موسیقی زیاد نمی‌تونیم بگیم. بیش‌تر متن آهنگ‌ها هستن که گروه رو متفاوت کرده نسبت به بقیه گروه‌ها و افراد کی پاپ. متن‌هایی که بی‌تی‌اس داره یه جورایی به هم دیگه وصل هستن و تئوری داره. این آهنگ‌ها دارن از اون تئوری پیروی می‌کنن.

- تئوری اصلی چیه، یه مقدار بیش‌تر توضیح می‌دید؟

هر آهنگ معمولاً تئوری خاص خودش رو داره یعنی داره، در مورد یه موضوع صحبت می‌کنه و ارتباطی بین‌شون وجود نداره. ولی بیگ هیت یه کامیک منتشر کرد که طبق همین تئوری‌ها بود و باعث شد که یه خط داستانی شکل بگیره. بحثش خیلی مفصله (با تأکید و خنده) یه سایت هست که کامل این رو توضیح داده براتون می‌فرستم می‌تونید بخونیدش، ولی انگلیسی هست.

- مشکلی نداره، خیلی هم خوبه، ولی می‌تونید یه خلاصه‌ای ازش رو بگید؟

باشه. ببینید این‌طوری هستش که جین تو یه حادثه‌ای مرده و بقیه اعضا دارن عذاب می‌کشن و خیلی ناراحت هستن از این که جین رو از دست دادن. جین در زمان سفر می‌کنه و دنبال اینه که دوستاش یعنی این شش نفر رو نجات بده ولی عاشق یه دختر می‌شه.

^۱- Hip Hop

خلاصه داستان همین هست، البته یه تئوری اصلی وجود داره و چهارتا مینی تئوری هم هستن. همین داستان‌هایی که وجود داره یه خورده گروه رو متفاوت‌تر کرده از لحاظ متن موسیقی‌ها^۱.

^۱ - تئوری آهنگ‌های بی‌تی‌اس



اگر هر حرف اول آلبوم، Wonder, Her, Tear, Answer را دوباره مرتب کنید، در واقع کلمه "چه" را تشکیل می‌دهد. همان طور که در Fire MV BTS، در صحنه پایانی عبارت "Boy Meets What" را می‌خواند.

نظریه اصلی شماره یک:

جین بر اثر رویدادی که باعث رنج و عذاب شش عضو باقی‌مانده شده است، جان خود را از دست داده است و زندگی آن‌ها را به طرز شدیدی تحت تأثیر قرار داده است. هر بار که جین پیراهن خود را عوض می‌کند، در زمان سفر می‌کند تا شش عضو دیگر را نجات دهد.

jin catches the 6 flowers (6 members)
before they fall= he saves them this
time & the clothes on the chair
represent all the times he failed





نظریه شماره دو:

جین در واقع تنها کسی است که زنده مانده است زیرا همه اعضای دیگر آن‌هایی هستند که مرده اند.



(gif credit: [owner](#))

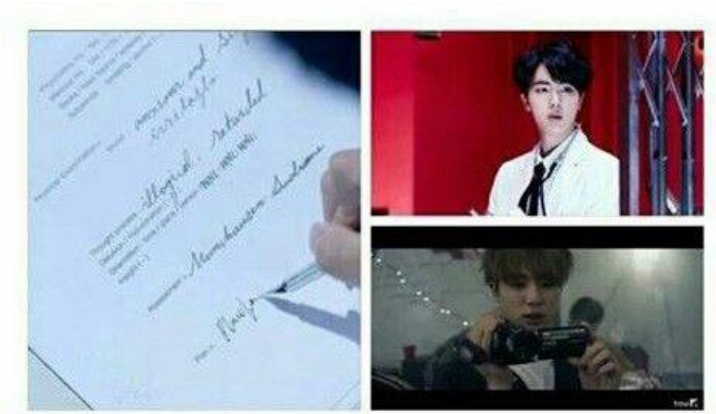
All of the boys are waving goodbye...
except for Jin.

نظریه شماره سه:

همه آن‌ها در یک مؤسسه روانی به نام بیگ هیت هستند و جین در واقع یک پزشک است که از آن‌ها مراقبت می‌کند. به عنوان مثال، در دوپ می‌بینیم که جین کت و شلوار و لباس دکتر را کاملاً پوشیده است. بسیاری از MV، شش عضو

- بین اعضای گروه محبوب‌ترین فرد از نظر شما چه کسی هست؟
من او تی سون^۱ بودم و هستم (باخنده).
- یعنی چی؟

دیگر را نشان می‌دهند که در حال آشفته‌گی هستند در حالی که جین با دقت آن‌ها را از دور تماشا می‌کند و آن‌ها را ضبط می‌کند.



نظریه شماره چهار:

جین همیشه در چند فیلم MV مانند فیلم کوتاه WINGS #7 Awake و در تیزر Fake Love دیده می‌شود. تقریباً مثل این است که شخصی در بیرون دائماً اعضای را از طریق جین تماشا می‌کند و به او می‌گوید که چه بگوید و چه کاری انجام دهد.



به همین ترتیب بسیاری از فیلم‌های کوتاه وینگز اعضای را در یک محیط بسته و یا در یک بیمارستان نشان می‌دهد. در این ویدیوها زندگی روزمره هر عضو را از چشم خودش می‌بینیم. این به این دلیل است که آن‌ها دائماً توسط یک منبع ناشناس تحت نظر هستند...

^۱- OT7

او تی سون مخففه وان ترو سون^۱ می‌شه. یعنی هر هفت نفر رو دوست دارم ولی اگر یک نفر رو از بقیه بیش‌تر دوست داشته باشی می‌شه بایس^۲.

- به نظر شما کدام یکی از اعضاء محبوبیت بیش‌تر داره؟
یکم سخته بگیم کی محبوب‌تره چون از هر کسی بپرسیم جواب متفاوتی رو می‌ده، ولی معمولاً تهیونگ رو بیش‌تر دوست دارن.
- به نظرتون علت خاصی داره؟

می‌تونه جذابیت ظاهری باشه و یا فان بودنش، البته کل گروه این فان بودن رو دارن. مخصوصاً توی لایوها مصاحبه‌هاشون. مثلاً تهیونگ یه مصاحبه‌ای داشت انگلیسی هم داشت حرف می‌زد بعد معلوم نیست چرا هی از حرفای بد استفاده می‌کرد (باخنده) اونم جلوی اون همه دوربین.
فک کنم هی دیده انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها حین صحبت کردن از لغات بد استفاده می‌کنن، گفته لابد زیاد بد نیست پس منم استفاده کنم (باخنده).



- از نظر شما افراد از محبوب‌ترین فرد خودشون تأثیر می‌پذیرند؟
حتماً. من یه دوست دارم که طرفدار بلک پینکه و لیسا بایسش هست، وقتی که لیسا موهایش رو رنگ میکنه اون هم موهایش رو می‌ره رنگ می‌کنه، دقیقاً همون رنگ و مدل. از لحاظ ظاهری تأثیرش واقعاً زیاده، ولی اخلاق و رفتار رو درست نمی‌دونم. بستگی به فرد داره، بعضی از افراد خیلی زود تأثیر می‌گیرن خب روی اون‌ها آره.



¹- One True Seven

²- Biased

- گروه می‌تونه الهام بخش افراد باشه؟

از دو لحاظ می‌تونه. بعضیا هستن که مشکلاتی دارن و حال روحی‌شون تعریف چندانی نداره، مخصوصاً در کشور خودمون و این اوضاعی که برامون ایجاد شده. تا حدی می‌تونه حال این افراد رو خوب کنه، ولی با این همه مشکل، الهام بخش بودنش در این مورد زیاد عمیق نخواهد بود.

برای افرادی که می‌خوان خواننده بشن و یا حتی حرفه‌های دیگه، موسیقی می‌تونه این پیام رو بده که با تلاش می‌شه رشد کرد و بهترین شد.

- بسیار خب آیا موردی هست که در بین سوالات وجود نداشته و خود شما بخواید در موردش صحبت کنید؟

چیز خاصی به نظرم نمیاد (باخنده)

- از وقتی که در اختیار ما قرار دارید و حوصله زیادی که به خرج دادید برای پاسخ دادن به سوالات واقعاً ممنونیم اگر قسمتی از مصاحبه بود که باعث ناراحتی شما شد، از شما عذر می‌خوایم. خواهش می‌کنم، نه اصلاً ناراحتی به وجود نیومد و اتفاقاً من چالش رو دوست دارم و خوشحالم که تونستم بهتون کمک کنم.

تأملی دوباره

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

زهرای در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: تلاش برای افزایش قدرت با صدور فرهنگ، صرف هزینه‌های مالی برای برخی از جریان‌ها، تبلیغ گروه هنری بی‌تی‌اس در جهان، استفاده از ترفندهای تبلیغاتی مختلف برای گروه، تنوع بخشی به تبلیغات، اطلاع رسانی‌های پی در پی در رابطه با گروه بی‌تی‌اس، بهره‌وری از فضای مجازی برای تبلیغ آهنگ و کنسرت، اشتراک گذاری محتوای غیرواقعی و فانتزی، تأکید بر مرسوم بودن آرایش مردان در کره، عقد قراردادهای منجر به محدودیت در ستاره‌ها، الزام کمپانی به آرایش ستاره‌ها، الزام کمپانی به آراسته بودن ستاره‌ها، الزام کمپانی برای برخورداری از شرایط بدنی مناسب جهت اجرا، الزام به انجام جراحی زیبایی، نظارت شدید کمپانی بر ظواهر ستاره‌ها، مقابله (ظاهری) با نژادپرستی، نسبیّت‌گرایی اخلاقی کمپانی، محدودیت اعضای گروه در ابراز واقعیت‌ها، بی‌توجهی کمپانی به آسیب جسمانی ستاره‌ها در هنگام اجرا، عدم اجازه توقف اجرا در هنگام آسیب دیدگی، بی‌احترامی کمپانی به ستاره‌ها، بهره بردن از نام بی‌تی‌اس برای فروش بیش‌تر نشان (برند)های مختلف، سود تجاری دو طرفه برای گروه و برندهای دیگر، تبلیغ محصولات ملی برای بازارهای بین‌المللی، تبلیغ برای برندها و شرکت‌های خارجی و تبلیغات برای مک‌دونالد و کوکاکولا، اشاره داشته است.

زهرای در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

تأثیرپذیری از ستاره‌ها، نسبی بودن تأثیرپذیری از ستاره‌ها، نیاز نسل جدید به الگو، اثرپذیری ظاهری و اخلاقی از ستاره‌ها، الگوبرداری جهت تلاش و تحمل سختی برای موفقیت، پرداخت هزینه برای خرید آلبوم‌های گروه، اعطای کمک‌های مالی خیرخواهانه از سوی برخی از هواداران، طرفداری افراطی از گروه و محتوای آهنگ‌های گروه، استریم کردن و حمایت از گروه، الگوبرداری فن پیچ‌ها برای امور خیریه، حمایت برخی از هواداران در تبلیغ نشان(برند)های گران توسط گروه، رایج بودن جور(شیپ)کردن اعضای گروه بین هواداران، رضای هیجانی و سرگرمی برخی از هواداران با شیپ کردن اعضای مختلف گروه با یکدیگر، دفاع از ستاره‌ها به هر طریق ممکن، پذیرش جنسیت‌زدایی از لباس و دفاع از بی‌تی‌اس و اندیشه هم‌جنس‌گرایی آن، اشاره داشته است.

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: چندوجهی بودن نسل جدید و عدم تأثیرپذیری از الگوی تک وجهی، کمک هزینه‌های مالی برای برخی از جریان‌ها، یادآوری لذت بردن از مسیر رسیدن به هدف، اشاره به دغدغه‌های روزمره زندگی در آهنگ‌ها، تنوع موضوعی و پرداختن آهنگ‌های بی‌تی‌اس به مسایل جوانان، عدم استفاده از الفاظ نامناسب در آهنگ، ترسیم جوّ مثبت و شاد پیرامون گروه، مقابله (ظاهری) با نژادپرستی، تنوع‌بخشی به تبلیغات گروه، استفاده از ترفندهای تبلیغاتی مؤثر، اطلاع‌رسانی‌های پی در پی در رابطه با فعالیت‌های گروه، بهره‌وری از فضای مجازی برای تبلیغ آهنگ و کنسرت، اشتراک گذاری محتواهای غیرواقعی و فانتزی، الزام کمپانی به تظاهر ستاره‌ها به هم‌جنس‌گرایی، حمایت از جامعه هم‌جنس‌گرا و انجام تبلیغات برای نشان(برند)های مک‌دونالد و کوکاکولا، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر زهرای ۲۴ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با سونیا، ۱۷ ساله

یه دونه ساسنگ فن هست... بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تاحالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود، چون اونا رقیبای اکسو بودن، منم می‌خوامم اکسو رو از شر اونا راحت کنم.

- سونیا شروع کنیم.
باشه.

- همین اول هم خیلی ممنونیم که قبول کردی صحبت کنی چون خیلی از طرفدارها به محض این که شنیدن گفتن که نه ما نمی‌خواهیم همکاری داشته باشیم.

بله چون خیلیا وقتی می‌شنون که یکی کی‌پاپ رو دوست داره و پسرا رو دنبال می‌کنه، شروع می‌کنن به توهین کردن. ولی من آمادهم چون شما خیال من رو راحت کردین که این طور قضایا توی این مصاحبه دخیل نیستن.

- بله اصلاً قرار نیست این اتفاقات بیفته، ضمن این که در ادامه هم به اون واکنش‌هایی که بقیه نشون می‌دن خواهیم رسید و درباره اون‌ها هم صحبت می‌کنیم.

- برگردیم به ابتدا، چند وقت می‌شه که بی‌تی‌اس رو دنبال میکنی؟

خب (با کشش این کلمه و تفکر) راستش نمی‌دونم دقیقاً از کی شروع شد، ولی فک کنم سه سال بشه که آهنگاشون رو گوش می‌دم و ویدیوهاشون رو می‌بینم.

- چه طور با این گروه آشنا شدی، اولین بار رو یادته که چی شد؟

بله یادمه. رفته بودم تولد دوستم. موقعی که تولد شروع شد و خواستیم برقصیم، چندتا آهنگ پخش شد که من خیلی خوشم اومد از اون آهنگا. هم قشنگ بودن، هم می‌شد باهاشون خوب رقصید (باخنده). بعداً به دوستم گفتم که آهنگا رو برام بفرسته یا اسماشون رو بگه تا خودم دانلود کنم. آهنگا رو برام فرستاد، بعدش خیلی خوشم اومده بود، می‌خوامم بقیه آهنگاشونم دانلود کنم و گوش بدم. از همینجا بود که با گروه بیش‌تر آشنا شدم ولی اولین بار تولد دوستم بود.

- این که می‌گی با گروه بیش‌تر آشنا شدی، یعنی چه چیزهایی در موردشون متوجه شدی؟

متوجه شدم که اینا یه گروه ان که هفت نفرن. برای کره جنوبی ان (کمی مکث)، فقط هم خواننده نیستن، یعنی هم خواننده ان، هم خیلی خوب می‌رقصن. خیلی معروف ان (با تأکید و هیجان) خیلی معروف ان، ولی من اصن آهنگاشون رو نشنیده بودم، حتی اسمشون رو هم نشنیده بودم و اصن هیچی ازشون نمی‌دونستم.

- قبل از این که با این گروه آشنا بشی آهنگ‌های کره‌ای گوش می‌دادی؟

نه من تاحالا کره‌ای گوش نداده بودم، فقط فارسی و آمریکایی گوش می‌کردم آمریکایی هم فقط ریحانا^۱ رو دوست داشتم و گوش می‌دادم همیشه. ولی بقیه خواننده‌ها رو همیشه گوش نمی‌دادم فقط بعضی وقتا بودش. بعدش بی‌تی‌اس هم گوش کردم، خیلی دوست داشتم، همیشه هم گوش می‌دم.



- به بقیه گروه‌ها یا خواننده‌های موسیقی کره هم گوش می‌کنی؟
بعد از این که به بی‌تی‌اس گوش کردم، رفتم ببینم بقیه گروه‌ها و خواننده‌ها هم چه طوری ان، اتفاقاً خوب هم بودن، ولی من از بی‌تی‌اس خوشم اومد و بقیه‌شون رو دنبال نکردم. نه این که دنبال نکردم باشم، دنبال کردم، ولی نه به اندازه بی‌تی‌اس. ولی بعضی وقتا به آهنگاشون گوش دادم، ولی بی‌تی‌اس رو همیشه (با تأکید) گوش کردم.

- چه چیزی تو رو به سمت این گروه جذب کرد؟
چیزی مختلفی بود، اول از آهنگاشون خیلی خوشم اومد با موزیک ویدیوهاشون. ولی بیش‌تر از همه این که خیلی به آرمی‌ها و طرفدارهاشون اهمیت می‌دادن جذبه کرد و همچنین اجراهاشون.

- اهمیت دادن به آرمی‌ها چه طوری هست؟
مثلاً لایوای مختلف می‌دارن تا با آرمیا صحبت کنن، بعد توی لایو امکان کامنت گذاشتن رو فعال می‌دارن تا اگر کسی چیزی می‌خواد بگه یا سوالی داره پپرسه و به سوالا جواب می‌دن بعضی از خواننده‌ها، فقط خواننده هم نه، کلاً سلبریتیا، میان لایو می‌دارن یا امکان کامنت گذاشتن رو غیر فعال می‌کنن یا اصن به کامنتا توجه نمی‌کنن.

^۱- ریحانا Rihanna خواننده و بازیگر اهل باربادوس است که با فروش بیش از ۲۵۰ میلیون آلبوم و تک آهنگ یکی از پرفروش‌ترین هنرمندان موسیقی جهان است.



- پس یکی از راه‌های توجه کردن به طرفدارها برگزار کردن لایو و پاسخ به پرسش‌ها هست. موارد دیگه‌ای هم هست؟

آره فن میتینگ^۱ یه دونه دیگه هست، فن میتینگ هم تو کره برگزار می‌کنن، هم مثلاً کنسرت داشته باشن تو کشورای دیگه قبل یا بعد از کنسرت فن میتینگ برگزار می‌کنن.

- داخل فن میتینگ‌ها چه اتفاقی می‌افته؟

تقریباً مثل همون لایوه، فقط اون مجازیه این واقعی. طرفدارا سوال می‌پرسن، اونا هم جواب می‌دن، مثلاً من داشتم یکی از فن میتینگا رو می‌دیدم، بی‌تی‌اس رفته بود ژاپن بعد یکی از فنا داشت می‌پرسید، نظرت در مورد کشور و مردم ما چیه از این جور سوالات. بعضی از فنا میرن عکس می‌گیرن باهاشون، بعضیا دسته گل می‌دن، می‌دونی این سوال جوابا زیاد مهم نیست، مهم اینه که میان برای طرفداراشون وقت می‌ذارن و به اونا اهمیت می‌دن.



- به نظرت دلیل این اهمیت دادن چیه که نشست‌های این طوری با طرفدارها برگزار می‌کنن و به سوال‌هاشون پاسخ می‌دن؟

^۱- Fan meeting

من خودم اصلاً بین سلبریتیا ندیدم این طوری بیان یه برنامه ویژه و جداگونه برای دیدن فناشون داشته باشن. اصن یکی از دلایل دیگه‌ای که من دوشون دارم، همینه. دلیل انجام این کارشون هم خب اینه که علاقه فنا به اینا خیلی زیاده و اینا هم می‌خوان علاقه‌شون رو به فنا نشون بدن و بگن که فنا چه قدر برای ما مهمه ان و ارزش دارن.

- بقیه گروه‌های کی‌پاپ هم این برنامه‌ها رو دارند؟

معمولاً کارایی که تو کی‌پاپ انجام می‌دن، خیلی به هم شباهت دارن، آره، بعضی از گروه‌ها و خواننده‌های دیگه هم هستن که این برنامه‌ها رو داشته باشن، فقط و فقط مخصوص بی‌تی‌اس نیست.

- نظرت در مورد موسیقی که گروه داره چیه، ویژگی خاصی داره؟

ما آرمیا وقتی آهنگاشون رو گوش می‌کنیم، یه جورایی حال‌مون رو خوب می‌کنن و این خیلی برامون خاصه.

- این که حال شما رو خوب می‌کنه رو بیش‌تر می‌تونن توضیح بدن؟

آره، ببینید، وقتی که به موسیقی یه خواننده یا یه گروه علاقه داری، دوست داری بیش‌تر ازش بشنوی. چون همون صداش باعث می‌شه حال تو خوب بشه. تاپیک^۱ آهنگا هم خیلی مهمه ان، اگر یه آهنگ رو گوش می‌دی و می‌بینی که حس و حال اون آهنگ به حس و حال خودت نزدیکه، خیلی احساس خوبی پیدا می‌کنی، می‌دونی انگار یه حس درک شدن داره یه حسی که انگار تنها نیستی.

- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟

چون این هفت نفر سن‌شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش.

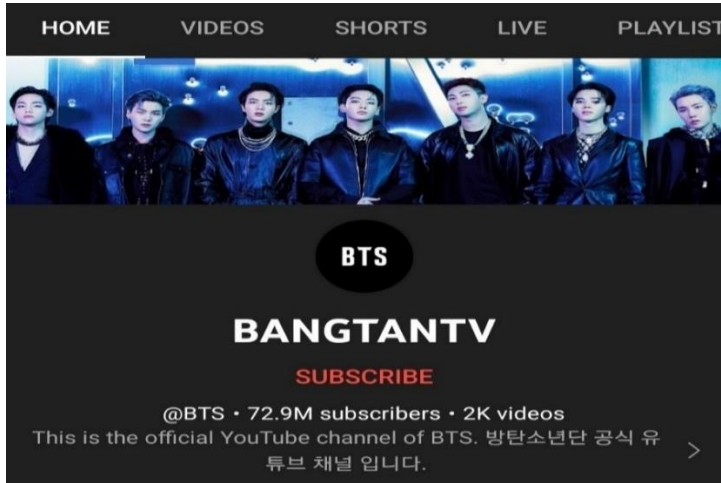
- موضوع آهنگ‌ها معمولاً در ارتباط با این دغدغه‌ها هست، درسته؟

آره، همین هم باعث شده که آهنگاشون خیلی شنیده بشه، آمار دقیقی نمی‌شه پیدا کرد از این که یه آهنگ چندبار شنیده شده. چون هنوز که هنوزه خیلیا می‌رن دانلود می‌کنن که دزدیه، چون اون خواننده کلی برای اون آهنگ زحمت کشیده و اگر از برنامه‌های رسمی گوش داده بشه، می‌تونه ازش درآمد داشته باشه. با این که هنوز خیلیا آهنگ دانلود می‌کنن، مخصوصاً تو کشور خودمون، ولی آهنگای بی‌تی‌اس خیلی میزان شنیده شدن‌شون زیاده، مخصوصاً موزیک ویدیوهاشون داخل یوتیوب.

به نظرم موزیک ویدیوهاشون رو بیش‌تر می‌بینن چون این طوری هم صدای پسرا رو دارن هم تصویرشون رو (باخنده) برای همین ویو یوتیوب‌شون کلاً بالاتره.

¹- Topic

۱۱۸ / چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی تی اس درباره اعضای این گروه



کانال یوتیوب بی تی اس با تقریباً هفتاد و سه میلیون دنبال کننده



موزیک ویدیو (Dynamite) با یک میلیارد و ششصد میلیون بازدید



موزیک ویدیو (Boy with love) با همکاری هالزی با یک میلیارد و ششصد میلیون بازدید

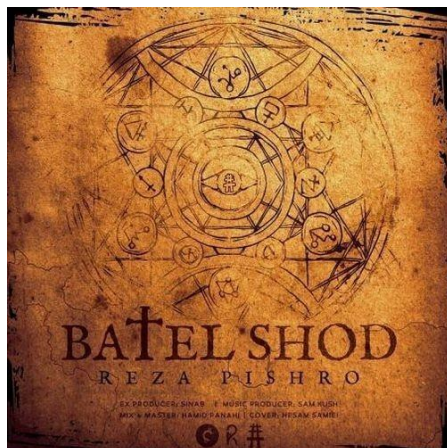


موزیک ویدیو (Fake love) با یک میلیارد و صد میلیون بازدید



موزیک ویدیو (Butter) با هشتصد و چهل و یک میلیون بازدید

- موزیک ویدیوهاشون چه طور هستند؟
(با هیجان) موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس خیلی خوب ان.
- موزیک ویدیوهاشون با موزیک ویدیوهای دیگه که خواننده‌ها و گروه‌های دیگه دارن، تفاوت خاصی داره؟
هر گروه و هر خواننده‌ای سبک خاص خودشون رو ممکنه داشته باشن که موزیک ویدیوهاشون رو خاص کنه. حالا از سبک موزیک ویدیو که بگذریم، خیلی چیزای مهم وجود داره، مثلاً این که ویدیو باید به آهنگ ربط داشته باشه یعنی سناریوی درستی رو باید بچینن.
- خود خواننده‌ها خیلی مهم ان، مثلاً بعضیا زیاد نمی‌تونن خوب بازی کنن، ولی پسرای بی‌تی‌اس، بازیگرم هستن و خیلی خوب می‌شه موزیک ویدیوهاشون. مثلاً موزیک ویدیوهای رپ فارسی خودمون هم یه سریاشون خیلی خوب ان مثل آگاه از موثر و یاس یا مثلاً باطل شد از شاه پیشرو، یکی از چیزای مهم دیگه سرمایه مالیه، واقعاً اگر پول خوبی خرج نشه کار خوب نمی‌شه.



- از وقتی بی‌تی‌اس رو دنبال کردی موسیقی گروه‌ها یا افراد دیگه رو هم دنبال می‌کنی؟
سعی می‌کنم از بقیه هم گوش کنم، اما خب بیش‌تر آهنگای بی‌تی‌اس رو گوش می‌کنم و اجراهاشون رو نگاه می‌کنم چون اون حس خوب رو که گفتم ازشون می‌گیرم.

- در مورد اجراهاشون، اجراهای گروه معمولاً چه طور هستند؟
وقتی که کنسرت برگزار می‌کنن اجرا هم دارن که خب اجراهاشون رقصه، ولی همین طوری درهم برهم نیست (باخنده)، با هر ترک نوع خاصی از رقص رو اجرا می‌کنن، شروع و پایان داره و برنامه‌ریزی شده هست، واقعاً هم سخته، مثلاً توی یکی از اجراهاشون از یه میله استفاده می‌کردن که خیلی جذاب بود، ولی انجام دادنش هم خیلی خیلی سخت بود.

- لازمه که اجراها تا این حد سخت باشه؟
لازم نه واقعاً، ولی این همه طرفدار داشتن هم بدون علت نیست، چون باید تو اجرا یه چیز خاص ارایه داد تا یه نفر از یه کشور دیگه بیاد این اجرا رو ببینه، اگر چیزیای معمولی باشه، خب آدم می‌ره همون اجراهای معمولی کشور خودش رو می‌بینه، مریض نیست که این همه هزینه و تایم بذاره (باخنده).



اجرای لاس و گاس (۸ آپریل ۲۰۲۲)

- دوست داری یکی از اجراهاشون رو از نزدیک ببینی؟
دوست دارم؟ (با تأکید) عاشقشم، آرزومه، اون قدر در موردش فکر کردم که حتی خوابشم دیدم (باخنده)، خواب دیدم که یه کنسرت توی کره دارن، منم رفتم اون جا. واقعاً دوست دارم توی کنسرتشون باشم.
- در اجراهاشون احتمال آسیب دیدگی هم وجود داره؟
حتماً وجود داره، البته اینا خیلی تمرین می‌کنن، ولی احتمالش هست. همون طور که ورزشکارای حرفه‌ای مصدوم می‌شن اینا هم ممکنه براشون آسیب دیدگی ایجاد بشه.

توی کی پاپ هم تقریباً همین جوریه، اما گروه‌های بزرگی که خیلی موفق و معروف ان، هیت‌ر هم زیاد دارن، اگر وسط اجرا همچین اتفاقی بیفته، هیت‌را براشون کلی چیزای خنده‌دار درست می‌کنن و اونا رو مسخره می‌کنن، مخصوصاً تو اینستا.

- چرا بعضی‌ها از گروه خوش‌شون نمیاد و اون‌ها رو مسخره می‌کنند؟

هیت کردن تو کارای هنری کلاً زیاده، مخصوصاً کی‌پاپ. مثلاً طرف یه گروه دیگه رو خیلی دوست داره، بعد به بقیه گروه‌ها و خواننده‌ها هیت می‌ده که مثلاً اینا رو بیاره پایین و گروهی که دوستش داره بره بالا یا مثلاً تو زندگی روزمره هم شده که از یه نفر احساس خوبی دریافت نمی‌کنیم، سعی می‌کنیم طرفش هم نریم، این هم ممکنه باعث هیت کردن گروه‌ها بشه.

- می‌تونیم بگیریم که بر اساس علاقه و سلیقه خاص خودشون طرفدار یکی می‌شن و یکی رو مورد نفرت-پراکنی خودشون قرار می‌دن؟

دقیقاً (با تأکید) بعضیا فقط گروهی که دنبال می‌کنن رو دوست دارن و به بقیه گروه‌ها زیاد کاری ندارن، من این طوریم، ولی بعضیا افراطی ان، می‌گن فقط گروهی که دوستش دارم، بعد بقیه رو هم هیت می‌کنن.

- این افراط و تعصب رو چه چیزی می‌تونه به وجود بیاره؟

علاقه خیلی زیاد باعثش می‌شه، مثلاً من اگر ببینم یکی خیلی داره به دوست پسر من نزدیک می‌شه، اصلاً خوشم نمیاد و قطعاً یه چیزی بهش می‌گم (با صدای بالاتر)، چون دوست پسر من رو خیلی دوست دارم، از علاقه زیاده. فقط دوست دارم من با اون باشم و ببینم که حالش خوبه. علاقه زیاد می‌تونه هیت کردن بقیه رو داشته باشه.

- نتیجه یا هدف خاصی هم داره؟

نه بابا حروم کردن وقته (باخنده)، وقتی که یه آهنگ قشنگه و می‌تونیم ازش لذت ببریم، حالا اصن برای یه گروه و خواننده دیگه باشه. ولی این طور کارا واقعاً الکیه، شاید من نمی‌تونم چیز خاصی توش ببینم، ولی از نظر بقیه مهم باشه، بیش‌تر دنبال این ان که خودشون رو خالی کنن، چون عصبانی شدن که آیدولای دیگه بهتر کار کردن.

- در مورد فندوم^۱‌ها چه اطلاعاتی داری؟

فندوم‌ها محل گردهم آمدن آرمیا هست و مواردی مانند استریم کردن رو هم انجام می‌دن.

- استریم کردن‌ها چه طوری هست؟

میان دد لاین^۲ مشخص می‌کنن مثلاً می‌گن بریم این آهنگ جدیدشون رو استریم کنیم. توی یک ساعت برسه به ۲۰۰ هزارتا. استریم کردن معمولاً این طوره که خب ویو گروه رو بالا می‌بره که نشون دهنده خوب بودن آهنگ و معروف بودنشه. چون مثلاً سایتای معتبر موسیقی توی دنیا میان در مورد این تعداد ویوها صحبت می‌کنن. توی گینس ثبت می‌شه و به نوع خودش یه رکورد مهم حساب می‌شه.

^۱- Fandom

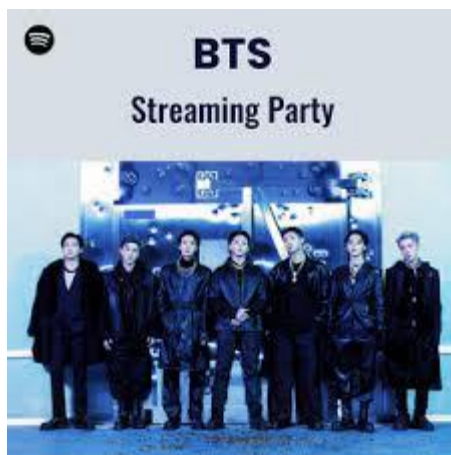
^۲- Deadline

- شما توی استریم کردن‌ها شرکت می‌کنی؟

نه، شرکت نمی‌کنم (باخنده)، ولی اگر بخوام آهنگ گوش بدم می‌رم توی برنامه‌هایی که آهنگ رو توش منتشر کردن از اون جا گوش می‌دم. مثلاً برای اولین بار بخوام گوش بدم، یه آهنگ رو پنج، شش بار پشت هم پلی می‌کنم، این استریم حساب نمی‌شه، چون کسی که استریم می‌کنه، میاد تو تنظیمات اون گزینه‌ای که نوشته آهنگ پشت هم تکرار بشه رو می‌زنه، بعد خودش می‌ره کارای دیگه‌اش رو انجام بده، اون آهنگ هم مثلاً یهو صد بار پلی می‌شه، این طوری استریم می‌زنن.

- همون علاقه باعث می‌شه که یه هوادار استریم کنه؟

آره، خیلی از روی علاقه این کار رو می‌کنن، ولی بعضیا شغلهشونه. استریمر بهشون می‌گن. اینا چندتا دستگاه دارن، مثلاً پنج تا لپ‌تاپ با بیست تا گوشی. بهشون پول بدی استریم می‌کنن، مثلاً می‌گه تو یک ساعت هزارتا ویو می‌زنم، ولی گروه‌های بزرگ به این کار نیاز ندارن واقعاً. چون هم خیلی طرفدار دارن که کلی ویو براشون داره بعد از بین این هوادارا خیلی هم میان از روی علاقه خودشون استریم می‌کنن کار خواننده‌ها رو.



- اگر موافق باشید یه کم وارد فعالیت‌های خارج از موسیقی گروه بشیم و صحبت‌هایی که دیگران در مورد این فعالیت‌ها دارن.

باشه بریم.

- آرایش اعضای گروه به نظر شما می‌تونه باعث بشه که دیگر پسرها هم آرایش کنن؟

اونا زیاد آرایش نمی‌کنن، اما توی یک‌سری از اجراهاشون میکاپ می‌کنن، ولی فک نکنم پسرها باعث بشن بقیه طرفدارهای پسرشون بخوان که آرایش کنن.

- از بعضی شنیدیم که دنبال عادی‌سازی و ترویج میکاپ برای پسران هستن.

راستش نمی‌تونم این رو بگم درسته یا غلطه، حتی نمی‌تونم بگم همچین چیزی هست یا نیست، ولی خب خود پسران برای اجراهاشون، موزیک ویدیوهاشون و برنامه‌های دیگه میکاپ می‌کنن، مثل بازیگرای مرد. اینی که شما گفتید رو من هم شنیدم که اینا دنبال عادی‌سازی میکاپ برای پسران هستن، ولی خب چون خودشون

میکاپ می‌کنن، دلیلی نمی‌شه که بخوان اون رو گسترش هم بدن، چون نگفتن بیاید آرایش کنید مثل ما یا از ما الگوبرداری کنید.

- از نوع پوشش و آرایش اون‌ها الگوبرداری کردی؟

از روی استایل هاشون الگوبرداری کردم، از روی مدل میکاپ کردن هاشون آره. از رنگ موهاشون هم خیلی خوشم میاد، خیلی هم دوست دارم که موهام رو مثل اونا رنگ کنم، ولی مامانم می‌گه برات زوده (با صدای آهسته و ناراحت)

لباس پوشیدنشون رو دوست دارم، کلاً خیلی وقتاً لباسشون هم رنگه. بعضی وقتاً هم رنگی رنگیه، ولی کلاً لباس پوشیدنشون شاده، از رنگای روشن، بیش‌تر توی لباسشون دیده می‌شه که من خیلی دوست دارم. خودمم معمولاً لباسام رنگ روشنه، حتی میکاپ‌هاشونم یه جوریه که چهره‌شون باز باشه، مثلاً اگر سایه میزنن سایه‌هاشون روشنه، رژایی که استفاده می‌کنن رنگ روشن دارن که من خیلی دوست دارم هم لباس، هم میکاپ، روشن باشن، خودمم این طوری درست می‌کنم.





- آلبوم یا وسایلی که آیدول‌ها استفاده می‌کنن رو هم خریدی؟
زیاد وسایل شون رو توی ایران نمی‌شه خرید، مخصوصاً آلبوم‌هاشون، هم قیمتش زیاده، هم کمیابه، اگر هم پیدا بشه، معمولاً دست دومه، مگر این که از سایتای خارجی مثل آمازون بخرن.
من خودم از شون چندتا عکس دارم فقط که توی اتاقم زدم، ولی وسایل زیادی هست که اسم یا عکس پسرا روشون هست، زیاد هم خریداری می‌شه، مثلاً توی دیجی کالا خیلی زیاده لیوان، ماگ، کیف، دفتر، جامدادی با کلی چیزای دیگه توی سطح شهر هم هست، فروشگاه‌های مختلف که طرح بعضی از چیزایی که می‌فروشن پسرا هستن، وجود داره. برای لوازم التحریر و لباس بیش‌تر استفاده می‌شه.
تو همین تهران هم یه فروشگاه هست برای کی‌پایه تمام چیزهایی که داره، طرح گروه‌های کی‌پاپ روشونه، بی‌تی‌اس و بقیه گروه‌ها مثلاً اکسو روی لباسایی که می‌فروشه خیلی زیاده، من خودم نرفتم تاحالا و نمی‌دونم کجاست، ولی در موردش شنیدم.

- ستاره‌ها برای زیبا و جذاب به نظر رسیدن چه کارهایی انجام می‌دهند؟
به طرفدارهاشون خیلی اهمیت می‌دن که باعث می‌شه خیلی دوست داشته بشن. سعی می‌کنن هر بار با یه استایل برای آرمیا پست بذارن که هم خیلی مرتب و خوب به نظر میان با لباس و میکاپ، هم این که معمولاً شادان داخل عکس. با یه سری از آرمیا حتی حرف می‌زنن.

- حرف زدن‌ها خارج از فن‌میتینگ هست؟
آره، جدای از فن‌میتینگ مثلاً یهو جواب کسی که بهشون دایرکت داده رو می‌دن و خب خیلی باعث خوشحالی اون آدم می‌شن، چون از بین اون همه طرفدار یهو اومدن جواب اون رو دادن.
- پس از نظر شما خوشحال کردن طرفدارها و اهمیت دادن به اونا هم باعث جذابیت می‌شه، درسته؟
آره خیلی مهمه جذابیت رو فقط نمی‌شه توی ظاهر خلاصه کنیم، چون با میکاپ و فتوشاپ همه تا حدی جذاب می‌شن، ولی رفتار کردن خیلی مهمه.

مثلاً خیلی از سلبریتیای خودمون رو اگر ببینیم، موقعی که توی جمعیت قرار می‌گیرن، سعی می‌کنن زودی برن تا مثلاً یه امضاء به بقیه ندن یا عکسی نگیرن، تازه شهرت اینا کجا و شهرت بی‌تی‌اس کجا، ولی پسرا اصلاً این طوری نیستن، خیلی فیلم ازشون منتشر شده که تو جمعیت وایسادن تا عکس بگیرن یا امضاء بدن.
- از لحاظ ظاهری چه طور، چه کاری انجام می‌دن؟

خب از همه بیش‌تر میکاپ انجام می‌دن و رژیم دارن تا ظاهر خوبی داشته باشن، هم از لحاظ بدنی، هم زیبایی صورتشون، من بیش‌تر همون میکاپ کردنشون رو می‌دونم چون خودم دوست دارم و اون طوری میکاپ می‌کنم.

- ستاره‌ها محدودیت دارن؟
یه سری محدودیت دارن اینا فقط هفت نفر نیستن یه مجموعه خیلی بزرگ پشت این هفتا قرار دارن محدودیت‌هایی وجود داره حتماً.
- می‌تونن برامون مثال بزنی؟

مثلاً نمی‌تونن هر جوری که می‌خوان لباس بپوشن، باید مناسب باشه، چون مدل لباس پوشیدنشون توی لایو، کنسرت، فن‌میتینگ، کلاً تو چیزای مختلف فرق می‌کنه لباس پوشیدنشون.

یه مجموعه دارن که لباسشون رو براشون ست می‌کنن، چون اینا کار مدلینگ رو هم انجام می‌دن، لباسای برند می‌پوشن. مدلینگ هم یه کار حرفه‌ایه، برای همین نیاز داره آدمای حرفه‌ای مدل رو آماده کنن.
یکی دیگه از محدودیت‌هایی که دارن اینه که با هر کسی نمی‌تونن پست بذارن. فعالیت‌هایی که تو فضای مجازی دارن کاملاً کنترل می‌شه، مثلاً موضوع پستایی که شیر^۱ می‌کنن یا همون که اول گفتم، پستی که دارن می‌ذارن، مثلاً کی توی پست هست، باز داره کنترل می‌شه یا وقتی که می‌خوان آهنگ بدن بیرون، زیاد دلخواه خودشون نیست، مثلاً شاید بخوان در مورد یه موضوعی لیریک^۲ بنویسن، ولی مجموعه باهاشون

^۱- Share

^۲- Lyric

مخالفت می‌کنه، اینا هم باید عوض کنن لیریک رو. با هر خواننده‌ای که دوست دارن نمی‌تونن فیت^۱ بدن اینم جزو چیزاییه که حق انتخاب زیادی توش ندارن.

- در مورد موضوع آهنگ‌ها که توسط خودشون انتخاب نمی‌شه، ولی باعث ایجاد حس خوبی در شنونده می‌شه نظرت چیه، برنامه خاصی پشتش وجود نداره؟ چون شاید اگر اختیار با خود اعضا بود اصلاً در مورد موضوعات دیگه می‌خوندن.

(با کمی مکث) نمی‌دونم چی بگم (بالبخت).

- همون طور که گفتم احساس خوبی رو به تو می‌ده، درسته؟

آره واقعاً حس خوبی رو از آهنگاشون می‌گیرم.

- ولی همون طور که خودت گفتم، حق انتخابشون در مورد موضوع آهنگ‌ها هم پایینه. آره.

- فکر می‌کنی اگر خودشون اختیار کامل داشتن، باز هم در مورد موضوعاتی که بوده متن می‌نوشتن؟ واقعاً نمی‌دونم، ولی توانایی که تو نوشتن لیریک در مورد این موضوعات داشتن بالا بوده جوری که انگار از ته قلبش داره می‌نویسه و بعدش می‌خونه، برای همین من می‌گم اگر فقط از روی اجبار بخوان آهنگی رو آماده کنن اون قدر قوی در نمیاد.

- حس خوبی که از آهنگاشون به دست میاری؟

آره.

- این حس چه قدر ادامه پیدا می‌کنه، طولانی مدته یا گذرا و محدود؟

بعضی از آهنگا رو که گوش می‌دم از خواننده‌های دیگه واقعاً تأثیر خوبی داره روی من. احساس خوبی پیدا می‌کنم ولی مثلاً نهایتاً بعد از چند ساعت از بین می‌ره. ولی بی‌تی‌اس این طوری نیست، احساسی که از آهنگاشون می‌گیرم، بیش‌تر روی من می‌مونه. بعد من آهنگاشون رو زیاد گوش می‌دم، برای همین حالم رو خوب می‌کنن همیشه.

- این احساس و حال خوب رو می‌شه یه کم عینی‌تر برام توضیح بدی که بیش‌تر متوجه بشم، این حس خوب چه طوریه؟

برای من یه احساس آرامشی رو داره، البته بستگی به سبک موسیقی که گوش می‌کنیم هم داره، مثلاً کسی که رپ گوش می‌ده، خب خیلی بعیده که آرامش احساس کنه، چون رپ موسیقی اعتراضیه که مشکلات و سختیا رو داره می‌گه. کسی که هوی متال^۲ گوش می‌ده تنها چیزی که احساس نمی‌کنه، آرامشه (باخنده).

آهنگای بی‌تی‌اس از لحاظ فضایی که آهنگاشون دارن، اگر بخوام بگم، تقریباً دوتا حالت داره یا شاد و پر انرژی یا ملایمه و آرامش خوبی توی آهنگ وجود داره، وقتی که من گوش می‌کنم، احساسی که می‌گیرم، همون احساسی هست که توی آهنگ وجود داره.

^۱- Feat

^۲- Heavy metal

- زبان‌شون رو متوجه می‌شی؟

من هم آهنگ کره‌ای گوش می‌دم هم فیلم و سریال‌شون رو می‌بینم، نمی‌تونم بگم کره‌ای بلدم، چون اصلاً نمی‌تونم حرف بزنم، ولی یه کم متوجه می‌شم مثلاً وقتی یه فیلم می‌بینم کلیاتش رو می‌فهمم.

- دوست داری یاد بگیری؟

خیلی دوست دارم، خیلی خیلی دوست دارم (با تأکید و شوق زیاد) ولی هم یه کم سخته، هم این که زبانی که هر کسی نمی‌خواد یاد بگیره، چون واقعاً زیاد کاربردی نیست، ولی کسی که علاقه داره، می‌ره یاد می‌گیره. من توی فکرش هستم که یه آموزشگاه پیدا کنم و برم یاد بگیرم.

- محدودیت‌هایی که وجود داره به نظرت براشون آزاردهنده نیست؟

خب هر کسی محدود بشه، قطعاً خوشحال نمی‌شه، البته بعضی از محدودیت‌ها فرق داره، محدودیت‌های قانونی و اینا به کنار چون واجبه و باید باشه.

من خودم اگر بخوام یه کاری که دوست دارم رو انجام بدم، ولی خانواده‌ام مخالفت کنن، خب ناراحت می‌شم، اگر هم کاری رو دوست نداشته باشم انجام بدم بعد خانواده‌ام هی بهم بگن اون کار رو انجام بده، باز برام اذیت‌کننده هست، تازه اینا چیزهایی جزئی هستن که زیاد مهم نیستن.

ولی برای آیدولا خب محدودیت‌هایی که هست بیش‌تر و بزرگ‌تره، مثلاً توی کار خودت نمی‌تونی انتخاب کنی با یکی همکاری داشته باشی، این سخته یا مثلاً مجموعه‌ای که باهاش کار می‌کنی، بهت می‌گه باید با فلان خواننده همکاری داشته باشی، ولی تو اصن دوست نداری که اینم سخت و عذاب‌آور برام که می‌بینم پسرا مجبورن این قوانین رو رعایت کنن.

- برای رفع این محدودیت‌ها، خود ستاره‌ها یا طرفدارها کار خاصی انجام دادن؟

مردم که نه بابا (باخنده) خیلیا فقط دنبال گوش دادن آهنگا یا مثلاً دیدن عکسا و ویدیوها بودن و هستن برای همین من خودم تاحالا چیزی نه دیدم، نه شنیدم، در مورد این که طرفدارا کار خاصی کرده باشن. من خودم از خیلیا شنیدم که می‌گن اینا کلی پول دارن، دیگه چی می‌خوان؟ ولی این محدودیت‌ها رو در نظر نمی‌گیرن. اگر به یه نفر اصن یه نفر نه، خود من، اگر به خود من بگن که بهت شصت میلیون می‌دیم یک ماه فقط برو تو این اتاق و کارایی که ما بهت می‌گیم رو انجام بده، عمراً من این کار رو کنم، یعنی برای روزی دو تومنم حاضر نیستم این فضا و آزادی که دارم رو حتی برای یک ماه از دست بدم.



- یعنی ستاره‌ها تو همچین فضایی قرار دارن؟

حالا تو به اتاق که نیستن (باخنده)، ولی خب زمانی که تحت آموزش هستن واقعاً سختیایی که دارن زیاده. یادم نیست کدوم گروه بود که این حرف رو زد، ولی یکی از گروه‌های دخترونه کی پاپ بود، می‌گفتن به ما به وعده غذا می‌دادن، بعد می‌گفتن که باید این رو چهارتایی بخورید یا مثلاً به رژیم معروف هست که خیلیم سخته. فک کنم بهش می‌گن رژیم لیوان. غذایی که بهشون میدن اندازه به لیوانه، تازه لیوان بزرگ نه، دقیقاً اندازه لیوان به بار مصرف. تازه باید کلی کار انجام بدن و کلی تمرین بدنی دارن، ولی فقط اون قدر غذا اجازه دارن بخورن.



- یعنی شرکت‌ها و مجموعه‌های کی پاپ کوچک‌ترین موارد مثل غذا خوردن ستاره رو هم خودشون تعیین می‌کنن، درسته؟

آره. البته غذا خوردن شاید به نظر ما کوچیک باشه یا زیاد مهم نباشه، ولی از نظر کمپانیا خیلی خیلی مهمه. چون به بدن خوب و آماده می‌تونه کلی طرفدار جذب کنه.

- تاحالا شده ستاره‌ها اطلاعاتی از رژیم خودشون به صورت دقیق منتشر کنن؟

پسرا نگفتن. ولی من جاهای مختلف خوندم که به چیزایی در مورد رژیم‌اشون نوشتن، اما زیاد دقیق و قابل اعتماد نیست. ولی با توجه به حرفایی که از خود آیدولا شنیدیم که غذا خیلی کم می‌خورن تقریباً همون طوریه.

- توی ذهنتون هست، برام در این جهت مثال بزنید؟

توی پسرا جیمین اون اوایل که وارد کی پاپ شد، به کم تپل مپلی بود (باخنده) عکساش هم هست، ولی زیاد از اون زمانش عکسی نیست. می‌گن جیمین روزی به وعده غذا می‌خورد که همون به وعده هم مرغ آبپز بوده یا مثلاً چانگمین^۱ فقط روزی دوتا توفو^۲ که به غذای خیلی کم حجم هست، می‌خورد.

- اون طور که گفتی طرفدارا اعتراضی که باعث تغییر بشه، انجام ندادن.

^۱-شیم چانگ مین: متولد ۱۸ فوریه ۱۹۸۸ کوچک‌ترین عضو گروه پسرانه تی وی ایکس کیو و چهارمین عضوی بود که به گروه ملحق شد.

^۲- توفو غذایی است که از فرایند بستن شیر سویا به دست می‌آید. توفو کالری پایین و آهن کمابیش بالایی دارد و میزان چربی آن اندک است.

نه، واقعاً آخه الآن داریم تو عصری زندگی می‌کنیم که واقعاً تنبلی و بی‌خاصیتی توش خیلی زیاده. الآن مثلاً ته، ته، اعتراضی که می‌خواد انجام بشه، اینه که برن چندتا هشتگ بزنن توی توییتر، خب مثلاً چی شد؟ الآن این که اعتراض نیست.

- خود ستاره‌ها کاری به نشانه اعتراض به کمپانی انجام دادن؟

آیدولا هم کاری از دست‌شون برنمیاد، آخه چون وقتی کی‌پاپ رو انتخاب کردن و وارد مجموعه شدن، یعنی اینا رو قبول کردن دیگه، اگر بخوان برخلافش عمل کنن، می‌ذارن‌شون کنار بعضی از آیدولا هم بودن که خودکشی کردن. واقعاً آدم دلش می‌سوزه که آدمای با استعداد این طوری می‌شن.

- چرا به خودکشی رسیدن؟

خب اگر آیدولا بخوان با مجموعه دیگه همکاری نکنن، به همین راحتی نیست که بگن ما نمی‌خوایم با شما کار کنیم بعد بگن باشه، می‌تونید از کمپانی خارج بشید، چون گفتیم اینا یه مجموعه بزرگ هستن که کلی وقت و سرمایه گذاشتن. برای همین تمام تلاش‌شون رو انجام می‌دن تا بتونن آیدول رو نگه‌دارن، حالا ممکنه از راه‌های خوب باشه مثلاً بگن حقوق و مزایا رو بیش‌تر می‌کنیم نمی‌دونم مثلاً امکانات بهتری براتون درست می‌کنیم یا ممکنه از راه‌های دیگه که تهدید و اینا باشه استفاده کنن.

- تاحالا این اتفاقات افتاده و مدرکی ازش وجود داره؟

اینجا حتماً محرمانه حساب می‌شن، چون نمی‌شه این چیزا رو همین طوری پخش کرد، ممکنه اصن یه واکنشایی انجام بشه که کل کی‌پاپ رو ببره رو هوا. ولی وقتی یکی به خودکشی می‌رسه، حتماً خیلی بهش سخت گذشته. البته، البته (با هیجان) این رو داشت یادم می‌رفت بعضی از آیدولایی که قراردادشون تموم شده، دیگه راحت‌تر صحبت می‌کنن که اومدن از سختیایی که کشیدن گفتن که می‌شه همونایی که گفتیم مثلاً اون رژیم لیوان و اونا.

- ستاره‌ای تو ذهنت هست که خودکشی کرده باشه؟

آره چندتا از آیدولایی که خودکشی کردن مثلاً جونگ هیون، سولی، گوهارا، زیاده، ولی خب اینا اصلییی بودن که خیلی شناخته شده بودن، اما به خاطر حرف‌های هیترا و بی‌احترامی‌هایی که اذیت‌شون کرد، چه از طرف همون هیترا یا از طرف کمپانی خودکشی کردن.

- هیترا چه کار می‌کنن که باعث می‌شه ستاره به اینجا برسه که خودش رو بکشه؟

نظر شخصی خود من اینه که همه اینا روی هم باعث می‌شه آیدول خودکشی کنه، وگرنه هیترا فقط حرف می‌زنن اگر فقط حرف اینا باشه، نمی‌شه آیدول خودکشی کنه.

وقتی که آیدولا تو مجموعه هستن، فشار روشن زیاد می‌شه باید لیریک بنویسن، آهنگ‌سازی کنن، برای اجراها آماده بشن، تمرین کردن برای اجراهاشون سخته، لایو و فن‌میتینگ، برنامه‌هایی که برای مدلینگ دارن، واقعاً خیلی از اینا کار می‌کشن که از لحاظ روانی و جسمانی سخت می‌شه براشون.

هیترا رو هم بیایم اضافه کنیم که مثلاً یهو فن‌دوم یه گروه یا آیدول می‌ره تو پیج یه آیدول دیگه شروع می‌کنه هیت دادن. اگر کل این سختیا باهم برای یکی اتفاق بیفته، فک کنم به همون خودکشی برسه. یه

چیزی هم که مهمه، گروهی یا سولو^۱ بودن. برای گروه خیلی کمتر ممکنه این اتفاقات بیفته، مثلاً پسرا هفت نفرن این همه سختی و فشار داره بین‌شون تقسیم می‌شه، ولی سولو کار کردن یعنی همه فشار روی همون یه نفره.

– بعد از این که این ستاره‌ها خودکشی کردن باز اقدام خاصی انجام نشد؟ چون بحث خودکشی واقعاً جوری نیست که بشه ساده از کنارش رد شد.

آره نمی‌شه راحت ازش گذشت، ولی هنوز داریم می‌بینیم که این مجموعه‌های بزرگ دارن کارای قبلی رو انجام می‌دن، شاید تلاش کرده باشن تا یه تغییری انجام بشه، ولی خب هیچی نشده.

مثالش به نظرم تو کشور خودمونم هست، مثلاً کنکور پشتش یه مافیای بزرگ قرار داره که اون قدر داره سود می‌بره که حاضر نیست این منبع رو از دست بده، برای همین هر کاری انجام می‌دن که کنکور حفظ بشه، حتی فک کنم وزیر آموزش پرورش گفته بود، من تلاش کردم، ولی نشد که این کنکور برداشته بشه، یعنی اینا اون قدر زورشون زیاده که وزیر آموزش پرورش کشور هم نمی‌تونه کاری رو علیه اونا انجام بده.

– یعنی ممکنه پشت صنعت کی‌پاپ یه مافیای بزرگ باشه که اون رو حفظ کنه؟ آره، وگرنه بعد از این که باعث این همه آسیب روحی و جسمی و خودکشی شده یه کاری می‌کردن تا درست بشه، ولی اتفاقی نیفتاد.

– کمپانی‌ها وقتی به این مسایل بی‌توجهی می‌کنن، می‌تونیم بگیریم دنبال منافع خودشون هستن، همون طور که شما هم اشاره کردید. ولی چه دلیلی وجود داره که مردم این قدر اعتراضات منفعلانه انجام می‌دن و کاری از پیش نمی‌برن؟

چندتا دلیل داره. اول این که زورشون نمی‌رسه. تو کشور خودمون مگه این همه تلاش نکردن؟ مگه این همه مردم و دانش‌آموزا و دانشجوا اعتراض نکردن به کنکور؟ چی شد؟ این همه آدم پول خرج کتابا و کلاسای کنکور می‌کنن. کلی از بچه‌ها افسرده می‌شن و اصن زندگی‌شون به روال قبل بر نمی‌گرده. من از دوستانم که از خودم دو، سه سال بزرگ‌تر هستن، خیلی شنیدم میگن زندگی ما بعد از کنکور دیگه مثل قبل نشد.

این کنکورم کلی آسیب داره به ما می‌زنه، ولی وقتی زورمون نمی‌رسه، خب چه کار کنیم؟ دومیش همینیه وقتی زورت نمی‌رسه، باید باهاش کنار بیایم. اونا هم نه زورشون می‌رسه که بخوان تغییر بدن این اتفاقات رو نه دیگه زیاد براشون مهمه، چون باهاش کنار اومدن.

دلیل سومشم اینیه که آیدولا شدن ابزار. ابزار برای سرگرمی و هیجان مردم. وقتی طرف آهنگ رو گوش می‌ده، اجرا رو می‌بینه و لذت می‌بره دیگه همین براش کافیه، می‌گه من پول دادم اجرا رو ببینم دیگه. همین از دست من بر میاد.

– اگر موافق بشید یه کم از این فضا خارج بشیم و در ارتباط با تأثیرگذاری ستاره‌ها صحبت کنیم. آره حتماً. فک کنم خیلی دارک شد (باخنده).

- واقعاً تلخ هست، اما باید همه ابعاد خوب و بد رو باهم در نظر بگیریم. از نظر شما ستاره‌ها در این میان تأثیرگذار هستن؟

می‌تونن تو یه سر چیزا روی بعضیا تأثیر بذارن.

- از نظر تو چه چیزهایی می‌تونند تأثیر بگذارند؟

روی من از لحاظ ظاهری تأثیر داشتن که گفتم، مثلاً رنگای روشن بیش‌تر می‌پوشم، اگر میکاپ کنم، میکاپ روشنه، از سایه‌های تیره استفاده نمی‌کنم دقیقاً مثل پسر.

- پس یکی از ابعاد تأثیرگذاری می‌تونه ظاهر باشه. بله.

- می‌تونه توی زمینه‌های دیگری هم تأثیر بگذاره؟

برای همین می‌گم توی بعضی چیزا روی بعضی از افراد می‌تونه اثر بذاره. بعضیا فقط آهنگا و موزیک ویدیوهای گروه رو گوش می‌کنن و می‌بینن بعضیا به جز اینا، مثلاً اینستا و همه مصاحبه‌هاشون و خیلی چیزای دیگه رو هم دنبال می‌کنن. به نظرم کسانی که بیش‌تر پسر رو دنبال می‌کنن، بیش‌تر هم تأثیر می‌گیرن تو چیزای مختلف.

- از لحاظ رفتاری یا اخلاقی هم می‌تونند روی طرفدارها تأثیر بگذارند؟

راستش نمی‌دونم می‌تونن روی رفتار اونا تأثیر بذارن یا نه، ولی اگر بذارن، احتمالاً تأثیر خوبییه چون چیزایی که از پسر می‌بینیم، واقعاً خوب ان. شاد ان، خوش اخلاق ان، احساسی هستن.

- پس علاوه بر ظاهر ممکنه روی رفتار و اخلاق طرفدار هم اثر بگذاره؟

آره، برای اونایی که خیلی (با تأکید) گروه رو دنبال می‌کنن، ممکنه این طوری بشه.

- این که ستاره‌ها تحت کنترل هستن، با توجه به محدودیت‌ها، هنوز این قدرت در اونها وجود داره که تأثیر بگذارند؟

خودشون یه جورایی انتخاب کردن مسیر رو. کسی اینا رو مجبور نکرده که برن توی کی‌پاپ. در ادامه، آره خیلی از کارایی که بهشون گفته می‌شه رو باید انجام بدن، ولی اتفاقاتی که می‌افته، طبق انتخاب اولیه خودشونه. یه چیز دیگه اینکه احتمالاً عادت کردن به این شرایط و سعی کردن باهاش کنار بیان، یعنی هم خوبیا هم بدیا رو قبول کردن.

کنار محدودیتی که وجود داره، مثلاً شهرت و ثروت رو دارن، البته محدودیتی که هست، واقعاً خیلی بده، مثلاً تو با کسی که دوست داری، نمی‌تونی باشی، حالا کلی شهرت و ثروت هم داشته باش، چه فایده. البته من این طوری فک می‌کنم. خیلیا می‌گن ارزش داره که این همه شهرت داشته باشی، این قدر ثروتمند باشی، کلی موفقیت به دست آورده باشی، ولی محدودیتی هم وجود داشته باشه. من مخالفش هستم، ولی همین چیزا هست که باعث می‌شه بتونن تأثیر بذارن.

- دیدگاهی که مردم هم دارن باعث این شده که از ستاره‌ها تأثیر بگیرند؟

آره، اصلش همینه. من می‌گم اگر از چیزی تأثیر می‌گیریم خودمون اجازه می‌دیم که اون روی ما اثر بذاره. پس نوع فک کردن خودمونم بی‌تأثیر نیست. البته الان هیچ کدوم‌شون باهم نیستن و جدا شدن تا یه مدت بعد ببینیم چی می‌شه، چون قول دادن که برگردن دوباره کنار هم.

- چرا ناگهان اعضای گروه از هم جدا شدن؟

چندتا علت داره، یکیش برای سربازیشونه، توی کره فک می‌کنم تا سی سالگی همه باید برن سربازی، چون جین سی سالش شده، بعد پسرا سن‌شون نزدیک بهمه جین از همه بزرگ‌تره، سی سالشه چونگ‌کوک که از همه کوچیک‌تره بیست و پنج سالشه، وی و جیمینم بیست و هفت بودن، جیهوپ و آر. ام بیست و هشت، شوگا هم بیست و نه. تقریباً همه‌شون نزدیک اون محدوده سن و سال سربازی رفتن شدن. تازه کره جنوبی خوبه. کره شمالی اگر کسی تا بیست و پنج سالگی شغل پیدا نکنه می‌ره ارتشی می‌شه.

ولی جوری که خود پسرا گفتن، این جدا شدن لازمه برای گروه. یه وقفه بندازن یه کم کارای فردی انجام بدن، بعد دوباره برگردن، این چیزیه که خودشون گفتن. شوگا گفت اگر می‌خوایم بی‌تی‌اس ادامه بده، باید این کار رو انجام بدیم، یعنی یه مدت پسرا از هم جدا بشن، چیز دیگه‌ای نگفتن، ولی شایعه پراکنی‌ها شروع شد که گروه منحل شده یا اعضاء باهم به اختلاف خوردن، ولی هیچ مدرکی از اینا نیست، فقط صحبتایی که خود پسرا کردن از همه معتبرتره که گفتن یه مدت باید اعضاء جدا بشن، بعد دوباره برگردن تا قوی‌تر ادامه بدن.

- قبلاً هم همچین اتفاقی افتاده بود که اعضای یک گروه از هم جدا بشن و بعد دوباره بخوان برگردند؟
تو کی‌پاپ یه چیز طبیعی، آره، قبلاً هم شده، مثلاً اعضای یه گروه خدافطی کردن، البته گروه دوباره برگشته، ولی با یه اعضای دیگه یعنی اعضای قبلی رو کنار گذاشتن و براشون جایگزین که پیدا کردن دوباره گروه رو کنار هم جمع کردن.

- برای بی‌تی‌اس هم ممکنه این اتفاق بیفته که دوباره گروه فعالیت کنه، ولی با اعضای جدید؟
امیدوارم که این طوری نشه (با کمی مکث)، پسرا خیلی معروف و خوب ان، احتمالش کمه که بخوان برای اونا جایگزین پیدا کنن، چون اصن باید ببینیم کسی می‌تونه مثل اینا انقدر خوب باشه که واقعاً بعید می‌دونم.



- معمولاً چرا اعضاء رو جایگزین می‌کنند؟

برای تنوع داده. اگر به گروه به سبک موسیقی خاص رو با افراد ثابت بخواد تا چند سال طولانی داشته باشه، احتمال این که طرفداراش رو از دست بده زیاده، چون ممکنه جذابیت جدیدی برای طرفدارا نداشته باشه، بعد حالا گروه‌های دیگه که جدید میان روی کار، بقیه رو جذب می‌کنن برای همین بعد از به مدت، آیدولا رو جایگزین می‌کنن.

- بعضی می‌گن یکی از فعالیت‌های خارج از موسیقی که بی‌تی‌اس داره عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گراییه. آره می‌گن هم‌جنس‌گرایی رو می‌خوان گسترش بدن (با تمسخر).

- نظر شما در موردش چیه؟

در مورد حرفی که بقیه می‌زنن در مورد گروه یا درست و غلطش؟

- از نظر شما گروه قصد هم‌چنین کاری رو داره؟

گروه قصد حمایت از هم‌جنس‌گراها رو داره، نه هم‌جنس‌گرایی، چون اگر از هم‌جنس‌گرایی حمایت کنن، به جوریه که انگار می‌گن هم‌جنس‌گرایی خوبه و خود این کار زیاد جالب نیست.

- می‌تونیم بگیریم غیرمستقیم به فعالیت‌هایی رو تو این زمینه انجام می‌دن؟

آره فعالیتای خارج از موسیقی و هنر رو تقریباً می‌شه گفت غیرمستقیم انجام می‌دن، البته بستگی به فعالیت هم داره مثلاً مدلینگی که گفتم خب خیلی واضح و روشن انجام می‌دن یا کلاً بقیه تبلیغاتی که انجام می‌دن، ولی بعضی کارا مثل حمایت کردن از هم‌جنس‌گراها به کم با ملاحظه‌تر انجام می‌شه. ولی من باز مخالف اینم که می‌خوان هم‌جنس‌گرایی رو ترویج بدن.

- چرا تاحدی بسته یا به قول شما با ملاحظه‌تر این کار رو انجام می‌دن؟

چون آتمسفری (جوی) که وجود داره، علیه اینا هست. تو جمع دوستانه‌ی خودمون بارها شده مثلاً دوتا دختر همدیگه رو بغل کردن، بقیه مسخره می‌کنن می‌گن به اینا نزدیک نشید اینا هم‌جنس‌گرا و این طوری ان. ولی پسرا تاحالا گفتن که از هم‌جنس‌گراها حمایت می‌کنن، این زیاد غیرمستقیم نبوده. اگر غیرمستقیم بود به نظرم بقیه به خودشون هم انگ هم‌جنس‌گرا بودن نمی‌زدن.

- یعنی می‌گن اعضای گروه هم‌جنس‌گرا هستن؟

وقتی که پسرا از هم‌جنس‌گراها حمایت کردن هیترا بودن که اومدن شروع کردن گفتن اینا خودشون هم‌جنس‌گران، برای همین از هم‌جنس‌گراها دارن حمایت می‌کنن. بعد از این ماجرا خود گروه واکنشی نشون نداد به این حرفایی که زده شد. بعد باعث شد که این حرفا قوت بگیره.

- یعنی اعضاء در قبال این صحبت‌ها سکوت کردن؟

آره هیچ حرفی نزدن.

- سکوت‌شون علت خاصی می‌تونه داشته باشه؟

به نظر من به نوع فداکاریه که انجام دادن. اول حمایت کردن از هم‌جنس‌گراها، بعد به خودشون هم گفتن هم‌جنس‌گرا، بعد جوابی به این حرفا ندادن چون اگر می‌خواستن بگن نه آقا ما هم‌جنس‌گرا نیستیم، اصلاً ممکن بود که تأثیر حمایت‌شون از بین بره. ممکن بود دیگران بگن لابد این هم‌جنس‌گرا بودن بده که تا چندتا دونه هیترا اومدن به خودتون گفتن هم‌جنس‌گرا، واکنش نشون دادید و گفتید ما هم‌جنس‌گرا نیستیم، وگرنه کی به

حرف این هیترا اهمیت می‌ده. واقعاً وقتی که حمایت کردن از هم‌جنس‌گراها، دیگه راهی براشون نمود، به نظرم یا از اول نباید این کار رو می‌کردن یا وقتی که شروع کردن، دیگه باید تا آخرش پاش وایسن. بعد جدای از همه اینا، توی کره مثلاً مردا دست همدیگه رو می‌گیرن، چون نشونه صمیمیت و دوستی بین شون نشونه هم‌جنس‌گرا بودن نیست اصلاً.

- پس از لحاظ فرهنگی هم این مسأله خیلی مهمه و به فرهنگ کره هم مربوط می‌شه. آره، توی کشور خودمونم گفتم، دخترا وقتی خیلی بهم نزدیک بشن، بقیه شروع می‌کنن اون حرفا رو می‌زنن، حتی به شوخی ولی در مورد پسرا بیش‌تره. حالا شاید بگیم دخترا عاطفی‌ترن و بیش‌تر عاطفه خودشون رو نشون می‌دن، ولی برای پسرا بیش‌تر می‌کن.

توی کره اگر چندتا از پسرا باهم خیلی نزدیک ان، مثل تهیونگ و جونگ‌کوک، دلیل نمی‌شه هم‌جنس‌گرا باشن. شاید یه سری ویدیوها باشه بخوان بگن باهم ان، ولی پسرا تأیید نکردن و نمی‌کنن. یه گروهی توی کره هست که هر سال یه سری از کسانی که باهم مخفیانه رابطه دارن رو معرفی می‌کنن، اما تهیونگ و جونگ‌کوک رو معرفی نکردن تا حالا.

- تهیونگ و جونگ‌کوک رو که شما گفتید. عکس‌هایی هست که نشون می‌ده این‌ها مثلاً بوسیدن همدیگه رو و معمولاً هم بین اون دو این رابطه وجود داره، نه بقیه اعضای گروه. به نظرتون باهم رابطه‌ای فراتر از دوستی ندارن؟



آره منم اون عکسا رو دیدم از یه طرف بعضیاش فتوشاپ هستن. ولی بعضیاش واقعی ان که شاید برای حمایت از هم‌جنس‌گراها باشه یا شایدم آره تهیونگ و جونگ‌کوک هم‌جنس‌گرا باشن، چون چیزی نگفتن هیچ کس نمی‌دونه بعضیا می‌گن آره هستن، بعضیا می‌گن نیستن.

- هم‌جنس‌گرا بودن یا نبودن شون برای شما و بقیه طرفدارا مهمه و تأثیری توی طرفدار بودن داره؟
نه اصلاً. اصلاً مهم نیست. من می‌خوام آهنگاشون رو گوش بدم، کاری با گرایش‌های جنسی‌شون ندارم اصلاً.

- به نظرتون برای بقیه مهمه؟

برای بعضیا آره، من یه دوستی داشتم فیلم خیلی زیاد می‌دید، بعد مثلاً از بازیگرای مرد خوشش می‌اومد، می‌رفت سرچ می‌کرد، در موردشون می‌خوند. اگر بازیگره ازدواج کرده بود یا هر رابطه‌ی دیگه‌ای که داشت، دیگه از اون بازیگره خوشش نمی‌اومد. البته نه این که خوشش نیاد، می‌گفت اون حسم از بین رفت. اون موقع بود که من متوجه شدم، چرا آیدولا نباید قرار بذارن یا گرایش جنسی‌شون رو بگن، چون تعداد طرفداراشون کم می‌شه.

- از بعضی شنیدیم طرفدارهایی هستن که رابطه خیالی با ستاره‌ها دارن، مثلاً فکر می‌کنن که با یک ستاره زندگی می‌کنند.

اتفاقاً به این که گفتم خیلی مربوط می‌شه، چون بعضیا این طور رابطه‌های خیالی رو دارن، وقتی ببینن آیدول با کسی وارد رابطه شده، کلاً سرد می‌شن و دیگه دنبالش نمی‌کنن.

- چه طور می‌شه که رابطه داشتن اون‌ها باعث از بین رفتن این علاقه می‌شه؟ چون اگر ستاره‌ها رابطه نداشته باشن، قرار نیست که بیان با اون فردی که توی ذهن خودش خیال‌پردازی می‌کنه زندگی کنن.

آره خب، ولی اگر تو رابطه باشن، دیگه حتی اون خیال‌پردازی هم از بین می‌ره. بین دختری که چیزی وجود داره نمی‌دونم پسرا هم این طوری باشن یا نه. وقتی دختری از یکی خوششون میاد، معمولاً پیش قدم نمی‌شن برن بگن به یه پسر. ولی سعی می‌کنن علاقه خودشون رو غیرمستقیم نشون بدن.

حالا اگر متوجه بشن که اون پسر به یکی دیگه رابطه داره یا داره به یکی دیگه فک می‌کنه، علاقه‌شون از بین می‌ره. بعدشم یه حسی ایجاد می‌شه که انگار دیگه دوست نداره، نه اون پسر به یه بیینه، نه در موردش فک کنه. حس تنفر نیستا، همینیه که گفته، انگار یه بی‌احساسیه مطلقه.

- بر اساس این، اگر ستاره‌ای وارد رابطه بشه، نه تنها خیال‌پردازی نمی‌کنند، بلکه دست از دنبال کردنش هم برمی‌دارند؟

بله، بله، اگر قرار باشه این اتفاق بیفته، تعداد فنا خیلی کم می‌شه.

- محدودیت‌هایی که برای ستاره‌ها وجود داره ممکنه باعث بشه فشار روانی روی اون‌ها ایجاد بشه. خودشون تا حالا حرفی در این مورد زدن؟

خیلی اذیت می‌شن، اما به روی خودشون نمی‌ارن. آدمای مشهوری شدن، ولی خب اگر زندگی‌شون رو با خودمون یا بقیه آدم‌ها که عادی زندگی می‌کنن، مقایسه کنیم، می‌بینم چه قدر محدودیت دارن. محدودیتایی که

حق واقعیه یک فرد می تونه باشه، مثل انتخاب کردن یه آدمی که بخواد دوشش داشته باشه. بارها توی لایوهاشون گفتن که حال مون زیاد اوکی نیس، اما با شما آرمیا بهتر می شیم.

- با توجه به نظارت های کمپانی این رو صریح و مستقیم گفتند؟

گفتن که حال مون اوکی نیست، ولی نگفتن در اصل به خاطر چه چیزایی. بیش تر بردن به سمت فشار کار که فشار کاری که ازش صحبت می کنن معلومه چیه. همین تمرینا و رژیمای سخت با محدودیتایی که به خاطر این شغل براشون به وجود اومده.



- این که می گن با آرمیا حال شون بهتر می شه به نظرت چه دلیلی داره؟

خودشون فقط می گن وقتی با شما آرمیا هستیم حال مون بهتره و احساس بهتری داریم. بیش تر از این توضیح نمی دن. ولی من خودم می گم چون اینا زندگی شون واقعاً تغییر کرده، دیگه از یه طرف به سمت شهرت رفته، ولی از طرف دیگه هم محدود شدن. شاید این که با آدمای عادی میان صحبت می کنن یا تو فن میتینگا اونا رو می بینن حال شون رو بهتره می کنه. چون یه گفت و گوی معمولی رو دارن با آدمای معمولی تجربه می کنن که یه کم از اون فضای بسته و خیلی مقرراتی خارج می شن.

- چه قدر زمان صرف دنبال کردن ستاره ها و یا حرف زدن با دوستان در مورد اون ها می کنی؟

خیلی زیاد صحبت می کنیم. البته با کسانی که کی پاپ، مخصوصاً پسران رو دنبال نمی کنن نمی شه صحبت کرد، ولی هر جایی باشیم که چندتا آرمی دور هم جمع شیم، خیلی زیاد باهم درباره اونا و عکس و استایل هاشون حرف می زنیم.

- چرا با کسانی که گروه رو دنبال نمی کنن نمی شه حرف زد؟

بی احترامی می کنن، می گن اینا فلان ان چرا اینا رو دنبال می کنی، حرفای بی خودی می زنن، منم دوست ندارم وقتی که از یه چیزی خوشم میاد، دیگران بیان و از اون بد بگن. به خاطر همین فقط با آرمیا صحبت می کنم، مثلاً دوستای خودم که طرفدارشون هستن.

- یه کم بیش تر توضیح می دید که چه صحبت هایی می کنید؟ البته اگر دوست دارید جواب بدید.

نه بابا، جواب می دم (باخنده)، مثلاً اگر پست جدیدی گذاشته باشن، در مورد اون صحبت می کنیم، پست از طرف گروه یا هر کدوم از پسران باشه، در موردش حرف می زنیم. اگر عکس از خودشون باشه، در مورد لباسا شون

و مدل مو و میکاپاشون. آهنگ یا موزیک ویدیو هم باشه، باهم گوش می‌دیم. مثلاً باتر^۱ رو اون قدر گوش دادیم، حفظ شدیم، بعد یکی از بچه‌ها گفت، بیاین دابسمش درست کنیم باهاش که این کار رو کردیم، خوبم شد اتفاقاً. بیش‌تر درباره این چیزا صحبت می‌کنیم.

- معمولاً تو فضای مجازی چه مواردی رو به اشتراک می‌گذارند؟

لایو زیاد می‌ذارن که می‌تونه در مورد یه چیزی باشه که خودشون انتخاب کرده باشن. مثلاً در مورد کارای جدیدشون میان می‌گن یه آلبومه یا آهنگ و موزیک ویدیوئه با یه اطلاعات کلی ازش که بتونه کنجکاوی آرمیا رو تحریک کنه (باخنده) یا بیان فقط به سوال فنا جواب بدن.

- به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیتی ندارن.

- با توجه به محتواهایی که دیدیم، مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید، به نظرتون فعالیت سیاسی ندارن؟

آره، اونا رو منم دیدم. ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعی، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، براشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال‌ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پاپی‌ها کاری با سیاست ندارن معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن.^۲

^۱ - Butter

^۲ - آر. ام شروع کننده سخنرانی (در مجمع عمومی سازمان ملل متحد):

حضرت عالی عبدالله شهید رئیس هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد،

جناب آقای آنتونیو گوترش دبیر کل مجمع،

رئیس جمهور ما جی این و رهبران برجسته سراسر جهان،

بودن در اینجا باعث افتخاره.

ما بی‌تی‌اس هستیم. به عنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری کره جنوبی ما امروز اینجا هستیم تا داستان‌های نسل‌های آینده رو به اشتراک بگذاریم.

قبل از این‌که به اینجا بیایم از نوجوانان سراسر جهان و افرادی که در دهه بیست سالگی شون هستن، راجع به گذشته و جهانی که امروز خودشون رو در آن می‌بینن سوالاتی پرسیدیم. جین تعدادی از پاسخ‌های دریافتی رو باهاتون به اشتراک می‌گذاره.

بله یه نگاه بندازید. می‌تونین متوجه حس خوبی که این پاسخ‌ها دارن بشید. تو این دو سال گذشته زمان‌هایی بوده که خیلی احساس سردرگمی و دلواپسی می‌کردم. با این وجود هنوز اینجا افرادی رو داریم که فریاد می‌زنن بیاین زندگی کنیم، بیاین از لحظه بهترین استفاده رو ببریم.



چون وقتی تو ایده‌آل‌ترین زمان زندگی‌مون هستیم، نمی‌تونیم در برابر چالش‌های جدیدی کار نکنیم. نمی‌شه کسی رو سرزنش کرد و همه شما حتماً احساس ناامیدی کردین. من همونیم که دیروز بودم، ولی دنیا تغییر کرد انگار که خیلی سریع به جهان موازی منتقل شدیم.

من از شنیدن این‌که مراسم‌های ورودی و فارغ التحصیلی باید لغو می‌شدن خیلی متأسف شدم. این‌ها لحظاتی از زندگی هستن که باید جشن گرفته بشن و از دست دادن‌شون خیلی ناراحت‌کننده هست. قلبمون شکست از این‌که کنسرت‌مون که طی یه مدت طولانی براش برنامه‌ریزی کردیم، لغو شد و برای مدتی مشتاق لحظه‌هایی بودیم که می‌خواستیم کامل کنیم.

بله، این زمانی برای افسوس خوردن برای چیزهایی بود که کوید از ما گرفت. زمانی برای این‌که بفهمیم هر لحظه‌ای که قدرش رو ندونستیم، چه قدر ارزشمند.

شوگا به این قضیه که قدر لحظات رو ندونستیم اشاره کرد و خیلی از مردم سوال‌هامون رو با اشتراک عکس‌هایی از لحظات با ارزش زندگی خودشون پاسخ دادن. خیلی از مردم نشون دادن که چه طوری در طبیعت وقت می‌گذرونن. فکر می‌کنم در طی این دو سال اونا ارزش زمانی رو که برای مراقبت از طبیعت رو می‌گذاشتن فهمیدن.

بله، ولی شاید چون ما به خاطر محدود بودن زمان زندگی‌مون روی زمین احساس ترس می‌کنیم، فقط در مورد چیزایی که از دست دادیم صحبت می‌کنیم و فکر کردن در مورد سوگواری برای زمین باعث می‌شه از ترس بلرزیم. همه با این قضیه موافق هستن که تغییرات آب و هوایی مسأله مهمیه، ولی صحبت درباره این‌که بهترین راه حل چیه آسون نیست، این موضوعی که نتیجه گرفتن در موردش سخته.

بله، بحث سخته، ولی من حین آماده شدن برای امروز فهمیدم که افراد جوان زیادی به مسایل زیست محیطی علاقه دارن و این رو به عنوان رشته تحصیلی‌شون انتخاب می‌کنن. آینده یه سرزمین ناشناخته است و جاییه که ما بیش‌تر از هر کسی زمان‌مون رو اون‌جا می‌گذرونیم و این افراد جوان کسانی هستن که به دنبال پاسخ این سوال هستن که چه طور چنین آینده‌ای رو زندگی کنن.

پس امیدوارم آینده رو فقط یه تاریکی ظالمانه در نظر نگیریم. ما افرادی رو داریم که نگران جهان هستن و دنبال این پاسخ هستن. هنوز صفحات زیادی از زندگی مون باقی مونده پس نباید جوری حرف بزنیم که انگار پایانش از قبل نوشته شده.

البته که گاهی اوقات اوضاع طوریه که انگار جهان متوقف شده. حتی اگه آماده رفتن باشی، گاهی اوقات حس می‌کنی مسیرت رو گم کردی. وقتایی بوده که ما هم همچین حسی رو داشتیم.

شنیدم که به نوجوون‌ها و افرادی که در دهه بیست سالگی زندگی‌شون هستن، می‌گن نسل از دست رفته کرونا. یعنی اونا زمانی راه‌شون رو گم کردن که به متنوع‌ترین فرصت‌ها نیاز داشتن و باید راه‌های جدیدی رو امتحان می‌کردن. ولی فکر می‌کنم گفتم این که راه‌شون رو گم کردن فقط به خاطر این که مسیری که درش قدم می‌ذارن با چشم افراد بزرگ‌سال دیده نمی‌شه اغراق‌آمیزه.

بله، به نگاه به عکس‌ها بندازید. اینا افرادی هستن که سخت تلاش می‌کنن روابط دوستان‌شون رو به صورت مجازی ادامه بدن. به شیوه‌های جدید، شروع به یادگیری چیزهای جدید می‌کنن تا زندگی سالم‌تری داشته باشن. معذرت می‌خوام چند لحظه، بله این بچه‌ها سعی می‌کنن چیزای جدید یاد بگیرن و کشف کنن. اونا گمشده به نظر نمی‌رسن، شجاع‌تر شدن و با چالش‌های جدیدی رو به رو شدن.

به همین دلیل که فکر می‌کنیم به جای نسل گم شده، بهتره بهشون بگیم نسل خوش‌آمدگویی، چون این نسل به جای ترس از تغییر، بهش خوشامد می‌گن و به پیشروی ادامه می‌دن.

درسته که اگه به احتمالات باور داشته باشیم و حتی وقتی اتفاقات غیر منتظره پیش میاد امید داشته باشیم، نه تنها راهمون رو گم نمی‌کنیم، بلکه یه راه جدید کشف می‌کنیم.

ممکنه انتخاب‌هایی که می‌کنیم بی‌نقص نباشن، ولی به این معنی نیست که کاری از دستمون بر نیامد چیزی که از نظر من مهمه، انتخاب‌هایی هستن که موقع روبرو شدن با تغییرات می‌کنیم. بعضی از شماها وقتی خبر حضور ما در سازمان ملل را شنیدید، خیلی متعجب شدید و براتون سوال پیش اومد که واکسینه شدیم یا نه. من از این فرصت استفاده می‌کنم که بگم بله، هر هفت نفر ما واکسینه شدیم.

واکسیناسیون یه جورایی بلیط ما برای دیدن فن‌هامون که خیلی وقته منتظرمون هستن و همین طور اینجا ایستادن، بود. همون طور که در پیام امروزمون هم گفتیم، ما داریم کارایی رو که در حال حاضر ازمون برمیاد رو انجام می‌دیم. مثل واکسیناسیون. تلاش‌ها برای رو به جلو بردن این واقعیت ادامه داره و روزی که بتونیم فن‌هامون رو از نزدیک ببینیم اون قدر دور نیست. تا اون موقع امیدوارم که بتونیم هر روزمون رو پر از انرژی مثبت کنیم.

فکر می‌کردیم که جهان متوقف شده، ولی داره رو به جلو حرکت می‌کنه، من بر این باورم که هر تصمیمی که می‌گیریم، شروعی برای یه تغییره نه پایانش. امیدوارم همه توی این دنیای جدید بتونیم به هم خوش‌آمد بگیم.

و حالا که منتظر چنین آینده‌ای هستیم. permission to dance پیامد خوش‌آمدگویی ماست که امروز می‌خوایم با همه به اشتراک بذاریم.



- تبلیغاتی که گروه برای برندها یا شرکت‌های بزرگ انجام می‌دن رو دیدین؟
آره مدلینگی که گفتم براتون یکی از تبلیغاتشونه، من خودم بیش‌تر همین رو دنبال می‌کنم چون از لباساشون خوشم میاد، هم مدلش، هم رنگش.
- بی‌تی‌اس تبلیغات قابل توجهی برای بعضی از برندها مثل کوکاکولا و مک‌دونالد انجام می‌ده، شما اون‌ها رو دیدین؟
آره، عکسای زیادیم ازشون اومد، وقتی برای اون‌ها تبلیغ کردن.





- با توجه به این که فعالیت ستاره‌ها زیر نظر کمپانی هست، تصمیمات مهمی مثل تبلیغ کردن یا نکردن برای یک برند رو هم کمپانی مشخص می‌کنه درسته؟
آره، پسرا نمی‌تونن هر برندی که دل‌شون می‌خواد رو تبلیغ کنن یا اصن برند هیچی. هر چیزی که می‌خوان هم نمی‌شه تبلیغ کنن، مثلاً نمی‌شه ظرف و ظروف تبلیغ کنن (باخنده).





- این که برای دوتا از شرکتای بزرگ آمریکایی تبلیغ می‌کنن و همون طور که شما گفتید، عکس-
های زیادی هم ازشون منتشر شد، تصمیمی نیست که پیام غیرمستقیمی رو بده؟
مثلاً حمایت از آمریکا یا همکاری با اونا منظورتونه؟
- دو موردی که شما گفتید مناسب هستن. به نظرتون همچین قصدی رو ندارن؟
نمی‌دونم، ولی اگر داشته باشن هم اشکالی نداره. آمریکا ابرقدرت دنیاست، کشورا دوست دارن
روابط خودشون رو با اونا حفظ کنن، حتی بیش‌تر هم بکنن. کسی هم دوست نداره با آمریکا دربیفته،
چون اگر این‌طوری بشه اوضاع اون کشور بهم می‌ریزه، دقیقاً مثل خودمون.
- این‌طور که من متوجه‌ش‌تون شدم، منظورتون اینه که از این گروه استفاده کردن تا به سری اهداف
که خیلی هم بزرگ هستن رو به دست بیان. شاید هدفشون این بوده باشه، ولی اصن اشکالی نداره.

عین همین کار رو مسوولان خودمونم انجام میدن، فقط نه با آمریکا، با چین. ما هر چی می‌خریم روش نوشته: مید این چاینا آشغال هم هست تازه. اگه کره از پسرا استفاده می‌کنه تا برای آمریکا تبلیغ کنه و بقیه کشورا بیان چیزای آمریکا رو بخرن، تولیدای آمریکایا رو بخرن، ایران که خودش می‌ره چرت و پرتای چین رو می‌خره که اگر بگیم اولی بده که اصنم نیست، دومیه خیلی بدتره.

- با اجازه شما باز به فضای داخلی گروه برگردیم.

آره، واقعاً دوست ندارم در مورد مسایل سیاسی حرف بزنم، چون کارای مسخره کشور خودمون میاد تو ذهنم فقط.

- فرد مورد علاقه شما بین اعضای گروه چه کسیه؟

بین پسرا (با کمی مکث) بین پسرا شوگا رو بیشتر دوس دارم، چون که خیلی سرش تو کار خودشه. مودش شبیه منه و کلاً خیلی می‌شه گفت شبیه اون شدم.



- شبیه اون شدید یعنی ازش تأثیر گرفتید؟
آره.

- چه طور بودید و چه چیزی از شوگا شما رو جذب کرد که شبیه اون شدید؟
من یادمه قبلاً به حرف بقیه خیلی توجه می‌کردم و زیاده روی می‌کردم، این بهتره چون واقعاً زیاد از حد اهمیت می‌دادم. وقتی هم که این طوری بود اخلاق و رفتارم، خیلی اذیت می‌شدم، چون می‌دیدم یکی حرف زیاد قشنگی در مورد من می‌زنه، ناراحت می‌شدم معمولاً. البته همه ناراحت می‌شن.
شوگا یه شخصیت آرومی داره که سرش تو کار خودشه، به حرف و کار و هیچی بقیه هم زیاد توجه نمی‌کنه، معمولاً توی لایو و عکسای که پسرا دارن هم این مشخصه، یعنی یه حسی ازش می‌گیری که اینو می‌تونم بگم درون گراست، آره درون گراست. نمی‌دونم درون‌گرا باشه یا نه، ولی ظاهر و نوع رفتاری که داره شبیه درون‌گراها می‌مونه.

- اعتقادات و یا رفتارهای اون روی شما تأثیر گذاشته؟ به نظرت قدرت تأثیرگذاری روی افراد رو داره؟

اعتقاداتش نه تأثیری روم نداشت، اما خب شاید بقیه کسانی که تازه آرمی شدن روی اونا تأثیر گذاشته باشه. اگر اعتقادات رو بخوام بگم نه روم تأثیری نداشت، چون اعتقاداتشونم زیاد برام مهم نیست، البته که پسرا همه‌شون به خدا اعتقاد دارن، به دعا کردن اعتقاد دارن، ولی نامجون نه زیاد معتقد نیست، فک کنم اصلاً معتقد نیست (باخنده).

ولی رفتارشون چرا توی سوال قبلی هم گفتم تأثیر داشته، ولی رفتار همه‌شون نه فرد مورد علاقه من شوگاهه که از همون سرش تو لاک خودش بودن خوشم میاد. منم سعی می‌کنم همیشه همین باشم.

- چرا فکر می‌کنید اعتقاداتشون ممکنه افرادی که تازه آرمی شدن رو تحت تأثیر قرار بده؟
چون تازه وارد این جو بزرگ می‌شن، بعد از این که این حجم از شهرت و طرفدار رو ببینن، احتمال این وجود داره که بخوان شبیه اینا بشن. ممکنه ظاهری باشه یا باطنی. یعنی چه تیپ و قیافه و رفتار چه اخلاق و اعتقادات. ممکنه اتفاق بیفته، شاید نه.

- اعضاء در مورد دین خودشون چیزی نگفتن؟
اصلاً، اصلاً (با شدت فراوان) نگفتن و نبایدم بگن.
- چرا نباید بگن؟

اگه مثلاً مسیحی باشن ممکنه کلی طرفدار که مسلمون ان یا دین دیگه‌ای دارن رو از دست بدن. حتی اگه بگن خدا رو قبول دارن یا ندارن هم باز همینه. خیلیا که خدا رو قبول دارن، اگر متوجه بشن اینا خدا رو نمی‌پرستن، ممکنه دیگه فن اینا نباشن.

- در مورد نامجون چه طور گفتید که فکر می‌کنید اعتقادی نداره؟
ببینید در مورد دین‌شون هم دقیقاً همون کاری رو می‌کنن که در مورد گرایش جنسی‌شون کردن. نه گفتن هم‌جنس‌گرا هستن، نه گفتن نیستن.

دین‌شون رو که اصن حرفی در موردش نزدن این که هیچی. بعیدم هست ازش چیزی بگن، در مورد خداپرست بودن یا نبودنم باز حرفی نزدن. ولی نامجو یه بار یه صحبتی کرد تو یکی از فن‌میتینگا که گفته بود من دینی ندارم، ولی خدا رو شکر می‌کنم، یعنی به خدا اعتقاد داره، ولی واضح گفته که دینی ندارم.

مثلاً می‌گن تهیونگ احتمالاً خیلی زیاد مسیحیه. حالا چرا؟ چون توی پلی لیستش که قبلاً یه عکسی ازش پخش کرده بوده یه آهنگی توشه که برای عبادت کردن مسیحیاست. یا یه چیز دیگه هم گفته بودن که وقتی تهیونگ داشت سیو می^۱ رو اجرا میکرد، برای مامان بزرگش بوس فرستاده که این یه کاریه که مسیحیا انجامش می‌دن. مدرکی در کار نیست اصن، فقط حدس و گمانه.

¹ - Save me



- چرا کی‌پاپ این قدر از زندگی شخصی آیدول‌ها رو برای مردم آشکار می‌کنه؟
زیاد آشکار نمی‌کنه، اتفاقاً به نظر من خیلی هم محدودشون میکنه. روابطشون رو که نمی‌دونیم، اصن نباید رابطه‌ای وجود داشته باشه. دینشون رو که نمی‌دونیم یا گرایش جنسی‌شون رو که نمی‌دونیم، حتی بعضی وقتا چیزای الکی می‌گن راجع بهشون. اما آیدولا بیش‌تر با طرفداراشون احساس راحتی می‌کنن و توی پیج شخصی‌شون مسایل زندگی‌شون رو میان می‌گن.

- موارد غیرواقعی که در موردشون می‌گن رو بیش‌تر توضیح می‌دین؟
یه گروهی هست که میاد در مورد آیدولا مطلب درست می‌کنه. مثلاً گفتم میاد اونایی که رابطه مخفیانه دارن رو معرفی می‌کنه.
- بله توضیح دادید.

آره. این چیزایی که می‌گن فقط در مورد رابطه آیدولا نیست. چیزای دیگه هم می‌گن مثلاً در مورد سن‌شون یهو میان می‌گن فلانی سنش ۲۵ نیست، سنش بیش‌تره، ولی واقعیت رو نمی‌گن.
اینا بیش‌تر دنبال مطرح کردن خودشون و سایتای خبری خودشون هستن. اعتبار پایینی هم دارن، چون همین طوری الکی میاد چندتا چیز می‌نویسه، بعد شناسی یه درست از توش درمیاد، ولی در کل خبرای زرد کار می‌کنن. اینا معمولاً میان خبر در مورد زندگی خصوصی آیدولا پخش می‌کنن.
- می‌تونیم بگیم پاپاراتزی هستن؟

پاپاراتزی نیستن، ولی از پاپاراتزیا استفاده می‌کنن تا خبراشون قابل باور بشه. پاپاراتزیا بیش‌تر تو کار عکاسی ان. یا عکسا رو خودشون میان پخش می‌کنن یا می‌فروشن به این طور سایتا تا اونا پخش کنن.
- دلیل تلاش پاپاراتزی‌ها برای عکس گرفتن از زندگی خصوصی افراد مشهور مختلف از جمله فعالان کی‌پاپ چیه؟

یه بخشی از اینا هماهنگ شده انجام می‌شه مثلاً دوتا فرد مشهور قرار می‌ذارن، پاپاراتزیم می‌ره عکس می‌گیره پخش می‌کنه بعد کلی ممکنه طرفدار پیدا کنن اون دوتا آدم مشهور. پاپاراتزیه هم اون وسط یه پول کلفتی گیرش میاد (باخنده).

ولی بعضی وقتاً واقعاً لحظه رو شکار می‌کنن، مثلاً یکی از پاپاراتزیا گفته بود اگه بتونم از بریتنی اسپیرز فلان عکس رو بندازم، یه خونه توی کالیفرنیا می‌تونم بخرم. این رو من جایی خونده بودم. با این حرفی که زده معلومه واقعاً می‌خواد تلاش کنه تا اون عکس رو بگیره، اگر هماهنگ شده بخواد این کار رو کنه که دیگه این همه تلاش لازم نیست.

اینم بگم تو کی پاپ از کلمه پاپاراتزی زیاد استفاده نمی‌شه. بیش‌تر ساسنگ فن می‌گن بهشون.
- معنی خاصی داره؟

فن که یعنی طرفدار. ساسنگم یعنی حریم خصوصی که می‌شه طرفدار حریم و زندگی شخصی.
- همون کار پاپاراتزی‌ها رو انجام می‌دن؟
آره ساسنگ فنا هم آیدولا رو تعقیب می‌کنن مدام تا بتونن از زندگی شخصی آیدولا سر در بیارن. جالب‌تر اینکه که پول زیادیم خرج این کار می‌کنن که همیشه آیدول رو تعقیب کنن و بتونن شرایط شخصی آیدول رو هم ببینن.

- کارشون فقط به دونستن زندگی شخصی ستاره ختم می‌شه یا هدف دیگه‌ای هم داره؟
بعضیاشون فقط دنبال همین ان که از زندگی اونا سر در بیارن. بعضیاشون دنبال این هستن که اطلاعات به دست بیارن، معمولاً اطلاعاتشون به صورت عکسه، بعد اون اطلاعات رو بفروشن به همون منبع‌ها که گفتم. هدف خاص دیگه‌ای نیست.

یه دونه ساسنگ فن هست (باخنه طولانی) ببخشید من خنده‌ام بند بیاد (باخنه).
یه دونه ساسنگ فن هست که بهش می‌گن خطرناک‌ترین ساسنگ فن کی‌پاپ. این خیلی شدید طرفدار اکسو بوده بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تاحالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خواستم اکسو رو از شر اونا راحت کنم.

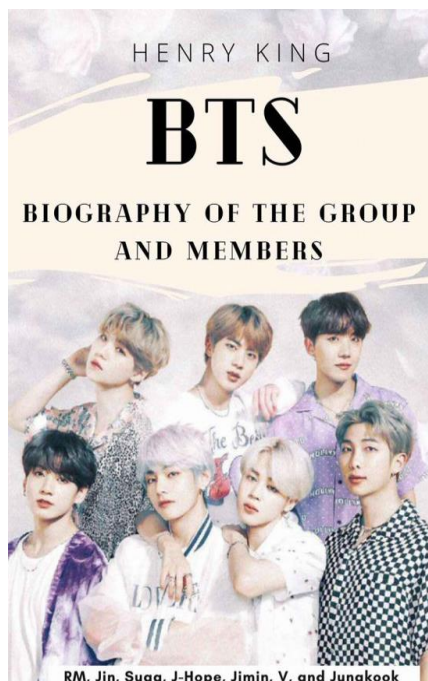


- تاحالا موفق شده کسی رو بکشه؟
نه کسی رو نکشته، ولی سعی کرده که این کار رو کنه، اما آیدولا محافظ دارن تا از این اتفاقات جلوگیری کنن و آسیبی به آیدول نرسه.

- ستاره‌ها بخوان هر جایی برند، باید محافظ همراهشون باشه؟
وقتی می‌رن کشورای دیگه برای اجرا حتماً همراهشون هست، مثلاً جونگ کوک تو افتتاحیه جام جهانی اجرا داشت برای همین چند روز قبل از افتتاحیه رفت قطر. عکسا و فیلمایی ازش پخش شد که داشت جاهای مختلف قطر رو می‌دید که چندتا محافظ همراهش بودن. یکی از دلایلی که محافظ می‌ذارن برای پیشگیری از اتفاقات بده.

یه دلیل دیگه‌اش هم اینه که یهو یکی از فنا نیاد جلو اینا رو بغل کنه یا بیوسه، چون اگر این طوری بشه، کلی فیلم و عکس از اون لحظه درست می‌کنن، بعد اطلاعات غلط می‌دن. مثلاً می‌گن این دوست دختر جونگ کوکه یا می‌گن خب معلوم شد جونگ کوک هم جنس‌گرا نیست.

- گفتید خود ستاره‌ها هم زندگی شخصی‌شون رو بیان می‌کنن؟
آره خودشون هم گفتن. مثلاً بی‌تی‌اس اصن کتاب هم داره که توش در مورد پسرا زیاد گفته شده. گروه‌های دیگه هم کتاب دارن. همین که تو اینستا پست می‌ذارن از جاهایی که رفتن یا کارایی که کردن یعنی زندگی‌شون رو دارن نشون می‌دن.



- علت خاصی می‌تونه داشته باشه؟
برای خیلیا جذابه برای همین زیاد می‌خوان در مورد زندگی شخصی پسرا بدونن. می‌تونه علاقه‌شون رو بیش‌تر کنه یا بیش‌تر سرگرم گروه بشن. فضولیشونم از بین می‌ره (باخنده).

- اتفاقاتی که در زندگی شخصی این افراد می‌افتد هم می‌تونه باعث هیت کردن شون بشه با توجه به این که خودشون هم از زندگی شخصی خودشون می‌گن؟

آره خب. باعث می‌شه که هیت بگیرن بعضی وقتا هم ممکنه هیت شدن شون زیاد بشه، مخصوصاً وقتی با دوستای دخترشون عکس می‌ذارن و بقیه قضاوتشون می‌کنن و با فکرهای مزخرفشون هیت می‌دن مثلاً چون یکی از پسرا با یه دختر عکس گرفته، می‌گن خب دیگه اینا باهم ان هزارتا کارم کردن و همین طوری می‌رن جلو. یکی از عواقب نشون دادن زندگی شخصی شون اصن همینیه، در کنار این که ممکنه کلی آدم رو جذب کنه، می‌تونه هیتم براشون داشته باشه.

- برای بقیه افراد در زمینه کار و موسیقی می‌تونن الهام بخش باشند؟

آره می‌تونن باشن. حتی یه سری از خواننده‌ها از اینا ایده گرفتن تو آهنگاشون، اجراهاشون، لباس پوشیدناشون. مثلاً امیر مقاره توی یه کنسرتی که گذاشته بود یه کت نصفه پوشیده بود اتفاقاً خلیلیم پخش شد فیلمش خیلیا هم مسخره‌اش کردن، آخرشم مجبور شد عذر خواهی کنه.



توی یکی از کنسرتایی که پسرا داشتن، جیمین اون لباس رو پوشیده بود. امیر مقاره اومد تقلید کرد از اون. خیلیا هم که مسخره‌اش کردن، بیش‌تر برای این بود که توی همون کنسرت اومد از طراح لباسای خودشون تعریف و تشکر کرد، بعدش همه پخش کردن که بابا این اصن کپی بوده، کپی کردن که نیاز به طراح نداره یا رهام که با همون امیر مقاره تو یه گروه ان و باهم کار می‌کنن، اومد موهاش رو یه مدل داد که اونم کپی بود، یادم نیست از کی، ولی کپی کرده بودن.

- از لحاظ موسیقی چه طور، دیگران از اون‌ها تقلید کردن؟

توی موسیقی افرادی که از پسرا تقلید کردن رو یادم نمیاد که بخوام اسم ببرم چون زیاد معروف نبودن، برای این که معروف بشن از آهنگای پسرا تقلید کردن. ولی بیش‌تر سعی می‌کنن یه تکستی بنویسن که

موضوعش همون چیزایی باشه که بی‌تی‌اس در موردش صحبت می‌کنه. بیش‌تر روی تکست کار می‌کنن به نظرم.

- به عقب برگردی باز هم اون‌ها رو دنبال می‌کنی؟

آره حتماً حتی زودتر می‌رم دنبال‌شون چون که یه جورایی توی زندگی ما آرمیا بخش مهمی ان پسرا.

- از چه لحاظ مهم هستن؟

من وقت خوبی می‌ذارم برای پسرا چون همون طور که گفتم آهنگا و موزیک ویدیوهاشون رو می‌بینم. با دوستانم در موردشون صحبت می‌کنم. آهنگاشون رو حفظ می‌کنم. خبرایی که در موردشون هست رو می‌خونم. یه بخشی از کارای روزانم شدن.

- ستاره‌ها ازدواج می‌کنن؟

تو دوران کاری‌شون مخصوصاً وقتی که به اوج توانمندی و شهرت می‌رسن تقریباً غیرممکنه. خیلی هیتای بیش‌تری می‌گیرن، پسرا خودشون گفتن که ما فعلاً ازدواج نمی‌کنیم، اما خب بالاخره اگه ازدواج کنن آرمیا کم‌تر می‌شن.



- تا به حال کسی بوده که تو دوران حرفه‌ای خودش ازدواج کنه؟

ازدواج نه نشده، من که اصلاً نشنیدم. ولی خب بوده که رابطه داشته باشن، ولی منبع درستی پشتش نبوده، مثلاً همون پاپاراتزیا یا ساسنگ فنا اومدن گفتن اون دو نفر باهم هستن. عکس و فیلم هم بوده که ازشون پخش کنن، ولی با این همه فتوشاپی که الان هست، نمی‌شه خیلی مطمئن گفت که واقعاً رابطه داشتن دو نفر یا نه.

- موردی هست که خودت بخوای در مورد گروه به ما بگی؟

(با کمی مکث) فعلاً چیزی به ذهنم نمیاد، ولی اگر چیزی خواستم بگم تو مجازی براتون می‌فرستم.

- آره خیلی خوب می‌شه. خیلی لطف کردی به ما که وقتت رو در اختیارمون گذاشتی و با ما همکاری کردی.

نه بابا. من می‌خواستم برم با گوشیم ورم دیگه (باخنده). ولی الان صحبت کردیم منم دوست داشتم در مورد پسرا به شما بگم. خیلی خوب بود.

- خیلی خیلی لطف کردی. خسته نباشی.

تأملی دوباره

سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

سونیا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: وجود انبوه هواداران در کشورهای مختلف، فعالیت ستاره‌ها در زمینه‌های اجتماعی، مخاطب قرار دادن جوانان و نوجوانان با بیان مشکلاتشان، شرکت هواداران در فن‌میتینگ و فن‌ساین، جذابیت تناسب اندام ستاره برای طرفداران، محرمانه بودن اطلاعات کمپانی، فروش گسترده کالاهای دارای طرح کی‌پاپ، ریزش طرفداران در صورت افشای روابط ستاره‌ها، تکراری شدن ستاره‌ها، حال روحی نامساعد ستاره‌ها، بهره‌کشی کمپانی از ستاره‌ها، سلب آزادی از ستاره‌ها، بردگی ستاره‌ها و ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، اشاره داشته است.

سونیا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

مخاطب قرار دادن نوجوانان و جوانان با بیان مشکلاتشان توسط ستاره‌ها، نمایش خوش اخلاقی اعضای گروه، اهمیت زندگی شخصی ستاره‌ها برای هواداران، برخورد عاطفی و دفاع کامل از اعضای گروه، جذابیت اجراهای خاص و سخت گروه، دید مثبت هواداران ناشی از دیدار با ستاره‌ها، تبدیل شدن ستاره‌ها به عشق تخیلی بسیاری از هواداران دختر، روابط خیال‌پردازانه با ستاره‌ها، ایجاد سرگرمی با آهنگ‌ها و برنامه‌های بی‌تی‌اس، پرداخت هزینه به استریمرها برای استریم زدن توسط برخی از هواداران، توجیه عملکرد سیاسی ستاره‌ها با نقد کاستی‌های داخل، مواجه شدن با واکنش منفی برخی به کی‌پاپرها، عدم طرفداری هواداران از ستاره در صورت وجود رابطه عاطفی در آنان، وجود افراد بی‌هویت در هواداران، طرفداری متعصبانه برخی از هواداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، ایجاد عرصه‌ای برای فشار روانی به ستاره‌ها، ایجاد انگیزه در معدودی از طرفداران برای قتل رقبای ستاره‌های بی‌تی‌اس، یادگیری زبان کره‌ای توسط طرفداران، فشارهای جسمانی و روانی متعدد به ستاره‌ها، الهام بخشی گروه برای دیگر هنرمندان و فروش گسترده کالاهای دارای طرح کی‌پاپ توسط برخی از هواداران، اشاره داشته است.

سونیای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تفاوت محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس با رپ اعتراضی، مخاطب قرار دادن جوانان و نوجوانان با بیان مشکلاتشان، فعالیت ستاره‌ها در زمینه‌های اجتماعی، نمایش خوش اخلاقی اعضای گروه، توجه زیاد ستاره‌ها به هوادارها، دیدار هواداران در کشورهای مختلف، دید مثبت هواداران به سبب دیدار با ستاره‌ها، اهمیت زندگی شخصی ستاره برای هواداران، پرسش و پاسخ هواداران از ستاره‌ها، پاسخ به پیام برخی از طرفداران، ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، عدم طرح گرایش دینی اعضای گروه و فشار روانی وارد بر ستاره‌ها در مواجهه با هواداران بی‌هویت، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر سونیای ۱۷ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با مهشید، ۲۱ ساله

این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی.

- ماندانا خانم چند وقت هست که جزو کی‌پاها هستی؟

سه ساله.

- اولین گروهی که در کی‌پاپ با اون آشنا شدی چه گروهی بود؟

اولین بار با بی‌تی‌اس و اکسو آشنا شدم.

- چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

من اولین بار یکی از آهنگ‌هاشون رو چند سال قبل از این که طرفدار کی‌پاپ بشم، اتفاقی شنیدم، چون همراه با هالزی خونده بودن، بعدها یک سریال کره‌ای دیدم که یکی از اعضای بی‌تی‌اس توش بازی کرده بود.



- اسم آهنگ و سریال را یادت میاد؟

اسم سریال افسانه هوارانگ هست که تهیونگ یا V توش بازی کرده اسم آهنگ هم boy with luv هست که با هالزی خونده.





- گروه بی‌تی‌اس چه ویژگی خاصی داشت که جذب کرد؟

بین چندتا تفاوت وجود داره بین موسیقی کشور ما با کی‌پاپ که اینا باعث افزایش روزافزون طرفدارهای این سبک می‌شه که الان برات چندتا شون رو می‌گم، اول این که معنی بیش‌تر شعرهاشون به دوست داشتن خود، هدف داشتن و ناامید نشدن و تسلیم نشدن اشاره داره و این معنی‌دار بودن و انرژی مثبتی که گروه داره، یکی از نکاتی هست که طرفدارهای زیادی دارن. دوم این که اصولاً تفاوت باعث جذابیت می‌شه، کی‌پاپ همراه با آهنگ، دنس و رقص رو هم همراه موسیقی آورده، برای همین در کل دنیا مورد توجه قرار گرفتن، در طول تاریخ موسیقی دنیا رو هم نگاه کنی، هر تفاوتی که ایجاد شده باعث جذابیت و طرفدارهای زیاد شده.

بی‌تی‌اس به چیزی که خیلی معروفه کلاً بین همه گروه‌هایی که هستش اینه که هیچ‌چیزی براشون غیرممکن نیست، یعنی این قدر می‌جنگن و این قدر تلاش می‌کنن برای خواسته‌شون که قطعاً به اون هدف می‌رسن و این هم خیلی روش مانور می‌دن و خیلی یاد می‌دن به فناشون... دوتا چیزی که خیلی روش مانور می‌دن یکی دوست داشتن خودته، روی این موضوع خیلی تأکید دارن. معتقدن که ما خودمون رو دوست داشته باشیم، به خیلی چیزها دست پیدا می‌کنیم و از دیگران خیلی جلوتریم. بعد چیزی با ارزش‌تر از خودمون نمی‌تونه باشه در دنیا و تحت هر شرایطی نباید جا بزنینم و نباید وقتی که شکست خوردیم، جا بزنینم... هدف‌دار بودن و این که برای هدف‌ت بجنگی، هر چه قدر هم شرایط سخت شد، تو تسلیم نشی و سخت‌تر و بیش‌تر براش تلاش کنی، این دوتا مورد خیلی بولده توی این گروه، موضوع شعرهاشون هم بیش‌تر همینه، امید داشتن، امید دادن، خودت رو دوست داشته باشی، به چیزهای مثبت فکر کنی و به خاطر دیگران خودت رو عوض نکنی و تسلیم شرایط و موقعیت‌ها نشی، ویژگی‌هایی که نداری رو بهونه نکنی، مثلاً من اگه پولش رو داشتم، به اون جا می‌رسیدم، اگر پارتی داشتم به فلان چیز می‌رسیدم، این‌ها همه بهونه هست. تو نخواستی که نشده، مثلاً چند سال پیش کمپنی رو درست کرده بودند به نام لایو یورسلف آلبومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپن بزرگ و بزرگ‌تر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت‌شون کرد، اون جا سخنرانی داشتن، سخنرانی‌شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری یونیسف و همین چند ماه پیش به عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن.



BTS WORLD TOUR LOVE YOURSELF »→ SPEAK YOURSELF ♥

- تفاوت بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگر کی‌پاپ چه مواردی هست؟
مهم‌ترین تفاوت بین دو گروه یا یک گروه با بقیه گروه‌ها، برمی‌گردد به کمپانی، اون گروه‌ها و خدماتی که می‌دن، تفاوت بعدی اعضای گروه هستن، این که چه برخوردی دارن در فستیوال‌های مهم، اهداف‌شون چیه، به طور مثال بی‌تی‌اس اولین گروه کی‌پاپی بود که یک کمپین به عنوان لاو یورسلف شروع کرد.
یه نکته جالب در مورد کشور کره اینه که مثلاً توی ایران طرف می‌ره دکتر می‌شه، مطب می‌زنه، وکیل می‌شه شرکت حقوقی می‌زنه یا طرف پولداره، می‌ره کارخونه می‌زنه. خب، درآمد کسب می‌کنه و یک‌سری آدم زیر دست خودش داره. توی کره این جوری نیست، یک شرکت بزرگ هست، پانزده طبقه. تمام این پانزده طبقه وکیل ان. یعنی یک شرکت بزرگ حقوقی ان که وکیل استخدام می‌کنن، مثلاً من که مشکل حقوقی دارم، می‌رم با اون شرکت حقوقیه قرارداد می‌بندم، این طور نیست که هر کسی وکیل شد، برای خودش دفتر بزنه یا که پزشک می‌شه، نمی‌تونه برای خودش مطب بزنه، توی شرکت کار می‌کنه، این که پزشک می‌شه، توی بیمارستان کار می‌کنه، بیمارستان همین طوری نیست که هر کسی پول داشت، بره بیمارستان بزنه، هر دانشگاهی برای این که دانشجویهای خودش بتونن یک جایی کار بکنند و بتونن یاد بگیرن، اون دانشگاه میاد به بیمارستان می‌زنه. پس هر چیزی زیر نظر یک شرکت و یا کمپانی بزرگی هست، همه بازیگرا و همه خواننده‌هاشون و همه آرتیست‌ها و یا اون طوری که خودشون می‌گن آیدول‌ها و یا آیدول‌ها، تمام آیدول‌هاشون زیر نظر یک کمپانی ان و کمپانی‌ها حرف اول رو می‌زنن توی این تفاوت‌هایی که گفتیم، یعنی هر کمپانی یک سری ویژگی‌های و قوانین خاص خودش رو داره که حداقل می‌تونم بگم این مسأله خیلی تأثیرگذاره روی

میزان طرفداری از اون گروه، پس میزان تفاوتی که می‌خوای بین یه گروه با چندتا گروه دیگه بسنجی، اول از همه اون کمپانی اون گروه حرف اول رو می‌زنه.



دوم اعضای اون گروه ان، از اون جایی که مثلاً حالا حداقل در ایران کسی معروف شد، خواننده است یا بازیگر یا هر چی نهایتاً طرفدار اینستاگرام داره یا هر چند وقت یک‌بار اکران خصوصی دعوت می‌شه، در کره این طوری نیست، اپلیکیشن خاصی دارن که میان لایو می‌ذارن، صحبت می‌کنن. هر چند وقت یه بار راجع به کاراشون صحبت می‌کنن، اون کمپانی راجع به کارهاشون برنامه می‌ده، حتی مثلاً این تاریخ این موقع فلان اتفاق می‌افته، این تاریخ، این موقع فلان کشور کنسرت دارن و این یه جورهایی خیلی برنامه‌ریزی شده است، خیلی ارتباط نزدیکی با طرفدار ایجاد می‌شه این طوری که تو خیلی آشنا می‌شی، اون فرد معروفه این طوری نیست که مثلاً مردم اون رو فقط توی کنسرت ببینن. داریم تو برنامه‌های تلویزیونی هستن، توی موقعیت‌های مختلف و این به تو شناخت می‌ده، این آدم فقط این طوری نیست که فقط شیک و مجلسی و خیلی با یه چهره خوب فقط بیاد، یه آهنگ بخونه و بره، این طوری که تو موقعیت‌های مختلف اون آدم رو می‌بینی، تو مسابقه، تو برنامه، تو شرایطی که مثلاً ما تو زندگی عادی مون داریم و برامون اتفاق می‌افته، حالا این آدم معروفه رو تو همون شرایط قرار می‌دن... یعنی می‌خواد بگه همه ماها شکل هم‌دیگه‌ایم، فقط فرق مون اینه که اون آدمه معروف‌تره. در اکثر کشورها این طور نیست، وقتی یک آدمی ستاره می‌شه، انگار خیلی فرق می‌کنه با آدمای دیگه، خیلی مهم‌تره خیلی چیزهاشون، شخصیت واقعی‌شون نیست و فلان، ولی اصلاً این‌ها براشون این چیزها مطرح نیست، خیلی خاکی برخورد می‌کنن، دروغ براشون خیلی صفت منفی‌ای هست، به‌خاطر همین تو برنامه‌های مختلف می‌تونی این گروه‌ها رو بهتر بشناسی و خوب بهتر می‌تونی طرفداری‌شون رو بکنی. توی این تمایزها... توی این برنامه‌ها... توی لایوها و تو این چیزا، نکته اصلی کمپانیه. تو این چیزها رو می‌بینی، بعد این گروه رو نسبت به گروه‌های دیگه ارجحیت می‌دی.

- در مورد موسیقی بی‌تی‌اس می‌تونی توضیح بدی که در رابطه با چه چیزی می‌خوانند؟

بین، همون طور که گفتیم، در رابطه با دوست داشتن خود، امید داشتن، هدف داشتن، جنگیدن در هر شرایطی، در رابطه با زندگی خودشون، این که به راحتی به اینجا نرسیدن، در رابطه با انتقادهایی که بهشون می‌شه، پاسخ می‌دن.

- نوع موسیقی که می‌خوانند، چه طور هست؟

همه جور می‌خونن، ولی غمگینش هم تهش یک پیامی داره. حالت موسیقی‌شون همیشه نه غمگینه و نه همیشه شاده، همه‌شون یک جوری می‌خوام بگم انرژی‌زا هستند، ولی حتی اگه غمگین باشه، یه جورایی پیام توش داره، به‌طور مثال، یک آهنگ خیلی معروف‌شون هستش به نام فیک لاو یعنی عشق دروغین، یک آهنگ غمگینه، تماماً در مورد یک عشق الکی و عشق دروغین صحبت می‌کنه. توی یک پارتش (بخش) جالبه می‌گه: «من می‌خواستم بهترین مرد دنیا برای تو باشم و خواستم اون قدر خودم رو تغییر بدم تا اون چیزی که تو می‌خوای بشم، بعد اون قدر تغییر کردم که حتی وقتی جلوی آینه هم رفتم، خودم، خودم رو نشاختم که این واقعاً منم، اون وقت فهمیدم که تو اگر واقعاً عاشق من بودی، من رو با تمام خوبی‌ها و بدی‌ها می‌خواستی، نه این که من بشم یه آدمی که تو می‌خوای تا اون هویت اصلی خودِ خودم از یادم بره». درسته آهنگ جنبه‌ی غمگینی داره... اما تهش داره این پیام رو می‌ده که تو حتی واسه یه آدمی که دوستش داری، حتی آدمی که عاشقش، نمی‌خواد تغییر کنی، یعنی خودت رو تبدیل کنی به یه آدمی که اون می‌خواد. درسته عوض شدن خوبه‌ها، ولی عوض شدنی که نتیجه مثبت داشته باشه، نه عوض شدن و تغییری که بشی یه آدم دیگه، آدم دیگه‌ای که بقیه دل‌شون بخواد، نه اون‌ی که تو هستی. خیلی از آهنگای دیگه حتی اگر غمگین باشن، پیام یک چیز دیگه‌ای رو داره... دارن در مورد یک چیز دیگه‌ای صحبت می‌کنه.

گاهی اوقات در مورد زندگی خودشون می‌گن که مثلاً چه طوری به این جایگاه رسیدن، همه چیز گل و بلبل نبوده، همه چیز عالی نبوده و سختی‌هایی هم بوده که متحمل شدن و حالا رسیدن به جایی که هستن. انتقادهایی که بهشون می‌شه، گاهی اوقات یک سری موسیقی‌هایی هستن که به اصطلاح می‌گن این موسیقی‌ها برای هیت‌رها هست. هیت‌رها کسایی هستن که دایماً شروع می‌کنن به هیت دادن... این گروه بده... این گروه قوی نیست... ضعیفه... این مشکل داره. بعضی از این موسیقی‌ها هم در جواب این پیج‌ها و صحبت‌های انتقادی و پاسخش رو می‌دن، نهیش می‌کنند و یا توضیح راجع بهش می‌دن.

- موسیقی‌شون را از چه لحاظ دوست داری، ریتم‌شون، لیریک (محتوا) یا چیزهای دیگه؟

من تفاوت صداشون رو دوست دارم. قانون کی‌پاپ اینه که تو یه گروه باید چندتا وکال^۱ باشن، چندتا رپر... یعنی چندتا آدم که رپ می‌خونن و یا وکال می‌خونن. همین موسیقی که ما می‌شنویم، این طوری نیست. مثلاً توی آمریکا بعداً هم توی ایران باب شد که رپر، انگار باید آدم خاصی باشه... توی نصف موسیقیش فحش باشه... نصفش رو داد بزنه، مثلاً این یعنی رپر. تعریفش توی کره فرق می‌کنه، خیلی کم پیش میاد تو موسیقی فحش گفته بشه، اصلاً این کار واقعاً نکوهیده‌ای در کره هست. از اون جا که موسیقی‌هاشون رو تلویزیون پخش می‌کنه، دنس‌ها و لیریک‌ها (متن‌های ترانه) که مشکل دارن، حذف می‌شن و ترجیحاً بهشون گفته می‌شه، رعایت کنند، اصلاً چیز زشت و فحش بده. تو آمریکا نگاه کنیم یه سری از موسیقی‌ها توی سبک رپ یا سبک جاز شروع می‌کنن به فحش دادن و داد زدن‌های مکرر و یکی از دلیل‌هایی که بی‌تی‌اس رو دوست

^۱ - وکال در کیپاپ به معنی خوانندگی است. مین وکالیست (Main Voclist) نیز به فرد یا افرادی گفته می‌شود که صدای بهتری نسبت به سایر اعضا دارند و مدت زمان بیش‌تری می‌خوانند.

دارم، اینه که تنوع داره، یعنی هم وکالیس می‌خونه، هم رپر و این که متن شعرش رو به خاطر این که یکی ۹۰ درصد اشعار رو یکی از اعضاها می‌نویسه. خیلی دوست دارم. ملودی و آهنگ‌سازی هم خیلی خوبه، اون هم یکی از اعضاها انجام می‌ده. بعد موزیک ویدیوهای خیلی خوبی دارن که قشنگ ان و این که خیلی یه سری برنامه‌های فانی دارن. یعنی کمپانی براشون فراهم می‌کنه یه سری برنامه‌ریزی‌هایی رو که باعث جذب حتی مخاطب می‌شه، مثلاً تو ایران یه بار می‌ره در ماه، تمام، خب این‌ها نه، این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر^۱ میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتون.



ولی خودم واقعاً موسیقی‌شون رو به خاطر متن‌شون، به خاطر ملودی‌شون، به خاطر تفاوت صدا خیلی دوست دارم. کنسرت‌هاشون هم کنسرت‌های خیلی جذابه یه برنامه‌ریزی دارن که واقعاً قشنگه، برنامه‌ریزی‌های کنسرت‌هاشون هم خیلی خوبه تور کنسرت‌های^۲ جذابی هم دارن.

^۱ - کلیپ تبلیغاتی کوتاه

^۲ مجموعه‌ای از یک هنرمند یا یک گروه، در چند شهر یا کشور مختلف انجام می‌شود.



- یعنی حس می‌کنی محتوای موسیقی‌شون در رابطه با مسایلی هست که برای تو مهمه و دغدغه زندگی تو هست؟

آره، آره، همین طوره، یعنی تو احساس می‌کنی که خیلی از آدم‌هایی که حالا فن این گروه هستن، این رو می‌گن مثلاً یه چیزی که حتی توی تلویزیون هم مطرح شد... گفتش با همین کمپین لاو یورسلف گروه بی‌تی‌اس، بعضیا هستن که می‌گن، ما از خودکشی فاصله گرفتیم. چرا؟ چون تو وقتی موسیقی را می‌شنوی، مفهومش به تو این رو می‌گه، همه چیز عالی نیست، همه چیز پرفکت نیست. سختی هست... اوکی، ولی درکنار این سختی‌ها یک سری چیزهایی هستش که اهمیت دارن که اگه تو به اونا توجه کنی یا برای اونا تلاش کنی، بهتر از اینه که بگی وای من چه قدر بدبختم، چه قدر بیچاره‌ام، حالا خودم را بکشم و تمام!

مسئله‌ای دیگه‌ای که هست، اینه که مثلاً تلویزیون خودمون بارها شده، حالا کلاً دوتا مستند ضبط کردن راجع به کی‌پاپ، هی اونا رو پخش می‌کنن (باخنده) که تماماً... حداقلش می‌تونم بگم که حدود ۹۹ درصد غیرواقعی و اشتباهه. مثلاً یکی از چیزهایی که می‌گن، آره همه اون‌ها عمل جراحی کردن، بعد مردم کره دوست دارن خودشون رو مثل اینا کنن، پس می‌رن عمل جراحی می‌کنن و فلان و اینا... در صورتی که واقعیت نداره و از بین هفت نفر اعضای بی‌تی‌اس، هیچ کدوم‌شون عمل جراحی زیبایی نکردن. فقط جیهوپ هستش که حالا مثلاً بعضی‌ها می‌گن دماغش رو عمل کرده که اونم خودش هنوز هیچ حرفی نزده و خیلی هم هنوز قطعیت نداره این مسئله، ولی نهایتاً مثلاً فکر کن دماغش رو عمل کرده، ولی این که فکر کنی یه عمل خیلی بزرگه، نه این طور نیست. چون این قدر عکس‌های بچگی‌شون رو می‌ذارن و اینا که وقتی بیای عکس بچگی‌شون رو نگاه کنی، متوجه می‌شی، مگه می‌شه بچه نوزاد یک‌ساله که نمی‌ره عمل کنه، یکی اینه که تلویزیون خیلی راجع بهش مانور می‌ده.

دومین مسئله‌ای که می‌خواستم راجع بهش بگم اینه که می‌گن اعضای گروه خیلی پولدار شدن در دنیا. در صورتی که از این هفت عضو فقط یکی‌شون شرایط مالیش خیلی خوبه. بزرگ‌ترین عضو گروه یکی هست به نام سوک جین یا حالا جین که از نظر سنی بزرگ‌ترین فرد توی گروهه. بعد جین، پدرش جزو بیست نفر پردرآمد و ثروتمند کره هست و شرایط مالی بی‌نظیری داره، مثلاً توی دوران کودکی، کلاس پیانو رفته، ولی چیز جالب اینه که با این که این قدر شرایط مالی خیلی خفن و عالی داشته پدرش، به قدری که می‌گن در کل کشور جزو بیستای اوله که شرایط مالی عالی رو داشته، با این حال پسرش رو می‌ذاره بره در رستوران کار کنه. به عنوان گارسون یا پیشخدمت... به عنوان... الان اصطلاحش رو یادم رفته... اینایی که می‌رن رستوران رو

تزیین می‌کنن... کار می‌کنه تا پول دربیاره. خودش گفت پدرم گفت تو باید بری یاد بگیري که برای پول درآوردن زحمت بکشی... کارکنی و این طور نبوده که بگیرم به واسطه پدرش شرایط خیلی عالی رو داشته... با این حال انگار توشون جا افتاده برای این که شرایط عالی داشته باشی باید تلاش کنی تا عالی باشی... سختی باید بکشی تا به یه جایی برسی. الان وضعیت مالیش از پدرش هم حتی بهتره. مثلاً... نمی‌دونم... برای سالگرد ازدواج پدر مادرش بود یا برای روز پدر یا مادر بود، به خونه چند میلیاردی به ارزش پول ما، تهیه کرد و به پدر و مادرش هدیه داد. فکر کن فقط هدیه‌اش این قدره. به خاطره همین این طوری نیست که... اون جوری که تلویزیون می‌گه، انگار آدم‌های خیلی منتخب شده با شرایط خیلی عالی و اینا. نه اتفاقاً فقط بین این هفت تا فقط یه نفره این شکلیه. ۲ نفرشون که شرایط مالی‌شون واقعاً... واقعاً داغون بود، یعنی یکی از اعضای دیگه بعد از جین... اسمش یونگیه، توی یه خانواده چهار نفره هست و یه برادر بزرگ‌تر از خودش داره، پدرش شرایط مالی خیلی بد داشته، اون موقعی هم که این گفته من می‌خوام رپر بشم و برم سئول... چون توی یکی از شهرستان‌های کره بوده به نام دنگو^۱ وقتی که می‌خواد بیاد سئول، خانواده‌اش بهش می‌گن، نه این چه حرفیه تو باید بری درست رو بخونی، بعدش بری کار کنی... اصلاً مخالفت شدیدی داشتن، اون وجود شعر می‌نویسه، ولی خانواده‌اش بعضی از شعرهاش رو پاره می‌کنن. یه روز میاد به سئول، شروع می‌کنه آودیشن دادن و درخواست قبولی برای کمپانی رو داشته... آودیشن می‌ده تا این که در یکی از کمپانی‌ها پذیرفته می‌شه، یعنی وضعیت مالی داغونی داشته. یا یکی دیگه از عضوهای تهیونگه، اون هم همین طور اون هم از خانواده شلوغ، با سه تا خواهر برادر، کارش رو شروع کرده، تهیونگ بزرگ‌ترین فرزند این خانواده پنج نفره بوده، شرایط مالی‌اش اصلاً خوب نبوده، پدرش کشاورزی بود و سطح مالی پایینی داشته، این میاد یهو این قدر پول‌دار می‌شه... مثلاً چند ماهه پیش بود، چون سفیر برند هیوندا هستن، همون ماشین جدید هیوندا که تبلیغش رو کرده بود، خرید و به عنوان هدیه به پدرش داد. پس این طوری نیست که طرف آدم خیلی خاصی باشه که اون رو انتخاب می‌کنن، نه، اصلاً این طور نیست، افراد از جای جای اون کشور جمع شدن و حالا کنار هم دیگه شدن این ۷ تا، حالا این هفتا این قدر بولد (مطرح) شدن، وقتی بری توی زندگی‌شون، می‌بینی که خیلی پستی و بلندی هر کدوم‌شون داشتن تا به اینجا رسیدن، همین یونگی، وقتی که دبیر کردن، شروع کرد به عنوان پیک رستوران کار کردن تا خرجش رو دربیاره که بتونه زندگی کنه، همین که پیک رستوران بود، یه شب که داشته پیتزا می‌برده برای یکی، تصادف می‌کنه و تو این تصادف کتفش آسیب می‌بینه و نیاز به عمل جراحی داشته، ولی چیزی نمی‌گه به کمپانی که نکنه بگن حالا از گروه حذف می‌شی، چون تازه دبیر کرده بودن و چند سال بعدش... تازه مثلاً پارسال بود یا یکی، دو سال پیش بود که عمل کرد، البته کمپانی گفته بود عمل کنه، اما این قدر برنامه کاری‌شون شلوغ بود که وقت نشد تا این که در زمان کرونا سرشون خلوت شد، تازه عمل کرد و اینا یعنی این طوری هم نبوده که حتی همون اول همه چی عالی باشه که تازه ۴ سال بعد از این که دبیر کردن تازه یه کم دیده شدن... چهار، پنج سال بعد از دبیر کردن.

^۱- Daegu

این سختیا رو وقتی که می‌گن، یعنی همه‌چی از همون اول درست نشده این سختی‌ها گذشته تاحالا به شرایط بهتری رسیده و همین باعث جذب طرفدار می‌شه، ولی تو خاطر ما این طوریه که آدمی که رسیده به جایگاهی، حتماً از اول پول‌دار بوده، حتماً موقعیت‌هایی داشته، حتماً یه پارتی داشته که کمکش کرده تا به این‌جا برسه، ولی نه، به تو دلگرمی می‌ده که بدونی یه آدمی، نه پول داشته، نه موقعیت داشته، نه پارتی داشته و فقط با تلاش خودش رسیده به اون جایی که شاید یه سری‌ها حسرتش رو بخورن.

- خودت هم فن‌پیچ هم داری؟

نه خودم فن‌پیچ ندارم چون زمان می‌خواد و من همیشه کمبود زمان دارم.

- متن کره‌ای آهنگ‌ها رو متوجه می‌شی؟

دارم زبان کره‌ای یاد می‌گیرم، همه‌اش رو هنوز کامل متوجه نمی‌شم، ولی بعد از این که آهنگ منتشر می‌شه، ترجمه و تحلیل آهنگ هم منتشر می‌شه.

- در مورد عمل زیبایی که اشاره کردی، جیهوپ، خودش عمل کرده یا کمپانی خواسته عمل کنه؟

کمپانی اصولاً اگر هم پیشنهاد بده، فرد اختیار رد کردن یا پذیرفتن اون را داره، حتی پیش اومده خواننده‌ای که دوست داشته عمل زیبایی کنه، ولی کمپانی خیلی جدی مقاومت کرد و پشیمونش کرد از این کار.

- طی این مدتی که با کی‌پاپ آشنا شدی، دلت نخواسته به کره سفر کنی؟

همه‌ی کی‌پاپرها بعد از آشنا شدن با گروه مورد علاقه‌شون، دوست دارن برن کره و در کنسرت اون‌ها شرکت کنن، منم مثل اونا خیلی دوست دارم برم کره، ولی ترجیح می‌دم زمانی که زبانش رو کامل یاد گرفتم، برم.

- یعنی دوست داری فقط به عنوان گردشگر بری یا دوست داری مهاجرت کنی؟

به عنوان یک طرفدار دوست دارم به عنوان توریست برم و در کنسرت‌شون شرکت کنم، ولی به عنوان کسی که با کره‌آشنایی خیلی بالایی داره. تصمیم دارم برای مقطع دکتری بورسیه بشم، حالا تا خدا چی بخواد و صلاح چی باشه (می‌خندد).

- شنیدم که کره‌ای‌ها تاحدودی نژادپرست هستند، درست‌ه؟

آره، یکی از اولین موضوعاتی که راجع به مردم کره مطرح می‌شه، همین موضوع هست، ولی عمدتاً به این موضوع توجه نمی‌شه که تمام کشورها خصوصیات مشابه و خاصی دارن، این نژادپرستی رو هم تمام مردم کشورها دارن، ولی نوعش متفاوت‌ه، حالا برات توضیح می‌دم. بین مردم ایران نسبت به مردم افغانستان و عرب‌ها آدم‌های نژادپرستی می‌شن، چون که احساس برتری می‌کنن و یا خاطره‌ی خوبی ندارن یا مردم کشور آلمان به دلیل پیشینه‌ای که دارن، خودشون رو از تمام کشورها برتر می‌دونن، به حدی که در این کشور تمام مردم حتی اگر زبان انگلیسی بلد باشن، ولی برای امور روزانه مثلاً خرید یا صحبت کردن یا در مدرسه‌های عادی‌شون باید به زبان آلمانی صحبت کنن، نه زبان دیگه‌ای، کره‌ای‌ها هم مثل بقیه کشورها هستن، ولی یک تفاوتی که بین‌شون هست، این‌ه که کلاً آدم‌های آرام و ساکتی هستن و همین طور خیلی مثل ایرانی‌ها خونگرم نیستن با غریبه‌ها، یعنی به غریبه‌ها احترام می‌گذارند و در صورت نیاز باهاشون صحبت می‌کنند.

مثلاً توی ایران تو آرایشگاه همه با این که غریبه هستن، شروع می‌کنن به حرف زدن و خاطره تعریف کردن و... ولی توی کره، تقریباً می‌شه گفت آرایشگاه‌هاشون ساکته، فردی که اومده می‌شیند کارش انجام می‌شه، فردی هم که آرایشگره با آرامش و سکوت و احترام، کارش رو انجام می‌ده و تنها در صورت نیاز، صحبت می‌کنن.

- وقتی که با بی‌تی‌اس آشنا شدی، علاقه‌مند شدی فرهنگ‌شون رو دنبال کنی؟
آره، می‌تونم بگم دقیقاً بعد از آشنایی با این گروه و با دیدن برنامه‌هاشون، در عمل علاقه‌مند شدم که راجع به کشور و ویژگی‌های حتی جزئی‌اش اطلاعات کسب کنم.

- ستاره‌ها چه مدل لباس‌هایی می‌پوشند؟
آیدول‌ها در مراسم‌های مهم و معتبر یعنی در فستیوال‌ها و فرش قرمزها و کنسرت‌ها لباس‌هایی می‌پوشن که کمپانی می‌گه. به طور مثال اعضای بی‌تی‌اس، سفیر برند لویی ویتون هستن و لباس‌هایی که در این مکان‌ها می‌پوشن، برای برندهای مهمی هست که باهاشون قرارداد دارن، ولی بعضی مواقع به سلیقه خودشون می‌پوشن، مثلاً اصطلاحاً موقع استایل فرودگاهی، یعنی زمانی که می‌خوان سفر کنند، با استایلی هستن که انتخاب خودشون هست، عمدتاً این طوریه.





- خودت از این سبک لباس‌ها خوشت میاد؟

سبک پوشش‌شون خیلی عجیب غریب و متفاوت نیست، ولی مثلاً جونگ کوک علاقه‌مند به رنگ مشکیه و همیشه کفش‌هایی با تم پوتین یا کفش‌های لژدار و بنددار می‌پوشه. من خودم رنگ مشکی رو زیاد دوست ندارم، ولی واقعاً تم کفش‌هایی که می‌پوشه رو دوست دارم یا اصولاً بین اعضاء مدل تیپ جین رو دوست دارم، همیشه استایل‌های فرودگاهی‌اش ساده و شبکه با پالتوهای بلند که به خاطر قد بلندش بهش میاد.

- موقع بیرون رفتن از این مدل‌ها الهام می‌گیرید؟

نه صد در صد، منظورم اینه، دلیل نمی‌شه چون فن یک گروه هستی، عیناً خودت رو تبدیل به اون‌ها کنی، ولی صد در صد پیش میاد که چون فن این گروه هستی، از پوشش اون‌ها ایده بگیری. مثلاً تهیونگ هودی خیلی دوست داره، منم خیلی دوست دارم و نصف لباس‌هام هودیه، نه این که بگم به خاطر اون هودی می‌خرم، ولی خب نقطه اشتراک ما در پوشش هست و به نظرم خیلی اوقات طبیعیه، شاید هم نشه به هم ارتباط داد یا ممکنه محصولاتی رو استفاده کنی که آرم گروه یا آرم آرمی یا چیزهایی که مربوط به این گروه باشه رو بخری و استفاده کنی.

- منظورت همون وسایلی هست که مد می‌شه؟

آره دقیقاً.

- وسایلی که مد می‌شه رو می‌خری؟

راستش از اون جایی که وسایلی که در کشور هست، اورجینال نیست و کیفیت نداره، نه وسایل ترند رو نمی‌خرم، ولی مثلاً اگر یک لباسی باشه که کیفیت داشته باشه و برگرفته از گروه باشه، آره اون رو می‌خرم، خیلی اصرار خاصی ندارم، ولی این طوری هم نیست که بگم نه، اصلاً نمی‌خرم، برام کیفیت مهم‌تره، ممکنه برم کره بخرم (می‌خندد).

البته این رو حالا جدا از این موضوع برای اطلاع خودت می‌گم. داستان گروه‌های پسرانه با دخترانه متفاوت، یعنی سبک پوشش‌شون یا برندی که کمپانی‌ها برای گروه‌ها انتخاب می‌کنن، نوع فرهنگ کشور و... ولی توی گروه‌های پسرانه فرق می‌کنه، دخترها بیش‌تر لباس‌های کوتاه و جالب توجه می‌پوشن که اصولاً برای کشور خودشون یه چیز عادی و طبیعی هست، بعد مثلاً پسرها به خاطر فرهنگ و نوع تربیت‌شون یاد می‌گیرن از کودکی که به هیچ وجه هیچ نوع تاج و لمسی نباید با بدن یک خانوم داشته باشن. از نظر قانونی هم این مسأله

قابل پیگیری هست و چون از کودکی آموزش دیدن، این کوتاه پوشیدن دخترا یا جذب پوشیدنه به چشم‌شون نمیداد، ولی خب برای مردم دنیا متفاوت هست.

- کمپانی مجبورشون می‌کنه؟

بله، بعضی اوقات کمپانی یک سری لباس‌هایی رو برای گروه‌های دخترونه انتخاب می‌کنه که ممکنه خودشون نخوان بپوشن. ولی برای پسرها این اتفاق رخ نمی‌ده، خیلی این اتفاق نمی‌افته، ولی خب همه چی صد در صد اوکی نیست و این که این اتفاق به کمپانی خیلی بستگی داره. یعنی همه‌ی گروه‌های دختر این شرایط رو ندارن یا همیشه این اتفاق نمی‌افته، ولی برای بعضی گروه‌ها بعضی مواقع اتفاق افتاده.

- آلبوم‌هاشون در ایران به صورت اورجینال و اصل هست؟

در ایران این طوری که مغازه‌ای باشه که بشه خرید، نه، ولی برای خرید آلبوم می‌شه از خارج از کشور خرید که طی یک تا سه ماه فرستاده می‌شه.

- ستاره‌ها مدل موهای خاصی دارند؟

بحث مو یک موضوعیه که خیلی راجع بهش می‌شه حرف زد، ولی در کل همه‌ی گروه‌ها از طرف کمپانی هیر استایل^۱ و میکاپ آرتیست دارن، یعنی فرد یا افرادی که موقع شرکت کردن در مراسم‌های مهم یا کنسرت اون‌ها رو آماده می‌کنه، ولی در برنامه‌ها و لایوها، همون طور که در حالت عادی هستن، جلوی دوربین میان. در گروه بی‌تی‌اس هم یک آقایی هست که موی افراد رو کوتاه یا رنگ یا مرتب می‌کنه با توجه به سلیقه‌ی خودش و این که چه مدلی بهشون میاد، ولی یک مدل مشخص یا خاص نداره، نه تنها این گروه، بلکه بقیه گروه‌ها هم همین طور ان.

- شما از مدل موها و رنگ موهاشون هم الهام می‌گیری؟

بستگی داره الهام رو چه طور معنی کنی، ولی خب در کل بخوام نظر خودم رو بگم، معتقدم بعضی از اعضای گروه موی مشکی خیلی بهشون میاد و بعضی‌هاشون با موی رنگ شده خیلی خوب ان، ولی این که خودم دوست داشته باشم... یک بار یکی از اعضاء موهاش رو رنگی دکره کرد، خیلی دوست داشتم، ولی چون رنگ پوستم سفید نیست، و می‌دونم بهم نمیداد، قطعاً هیچ وقت انجامش نمی‌دم، ولی خب دوست داشتم.

^۱ - Hairstylist مسوول طراحی مدل موی افراد گروه و حالت دادن به آن‌ها است.



- آرایش کردن پسر با دختری که کی‌پاپ فرق می‌کند؟
آره، حتی وسایل آرایش‌شون هم فرق می‌کنه، در کره لوازم آرایش مردانه و زنانه متفاوت ان و مدل آرایش‌شون هم فرق می‌کنه.

- از سبک آرایش کردن اون‌ها استفاده هم می‌کنی؟
نه، ببین دقیقاً همون طور که گفتم، بین آرایش‌های گروه‌های دخترانه و پسرانه تفاوت وجود داره، برای همین از گروه‌های پسرانه نمی‌شه استفاده کرد، ولی برای گروه دخترانه، مثلاً یک کاری که می‌کنن پایین چشم رو یک وسیله‌ای هست که اکلیل داره می‌کشن و به نظرم قشنگ می‌شه، توی ایران این وسیله آرایشی نیست و شاید مردم ایران این مدل آرایش رو نپسندن، ولی من دوست دارم.

- فرق آرایش کردن دختر و پسرها دقیقاً چه طوری هست؟
ببین آرایش گروه‌های پسرانه در درجه اول بزرگ نشون دادن یا کلاً توجه آرایش روی چشم‌ها هست، یعنی توی چشم رو مداد می‌کشن تا چشم بزرگ‌تر نشون داده بشه و برای عکس گرفتن مثلاً برای آلبوم یا... سایه هم می‌زنن و از برق لبی که برای مردها هست یا رژهای کمرنگ برای اصولاً عکس برداری‌ها استفاده می‌شه، ولی برای برنامه‌های تلویزیونی یا موقعی که لایو میان یا در حالت عادی یا فستیوال‌هایی که در آمریکا هست، آرایش نمی‌کنن... گروه‌های دختر رژهای صورتی دارن اصولاً رژ گونه محو همین رنگ و سایه و اکلیل.



- شما قبلاً در مورد موسیقی و عمل‌های زیبایی که ستاره‌ها انجام می‌دن گفتی، به نظرت این کارشون برخلاف پیام آهنگ‌هایی که می‌خونن نیست؟

قبل‌تر هم گفتم، ایران معتقد که همه‌ی آیدول‌ها و آرتیست‌ها و خواننده‌ها عمل زیبایی زیادی رو انجام می‌دن، چون که کره رتبه‌های اول رو در عمل زیبایی داره، اما صرفاً این نتیجه‌گیری درستی نیست، اگر بخوای عمقی‌تر و دقیق‌تر بررسی کنی برمی‌گرده به عقاید مردم کشور، مردم کره به زیبایی خیلی اهمیت می‌دن، برای همین اگر احتیاج به عمل فک یا پلک چشم و بینی داشته باشن، انجام می‌دن تا زیباتر بشن، پس صرف آدم‌های معروف نیست و اگر منطقی هم بخوایم نگاه کنیم، کشور خودمون رو ببین همه دیگه دارن بدن‌ها و صورت‌هاشون رو عمل می‌کنن، دیگه از مرحله عمل بینی گذشته و ارتقا پیدا کردن.

ولی همون طور که گفتم بین اعضای بی‌تی‌اس فقط جیهوپ ممکنه عمل زیبایی بینی رو انجام داده باشه و بقیه‌شون نه.

- منظورم پیام آهنگ‌هاشون مثل خودت رو دوست داشته باش، کارهایی که تو واقعیت انجام می‌دن، در تضاد با این پیام نیست؟

آهان متوجه شدم. ببین اون معنی که می‌گه خودت رو دوست داشته باش، شامل فقط مثلاً اعضای صورت نمی‌شه، مثلاً شامل ارزشمند بودن خودت و تغییر ندادن خودت برای هر کس و هر چیز می‌شه، بعد با عمل بینی مثلاً طرف باعث نمی‌شه قبلش از خودش بدش بیاد که بلکه با عمل میزان رضایت و اعتماد به نفسش می‌ره بالا.

- ستاره‌ها چه قدر توی کارهای خودشون آزادی عمل دارن؟

بستگی داره آزادی توی چه موضوع یا حوزه‌ای مد نظرت باشه.

- تو چه موضوعاتی آزادی دارن و تو چه موضوعاتی آزادی ندارن؟

از این نظر می‌تونم بگم که در کل هر گروهی با توجه به کمپانی که زیر نظرش هستن، یک سری آزادی‌ها و یک سری محدودیت‌ها دارن. به طور مثال، کمپانی بی‌تی‌اس از اول مشکلی با گوشی داشتن نداشت، ولی مثلاً یک سری کمپانی‌ها اجازه‌ی استفاده از گوشی رو در دوران کارآموزی ندارن. اعضای بی‌تی‌اس برای خوندن آهنگ با هنرمندهای کره‌ای یا خارجی آزاد هستن و اگر بخوان مثلاً با یک خواننده آمریکایی آهنگ بخونن، از طرف کمپانی اسکورت می‌شن می‌رن و بعد از همکاری به کشور برمی‌گردن، بعد یه آزادی دیگه‌ای که کلاً کره‌ای‌ها دارن، برخلاف حالا ایران، اینه که می‌تونن انتقاد کنن و اگر نارضایتی داشته باشن از کمپانی‌ها، توی تلویزیون‌شون یا توی برنامه یا ویدیو بیان می‌کنن یا کلاً با حتی رئیس کمپانی هم شوخی می‌کنن و انتقاد می‌کنن یا سر به سرش می‌ذارن، ولی این باعث نمی‌شه که انتقادها مثلاً سانسور بشه در تلویزیون یا رئیس کمپانی بخواد علیه‌شون کاری کنه و در آخر به طور طبیعی یک سری محدودیت‌ها دارن که الان اونا رو هم بهت می‌گم.

کمپانی بی‌تی‌اس یکی از قوانین‌اش اینه که موقعی که آیدول‌ها الکل مصرف کردن، به هیچ وجه لایو نگذارن یا چیزی در فضای مجازی منتشر نکنن که البته چندا از اعضاء این قانون رو نقض کردن، بنده خدا کمپانی دیگه خنثی شده.



دوم این که بدون مشورت با کمپانی نمی‌تونن یهو مدل موهاشون رو تغییر بدن، یعنی یهو تصمیم بگیرن کوتاه کنن یا رنگش رو عوض کنن، اول باید با هیراستایلیست و کمپانی هماهنگ کنن که البته باز این مورد هم دو بار نقض کردن.

مورد بعدی این که نمی‌تونن راجع به هر چی که می‌خوان در فضای مجازی منتشر کنن، مثل مسایل سیاسی کشور خودشون یا کشورهای دیگه، یعنی نباید دخالت کنن.

مورد بعدی این که اگر مثلاً اسپانسر سامسونگ هستن، نمی‌تونن از گوشی اپل استفاده کنن یا کلاً در تبلیغ محصولات باید دقت داشته باشن و این که در برخوردهاشون در زندگی واقعی، باید دقت کنن، البته این هم باز به کمپانی و اون گروه بستگی داره، مثلاً کمپانی بی‌تی‌اس می‌گه، هر وقت خواستین ازدواج کنید، ما استقبال می‌کنیم (۱)، ولی یه سری کمپانی‌ها هستن که اجازه نمی‌دن تا قبل از این که قراردادشون با کمپانی تموم بشه اقدام کنن.

و این که موقع لایو گرفتن باید از گوشی کمپانی و تجهیزات کمپانی و ترجیحاً در کمپانی انجام بشه. کم پیش میاد که در منزل خودشون و با گوشی خودشون بدون استفاده (مسوولان نظارت بر رفتار آیدول‌ها)، لایو بگیرن.

- از نزدیکی اعضای گروه بی‌تی‌اس با اعضای گروه‌های دیگه، چه جور حاشیه‌هایی درست می‌شه؟
اکسول‌ها یعنی طرفدارهای اکسو، قدیمی‌تر از بی‌تی‌اس‌ها هستن و خب جوون توشون زیاده، مثلاً یکی از بحث‌هایی که حالا بین آرمی‌ها هست، یکیش با اکسول‌ها هست، اکسول‌ها عمدتاً می‌گم این چیزیه که انگار آرمی‌ها باهاش برخورد کردن، عمدتاً اکسوها از آرمی‌ها اصلاً خوش‌شون نمیاد، گروه خودشون رو خیلی بهتر از بی‌تی‌اس می‌دونن و همیشه در صدد این هستن که بگن گروه ما خیلی خیلی بهتر از بی‌تی‌اسه، ولی انگار بی‌تی‌اس الکی معروف شده و اکسو خیلی قوی‌تره.

آرمی‌ها اصولاً سعی می‌کنن وارد این داستان و بحث و هرج و مرج نشن، ولی خب گاهی اوقات به خاطر این که حالا طرفدار اون گروه هستن، گاهی اوقات شاید دخالت کنن، ولی اصولاً می‌تونم بگم آرمی‌ها خیلی جزو این بندها که مثلاً بیان دعوا کنیم، بیاین سر گروه مون فلان کنیم نیستن، سعی می‌کنن حالا دفاع کنن، ولی باز هم خیلی افراط و تفریط خدایش نمی‌کنن. حداقل موضوع اینه که جمع‌بندی که می‌کنن، جمع‌بندی‌شون غلطه.



خب بعد دومین گروهی که کمی تناقض وجود داره، با بلک‌پینک، یعنی با طرفدارهای بلک‌پینک که بهشون می‌گن بلینک یا بلینکی که اعضای این گروه بلک‌پینک به هیچ وجه دوست ندارن که ارتباطی بین اعضای بلک‌پینک با بی‌تی‌اس وجود داشته باشه، اصلاً خوششان نیامد طرفدارا و همین جور اصلاً به خاطر این که دوست ندارن، وقتی این شایعه پخش شد که یکی از اعضای بی‌تی‌اس با یکی از اعضای بلک‌پینک دوسته و قرار می‌ذاره، آرمی‌ها اصلاً واکنش بدی نشون ندادن، مثلاً گفتن، اِ، اوکی. خیلی خوب طرفداری‌شون رو کردن و می‌گفتن اگر این مسأله واقعی هم باشه، خوشبخت بشن، ولی به طرز باورنکردنی طرفدارای گروه بلک‌پینک خیلی شروع کردن به نفی کردن و زیر سوال بردن مثلاً کاراکترها و شروع کردن به بد گفتن و اینا. حالا این باعث شد حاشیه بزرگ‌تر جلوه کنه، بی‌تی‌اس جزو کمپانی‌هایی هستش که خیلی سریع حاشیه‌ها رو زود رد می‌کنه، خیلی پیش میاد، مثلاً یک طرفدار میاد با یکی از اعضاء عکس می‌گیره و شایعه می‌شه اِ با یه طرفدار قرار می‌ذاره و اگر خیلی جدی باشه، بلافاصله رد می‌کنه بی‌تی‌اس. ولی این دفعه مال دو، سه ماهه پیش بود که این دفعه رد نکردن... یعنی دیر رد کردن... نزدیک یکی، دو هفته گذشت، بعد رد کردن، یعنی هم کمپانی بلک‌پینک رد کرد و هم کمپانی بی‌تی‌اس رد کرد.



بعداً بی‌تی‌اس به طور قانونی شروع کرد که گفت، از این به بعد هر حاشیه‌ای، هر حاشیه‌ای مثلاً بی‌احترامی به اعضاء بشه یا به خانواده‌شون توهین بشه یا این که وقتی چنین حاشیه‌های پخش می‌شه یا اتفاقی می‌افته، شأن اعضای گروه زیر سوال بره یا بی‌احترامی خیلی زیاد باشه، از نظر قانونی شروع می‌کنن به پیگیری کردن، کما این که مثلاً برای یکی از اعضاء توی یوتیوب شروع کردن... معلوم نشد کی بوده، طرفدار چه گروهی بوده، مثلاً از بی‌تی‌اس خوشش نمی‌اومده، شروع کرده بود به توهین به خانواده یکی از اعضاء بی‌تی‌اس و خیلی جدی بی‌تی‌اس شکایت کرد و پیگیرش شد. کلاً توی این مسایل خیلی جدی عمل می‌کنن، می‌گه شما طرفداری و طرفداریت رو می‌کنی، اوکی و اگر طرفدار نیستی، احترام می‌گذاری به طرفدارهای اون گروه متقابل. پس تمام. ولی مسأله اینه گاهی این اوقات از کشور فراتر می‌ره و مسأله بین‌المللی می‌شه اصطلاحاً و خب توی فضای بین‌المللی، هر کسی از هر گوشه دنیا گوشی دستشه و می‌تونه حرف بزنه، اون موقع یک

هجمه بزرگ‌تر و بیش‌تری گفته می‌شه، ولی اصولاً خود اعضای هر گروه با اعضای هر گروه خیلی ارتباط خوبی دارن و خیلی اوکی ان، ولی گاهی اوقات می‌بینن این قدر حاشیه بزرگ از کوچک‌ترین برخورد، نگاه یا یه حرف به وجود میاد که ترجیح می‌دن، فاصله خودشون رو حفظ کنن، ولی گاهی اوقات هم یک‌سری مسایل پیش میاد که نه علنی می‌شه و اوکیه، مثلاً یکی از اعضای کی‌پاپ که خواننده سولویسته، حالا عضو گروهی نیست و خودش تک خوانه، می‌شه گفت معروف‌ترین خواننده خانم سولویسته کره است که آی‌یو^۱ هست، یکی از اعضای بی‌تی‌اس آی‌یو رو دوست داره، این رو دیگه همه نه تنها کره‌ای‌ها، همه می‌دونن، آی‌یو چند سال از این شخص بزرگ‌تره توی یک برنامه‌ای ازش پرسیدن که مثلاً معیارت چیه و مثلاً گفتش الگوت کیه مثلاً، این شخص رو گفتش و دیگه از اون به بعد چون که یک گروه نبود، انگار دیگه حاشیه نشد و هر دو خواننده می‌دونن و در جریان هستن و اوکیه و اصلاً هم باهم قرار نمی‌ذارن، ولی این بیان شد.



چگونگی روابط آیدول‌ها، اصولاً برمی‌گرده به کمپانی که چه حد و مرزهایی را دارند، به طور مثال، توی گروه اکسو یکی از اعضا هستش به نام چان، چان ازدواج کرده و دوتا بچه هم داره، دومین فرزندش پارسال به دنیا اومده، ولی وقتی این بنده خدا ازدواج کرد، تازه گروه معروف شده بود، نمی‌دونن چه قدر مهممه شد، حتی بین خودشون، یعنی خود اعضای اکسو، طرفداراش، طرفدارای اکسو. اکسول‌ها به این بنده خدا هیت دادن که آره چرا ازدواج کردی؟ ولی خب آرمی‌ها نه، این طور نیستن و چنین حسی نسبت به اعضا ندارن (!)، یعنی ازدواج کنن، خوشحال می‌شن، ولی طرفدارهای اکسو و گروه‌های دیگه الزاماً این طور نیستن، برای همین بنده خدا هنوز کم‌ترین طرفدار رو داره بین اعضای گروه خودش، مثلاً گروهی هست به اسم آسترو، گروه معروفیه یکی از اعضااش توی برنامه تلویزیونی حتی غصه خورد گفتش من دوست دارم ازدواج کنم، ولی به دلایلی نمی‌تونم، دلیلش هم اینکه قراردادش با کمپانی تا چند سال آینده هست و کمپانی هیچ اجازه‌ای نمی‌ده، چون یکی از خوش‌قیافه‌ترین بازیگرها و خواننده‌های کره‌ایه، این محدودیت رو داره... می‌گم برمی‌گرده به اون کمپانی و برمی‌گرده به اون طرفدارها و این‌ها یک چیز ثابتی نیست.

^۱ - لی جی-اون که به‌طور حرفه‌ای با نام آی‌یو شناخته می‌شود، خواننده، ترانه‌سرا، آهنگ‌ساز، بازیگر و مدل و تهیه‌کننده اهل کره جنوبی است.



- فیکشن (داستان نویسی) ها هم در حاشیه‌هایی که برای ستاره‌ها ایجاد می‌شه، تأثیر داره؟
 فیکشن‌ها داستان دیگه‌ای هست، ولی در کل فیکشن‌ها رو فقط طرفدارها می‌نویسن برای خودشون، یعنی با سلیقه خودشون و خب خیلی از طرفدارها مخالف این کار هستن، چون شخصیت اعضا زیر سوال می‌ره، ولی خب بعضی از طرفدارهایی که سن کمی دارن، براشون جنبه فان داره.

- فرد مورد علاقه تو توی گروه بی‌تی‌اس کیه؟

من او تی سون (طرفدار هر ۷ نفر اعضای گروه) هستم.

- ممکنه خود کمپانی از ستاره‌ها خواسته باشه، در رابطه باهم به عمد رفتارهای صمیمانه‌ای از خودشون نشون بدن؟

احسنت، دقیقاً گاهی اوقات توی یک سری زمان‌ها کمپانی‌ها از اعضا این رو می‌خوان گاهی هم طرفدارهای خارجی باعث می‌شن. ولی نه فعلاً هیچ کدام از اعضای بی‌تی‌اس با کسی قرار نمی‌گذاره، اگر هم می‌گذاره علنی نشده، یعنی برمی‌گرده به زندگی شخصی‌اش.

- به نظرت کمپانی به عمد نمی‌گذاره ستاره‌ها در دفاع از خودشون چیزی اعلام کنن تا موضوع برای طرفدارها جذاب‌تر باشه و بهشون اجازه بده، داستان و حاشیه بیش‌تری درست کنن و شهرت گروه بیش‌تر بشه؟
 نه الزاماً، بعضی از کمپانی گروه‌های موسیقی معتقد هستن، اگر اعلام بشه طرفدارها کم می‌شن، ولی صد در صد نیست. گاهی ممکنه و خب گاهی هم باعث می‌شه آیدول‌ها یک جورایی قربانی این حاشیه‌ها بشن.

- به نظرت کی‌پاپ تو عادی‌سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه نقش داره؟

نه، اصلاً اتفاقاً کره چنین دیدی رو نداره، این رو می‌گم چون کره مثل ایران یک سری چیزها رو هنوز منفی می‌دونه، فارغ از دین و اینا، مثلاً کره قمار و تتو و هم‌جنس‌گرایی و اینا رو اصلاً خوب نمی‌دونه، تازه بعد از مدت‌ها داره یه کم با تتو کنار میاد، ولی مثلاً در درجه اول تایلندی‌ها تصمیم به این کار دارن و به طور جدی دارن سرمایه‌گذاری می‌کنن روی عادی‌سازی هم‌جنس‌گرایی و واقعاً هم با برنامه دارن پیش می‌رن که نه تنها در کشور خودشون، بلکه کشورهای دیگه تأثیر بذارن و خیلی هم طرفدار دارن. بعد از تایلند، ژاپن نه تنها هم‌جنس‌گرایی، بلکه رابطه‌های نامشروع رو تبلیغ می‌کنه، ولی کره این طوری نیست، اما چون از نظر جغرافیایی

نزدیک این کشورها هست، بعضی‌ها فکر می‌کنن کره هم همین طوره، ولی خانواده‌های کره‌ای، مثل خانواده‌های ایرانی می‌مونن، به خاطر همین حتی اگر هم کسی در کره تصمیم داشته باشه به راحتی حتی به خانواده خودش نمی‌تونه بگه، ولی در کل بی‌تی‌اس از ال‌جی‌بی‌تی حمایت می‌کنه، اما هیچ وقت اعلام نکردن که خودشون هم جزوشون هستن.

- چه قدر طرفدارها روی جزییات زندگی ستاره‌ها ریز می‌شن و مسایل خصوصی اون‌ها رو دنبال می‌کنن؟ مثل ایران نیست که تو از یه بازیگر یا خواننده‌ای چیز خیلی کمی بدونی، حالا از اخلاقیاتش از خانواده‌اش، هر چیزی جزیی زندگی‌شون، ولی در کره این جوری نیست، یعنی خودشون به عنوان یک چیز طبیعی و عادی، جزییات زندگی‌شون رو تو یه برنامه تلویزیونی توضیح می‌دن، گاهی هم توی یک سری فستیوال‌های مهم، این طور نیست تو راجع به فلان عضو فکر کنی هیچ اطلاعی نداری، هیچی نمی‌دونن و اطلاعی نداری از زندگی‌شون، نه اصولاً خیلی رو هستن، همه چی اون طرف رو می‌دونن... چندتا خواهر و برادر هستن... وضعیت مالی‌شون چه طوره، همه اینا رو اوکی ان و این که مثلاً هوادارها مسایل خصوصی اون‌ها رو دنبال می‌کنند، بعد این جوری نیست که باعث آزار و اذیت‌شون بشه، مثلاً خانواده‌شون این جوریه... این مدلیه... نه این طوری نیست، مثلاً کسی طرفدارش باشه، مدت خیلی خیلی کوتاهی چیزهای کلی و جزیی رو بدونه... این که تو چه خانواده‌ای هست، شرایط تحصیلی، خونادگی، اجتماعی، فرهنگی هر چیزیش رو توی مدت کمی متوجه بشه. چیزی نیست که خیلی گنگ و خیلی مجهول باشه و یا هر دقیقه در حال عوض شدن و تغییر باشه، نه همه‌شون مشخصه که شرایطشون چه طوریه، مثلاً یکی از اعضاء که اسمش جین هست، بزرگ‌ترین عضو گروهه، برادری داره که دو سال از خودش بزرگ‌تره. اون یه صفحه اینستاگرامی داره، همه آرمی‌ها دنبالش می‌کنن... پست می‌ذاره از خودش و بچه‌اش از خود جین و خانواده‌اش، پدر جیمی یک کافی شاپ در شهر پورسانگ داره همه آرمی‌ها می‌رن اون جا یه سری روزهای خاص بابای جیمی خودش میاد یا مثلاً آفرایی (پیشنهاداتی) برای آرمی‌ها داره. کلاً این شکلیه یعنی همه آشنایی دارن و خود خونواده‌ها هم در جریانش هستن. مثلاً عروسی دوتا از خواهر و برادری اعضاء شده بود، عکس‌هاش پخش شده بود و اینا... یکیش همین برادر جیم بود و یکیش خواهر جیهوپ. مثلاً خود خواهر جیهوپ از اون آدم‌ها هست که یه کارخونه یا شرکتی داره که همه‌اش مال لباسه، خودش مثلاً پیج داره... تو اینستاگرام مثلاً کاراش رو می‌ذاره... تبلیغ کارای خودش رو می‌کنه و اگه کسی سوال از جیهوپ داشته باشه، جواب می‌ده.

- شنیدم سایت‌هایی مثل دیسپچ هستن که اطلاعات خصوصی ستاره‌ها رو فاش می‌کنن، مثل چت‌هاشون و این ستاره‌ها رو اذیت می‌کنه. در مورد این‌ها اطلاعاتی داری؟

به جز دیسپچ، حالا یه جای دیگه هم هست، خبرگزاری‌ها اصولاً پیگیر کارهای آیدول‌ها، اعم از خواننده یا بازیگر هستن و جمع‌آوری اطلاعات می‌کنن راجع به هر چی، نه فقط جنبه منفیش، در مورد هر چیزی و الزاماً این طوری نیست که آسیب زنده باشه، ولی دیسپچ هر سال یک یا دو نفر رو اعلام می‌کنه که این دوتا مثلاً با این شواهد باهم دیگه قرار می‌ذارن و حالا پخش می‌شه. بعدها کمپانی‌های اون دو نفر می‌تونن رد یا تأییدش کنن، بعد این که اصولاً دیسپچ خیلی اخبارش موثقه، ولی دیسپچ ممکنه به یه سری چیزها پردازه

که اصولاً ربط داره فقط به هنرمندا، مثلاً یه حاشیه‌ای برای یکی توشون باشه. ولی در صدد آسیب زدن نیستن، ولی پیش اومده که یه کمم زیاده روی کنن، ولی کارشونه (می‌خندد).



- ستاره‌های بی‌تی‌اس چه طور ی بین‌المللی شدن و نسبت به گروه‌های کی‌پاپ قبلی شهرت بیش‌تری کسب کردن؟

قطعاً یه عامل یا یه چیز باعثش نیستش که مثلاً بگیم فقط این عامل بوده، به نظر من، بی‌تی‌اس نسبت به گروه‌های دیگه یه سری ویژگی‌ها داره، اول از همه این که گروهی بودن که مثلاً کمپانی‌شون خیلی در صدد این بود که به دنیا نشونش بده، یعنی خیلی تلاش کرد و واقعاً براشون فراهم کرد این شرایط رو تو دوران کارآموزی‌شون، وقتی دیو کردن، جزو کمپانی‌هایی بود که اولین کاری که براشون کرد، این بود که گفتش باید برید آمریکا و یاد بگیرید که اون‌ها چه طوری دارن موفق می‌شن، خودتون برید برای کنسرتی که می‌خواید بذارید، پول جمع کنید، یعنی خودتون کار کنید، خودتون تبلیغ کنید یه جورایی خودتون با دسترنج خودتون تلاش کنید تا مثلاً بتونید بفهمید که آقا فرق آمریکایی‌ها چی بوده با کره‌ای‌ها. چه کار می‌کنن از یاد گرفتن رقص گرفته تا مثلاً یه سری جزییاتی که مثلاً شاید توی کره نبوده، ولی توی آمریکا رعایتش می‌کردن.

وقتی این‌ها رو یاد گرفتن، برگشتن به کره، فرقی که داشتن با گروه‌های دیگه این بود که سعی کردن مثلاً زبان انگلیسی رو وارد داستان بکنن، گروه‌های دیگه زبان انگلیسی رو کم‌تر وارد کردن و خب به طبع اون موقعیت اینترنشنال (بین‌المللی) هم وجود نداشته، مثلاً خود کره‌ای‌ها بودن گوش می‌کردن، خب این یه قدم بزرگیه دیگه که مثلاً این طوری طرفدار بیش‌تری جذب می‌شه، وقتی که تو به زبان انگلیسی صحبت کنی، چون عمده‌تاً زبان انگلیسی رو بلد هستن، این یک قدم دیگه به سمت معروف شدن.

یه چیز دیگه که باعث معروف شدن شون شد، این بود که بی‌تی‌اس به کم قانع نبود، دوست داشت همیشه خودش رو توی صدر ببینه به موفقیت‌هایی که مثلاً شاید بقیه گروه‌ها نشدنی و غیرممکن می‌دونستن، دست پیدا کنه. بی‌تی‌اس می‌گفت نه می‌شه با تلاش به اون موفقیت رسید، واقعاً هم تلاش کردن، واقعاً هم رسیدن، تنها چیزی هم که هنوز بهش نرسیدن فقط گرمیه^۱. گرمی هم واقعاً باید چند سال پیش می‌بردن، ولی یه جورایی می‌شه گفت، الان دارن نژادپرستانه کار می‌کنن و از روی قصد گرمی رو به بی‌تی‌اس نمی‌دن.



وقتی بی‌تی‌اس توی مراسم شرکت کنه، مخاطب‌های خیلی زیادی گرمی رو می‌بینن، به خاطر همین دلیلی که می‌گم، باعث شده واقعاً بی‌تی‌اس خیلی طرفدار داشته باشه و خیلی باعث شده دیده بشه، می‌شه گفت نکات همین قدر ریز، همین قدر شاید ابتدایی و همین قدر کوچیک، باعث شده که گروه خیلی قابل توجه باشه. چیز دیگه‌ای که می‌خوام بگم، متفاوت بودنشونه... البته به نظر من یه دلیل دیگه‌ای که باعث شده، واقعاً این گروه این قدر خوب باشه، لیدر گروهه، وقتی تو گروه رو نگاه کنی، می‌بینی چه قدر نقش لیدر گروه توی خیلی چیزها مهمه، چه قدر حایز اهمیتیه که اون گروهی که مد نظرت هست، لیدرش کیه، اگر واقعاً گروهی که داره شکست می‌خوره، حتماً لیدر خوبی نداره، حالا یکی از عواملشها، ولی بی‌تی‌اس واقعاً لیدر خوبی داشت می‌تونیم بگیم بیش از پنجاه درصد موقعیت الانش رو مدیون لیدر خوبیه که داشت و داره. موضوع دیگه اینه که اعضای گروه خیلی علاقه‌مند بودن که توی مسابقات آمریکایی شرکت کنن، وقتی توی مسابقات آمریکایی شرکت کردن، به دنیا معرفی شدن، یکی دیگه از دلایل معروف شدنشون این جوریه... گروه‌های دیگه نتونستن یا این که بی‌تی‌اس اولین بود. خود بی‌تی‌اس می‌گه، ما اولین بودیم، بعدها هیچ کس

^۱ - جایزه گرمی (Grammy Award)، یک جایزه موسیقی است که توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط برای شناسایی دستاوردهای صنعت موسیقی ارائه می‌شود. نشان جایزه یک گرامافون طلاکاری شده را به تصویر می‌کشد. مراسم سالانه اهدای جوایز با اجرای هنرمندان برجسته و اهدای جوایزی که محبوبیت بیش‌تری دارند، همراه است. از بین سه مراسم بزرگ موسیقی جهان، گرمی بزرگ‌ترین آن‌ها است. گرمی به همراه جوایز اسکار (برای دستاوردهای سینمایی)، جوایز امی (برای دستاوردهای تلویزیونی) و جوایز تونی (برای دستاوردهای تئاتر) یکی از چهار جایزه اصلی سالانه سرگرمی آمریکا محسوب می‌شود.

مثل بی‌تی‌اس نمی‌شه، جای خودشون... همون طور که بی‌تی‌اس جای هیچ کس و گروه دیگه‌ای نبوده. بعد فقط می‌شه گفت چون اولین بودن، راه رو برای بقیه راحت‌تر کردن، الان خیلی گروه‌های کره‌ای دیگه مثلاً میان توی برنامه‌های آمریکایی و اصلاً معروف شدن، ولی اولین گروه بی‌تی‌اس بود و خودش رو دوست داشت، در سطح جهانی معروف کنه، اولین راهش این بود که بیاد در سطح آمریکا خودش رو ببینه. یه سری کارهای جزئی این قدر پیامدهای بزرگ داشت و خیلی چیزها رو رعایت کردن و هیچ وقت مغرور نشدن، نکته مهمش هم همینیه که به خودشون مغرور نشن. تا اینجا کافیه همین حد هم خیلی مثلاً چیه... همین الانش هم می‌گن نه، ما کاره خاصی نکردیم، این یعنی امید داشتن و تلاش کردن برای بهتر شدن.

- پس برخلاف چیزی که طرفدارهای اکسو می‌گن، بی‌تی‌اس الکی هم معروف نشده.
بله، دقیقاً بعضی‌هاشون یه جورایی از روی حسادت می‌گن.
- گروه کمپین هم برای کارهای خیریه برگزار می‌کنه؟

آره خیلی، این بین کره‌ای‌ها خیلی چیز عادی‌ای هست، اصولاً افراد معروف که پولدار هستن، بخشی از پولشون رو هر چند وقت یک‌بار، مخصوصاً در روز تولدشون برای یه بیماری یا رفاه یه گروه خاص یا ساخت یه مکان مثل مدرسه، اهدا می‌کنن. در سال حداقل یکی دوبار انجام می‌دن، تازه سعی می‌کنن مخفیانه باشه، ولی مردم خبرش رو پخش می‌کنن.



- فندوم‌ها چه نقشی توی ترویج اقدامات خیریه دارند؟

اصولاً گاهی اوقات فندوم‌ها تصمیم می‌گیرن توی روز تولد اعضا یا به اسم مثلاً آرمی بودن یا مثلاً طرفدار بی‌تی‌اس بودن، مبلغی رو جمع کنن و مثل گروهی که دوست دارن، بتونن کمک کنن به مردم و گاهی مبالغ هنگفتی هم جمع می‌شه و باعث یک کمک بزرگ می‌شه که همین امر سبب می‌شه خبرش پخش بشه.
- کمپانی با ستاره‌هایی که رفتار غیراخلاقی مرتکب می‌شن چه طور برخورد می‌کنه؟ مورد خاصی هست که یادت باشه؟

رفتار غیراخلاقی خاصی مدنظرت هست؟

- نه منظورم رفتاریه که مغایر با معیارهای کره جنوبی و یا معیارهای بین‌المللی باشه.

کره‌ای‌ها روی یه سری مسایل خیلی حساس ان، به طور مثال، به اصطلاح خودشون روی قلدری کردن در دوران مدرسه خیلی حساس ان و اگر ثابت بشه که کسی در دوران مدرسه حس برتری داشته نسبت به دانش‌آموز دیگه یا اون رو آزار داده، به طور قانونی پیگیری می‌شن، حتی اگر خواننده یا بازیگر باشه. بعد این که خیلی حساس ان روی این که اگر حتی یک قطره الکل مصرف کردی، نباید رانندگی کنی، اگر این اتفاق بیفته، نه تنها گواهینامه‌ات باطل می‌شه و ممکنه دیگه گواهینامه نتونی بگیری، مثلاً یکی از اعضای یه گروهی بود، تقریباً یکی دوماه پیش تازه گروهشون معروف شده بود، ولی به خاطر این کار از گروه اخراج شد.

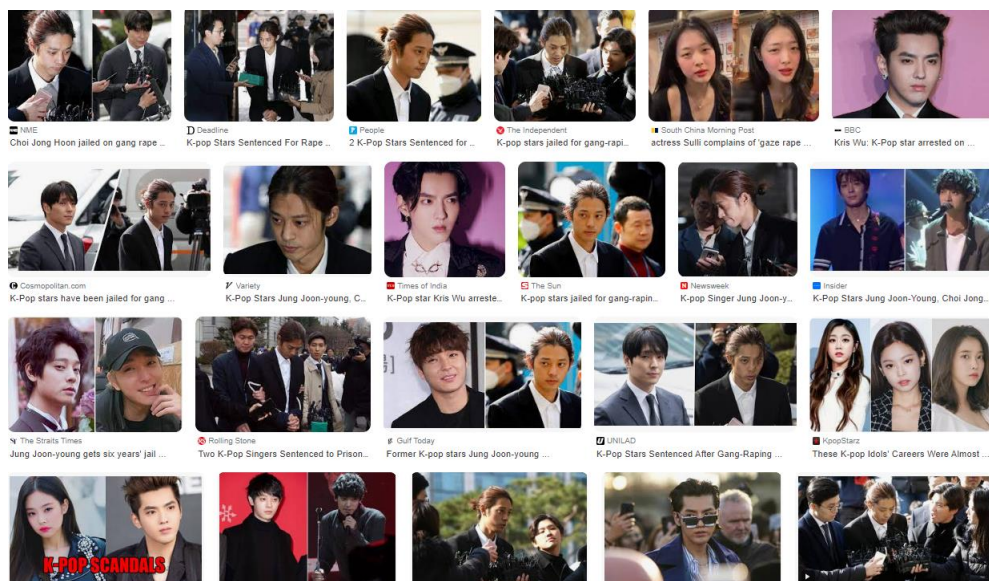
سوم این که اگر تجاوز کرده باشن به کسی و اثبات بشه، به طور قانونی پیگیری می‌شن. جدیدترین‌اش یکی از نقش‌های اصلی سریال اسکویید گیم بود که به خاطر تجاوز افتاد زندان.



- آیا فشار از طرف کمپانی روی ستاره‌های دختر بیش‌تر از ستاره‌های پسر هست؟
بله، دقیقاً همین طوره، البته باز می‌گم به کمپانی هم ربط داره، ولی اصولاً گروه‌های پسر از خیلی لحاظ شرایطشون بهتر از گروه‌های دختره هست.

- تو چه زمینه‌هایی به دخترها سخت می‌گیرن؟
ببین، گروه‌های دختر از یک سری لحاظ آسیب‌پذیرتر هستن. اول این که، عمدتاً طرفدارهای گروه‌های پسرونه، دخترها هستن و جمعیت دخترها خب زیاده، از این نظر که موسیقی گوش بدن و طرفدار یه گروه باشن، ولی پسرها که باید طرفدارهای گروه‌های دختر باشن، زیاد نیستن، خیلی از دخترها هم طرفدار گروه پسر هستن، هم دختر.

دوم این که پسرها مثلاً نگران سوءاستفاده یا آسیب نیستن یا به بیان دیگه فریب نمی‌خورن، ولی ممکنه که دختری به خاطر معروف شدن مثلاً به منیجر (مدیر) یا افراد کمپانی باج بده، یعنی باهاشون ارتباط داشته باشه، حالا پیش اومده که طرف سوءاستفاده کرده، دختره شکایت کرد و قانونی پیگیری کردن و از اون جایی که قبلاً هم گفتم، روی یکی از مسایلی که حساس هستن، تجاوز هست و خوب پیگیری می‌کنن.



بعد پسرها آزادی بیش‌تری توی پوشش و چیزای دیگه دارن، ولی دخترها ممکنه برای زیاتر شدن هر نوع لباسی رو بیوشن مثلاً لباس کوتاه و بدن‌نما. به علاوه یکی از شرایط سخت گروه‌های دختر تایمی هست که عادت ماهانه هستن، ولی خب باید رقص‌شون رو انجام بدن، ولی خب پسرها چنین مشکلاتی ندارن. به این دلایل شرایط گروه‌های دختر سخت‌تره.

– طرفدارها در برابر این سخت‌گیری‌ها چه واکنشی از خودشون نشون می‌دن؟ از کمپانی حمایت می‌کنن یا ستاره؟

اصولاً هیچ طرفداری از کمپانی طرفداری نمی‌کنه، ولی درکل طرفدارها ممکنه از کمپانی راضی باشن و ممکنه راضی نباشن، راجع به خواننده‌ها هم بله، طرفدارها با اشتراک گذاشتن ناراضی‌شون، می‌تونن تأثیر بذارن روی شرایط گروه مورد علاقه‌شون، ولی تاحدی.

– هوادارها ناراضی‌هاشون رو با چه روش‌هایی به اشتراک می‌گذارن؟
توی فضای مجازی منتشر می‌کنن.

– وقتی طرفدارها ناراضی‌شون رو در رابطه با سخت‌گیری کمپانی‌ها نسبت به ستاره‌ها در فضای مجازی درمیان می‌گذارن، روی سیاست‌های کمپانی تأثیر داره؟

همون طور که گفتم آره، تأثیر‌گذاره، اصولاً وقتی که یک جمعی اعتراض‌شون رو توی فضای مجازی پخش کنن، کمپانی ابراز نگرانی می‌کنه که نکنه یه جورایی از چشم بیفته. نکنه این اعتراضات زیادت‌ر بشه، نکنه که دید مردم نسبت بهش منفی بشه، آره اتفاقاً تأثیر‌گذاره، به خاطر همین که اگه هر چه قدر جمعیت زیاد باشه، اعتراض بیش‌تر بهشون بشه، بیش‌تر اهمیت داده می‌شه و راحت‌تر پیگیری می‌شه. می‌شه گفت آره نتیجه داره، همون طور که توی خیلی از کمپانی‌ها نتیجه رو دیده، یعنی اعتراض رخ داده، پیامدهایی هم داشته، یعنی بی‌تأثیر نیستش.

- چه قدر برای حمایت کردن از بی‌تی‌اس وقت می‌گذاری؟

طبیعتاً این سوال بستگی به شرایط هر کس دارد و چیز ثابتی نیست، ولی من خودم اگر آلبوم یا آهنگ یا موزیک ویدیو داده باشن، تا سه، چهار روز یکی، دوبار استریم یعنی بازدید انجام می‌دم از طریق یوتیوب توی اینستا و در تلگرام هم پیج و گروه و کانال دارم که روزانه اونا رو چک می‌کنم.

- درسته که یه حس رقابت بین طرفدارهای کی‌پاپ با گروه‌های دیگه هست و می‌خوان توی استریم یا لایک‌های اینستاگرام رکورد بزنن؟

آره طبیعیه، اگر تعداد استریم بالا باشه، رکورد دارد و اگر طرفدارها رکورد بزنن، گروه جایزه می‌گیره، ولی راجع به لایک اینستاگرام یا فالو کردن بی‌تی‌اس تازه چند ماهه که اونا اینستا نصب کردن، ولی رکورد زدن و توی گینس ثبت شد، اما از روی رقابت نبود.

- تاحالا در رابطه با این موضوع که از رسوایی‌ها و حاشیه‌های بی‌تی‌اس و یا کی‌پاپ برای پوشاندن فسادهای سیاسی استفاده می‌کنن، چیزی شنیدی؟

کلاً راجع به مسایل سیاسی این رو بهت بگم حالا اگه از کسی چیزی شنیدی. اگه قرار بود بی‌تی‌اس خودش رو وارد مسایل سیاسی بکنه، الآن جین نمی‌رفت سربازی، ببین مثلاً امسال انتخابات بود برای کره. کره هر پنج سال یکبار انتخابات دارد، برعکس ما و آمریکا که هر چهار سال یکبار انتخابات دارد، کره پنج سال یکبار. رئیس‌جمهور قبلی که اسمش مونجه این بود، با بررسی‌های دقیقی که کرد، متوجه شد که بی‌تی‌اس چه قدر سرمایه آورده و برای کشور مفیده، اون با ارقام و عدد و فلان اومد این مسأله رو اثبات کرد. خیلی واقعاً آدم پر و آدم با دانشی هست. بعد اومد چی کار کرد... توی دورانش خیلی کمک کرد بی‌تی‌اس رو از هر لحاظی. یک سری اقداماتی کرد که واقعاً عالی بود. فقط یه کار اشتباه کرد، اون هم این بود که وقتی دوران رئیس‌جمهوری خودش بود، گفت بی‌تی‌اس معافه از سربازی و این نزدیک انتخابات بود و این رو نیامد رسمیش کنه. اگر رسمیش می‌کرد، الآن لازم نبود هیچ کدوم از اعضا برن سربازی. حالا چه اتفاقی افتاد، دو سال سربازی یعنی دو سالی که فعالیت ندارن، یعنی دو سالی که هیچ کاری انجام نمی‌دن، این دو سال جزو قرارداد این بنده خداها هست، این دو سال واقعاً آسیب می‌بینن دیگه، واقعاً توی این دو سال چه قدر گروه میان تو کار.

این بنده خدا نیومد این رو رسمیش کنه و رفت. رئیس‌جمهور بعدی که اومد، دید ایول چه گروهی، چه درآمدزایی خوبی، چه قدر پوان‌های (امتیازات) مثبت برای کشور دارن و چه قدر اوکیه و چه قدر طرفدار دارن. در زمان مونجه- این، اینا از طرف بایدن دعوت شدن، یه بار برای مراسم سازمان ملل رفتن و یه بار هم از طرف بایدن دعوت شدن و به عنوان سفیرهایی از قاره آسیا رفتن راجع به موضوعات مختلف مثل نژادپرستی و فلان و فلان صحبت کردن. بعد دید که این شکلیه خود بایدن از طرف سفارت دعوت کرده و این که یونیسف می‌رن و سازمان ملل می‌رن، وقتی جنبه این چینی توی دنیا پیدا کردن، اون وقت رئیس‌جمهور جدید گفت، به جای رفتن به سربازی شما باید توی مناسبت‌های سیاسی شرکت کنید، یعنی سربازی نرید، ولی توی اون دو سال توی مناسبت‌های سیاسی که با کشورهای دیگه داریم، همراه با وزرا و همراه با رئیس‌جمهور توی مراسم‌ها شرکت کنید و این شد که بی‌تی‌اس پاش وایستاد و گفت، من نمی‌خواهم، من اصلاً نمی‌خوام خودم رو قاطی بازی‌های سیاسی و این کارا بکنم، ما زمانی وارد مسایل سیاسی می‌شیم که منفعتی برای مردم

داشته باشه. راجع به کودکان باشه، راجع به میهن‌پرستی باشه، مثلاً راجع به ضد نژادپرستی باشه. یه مفاهیمی این شکلی، ولی این که توی بازی سیاست و قدرت بخواهیم بریم، نمی‌خوایم.

این شد که دقیقاً بعد از کنسرتی که توی بوسان داشتن. کنسرتی که در بوسان گذاشتن، به خاطر این بود که تا سال بیست، سی اگر اشتباه نکنم، یه فستیوال هنری خیلی مهم قراره توی دنیا رخ بده، حالا نمی‌خواهم به اون پردازم، ولی کره هم یکی از کشوری توی اون فستیوال هنریه، اینا به صورت رایگان گفتن کنسرت می‌ذارن که توی دنیا هم تبلیغی بشه به خاطر اون فستیوال بیست، سی. رئیس جمهور گفتش، آره بذار این کنسرت هم بگذره، ما بعد تصمیمش رو مشخص می‌کنیم، وقتی که این شکلی کردن، بزرگ‌ترین عضو گروه که تولدش آذر ماه می‌شه سی ساله و بعد از کنسرت بوسان و قبل از این که بخواد این رئیس جمهور حرفی بزنه، چون می‌دونستن که بالاخره یه جوری وصل‌شون می‌کنن به بازی‌های سیاسی، به خاطر همین رفت حکمش رو بگیره بره سربازی.

– نظرت در رابطه با این موضوع که روش کار می‌کنن که لباس جنسیت نداره چیه؟

آره بی‌تی‌اس و گروه‌های چه دختر و چه پسر کی‌پاپ، معتقد هستن که لباس جنسیت نداره و اگر دوست داشتی یه مدلی رو می‌تونی استفاده کنی، یعنی به بیان ساده خودت رو محدود به جنسیت نکن، اگر مثلاً دختری و کراوات دوست داری یا کت شلوار بپوشش.





- قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم همین نظر رو داشتی یا آشنایی با بی‌تی‌اس نظرت رو تغییر داد؟
از قبلش معتقد بودم که دخترها می‌تونن کت و شلوار بپوشن، کراوات بزنن، لباس‌های پسرانه بپوشن یا پوتین پاشون کنن، چون خودم خیلی دوست داشتم، ولی این که پسرها هم مثلاً رنگ‌های روشن بپوشن یا لباس‌های تم دخترانه، بهش فکر نکرده بودم، یعنی نه موافق بودم، نه مخالف، ولی بعد از آشنایی ایده‌ام اینه که با توجه به عقاید و فرهنگ اون جامعه و استایل فرد می‌شه گفت که می‌تونه برابری وجود داشته باشه یا نه به طور مثال در ایران، به دلایل زیاد این برابری نباید وجود داشته باشه.

- در رابطه با خودکشی ستاره‌ها در اثر هیت دادن و نفرت‌پراکنی در مورد اون‌ها چیزی می‌دونی؟
بله کره جز کشورهایی هست که خیلی آمار دقیق داره توی خودکشی. بعد کره توی چند ساله اخیر جزو ۳ تا کشور اول در خودکشی هست، یکی کره، یکی ژاپن جزو ۳ تا کشور اول در این زمینه هستند. کره به خاطر همین مسأله اومد شروع کرد به برنامه‌ریزی کردن و شروع کرد به این که بیاد وقت بذاره، تمرکز کنه روی این مسأله و سعی کنه این آمار رو بیاره پایین. یه سری اقداماتی کردن روی سطح شهری... روی سطح فرهنگی و این که بیان در صدد کاستن این باشن که حالا خدا رو شکر فعلاً کارشون خوب و اثربخش بوده.

حالا بین آیدول‌ها هم بله، چندین مورد بوده و این که همه‌شون هم بررسی علمی بکنیم، برمی‌گرده به نبود اعتماد به نفس یا کمبود اعتماد به نفس داشتن، همون طور که کمبود اعتماد به نفس داشته باشی و از خودت مطمئن نباشی، می‌تونی با حرف یه نفر حتی فرو بریزی، وقتی که به خودت مطمئن باشی، کل دنیا هم بخوان بگن تو ایرادی رو داری، تو به خودت مطمئنی که پرفکتی (بی‌نقص و کاملی) پس از خودت ناامید نمی‌شی.
یکی از معروف‌ترین‌ها که من خودم طرفدارش بودم و خیلی دوستش داشتم، اسمش جونگ هیون بود. جونگ هیون عضو و لیدر گروه شاینینگ بود. شاینینگ گروهی بود که ۴ یا ۵ تا عضو داشت، بعد جونگ هیون

لیدرش بود، توی مدت کمی که وارد عرصه کی‌پاپ شدن، خیلی طرفدار جذب کردن، خیلی خیلی معروف شدن و اینا، ولی خب اون زمان یه سری آدم‌ها مثلاً شروع کردن به حرف منفی زدن و هیت دادن که آره مثلاً جونگ هیون نباید لیدر می‌شد یا این که چهره خوبی نداره، فلان و اینا و این باعث شد که واقعاً جونگ هیون به خاطر کمبود اعتماد به نفسش و این که دوست داشت همه ازش راضی باشن، همه مثلاً موافق باشن و اینا، باعث شد که اگه اشتباه نگم سال ۲۰۱۷ خودکشی کرد.



یه خواننده و بازیگر دیگه بود که اسمش سولی بود، اون هم خواننده بود، بعداً بازی هم می‌کرد و اینا اون رو هم مثلاً تو آخرین لایوش بود، خیلی مثلاً انتقاد می‌کردن بهش... و آخرین لایوش بود که گفتند که تو چه قدر زشتی و این خیلی حالش رو به هم ریخت... همون توی لایو شروع کرد به گریه کردن، حالا فیلمش هم در اینترنت باید باشه، بعدش خودکشی کرد.



این دوتا موردی بود که حالا الان توی ذهنم میاد، ولی دوتا دیگه هستن تو خاطر من نمیاد، آهان، یک نفر دیگه هم بود که یه بازیگر خانم بود، سنش مثلاً نزدیک ۵۰ سالش بود. فکر کنم... تقریباً تو حدود ۵۰ سالش

بود، اون هم افسردگی خیلی شدید داشت، خودکشی کرد، بازیگر خوبی بود، در یک سریال هم بازی کرده، افسانه خورشید و ماه، تو اون بازی کرده، بعد خیلی بازیگر خوبی هم بود، ولی خیلی افسردگی شدیدی داشت، مثل این که دیر تحت درمان قرار گرفت، حتی مثلاً روان‌پزشک و روان‌شناس داشت، ولی مثل این که دیر تحت درمان قرار گرفت و در اثر افسردگی زیاد خودکشی کرد.

- کسی رو می‌شناسی که آشنایی با بی‌تی‌اس روی اعتقادات مذهبییش تأثیر گذاشته باشه؟
اصولاً گروه‌های خواننده و بازیگر موقع ماه رمضان اصطلاحاً پیام ماه رمضان می‌فرستن و تبریک می‌گن این ماه رو به مسلمان‌ها و براشون آرزوی سلامتی می‌کنن و به دلیل این که کره یه سری مناسبت فرهنگی با کشور اندونزی داره و با یه سری چیزایی که حالا مسلمانا دارند، آشنا هستن و ازشون اطلاع دارن، یکیش همین ماه رمضان هست که خب بی‌تی‌اس هم چندین بار پیام ماه رمضان فرستاده.



راجع به حجاب هم بخوام بگم، این که تو یه برنامه ازشون پرسیدن که شما مثلاً فن‌های مسلمان دارید در کنسرت‌ها و برنامه‌هاتون، چه نظری راجع بهشون دارید، بعد اون وقت نامجون گفتش که فن‌های مسلمان ما کم نیستن و خیلی خوش حال کننده هست که ما فن مسلمان هم داریم و می‌بینمشون در کنسرت‌ها و برنامه‌ها،

بعد یونگی می‌گفتش که به نظر من دخترهای کره‌ای زیبا هستن، ولی فن‌های مسلمون از دخترای کره‌ای هم زیباترن، چون که مجبور هستن زیبایی خودشون رو بپوشون که بلکه یه کم از زیبایی‌شون کم‌تر بشه، یعنی استدلال این رو داشته که این قدر زیباتر هستند که مجبور هستن، مثلاً روسری سر خودشون کنن و مجبورن لباس‌های پوشیده بپوشن.

خیلی نسبت به فن‌های مسلمان دید خوبی دارن و خیلی اوکی ان و می‌دونن که نباید دست بزنین، نباید تاج (لمس) بکنن، نباید بغل بکنند، مثلاً کنسرتی بودش گفتن که با ۵ نفر عکس می‌گیریم... ۵ نفر از طرفدارا... بعد وقتی که فنی که قرار بود باهاش عکس بگیرن، مسلمون بود، سریع جیهوپ اومد به همه گفتش که حواستون باشه، بغل نکنید، دست ندید، خیلی نزدیک نشید، تاج نکنید و این‌ها بعد با رعایت همه این موارد، باهاش عکس گرفتن، صحبت کردن، پس اینا یه سری چیزا رو می‌دونن.



یک بار هم از گروه اکسو درباره مسلمون‌ها پرسیدن... اونا هم می‌دونستن که مثلاً مسلمونا گوشت خوک نمی‌خورن... مشروب نمی‌خورن... این اطلاعات رو دارن و به واسطه همین مناسبات فرهنگی‌شون با اندونزی هست. البته شاید کره‌ای‌ها مثلاً تو اخبار چیزی دیده باشن که حالا بگن که به واسطه اون زمان داعش و اینا، حالا مسلمونا مثلاً خطرناک ان، اما به واسطه این که با اندونزی به عنوان یک کشور مسلمون آشنا هستن و ارتباط دارن، دیگه اون دیده عوض شده، تغییر کرده و راجع به ویژگی مسلمونا و شرایطشون اطلاع دارن.

– تو این مدت که با بی‌تی‌اس آشنا شدی، این مسأله باعث نشده که بخوای تو زمینه خاصی مثل ترانه‌نویسی، ساز زدن یا موارد مشابه فعالیت کنی؟

خیلی سوال خوبی بود. نامجون... اولین بار نامجون این حرف رو زد، بعداً هم جونگ‌کوک همچنین حرفی رو زد و گفت، یه کاری می‌کنیم که کسی که می‌گه من آر‌می‌ام، کسی که می‌گه من فن بی‌تی‌اس‌ام، هیچ وقت پشیمون نشه از این حرفش و افتخار کنه که این حرف رو می‌زنه و واقعاً همین طور بوده، من واقعاً فن گروهی هستم که همیشه اولین‌ها بودن، همیشه بهترین بودن توی گونه خودشون، توی حرفه‌ی خودشون، چیزای جزئی و حاشیه‌ای، چیزای شخصی رو کار ندارن و برام مهم نیست ۱۰ سال دیگه چه اتفاقی می‌افته، چه کاری انجام می‌شه، چی می‌شه، چه اتفاقی براشون رخ می‌ده، برام مهم اینه که من به عنوان کسی که یه

گروه خواننده رو طرفدارش هستم، توی حرفه‌ی خودشون حرف اول رو می‌زنن و این خیلی مهم هست، تو هر جایی که هستی، حرف اول رو بزنی تو هر جایی که هستی، از تلاشت کم نکنی، کم نیاری و برای اون چیزی که می‌خواهی بجنگی، این خیلی مهم هست که تو هیچی نداشته باشی، ولی بدونی که می‌شه به یه روزی برسی که همه چیز داشته باشی و برای اون روزا تلاش کنی و به الآن خودت توجه نکنی و هر سختی رو بپذیری، به خاطر اون روزه که بهش می‌رسی و بی‌تی‌اس واقعاً همین کار رو کرد.



خیلی خیلی شاید مثلاً تحقیر شدن، خیلی انتقاد بهشون شد، خیلی حاشیه خواستن براشون بسازن، یعنی تو اگه یه آدمی باشی که خیلی خوب اون طرف رو بشناسی، می‌فهمی چیزی که مهم هست، اینه که این آدم می‌جنگه برای همه چی، می‌جنگه، کم نمیاره، در آهنگ‌هاشون هم همیشه این هست، مثلاً یه برنامه‌ای بوده چند سال یک‌بار تو کره برگزار می‌شد به نام المپیک آیدول‌ها. گروه‌های خواننده دور هم دیگه جمع می‌شدن و یه سری کارهایی رو می‌کردن، یه سری تو حوزه ورزش مثل دو، مثل مثلاً تیراندازی، مثل حالا ورزش‌های قدیمی خودشون، کشتی مثلاً، این موارد مخصوص خودشون رو دارن و اینا اون جا مثلاً بی‌تی‌اس هنوز مثلاً معروف نشده بود و وقتی که مثلاً می‌اومدن بازی کنن، جدی شون نمی‌گرفتن، گروه‌های دیگه رو تشویق می‌کردن توی اون المپیک تو خیلی از آیت‌ها بی‌تی‌اس برنده شد، اون موقع همه تعجب کردن، بعد وقتی دیدن که این‌ها برنده شدن، توی حتی یک چیز کوچیک یه بازی ورزشی، بعد دیدن که نه این‌ها کلاً چنین روحیه‌ای رو دارن، یه جورایی نمی‌بازن، اگر هم ببازن این قدر تلاش می‌کنن که اون باختن تبدیل به برد بشه.

وقتی بعدها بی‌تی‌اس معروف شد، تیکه‌هایی از اون زمان رو پخش می‌کنن، اون تیکه‌هایی که تحقیر شدن، اون تیکه‌هایی که اصلاً جدی گرفته نشدن شون، اون تیکه‌هایی که حتی بهشون توهین کردن...

بنابراین من واقعاً خوش حالم که طرفدار این گروه هستم که می‌شه از هر چیزش یک درسی گرفت.

تو می‌تونی چیزهای مثبت هر چیزی رو جذب کنی و بگیری و من معتقدم که این چیز مثبت رو می‌تونم ازشون بگیرم و این که ناامید نشم، این که همیشه برای خواسته خودم بجنگم، هر چند همه بگن که قطعاً غیرممکن هست، ولی من بگم نه، می‌شه.

و این که می‌خوام جنبه منفی... جنبه منفی... نمی‌شه، نمی‌تونم بگم که جنبه منفی داشته، ولی واقعاً ناراحت می‌شم وقتی کسی اطلاعی نداره و می‌خواد نقد کنه و می‌خواد نظر بده... از این... این ناراحت کننده است که یکی اطلاع کامل نداره، حرف بزنه، ببین قطعاً هم گفتم بهت که هیچ ایرادی نداره، هیچ مشکلی توش نیست، تو هر جای دنیا، تو هر کشوری، تو هر موضوعی، تو هر مسأله‌ای، همیشه یه باگ‌هایی هست، همیشه مشکلاتی هست، همیشه چه قدر شاید یک پنهان کاری یه بعد دیگه باشه، خب ولی مهم اینه که تو، تو هر چیز دنیا، تو هر چیزی که هستش، تو اون چیزی که برات مفیده رو جذب کنی، خب و اون چیزی که برات مفید نیست رو کنار بذاری، این مهم هست و من شاید موقعی که ناراحت بشم، فقط زمانی که بخوام بینم کسایی بی‌دلیل بخوان حرفی بزنن که بدون آگاهی هست یا مثلاً تلویزیون که بدون آگاهی بخواد حرف بزنه، ولی به عنوان یک فن، نه واقعاً همیشه خوش حال بودم، می‌دیدم توی فستیوال‌ها همیشه حرف‌های اول رو می‌زنن، بیش‌ترین بازدیدها رو دارن، بیش‌ترین گروهی هستن که طرفدار داره و بزرگ‌ترین طرفدارهای جهانی و بزرگ‌ترین فن‌ها آرمی‌ها هستن و این قدر تعدادشون زیاده تو کل دنیا و این خب این اولین‌ها خیلی جذابه.

تأملی دوباره

مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

مهشید در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند:

تولید محتوای مؤدبانه‌تر نسبت به غرب، ایجاد فاصله نزدیک بین هوادار و ستاره، کمپانی‌های کی‌پاپ و اعمال سیستم برده‌داری به شکل نوین، کنترل زندگی شخصی ستاره‌ها توسط کمپانی، ساخت وسایل متفرقه مانند فتوکارت و عروسک برای کسب درآمد، تلاش کمپانی برای استفاده از ستاره‌ها در جهت کسب منافع سیاسی، استفاده کمپانی از ستاره‌ها برای تبلیغ برندها، سوءاستفاده کمپانی‌ها از ستاره‌های دختر و بدن‌نمایی برخلاف میل ستاره‌ها، عدم توجه کمپانی‌ها به سلامت روانی ستاره‌ها، شیوع افسردگی میان ستاره‌های کی‌پاپ، حمایت نکردن طرفداران از ستاره در صورت ارتکاب خطا، توجیه رفتار ستاره‌ها و کمپانی، اشاره داشته است.

مهشید در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: آشنایی با فرهنگ کره جنوبی، توجه به فعالیت‌های خیرخواهانه، افزایش میل به مهاجرت تحصیلی به کره جنوبی، دنبال کردن زندگی شخصی ستاره‌ها و قهرمان‌سازی سیاسی از ستاره‌ها، اشاره داشته است.

مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: سخت‌کوشی اعضای گروه، القای حس امید به زندگی و انرژی و پیام‌هایی مانند هدف داشتن و تسلیم نشدن، انجام کارهای خیریه، ایجاد انگیزه در طرفداران، ایجاد فاصله نزدیک بین هوادار

و ستاره، همراه کردن موسیقی و رقص برای جذب مخاطب بیش‌تر، سیاست استفاده از گروه بی‌تی‌اس برای جذب تماشاگر بیش‌تر توسط جشنواره‌های موسیقی، تلاش کمپانی برای استفاده از ستاره‌ها در جهت کسب منافع سیاسی، توجیه رفتار ستاره‌ها و کمپانی و حاشیه‌سازها (دیسپیچ)، اشاره داشته است. از بیانات اخیر مهشید ۲۱ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با تینا، ۱۹ ساله

یه گزارش‌گری به بی‌تی‌اس گفته که مثلاً اوه... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بذارم حروم شه و بذار یه چهارتا سلفی خوب باهаш بگیرم.

- خوب تینا جان شروع کنیم؟
بله.

- خوب تینا به من می‌گی که اولین بار چه طوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟
من توی یکی از مراسمای موسیقی بود، یادم نیست دقیقاً که گرمی^۱ بود یا امریکن میوزیک اواردرز^۲ بود که اینا اجرا داشتن... فکر می‌کنم امریکن میوزیک اواردرز بود که اجرا داشتن، سال ۲۰۱۹ اینا هم بود. البته من اون موقع آرمی نشدم. من تازه هنوز یک ساله می‌شه گفت آرمیم^۳، ولی اولین بار فک می‌کنم ۲۰۱۹ اینا بود که یه آهنگی دارن، بوی ویت لاو^۴ که با هالزی^۵ می‌خوندنش. بعد من اون جا اولین بار شناختم‌شون، چون از اون

1- Grammy Awards

مراسم اهدای جوایز گرمی از سال ۱۹۵۸ میلادی آغاز شد. این مراسم بزرگ‌ترین رویداد موسیقی جهان در نظر گرفته می‌شود و از اعتبار بالایی در بین موسیقی‌دانان برخوردار است. این مراسم توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط (National Academy of Recording Arts and Sciences) به صورت سالانه برگزار می‌شود و هدف آن معرفی و تقدیر از بهترین آثار موسیقی و هنرمندان برگزیده‌ی سال است. نماد این مراسم یک گرامافون طلایی رنگ است. در مراسم جایزه گرمی، اهدای جوایز به همراه اجرای موسیقی زنده توسط هنرمندان بزرگ و سرشناس محبوبیت بسیاری دارد. همچنین، بر روی فرش قرمز، از هنرمندان عکس‌برداری می‌شود.



2- American Music Awards

جوایز موسیقی آمریکای نام یک مراسم سالانه‌ی موسیقی است که به هنرمندان برتر موسیقی جوایزی اهدا می‌کند. تفاوت اصلی این مراسم با دیگر مراسم‌های صنعت موسیقی در این است که برندگان با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و نه رأی اعضای آکادمی. در بخش‌هایی از این مراسم اجرای زنده توسط هنرمندان و همچنین عکس‌برداری بر روی فرش قرمز انجام می‌شود.

³- Army

⁴- Boy With Luv

⁵- Halsey

موقع یهو شروع شد، همه‌اش توی کتگوری^۱ (دسته، طبقه) ها نامزد می‌شدن اینا. بعد اون موقع دیدم که ||| یه گروه کره‌ای مثل این که این قدر داره خفن می‌شه که مثلاً توی این چیزا نامزد می‌شه و از این حرفا.



اجرای BTS و Halsey در Billboard Music Awards 2019



اجرای زنده‌ی گروه بی‌تی‌اس در مراسم ۲۰۲۰ Grammy Awards



هلزی (هالزی)، خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او حرفه‌ی موسیقی را با آپلود آهنگ‌هایش در پلتفرم‌های مختلف اجتماعی آغاز کرد و به همین صورت توجه‌های زیادی را به سوی خود جلب کرد. هلزی دوران کودکی سخت و متفاوتی را نسبت به دیگر ستاره‌ها داشته است و دچار اختلال دو قطبی است. او گرایش بایسکشوال دارد و بارها به این مسئله نیز اشاره کرده است. او جوایز زیادی را از جمله جوایز گرمی کسب کرده است و در سال ۲۰۲۱ توسط BMI FILM & TV Awards لقب بهترین ترانه‌نویس سال را کسب کرد. همچنین او در لیست ۱۰۰ انسان تأثیرگذار و اینفلوئنسر سال ۲۰۲۰ از سوی مجله‌ی تایم نیز حضور داشت.

^۱ - Category



اجرای زنده‌ی بی‌تی‌اس در مراسم American Music Awards 2021

- یعنی قبل از اون کی پاپر نبود؟
چرا، ولی خیلی سال قبل بود. فکر می‌کنم من ابتدایی بودم که یک گروهی بود، شاینی^۱. اون موقع شاینی رو گوش می‌دادم، ولی بعدش کلاً رفتم سمت انگلیسی و آمریکایی و اینا، ولی الان دوباره یه ساله که کره‌ای گوش می‌دم.



- کی دراما هم اون موقع نگاه می‌کردی؟
ببین دقیقاً این جوری بود که تا یه سنی می‌دیدم. مثلاً فک کنم تا یادم نیس واقعاً ۱۲ یا ۱۳ سالگی شاید یا کوچک‌تر، می‌دیدم. بعد کلاً دیگه از فازش دراومدم. هی رفتم توی چیزای دیگه، وان دایرکشن^۲ و مثلاً رفتم

^۱- Shinee

^۲- One Direction

گروه وان دایرکشن که اغلب با نام گروه 1D نیز شناخته می‌شوند، گروهی انگلیسی- ایرلندی هستند که فعالیت خود را از سال ۲۰۱۰ آغاز کردند. اعضای وان دایرکشن عبارت است از نایل هوران (Niall Horan)، لیام پین (Liam Payne)، هری استایلز (Harry Styles)، لوئیس تاملینسون (Louis Tomlinson) و عضو سابق گروه زین ملک (Zayn Malik).

کلاً تو جاهای دیگه بعدش از همین تقریباً پارسال تابستون، همین جوری رندوم حوصله‌ام سررفته بود. منم گفتم، خب بذار بشینم همین جوری یه سریال کره‌ای ببینم، اینا کوتاه‌ان، یعنی همین جوری واسه گذروندن وقت. بعد دیگه شروع شد دوباره، کی‌دراما می‌دیدم و تا همین الان دیگه. وسطاشم که دیگه بی‌تی‌اس گوش می‌دادم و طرفدارشون شدم.





- اون موقع که تو مراسم گرمی بی‌تی‌اس رو دیدی، اولین بار چه چیزی جذبت کرد؟
اول که قیافه‌ی یکی از اعضا‌شون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایل‌شون بود. یعنی لباس پوشیدن‌شون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضا‌شون چیزای مختلف می‌پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندا عین هم بپوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل‌های اعضا‌شون خیلی به سلیقه‌ام نزدیک بود. بعد اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباسا‌شون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورت‌شون بعد این جور بودم که اوومم صورت‌اشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضا‌ش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردم- شون، بعد یهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.
- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟
اولش آره.



- قبل‌تر اشاره کردی که قبلاً وان دایرکشن گوش می‌دادی، زمانی که آرمی شدی به گروه‌های دیگه‌ای هم گوش می‌دادی؟
نه... یعنی کره‌ای یا غیر کره‌ای؟
- هر دو. کره‌ای یا غیر کره‌ای.

کره‌ای که نه. کلاً همین بی‌تی‌اسه، ولی غیرکره‌ای کلد پلی^۱ و ایمجن دراگنز^۲ و اینا رو چرا، دنبال می‌کنم. وان دایرکشن هم قبل از این که سولو^۳ کار کنن، گوش می‌دادم، الانم فعالیت یه سرپاشون رو دنبال می‌کنم. - قبل‌تر اشاره کردی که استایل‌شون خیلی برات جذاب بوده، هیچ وقت سعی کردی از استایل‌شون الگو بگیری؟

نه، من کلاً خیلی توی این مدل فن گرلی^۴ نیستم که مثلاً بخوام شبیه‌شون بشم، ولی یه چیزی که من خیلی سعی کردم ازش یه جورایی الگو بگیرم، انجامش بدم این بود که دیدم یه سری از اعضا علی‌رغم برنامه کاری فشرده‌ای که داشتن، هنوز سعی می‌کردن که تو زندگی شخصی‌شون یه سری مهارت‌ها یاد بگیرن یا یه سری کارا رو انجام بدن و این که چیزای جدیدی رو امتحان کنن و بعد این جوری بودم که خب، اوکی مثلاً طرف که این قدر آدم گنده و مشهوریه، داره هنوز وقت می‌ذاره و یه سری کارا رو انجام می‌ده و یه سری چیزا رو یاد می‌گیره و مثلاً تو هیچ کاری نمی‌کنی و این باعث شد به کم تنبلی رو بذارم کنار و منم سعی کنم به جای این که هی بهونه بیارم و هیچ کاری نکنم، مهارت‌های جدید یاد بگیرم، رو مهارت‌های قبلیم کار کنم و این جوری.

- یعنی بهت انگیزه می‌دن که تو هم علایق خودت را دنبال کنی؟

آره، آره.

- آهان. خوب آهنگ‌های کره‌ای‌شون رو هم گوش می‌دی، درسته؟

آره، آره.

1- Coldplay

کلدپلی، گروه راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفت. گروهی متشکل از چهار نفر شامل، کریس مارتین نوازنده پیانو خواننده، جانی باکلند گیتاریست، گای بریمن بیسیست و ویل چمپیون درامر گروه. کلدپلی در سال ۲۰۲۱ آهنگی با همکاری با گروه بی‌تی‌اس به نام My Universe منتشر کرد.



2 - Imagine Dragons

ایمجن دراگنز گروه موسیقی پاپ آمریکایی در لاس وگاس نوادا است. این گروه فعالیت خود را در موسیقی از سال ۲۰۰۸ آغاز کرد و در سبک موسیقی پاپ راک، موسیقی الکترونیک فعالیت می‌کرد. خواننده اصلی این گروه دان رینولدز و گیتاریست آن وین سرمون بوده و نوازنده آن مک کین است. نخستین تک آهنگ این گروه با نام It's Time منتشر شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

3- Solo

4- Fangirl

- و تا الآن از زبان کره‌ای چیزی هم یاد گرفتی؟

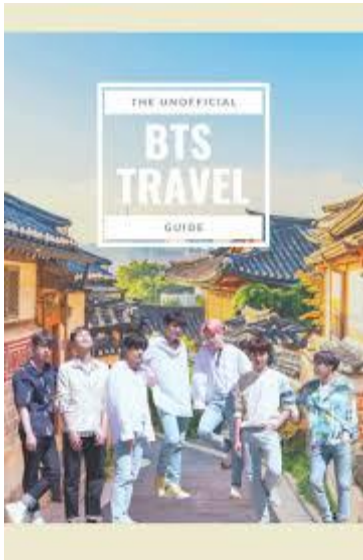
آره، بعد حتی مثلاً این جور شدم که مثلاً بیا به عنوان یک چالش بشین خودخوان کره‌ای یاد بگیر. بعد حالا دارم کم کم می‌خونم و سعی می‌کنم کامل یاد بگیرم.

- تا الآن به این هم فکر کردی بخوای به کره سفر کنی یا مهاجرت کنی؟

برای مهاجرت نه. یعنی اولش یه لحظه جوگیر شدم که حتماً می‌خوام برم کره. ولی بعدش به صورت منطقی گفتم که نه، بشین سرجات. ولی برای سفر، من کلاً خیلی آسیای شرقی دوست دارم برم ببینم، چون مثلاً هی این‌ور، اون‌ور عکساشون رو می‌بینم، بعد مثلاً فامیلامون چندتاشون قبلاً به ژاپن اینا رفته بودن، خیلی تعریفشون رو شنیدم. برای همین کره و ژاپن رو خیلی دوست برای سفر برم ببینم، ولی این که بخوام مثلاً مهاجرت کنم، حداقل الآن تو این لحظه نه، تو برنامه‌ام نیست اصلاً.

- چرا برای مهاجرت نه؟

خوب خود کره خیلی کشور خوبیه، حتی واسه مهاجرت. چون که من هم در این مدت خودم خیلی محتواهای کره‌ای رو دنبال کردم و هم این که دیگه خواه ناخواه توی اکسپلورم می‌اومد و حتی دو نفر آدم ایرانی رو هم فالو کردم که مهاجرت کردن کره و از فرهنگ کره محتوا می‌دارن، دیدم که اتفاقاً کره واسه مهاجره اصلاً مقصد بدی نیست، یعنی هم خیلی بورسیه‌های خوبی داره، هم دانشگاه‌های خیلی معتبری داره، حداقل اونایی که من چک کردم و هم کشورش از نظر امنیت و اینا خیلی کشور خوبیه. یعنی می‌مونه فقط بحث این که اگه یک نفر بتونه با فرهنگشون آداپته بشه، اصلاً مقصد بدی نیست. ولی بحث اینه که من نسبت به هدف‌هایی که دارم و می‌خوام بهشون برسم، مثلاً از نظر رشته‌های تحصیلی و بازار کار، برای این رشته‌ها توی کره خیلی آپشن‌های خوبی دارم، ولی خیلی آپشن‌های بهتری نسبت به کره برام وجود داره و به خاطر همین تصمیم گرفتم خیلی منطقی به قضیه نگاه کنم، و از روی هیجان صرفاً پا نشم برم کره خودم رو بدبخت کنم. ولی خوب گفتم که واقعاً دوست دارم یه روزی سفر کنم و از نزدیک برم ببینم چون که خیلی مثلاً شنیدم سئول و جزیره‌های کناریش خوشگل ان. حالا هم کره، هم ژاپن رو کلاً خیلی دوست دارم با فرهنگ و غذاهاشون و اینا آشنا بشم. یعنی اگر یک روزی شرایطش رو داشتم، قطعاً اولین جایی که بهش سفر می‌کنم اینجا هست. ولی برای مهاجرت با توجه به فاکتورهایی که برای خودم دارم، تصمیم ندارم.



Buzzsetter

In Seoul: BTS Themed Tour For ARMYs ...

- حالا جدا از این که خیلی تحت تأثیر استایل شون قرار گرفتی، می‌خوام راجع به موسیقی شون ازت بپرسم، این که معمولاً با کدوم موزیک‌هاشون ارتباط می‌گیری و بیش‌تر کدوم موزیک‌هاشون رو گوش می‌دی؟

بین من خیلی بسته به مودم^۱ داره که مثلاً کدوم آهنگ‌شون رو گوش بدم. خب یه سری آهنگاشون هست که من سعی می‌کنم این جوری باشه، باهش ارتباط برقرار کنم که مثلاً اون چیزی که در لحظه تو زندگی خودمه رو یه جورایی توی آهنگ مثلاً ربط بدم، بعد یه جورایی تجسم کنم، حالا مثلاً از یه چیزی ناراحتم و حوصله‌ی خودم رو ندارم و اینا و اون جوری اون آهنگه باعث می‌شه که مثلاً یه کمی آروم بشم یا حداقل از نظر احساسی سعی کنم که مثلاً حس کنم که تخلیه شدم و راجع به آهنگای انگیزه‌ای‌شون و چیزایی که سعی می‌کنن بگن که آره، زمان سخت موقتیته و از این حرفا یا مثلاً خودتون رو دوست داشته باشین و اینا، من می‌گم تأثیرگذاریش خیلی بستگی به مودم (حال و هوام) داره. یعنی زمانی می‌شه که صرفاً آهنگه رو گوش

می‌دم و اصلاً کاری به مسیجش^۱ (پیام) ندارم. به خاطر این که اصلاً تو مود این نیستی که بخوام اهمیت بدم که من باید خودم رو دوست داشته باشم یا هر چیزی. یه زمان‌هایی هم خیلی این جوریم که اصلاً واقعاً مثلاً مو به تنم سیخ می‌شه و این جوریم که نه مثلاً اون مسیج‌شون (پیام) رو کاملاً دریافت می‌کنم و واقعاً حسش می‌کنم و مثلاً تا یکی، دو روز بعدش مثلاً قشنگ توی وایب^۲ (حس) اون قضیه هستم. یعنی خیلی واسم بالا و پایین داره این قضیه.

- آهان. تینا می‌خوام بدونم که چه قدر زمان و یا هزینه‌ی مالی و معنوی برای بی‌تی‌اس و آرمی بودن می‌کنی؟ مثلاً بعضی از آرمی‌ها به مناسبت‌های مختلف مثل تولد ستاره‌ها فعالیت‌های خیرخواهانه انجام می‌دن. آهان، آره. نه من نکردم. یعنی دیدم مثلاً که چندتا از این فن‌پیجا این جوری بودن که آقا ما داریم پول جمع می‌کنیم و این حرفا، ولی هیچ وقت تاحالا نمی‌دونم چرا نکردم، ولی مثلاً این جوری بودم که وای چه قدر کارتون قشنگه و اینا، ولی هیچ وقت این جوری نشدم که خودم بخوام پولی بدم. ولی فک می‌کنم شاید یه روزی ازم بر بیاد که این کار رو بکنم. می‌دونی چی می‌گم، مثلاً یه روزی دوست داشتم، شاید مثلاً یهو بخوام یه مبلغی رو یا به هر طریق دیگه‌ای نه صرفاً مادی، شاید همچنین کاری انجام بدم. یعنی انجام ندادنم تا الان، اما مثلاً دلیل بر مخالفتم یا قبول نداشتن یه همچنین چیزی نیست.

آره منظورم اینه که خوب یه بهیونه‌ای می‌شن واسه مردم، یه تعدادی جمع می‌شن یه کمکی به یه جایی بکنن، یعنی نیت کار قشنگه. من خودم تاحالا توش شرکت نکردم، ولی واقعاً ممکنه یه روزی انجامش بدم.

- خودت هم که فن‌پیج نزدی، درسته؟

نه، نه. من کلاً می‌گم سبک طرفداریم این جوری نیست که مثلاً فن‌پیج بزنم یا ادیت کنم. نه کلاً تو این مقوله‌ها نیستم.

- معمولاً چه قدر از زمانت رو صرف گوش دادن آهنگ یا پیگیری اخبار گروه بی‌تی‌اس می‌کنی؟ آهنگاشون رو که من هر وقت دارم آهنگ گوش می‌دم. این جوری نیست که بگم فقط دارم بی‌تی‌اس گوش می‌دم، چرا یه تایمی هست که مثلاً فقط مودم رو بی‌تی‌اسه، کلاً رو بقیه آهنگا مرور نمی‌کنم، ولی بقیه تایمام کلاً رو شافل^۳ می‌ذارم و هم بی‌تی‌اس گوش می‌دم، هم بقیه آهنگا رو. حالا از نظر زمانی بخوام بهت بگم نمی‌دونم، شاید روزی حداقل یک ساعت باشه. مثلاً آهنگ گوش می‌دم، حالا بی‌تی‌اس هم توش هست. حالا یه روز بیش‌تر، یه روز کم‌تر و واسه پیگیری کردن اخبارشون و اینا خیلی کامل پیگیرم. مثلاً یه تعداد زیادی فن‌پیج و اینا رو فالو می‌کنم و خیلی چک می‌کنم که حتماً در جریان باشم. مثلاً همین الان که یه کم به خاطر فیلترشکن و اینا مثلاً هیچی برام نصب نمی‌شه و الانم یه هفته بیش‌تره اینستاگرم نداشتم، خیلی بیش‌تر این جوریم که مثلاً یکی از چیزایی که رو منمخه اینه که خوب، مثلاً من الان نمی‌دونم یه آپدیتی، چیزی از اینا اومده باشه بیرون، مثلاً من همه چیزش رو دارم از دست می‌دم. بعد یه تایمی هم بود، اینا کنسرت

1- Message

2- vibe

3- Shuffle

و اینا می‌داشتن، بعد لینکای غیرقانونی‌شون اومد بیرون، من کلی می‌گشتم لینک‌هایی رو پیدا کنم که مثلاً قطع نشه از این حرفا. بعد قشنگ می‌نشستم، سه ساعت اینا کنسرت نگاه می‌کردم. کاملاً زندگیم رو استپ^۱ (متوقف) می‌کردم، می‌نشستم کنسرت رو نگاه می‌کردم.

- تینا تا به حال حس کردی از زمانی که آرمی شدی، در روند زندگیت یا روابطت خللی ایجاد شده باشه؟ مثلاً بعضی از آرمی‌ها این جوری ان که اگر کسی هیت‌بی‌تی‌اس باشه، ناخودآگاه ازش فاصله می‌گیرن. نه، در این حد نیستم. من آخه خیلی این جور نیستم که به بقیه بگم هی من آرمیم. یعنی حتی شاید می‌شه گفت، مثلاً ۳۰-۴۰ درصد یه کم این جوری باشم که عمداً نخوام کسی بفهمه به خاطر این که آدما قضاوت می‌کنن و این حرفا، ۶۰ درصد برام مهم نیست، اگه بفهمن. ولی اگر هم مثلاً هم‌چین دیالوگی بین من و کسی پیش بیاد که مثلاً وای تو چرا گوش می‌دی و مثلاً تو نمی‌دونم مگه تینیجری^۲ (نوجوان) و از این صحبتای جاج‌منتالی^۳ (مبتنی بر قضاوت)، من خیلی این جوری‌ام که خوب به من چه که نظرتون چیه، من دوست دارم، پس گوش می‌دم. اگه تو دوست نداری خوب گوش نده، به من چه، ولی این که بخواد خللی توی روابطم ایجاد کنه، نه، چون اون قدر جدی نمی‌گیرم طرف رو که بخوام مثلاً بگم، وای مثلاً تو چرا این جوری و اینا. خوب نظرشه، به من چه، من کار خودم رو می‌کنم.

- خوب گفتی که خیلی نشون نمی‌دی این مسأله رو که آرمی هستی و اگر کسی قضاوت بکنه، خیلی حرفش رو جدی نمی‌گیری و کار خودت رو می‌کنی. می‌خوام بدونم اگر کسی به بی‌تی‌اس هیت بده، چه واکنشی از خودت نشون می‌دی. با توجه به این که بعضی از آرمی‌ها خیلی روی بی‌تی‌اس حساس هستن و اگر کسی به ستاره‌ها توهین بکنه، اونا هم هیت می‌دن یا می‌رن کامنت می‌ذارن و برخورد می‌کنن و یا ممکنه بعضی آدما رو حتی حذف کنن.

آره، آره... می‌دونم. اما من نه. من فکر می‌کنم یه دلیلش اینه که من تو زندگی شخصیم یه کم تنبلم، کلاً دیگه حوصله‌ام نمی‌کشه، پیگیری کنم، این قدر این کار رو انجام بدم. ترجیح می‌دم برم بشینم خود ویدیوها خودشون رو ببینم. حداقل یه کم وایب مثبت بگیرم به جای این که برم مثلاً کار بیهوده انجام بدم. حتی چه می‌دونم مثلاً وال‌پیپر^۴ گوشیم رو اینا بذارم هم نه، من نیستم. ولی مثلاً الان چرا وال‌پیپر تبتلم بی‌تی‌اس هست، ولی مثلاً این جور نیست که عکس واضح‌شون باشه. یه عکس خاصی که یه رفرنسی به بی‌تی‌اسه، ولی خب اگه کسی ببینه، این جور نیست که وای بی‌تی‌اس و اینا، می‌دونی چی می‌گم؟ بیش‌تر واسه خودمه این قضیه. یه چیزی برای خودمه.

- این که گفتی وال‌پیپر تبتلم بی‌تی‌اسه، ولی عکس واضحی نیست. یعنی سعی می‌کنی آرمی بودنت رو پنهان کنی یا صرفاً ابرازش نمی‌کنی؟

1- Stop

2- Teenager

3- Judgement

4- Wallpaper

نه، سعی نکردم پنهانش کنم. مثلاً شده بعضی وقتا که مثلاً توی جمعی بحث کی پاپ بشه، من این جوری نبودم که آره، آره، من گوش می‌دم و اینا. ساکت موندم، سعی کردم حرف نزنم.
- چرا؟

نمی‌دونم، شاید به خاطر این که مثلاً این جوری بودم که از دیالوگ‌های مینی بر این که وای بی‌خیال... چه می‌دونم، از این جور دیالوگ‌ای تیپیکالی^۱ (متداول) که همه دارن یه جوری سعی کردم خودداری کنم و مثلاً پیشگیری کنم. ولی این جور که می‌گم وال پیپر^۲ رو این جوری گذاشتم یه همچین چیزایی نه، اون کلاً سبکمه. من کلاً دوست دارم به جای این که خیلی فوروارده^۳ (آشکار) اون قضیه رو بروز بدم، حتماً واسه دیدن خودم، دوست دارم بیش‌تر یه چیز جزئی باشه که مثلاً یه رفرنسی به اون قضیه می‌ده. می‌دونی چی می‌گم؟ یعنی خودم کلاً شخصیتم این جوریه. نه صرفاً توی چیزای بی‌تی‌اسی. کلاً حتی وال پیپر گوشیم که ربطی به بی‌تی‌اس نداره هم، به یه چیزی رفرنس می‌ده. مثلاً چه می‌دونم من فشن دوست دارم، خب وال پیپر گوشیم مثلاً یه عینک آفتابی برنده، یعنی مثلاً کسی از رو اون نمی‌فهمه که وای من فشن دوست دارم، صرفاً خودم می‌دونم که این واسه خودمه. خیلی هم برام مهم نیست که مثلاً بقیه بفهمن، یا نفهمن. بیش‌تر درگیر این هستم که خودم چه جوری‌ام و خیلی دوست دارم.



- آهان.

- تینا الگوی مشخصی هم در بی‌تی‌اس داری؟

1- Typical

2- Forward

بایسم تهیونگه یا وی^۱، استیج نیمش^۲ (نام هنری) ویه. بعد الآن یک ماه بیش‌تره، مثلاً دو، سه ماهیه که یه اصطلاحیه می‌گن بایس رک^۳، یعنی یه جورایی بایس دومته که باعث می‌شه یه کم درگیر شی، بایس رکرم جونگ کوکه^۴.

- تینا تا الآن مثلاً از آلبوم‌ها یا مرچ‌ها (وسایل دست‌ساز) شون هم خرید کردی؟
نه متأسفانه، خیلییی دوست داشتم که بگیرم، مثلاً این آلبوم آخرشون که اومد بیرون رو خیلی دوست داشتم که بگیرم ولی خیلی به پول ما زیاد می‌شد و این جور می‌بودم که اوکی، الآن اولویتم همچنین هزینه‌ای نیست. می‌دارم توی شرایط بهتر و شاید وقتی مهاجرت کردم، مثلاً حالا اون موقع بگیرم و از این حرفا. دوست داشتم که بگیرم، ولی به خاطر این داستانی مثلاً هزینه‌اش نگرفتم.
- خوب تینا حتماً می‌دونی که کمپانی‌های کی‌پاپ دوره‌های کارآموزی برای ستاره‌هاشون در نظر می‌گیرن و سبک زندگی خاصی رو برای ستاره‌هاشون تعیین می‌کنن تا حدی که ستاره‌های کی‌پاپ حتی بعد از شهرت‌شون با محدودیت‌هایی روبرو هستن. می‌خوام بدونم چه قدر از سبک زندگی‌شون و محدودیت‌هایی که دارن می‌دونی و نظرت رو راجع به این مسأله بگی.

من راجع به اینش خیلی کم می‌دونم، چون من وقتی که حالا اومدم توی فاز کی‌پاپ چون فقط بی‌تی‌اس گوش می‌دادم، خیلی نفتم راجع به کلاً کلیشه‌های کی‌پاپ تحقیق کنم. بیش‌تر همون چیزایی که از این‌ور اون‌ور شنیدم که حالا خودتم بهش اشاره کردی، یه سری محدودیت‌ها توی چه می‌دونم روابط، پوشش، خورد و خوراک و اینا دارن یا مثلاً از خیلی سال قبلش می‌برن شون و تمرین شون می‌دن. کلاً سخته و یه کم تحت فشارن. برای همین خیلی کامنت خاصی واسه‌ی این تیکه‌اش ندارم.

ولی همین اواخر داستان سر بازی پسر اومد وسط، که مثلاً اینا یا باید برن سر بازی یا نه. بعد خوب آخر سر اینا رفتن. الآن یکی از اعضا شون قراره بره، بعد من این جور می‌بودم که خوب بی‌تی‌اس خیلی برای کره و فرهنگ‌شون و کلاً همه چیزشون، خیلی ترکوند و تبلیغ کرد و قشنگ کره رو تو چشم همه دنیا عوض کرد و خیلی واس شون تأثیر مثبت داشت. بعد من این جور می‌بودم خوب اوکی، حالا سر بازی باید برن چون مثلاً خب در حق بقیه انگار مثلاً یه کم اجحاف می‌شه، خب اوکی. ولی حداقل به جای چه می‌دونم، این همه زحمتی که اینا برای فرهنگ کره کشیدن، خوب حداقل تایم سر بازی رو یه کم کم‌تر می‌کردین، اگر نمی‌خواستین لغو کنین. چون مثلاً بی‌تی‌اس همین چند وقت پیش برای نمایشگاهی که توی یکی از شهرای کره برگزار می‌شد، صرفاً به خاطر این که مردم رو به اون نمایشگاه جذب کنن و مثلاً فرهنگ کره رو یه کم بزرگ کنن و تو چشمش کنن، یه کنسرت رایگان با تعداد خیلی بالا برگزار کردن. خوب؟ و بعد اون کنسرت خیلی ترکوند سر

1- Tae-hyung

کیم تهیونگ که با نام هنری وی (V) شناخته می‌شود، خواننده، ترانه‌سرا و بازیگر اهل کره‌ی جنوبی است. او خواننده‌ی گروه کره‌ای بی‌تی‌اس است.

2- Stage name

3- Bias Wrecker

4- Jung-kook

جونگ کوک خواننده و ترانه‌سرای اهل کره‌ی جنوبی است. او کوچک‌ترین عضو و خواننده‌ی گروه پسرانه‌ی کره‌ای بی‌تی‌اس است.

و صدا کرد و بعد من تو ذهنم این جور بودم، خوب این همه اینا دارن واسه شما کار انجام می‌دن، وقتی واقعاً مجبور نیستن، خب شما هم می‌تونستین مثلاً تایم سربازی رو کم‌تر کنید. چون الآن عملاً همه پسرا تا ۲۰۲۵ درگیر این داستان سربازی ان، ولی خب دیگه حالا نمی‌دونم پشت پرده جزییات کار چی شد، که مثلاً دیگه خود پسرا این جور شدن که اصلاً نمی‌خوایم منتی رومون باشه، ما انجامش می‌دیم سربازی رو کامل، مثلاً دو سالش رو کامل می‌ریم انجام می‌دیم، ولی من این جور بودم که یه کم شما باید قدردان چیزایی که پسرا دارن انجام می‌دن، باشید دیگه، باید یه فرقی داشته باشه این وسط، ولی خب نبوده.

- شما به عنوان یک آرمی، علت موفقیت و شهرت بی‌تی‌اس رو چی می‌دونی و این که چرا این قدر آرمی‌های وفاداردار هستن که ساعت‌ها استریم می‌زنن و به هر نحوی تلاش می‌کنن از ستاره‌ها حمایت کنن و ستاره‌ها هم تو زندگی‌هاشون خیلی تأثیرگذار بودن؟
اصلاً هدف‌گذاری می‌کنن که مثلاً تا امروز باید این قدر هزارتا استریم^۱ زیاد بشه که مثلاً چه می‌دونم دستاوردی واسه طرف باشه و حمایت کرده باشن.

- خودت هم تا الآن استریم زدی؟

نه، یعنی من می‌گم باز تنبلیم میاد. یه کم عذاب وجدان می‌گیرم که وای تو چه طرفداری هستی، ولی من نهایت کمکم این بوده مثلاً موزیک ویدیو رو به جای یه بار مثلاً دو، سه دیدم یا مثلاً آهنگه رو دو بار بیش‌تر گوش دادم، ولی نه من هیچ وقت این جوری نبودم که این حد تفریط و اینا کنم.
ولی این که مثلاً می‌گی تأثیر گذاشتن، من اتفاقاً یکی از دوستای دیگه من هم هست که حالا خودش هم آرمیه. اون اتفاقاً خیلی از من بیش‌تر گوش می‌ده و استریم می‌زنه. چون که... نه استریم البته نمی‌زنه‌ها... ولی اون خیلی بیش‌تر از من گوش می‌ده. مثلاً من کم‌تر گوش می‌دم، حتی آهنگای بقیه رو. اون خیلی بیش‌تر تو این قضیه هست، بعد در حدی بود که مثلاً این اسپاتیفایش^۲ واسه آخر ۲۰۲۲، بهش گفته بود که تو جزو نیم درصد اول کسایی هستی که به بی‌تی‌اس گوش دادن. بعد خب خیلی چیز وحشتناکیه دیگه. بعد اون اسکرین شاتش رو به عنوان یکی از دستاوردهاش گرفته بود و اینا.

ولی این که مثلاً می‌گی تأثیر می‌ذارن، من به نظرم یه بخش زیادیش اینه که مثلاً من کلاً از بچگی خیلی از این بند به اون بند می‌پریدم و به نظرم فرقی که بی‌تی‌اس با همه بندای غربی داره، اینه که اینا خیلی خودشون ان... خیلی. قشنگ^۳ "They feel like home"... مثلاً این جوری ان که تو واقعاً احساس نمی‌کنی اینا یه تعداد خواننده ان و تو فقط طرفدارشونی. حس می‌کنی که این آدم‌ها رو واقعاً می‌شناسی و می‌تونی واقعاً باهاشون ارتباط برقرار کنی.

می‌دونن چی می‌گم؟ مثلاً من خیلی وقتاً شده که واقعاً این جور بود که مثلاً به همین دوستم می‌گم، بابا اصلاً خیلی احساس آشنا بودن، دارن و واقعاً باعث می‌شن که تو هم احساس کنی، تو هم یه بخشی از این

1- Stream

2- Spotify

3- They feel like home اصطلاح انگلیسی به معنی حس آشنا بودن و آرامش

قضیه هستی. شاید علت این که حالا طرفدارای دو آتیشه‌شون، مثلاً دیگه خیلی واقعاً خودشون رو وقف این داستان می‌کنن و هزینه می‌کنن و زمان می‌ذارن، شاید این باشه که اینا باعث می‌شن تو حس کنی که تو واقعاً مهمی و یک بخشی از این قضیه هستی.

بعد خیلی وقتا هم شده که مثلاً ما توی خواننده‌های غربی این جواری بودیم که اول همیشه خواننده هست، بعد طرفدار. ولی اینا واقعاً به شکل عجیبی خیلی جاها یا حداقل نمی‌گم همیشه، ولی خیلی جاها واقعاً نشون دادن که اولویت‌شون قبل از خودش طرفداراشونه و نمی‌دونم واقعاً چی می‌شه گفت... واقعاً بهترین اصطلاحی که می‌تونم واس‌شون بگم واقعاً "They feel like home". این وسط فقط اینه فرق‌شون.

- خوب تینا با توجه به محدودیت‌هایی که خودت هم بهش اشاره کردی که از طرف کمپانی‌هاشون اعمال می‌شه، فکر نمی‌کنی که اون تصویری که اعضای گروه از خودشون به نمایش می‌ذارن، اتفاقاً ممکنه که شخصیت خیلی کنترل شده و سانسور شده اون‌ها باشه و خیلی متفاوت از اون کسی که واقعاً هستن و همین مسأله باعث بشه که نتونن خود واقعی‌شون رو نشون بدن.

حالا من بقیه بندا رو نمی‌دونم، ولی بی‌تی‌اس خیلی جاها شده که محدودیت‌های کی‌پاپ رو کنار زده خب و حالا می‌گم من، چون یک سال پیش‌تر نیست که آرمی شدم، با این که خیلی سعی کردم راجع به قبلناشون هم برم بخونم، ببینم و مثلاً همه چی رو بفهمم، ولی اون موقع‌ها رو خب ندیدم، درست نمی‌دونم، ولی خیلی از محدودیت‌ها رو مرحله مرحله‌ای کنار زده، مثلاً توی کی‌پاپ مثلاً تو حالا موزیک ویدیوها نه، ولی تو همین جواری ویدیو پشت صحنه بخواد بیاد یا چه می‌دونم، از این کانتنت‌های فیلم می‌گیرن، مثلاً اگه طرف تتو داشته باشه، اینا سانسور می‌کردن قبلاً یا چه می‌دونم، اگه طرف پاش شلوارک بود، می‌نشست یه کمی این شلوارک می‌رفت بالا، اون تیکه رو سانسور می‌کردن یا چه می‌دونم مثلاً سینه اینا همه سانسور می‌شد، ولی الان کاملاً تتوهای جونگ‌کوک رو نشون می‌دن، طرف عکس نود می‌ذاره رسماً، اوکی ان یا مثلاً قبلاً این جور بودم که مثلاً بچه‌ها یه سری محدودیت‌ها داشتن دیگه. الان طرف میاد لایو می‌ذاره و می‌گه آقا من مستم، هار هار هار... یه سری شیر و ور می‌گه، مسخره بازی در میاره و اینا و احساس می‌کنم، کمپانی‌شون متوجه شده که اگه بخواد با محدودیت‌های رایج کی‌پاپ پیش بره، نمی‌تونه و اصلاً احساس می‌کنم به خاطر بی‌تی‌اس و حجم محبوبیت‌شون و اینا، داره سعی می‌کنه، انعطاف بیش‌تری نشون بده. حالا اگه واسه بقیه بندا رو این کار رو می‌کنن یا نه، نمی‌دونم، ولی واسه بی‌تی‌اس حداقل این جوریه.

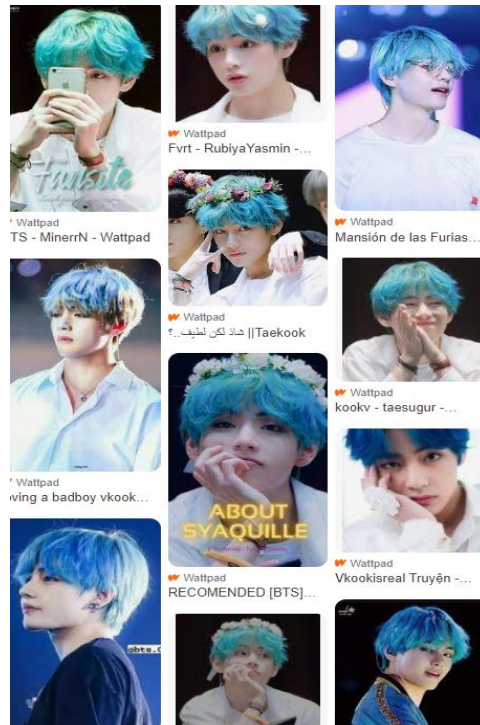


- خوب این مسأله ممکن نیست باز هم برنامه‌ریزی و سیاست کمپانی باشه؟ با توجه به این که حتماً می‌دونم کمپانی‌ها حتی برای زندگی شخصی اعضای گروه و روابطشون محدودیت‌هایی قایل می‌شن و یا حتی ازشون می‌خوان که برخلاف گرایش جنسی‌شون عمل نکنند تا از حواشی احتمالی که ایجاد می‌شه، شهرت بیش‌تری به دست بیارن و کمپانی سود بیش‌تری کنه.

آره می‌دونم چی می‌گی، ولی بعید می‌دونم، نمی‌دونم.
- گفتی که قبلاً وان دایرکشن گوش می‌دادی، درسته؟
آره.

- مثلاً وان دایرکشن تو یکی از اجراهاشون، دوتا از اعضاء روی استیج یه مومنتی^۱ داشتن، که حواشی زیادی رو به دنبال داشت و تا مدت‌ها فن‌هاشون راجع به این که آیا این دو نفر باهم هستن یا نه، صحبت می‌کردن. آره دوتا از اعضاهاشون به اسم هری و لویی بود. شاید باورت نشه، ولی هنوزم که هنوزه... مثلاً یکی‌شون دوست دختره داره، اون یکی بچه‌دار شده از یکی دیگه. بعد هنوز هم یه سری‌ها سخت دارن می‌گن که اینا باهم ان.

- خوب در نهایت معلوم نشد که این دو نفر باهم بودن، ولی اجازه نداشتن این رو ابراز کنن یا نه، باهم نبودن و بهشون گفته شده بود که بیان مثلاً یه همچین چیزی رو ابراز نکنن که یه حاشیه‌ای پیش بیاد و از اون حاشیه مشهورتر و محبوب‌تر بشن و مثلاً به اضافه شدن مخاطبانشون کمک بکنه و خب از طرفی هم می‌تونن با این کاراشون گرایش‌های جنسیتی مختلفی رو به خودشون جذب کنن.



آره، آره خوب اینم هست. بین چندتا مسأله هست، یکی این که قطعاً یه بخشیش آره، پشتش فکر هست. مثلاً چه می‌دونم همین بی‌تی‌اس پا می‌شه یکی از اعضای اون از یه روزش، از روتین یه روزش که حالا چی کار می‌کنه، تو طول روز فیلم برداری می‌کنه. مشخصاً شاید ۵۰ درصدش براساس رضایت یا ایده‌ی مثلاً خود اون شخص باشه، این جوری طرفداراش بیش‌تر احساس صمیمیت می‌کنن، چه می‌دونم ویو می‌خوره قضیه و حالا موفقیت‌های مختلف. بعد مشخصاً یه بخشی از این محدودیت‌ها توی همه کمپانی‌ها و کلاً به نظرم توی صنعت انترتینمنت^۱ هست خب؟ و یه سری سوالاتی که تو خودت هم مطرح کردی، این که مثلاً ما هیچ وقت نمی‌دونیم که طرف رابطه‌اش واقعی بوده یا مثلاً صرفاً واسه جلب توجه و مثلاً از قبل برنامه‌ریزی شده بوده و این حرفا. یه سری از این چیزا هم، این سبک سوال، به نظرم سوالایی هستن که هیچ وقت ما نمی‌تونیم جواب‌شون رو بگیریم. تا زمانی که واقعاً ارتباط مستقیم با اون طرف نداشته باشیم. برای همین من خیلی بیش‌تر این جوریم که خوب الان وقتی فکر کردن به این مسأله، نه واسم نتیجه داره، نه مثلاً به یه خروجی من رو نمی‌رسونه، خب چرا من بشینم به این شاید^۲ (طرف) منفی قضیه فکر کنم؟ که آره... همه چیز برنامه‌ریزی شده هست، هیچ چیزی واقعی نیست و از این حرفا، چون این باعث می‌شه من خودم نتونم از اون چیز لذت ببرم دیگه. من می‌گم که اوکی، طرف این قدر لطف داشته به من، زحمت کشیده اومده جلو دوربین داره واسه

1- Entertainment

2- Side

خوشحال کردن من، این کار رو می‌کنه. خب پس بذار منم در حد توانم یه کاری واسش بکنم. حالا چه اون با دیدن ویدیوشه که حالا ویو بخوره، اون پول بیش‌تری بگیره یا هر چیزی. منم به سهم خودم متقابلاً یه کاری براش بکنم.

نمی‌دونم من خودم این وایب رو از بی‌تی‌اس نمی‌گیرم، که اینا همه‌ی کاراشون براساس برنامه‌ریزی باشه. مشخصاً اینا هم یه سری سختی‌ها دارن توی چه می‌دونم، وقتی برنامه‌ی کاری‌شون خیلی شلوغ می‌شه، مجبور هستن سخت کار کنن، همه‌اش فیلم‌برداری، فلان، رژیم و مثلاً خیلی وقتا شده... مثلاً یکی از اعضااشون جیمین حتی جلو دوربین وقتی مثلاً لایو بودن و این حرفا، بعد این جوری بود که مثلاً نه، من نمی‌تونم فلان غذا رو بخورم، چون رژیمم یا مثلاً گفته که من چون دارم سخت کار می‌کنم، الآن رژیمم، ولی گشمنه، دوست دارم بتونم یه غذایی بخورم، ولی نمی‌خوام و از این حرفا.

با توجه به چیزهایی که گفتم، حداقل بی‌تی‌اس به من این وایب رو نمی‌ده که همه‌اش برنامه‌ریزی شده باشه یا مثلاً به خاطر صرفاً درآمد و این حرفا باشه. چرا خیلی وقتا خیلی مشخص یه کارایی می‌کنن که تو می‌فهمی حالا این قضیه با فکره یا چه می‌دونم اسپانسریه، چیزیه یا هر چیزی، ولی هیچ وقت وایب مصنوعی بودن رو به من نداد. فکر می‌کنم یه دلیلی که مثلاً خیلی این قدر همه جذب‌شون شدن، اینه که واقعاً تو می‌تونی باهاشون ارتباط برقرار کنی و حس می‌کنی که واقعی‌ان.

- آهان. و محدودیت‌هایی که از طرف کمپانی‌ها در روابطشون دارن؟

آره، ولی من دیدم که مثلاً یه سری از اعضااشون این جورین که من می‌خوام تو ۴۰ سالگی ازدواج کنم، بچه‌دار بشم، من n تا بچه می‌خوام و از این حرفا. یعنی راجع بهش حرف زدن همه‌ی بی‌تی‌اسا. همه‌شون نه البته، یه چندتااشون و حتی مثلاً الآن که دارم فکر می‌کنم یادمه مثلاً چندتا از اعضااشون می‌اومدن وسط لایو به صورت رندوم یهویی با آرمیا لاس هم می‌زدن حتی. که یه مدت اینترنت ترکیده بود از لاس جوناگ کوک با آرمیا.





یعنی نمی‌دونم، من هنوز حرفم این جوریه که احساس می‌کنم با بی‌تی‌اس، حتی اگه اون کمپانی هم بخواد، نمی‌تونه یه سری محدودیت‌ها رو بذاره. چون الانم بی‌تی‌اس به عنوان خود بی‌تی‌اس، اون قدر قدرت داره و تأثیر داره روی کل دنیا، اوکی فلان کمپانی داره فلان محدودیت‌ها رو می‌ذاره، اوکی من می‌رم با یه کمپانی دیگه مثلاً. چون قطعاً به جز اون کمپانی خودشون، کمپانیای خیلی زیادی هستن که می‌خوان با همچین بندی کار کنن. بعد خود رئیس کمپانی‌شون بعضی وقتا تو مصاحبه‌ها و اینا خیلی این جوریه که میاد، می‌گه، ما قدردان بی‌تی‌اس هستیم و از این حرفا. و نمی‌دونم من ترجیح می‌دم که سمت مثبت قضیه رو نگاه کنم. ولی انکار نمی‌کنم که مشخصاً همین بی‌تی‌اس حالا تا قبل از اوج معروف شدن جهانی‌شون تقریباً فکر می‌کنم از ۲۰۱۹ یا ۲۰۱۸ اینا شروع شد. و اینا از ۲۰۱۳ بندشون شروع می‌شه. حالا یه سری تأثیرات داشتن از اون موقع. ولی قطعاً اون موقع این سختیایی که می‌گی رو کشیدن، ولی الان که این قدر بزرگ و موفق شدن، فک نمی‌کنم این سختیا به این اندازه باشه.

ولی تو یوتیوب سرچ کنی، میاره از مسیر بالا پایی که اینا حالا قبل از این حجم از معروف شدن‌شون داشتن. هیتهایی که گرفتن، تهدیدهایی که شدن و حتی نمی‌دونم سال چند بوده حالا اون موقع آرمی نبودم، خیلی جزییاتش رو نمی‌دونم، ولی همین چند سال پیش بوده که حتی فک می‌کردن دیس‌بند کنن. یکی از اعضا به خاطر حجم هیتی که گرفته بوده و کلاً این جوری بوده که اوکی بقیه اعضا رو همه طرفدارا بیش‌تر دوست دارن، می‌خواسته بره از گروه. حتی یه آهنگ دارن بعد از اون دیس‌بندشون خونده بودن بعد این جوری ان که نه... موندن و تلاش کردن و مثلاً ساختن همه چی رو و مثلاً راضی ان از اون چیزی که هست.

- تینا اشاره کردی به این که اگر همچنان کمپانی بخواد براشون محدودیت‌های سنگینی بگذاره، می‌تونن برن با یک کمپانی دیگه قرارداد ببندن. مسأله‌ای که هست اینه که معمولاً قراردادهای طولانی مدت با ستاره‌ها

بسته می‌شه، و توی این مسأله ممکنه خیلی مختار نباشند و مسأله دیگه هم اینه که ممکنه بقیه کمپانی‌های کی‌پاپ هم به همین صورت باشن و اتفاقاً همین مسأله باعث می‌شه که خیلی از آرمی‌ها یا فن‌های گروه‌های دیگه کی‌پاپ، دنبال این باشن که به نحوی اعتراض‌شون رو به کمپانی‌ها و یا حمایت‌شون از ستاره‌ها رو نشون بدن، چون اگر کمپانی‌ها واقعاً ستاره‌ها رو این قدر تحت فشار بذارن و کنترل‌شون بکنن، فکر نمی‌کنی باید دنبال یک راه حلی برای این مسأله بود؟

آره می‌فهمم چی می‌گی و حتی قبولش هم دارم که مثلاً کمپانی‌ها یه جاهایی دارن از این‌ها سوءاستفاده می‌کنن، ولی می‌گم، چون من همیشه هر وقت راجع به این جور مسایل فکر کردم یا مثلاً سعی کردم یه کم تحقیق کنم راجع بهش، هیچ وقت هیچ نتیجه و خروجی قطعی نگرفتم، خب؟ نه این جوری بودم که آره اینا همه‌شون مافیان و بدبخت می‌کنن آیدولا رو و آیدولا تحت فشارن و اینا، نه این جوری بودم که واسه آیدولا شرایط خیلی گل و بلبله و هیچ سختی ندارن اینا و از این حرفا. سعی کردم این جور باشم خوب دیگه، این هم یه بخشی از... متأسفانه البته، یه بخشی از کارشونه. مشخصاً اگه یه روزی این قضیه این قدر بزرگ بشه که من با حمایت بتونم نقشی توی متوقف کردنش داشته باشم، چرا انجام می‌دم، ولی الان خب مشخصاً نه حتی می‌تونم راجع بهش به نتیجه‌ی قطعی برسم، نه کاری از دستم بر میاد. من کیم اصلاً بین این همه جمعیت؟ برای همین فقط سعی می‌کنم به ساید (طرف) مثبتش نگاه کنم.

- تینا حتماً دیدی که بعضی از آرمی‌ها یا حتی ممکنه خود شما بر اساس یک سری صحنه‌ها یا حرف‌های خود آیدول‌ها، فکر کنید که ممکنه دو عضو از بی‌تی‌اس با همدیگر در رابطه باشن و خیلی از این روابط رو فارغ از واقعی یا غیرواقعی بودن‌شون، آرمی‌ها شپ می‌کنن، مثل ته‌کوک که حتماً شما هم شنیدی. فکر می‌کنی بی‌تی‌اس و روابط‌شون چه قدر در عادی سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه می‌تونه تأثیرگذار باشه؟





بین تو خود کره چه قدر تأثیرگذار بودن، نمی‌دونم. چون من اکثر فن‌پنجایی که دارم اگه ایرانی نباشن، مال کشورهای انگلیسی زبان ان، یا حالا طرف مثلاً چه می‌دونم از یه کشور حتی غیر انگلیسی زبون باشه، ولی به هر حال پیجش انگلیسیه، یعنی اصلاً ربطی به فرهنگ کره نداره. می‌خوام این رو بگم. منم اوایل اتفاقاً خودم خیلی این رو می‌شنیدم از خلیا که فلانی و فلانی باهم هستن. بین کلاً این مثل وان دایرکشن یا هر بند دیگه‌ای یه سریا یکی رو با یکی دیگه شپ می‌کن، مثلاً هم همین تهیونگ و جونگ‌کوک هست، هم جیمین با شوگا هست یا نامجون و جین مثلاً... اصلاً همین جو ری ضربد ری همه، هر کی با سلیقه خودش داره یه کاپل^۱ رو شپ می‌کنه. خب بعد من اون موقع چون صد در صد بایسم تهیونگ بود و هنوز تو خط جونگ‌کوک نرفته بود، خیلی این جو ری بودم که... من خیلی روم تأثیر می‌ذاره... مثلاً طرف گی باشه، این جو ری که وای طرف خیلی خوشگله، ولی دیگه بایسم نمی‌شه، چون می‌دونم طرف وقتی گرایشش این نیست، حتی مثلاً در حد رؤیایپردازی هم نمی‌تونم طرف رو مثلاً بایس خودم در نظر بگیرم. بعد این جو ری بودم که وای نکنه واقعاً وای گی باشه و اینا. برای همین یه مدت خیلی تو اینستاگرام و این‌ور اون‌ور مثلاً سعی می‌کردم مثلاً حالا کامنت می‌ذاشتم به یه فن‌پنجی می‌پرسیدم و نظر بقیه رو می‌خوندم.

یه سریا این جو ری بودن که نه بابا! و این حرفا، یه سریا این جو ری بودن که از هر چیزی یه برداشتی داشتن. ولی خلیا این جو ری بودن که بابا نه... اینا خیلی مثلاً برادرانه و اینان و صمیمیت‌شونه و چرا از هر چیزی، یه چیزی برداشتی می‌کنید. ولی این که می‌گی چه تأثیری روی داستان ال‌جی‌بی‌تی^۲ داشتن و اینا، من خیلی از نظرا رو می‌خوندم و همه این جور بودن، حالا که چی؟ حالا گیریم هم که اینا باهم باشن. ما در هر صورت ساپورت‌شون می‌کنیم، به خاطر این که این زندگی شخصی خودشونه و ما هیچ مشکلی با مثلاً گی بودن‌شون نداریم و خوب که چی؟ و گی بودن چیز آنرمالی نیست و این حرفا و خیلی اوکی باهاش رفتار

1- Couple

2- LGBT

می‌کردن، یعنی فک نمی‌کردن که ااوه... اگه طرف گی باشه، متفاوته. دقیقاً مثلاً همون جوری که اگه طرف استریت باشه، باهاش رفتار می‌کردن، همون جوری داشتن به قضیه نگاه می‌کردن.

ولی خب طبیعتاً اون قدر نمی‌تونن تأثیر بسزایی توی داستان ال‌جی‌بی‌تی داشته باشن، تأثیر مستقیمی. به چند دلیل یکی همین که به خاطر همون محدودیتها، من نشنیدم اونا بخوان مستقیماً راجع به این مسأله صحبت کنن. یعنی نمی‌تونن، اجازه ندارن، دو این که چون الان هیچ کی از روابط شخصی اعضاء خبر هم نداره، باز نمی‌تونن خیلی واضح ساپورتی انجام بدن. ولی غیر مستقیمش می‌گم بسته به احساس ظرفیت طرفداراشونم داشته. یه سری برداشت کردن، چون دوست داشتن فک کنن اینا گی ان، یه سری برداشت کردن که طرف گی هست، یه سریا هم گفتن نه، استریت ان، یه سریا هم این جورن که گفتن خب هر چی که باشن اوکیه و ما در هر صورت ساپورت می‌کنیم و این حرفا. ولی من خودم تو بازه‌ای که درگیر این بودم که وای نکنه اینا مثلاً واقعاً باهم باشن و اینا، یهو از بس هی سرچ می‌کردم و به قول کسایی که شپ‌شون می‌کنن، مومنتاشون رو چک می‌کردم، از یه جا به بعد خیلی این جوری بودم که بابا اینا چه قدر باحال ان باهم دیگه، نه به عنوان زوج، به عنوان دوتا دوست... دوتا برادر اصلاً و خیلی الان این جوری‌ام، بابا چرا اتفاقاً باهم نیستن و خیلی احمق ان و خیلی بامز ان. ولی می‌گم خیلی دوست‌شون دارم در کنار همدیگه، ولی نه مثلاً به عنوان یه کاپل گی. بیش‌تر این جورم که چون بی‌تی‌اس همیشه می‌گن ما یه خونواده‌ایم و مثلاً ما این جوری هستیم و اینا. من دوست دارم به عنوان اعضای خانواده کنار هم دیگه ببینم‌شون، دوست‌شون دارم و خیلی صمیمی ان و حالا رابطه‌شون رو هر جوری که هست دوست دارم. ولی من خودم تو اون قضیه گیج شده بودم... ولی وایب گی بودن ازشون نگرفتم. کلاً آخه کره‌ای‌ها خیلی آدمای تاجی^۱ هستن، ولی نمی‌دونم من وایب گی بودن هم نگرفتم.

- و فکر می‌کنی در عادی سازی روابط هم‌جنس‌گرایانه نقشی نداشتن؟

ببین به نظر من نقش داشتن، ولی شاید نقش مستقیمی نداشتن. چون خودم هیچ وقت سرچ نکردم راجع به این قضیه، ولی از تو کامنت‌ها مثل این که اینا یه سری محدودیت‌ها دارن که مثلاً توی مصاحبه‌ها راجع به چه موضوع‌هایی حرف بززن. حداقل قبلاً، الان که هی داره محدودیت‌شون کم‌تر می‌شه. ولی مثل این که مسایل ال‌جی‌بی‌تی کیو یکی از مسایل محدودیت‌ها هستش و من خودم به شخصه تا حالا ندیدم که بی‌تی‌اس هیچ وقت مستقیم راجع به همچین چیزایی صحبت بکنه یا همچین سبک سوال‌هایی ازشون پرسیده بشه. چرا مثلاً همین چند وقت پیش که کاخ سفید دعوت شده بودن و مثلاً یک نشست خبری داشتن و اینا راجع به آزارهای جنسی و نژادپرستی‌هایی نسبت به آسیایی‌ها که کلاً در جوامع غربی هست و راجع به همه اینا صحبت کردن، ولی چیزی راجع به ال‌جی‌بی‌تی کیوها نگفتن، ولی به واسطه یه سری رفتارای غیر مستقیمی که نشون می‌دن، خوب مثلاً نامجون توی کنسرت‌ها به عنوان لیدر وقتی حرف می‌زنه می‌گه که ما عاشق همه‌تون هستیم از هر جنس و هر نوع و هر گرایشی که باشین و از این حرفا یا مثلاً این که خیلی راحت توی مصاحبه‌هاشون گریه می‌کنن یا تو کنسرتاشون هر حسی که دارن رو نشون می‌دن یا مثلاً میکاپ می‌کنن و

از این حرفا، من احساس می‌کنم به صورت غیر مستقیم دارن نشون می‌دن که هم ساپورت می‌کنن و هم واس‌شون یک چیز خیلی اوکیه، یعنی مثلاً هیچ چیز عجیب و جدایی از بقیه قضیه‌ها نیست و اصلاً این طور نیست که رفتار متفاوتی نسبت بهش داشته باشن و احساس می‌کنم این رفتار عادی‌سازی شونه که به صورت غیر مستقیم تأثیر می‌ذارن.



حالا چه بسا که تو فندوم کلی آدم هست که این عضو رو با اون عضو شیپ می‌کنه و از این طریق یه سری آدم خواه‌ناخواه دارن ساپورت می‌کنن، حالا چه توهم زده باشن، چه واقعی. به هر حال کلی ساپورت دارن و خیلیا گی شیپ می‌کنن توی بی‌تی‌اس. یعنی به کلی بگم به صورت مستقیم ندیدم که تأثیر داشته باشن، ولی به صورت غیر مستقیم پیام رو رسوندن حالا نمی‌دونم شاید هم برداشت من باشه این.

- فن‌فیکشن (داستان‌نویسی)‌هایی که راجع به بی‌تی‌اس هست رو می‌خونی؟

نه نخوندم. من راهنمایی اینا بودم خیلی فن‌فیک می‌خوندم. اون موقع البته تو فاز وان دی بودم. ولی الان یکی، دو بارم سعی کردم بخونم، ولی نمی‌دونم چون حالا بزرگ‌تر شدم نسبت به اون موقع یا اون موقع خیلی فن‌فیکشن‌های قوی‌ای خوندم. نمی‌دونم به خاطر چیه، ولی نمی‌دونم به نظر الان کلیشه‌ای اومد. یعنی مثلاً یکی، دو صفحه ازش خوندم و این جور شدم که اوکی، من مشخصاً دیگه اون آدم قبل نیستم که بشنیم

تو ایران که من ندیدم. آخه من خیلی با اصلاً کلاً با طرفداراشونم در ارتباط نیستم، به جز دوتا از دوستای خودم که طرفداراشون هستن. می‌دونی تا یه حدی هم دلم می‌خواد این کار رو بکنم، ولی احساس می‌کنم یه کم تو شخصیتیم نیست این قدر اجتماعی بودن. بعد مثلاً این جور نیستم که برم ریپلای کنم استوریای فن‌پیجا و با ادمینش حرف بزنم و از این حرفا، برای همین خیلی ارتباطی ندارم که بدونم نظر بقیه چیه. ولی مثلاً توی مصاحبه‌هاشون و اینا، خود بی‌تی‌اس دیدم که مثلاً اولش این جور بودن که مثلاً یه گزارش‌گری مثلاً به بی‌تی‌اس گفته که اوه... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی (مبتنی بر قضاوت کردن) راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بذارم حروم شه و بذار یه چهارتا سلفی خوب بگیرم، نمی‌دونم فلان کنم. یعنی این جوری بود که کاملاً من اصلاً برام مهم نیست که تو این جوری قضاوت می‌کنی من رو، من دوست دارم میکاپم رو پس بذار ارزش استفاده کنم و لذت ببرم.



بعد مثلاً من می‌دونم اون مومنت خیلی بزرگ شده بود، بین خود آرمیا که مثلاً جین دمت گرم و این حرفا، چون کاملاً اوکیه که تو میکاپ داشته باشی و این حرفا. ولی این که رو پسرا چه قدر تأثیر گذاشته خود بی‌تی‌اس، نمی‌دونم. من الان خیلی از پسرا رو تو اینستاگرام می‌بینم، توی دنیای نزدیک خودم نه، ولی توی اینستاگرام خیلی می‌بینم که آرایش می‌کنه طرف و نمی‌دونم خط چشم می‌کشه فقط یه کم، اون یکی چه می‌دونم یه کم لیپ گلاس می‌زنه و از این حرفا و هر کاری که خلاصه دوست داره می‌کنه و نمی‌دونم از بی‌تی‌اس یا کسی به جز بی‌تی‌اس تأثیر گرفتن یا نه، ولی می‌بینم که چه طور تعداد اینا بیش‌تر می‌شه. ولی تو

آدما نزدیک خودم، نه هنوز کاملاً این جوری ان که بابا مثلاً اینا خیلی دختر ان و اوا خواهر هستن و بعد فقط راجع به پسرا نیست این قضیه. من حتی از دوستای دخترم هم وقتی فهمیدن که من بی‌تی‌اس گوش می‌دم و مثلاً من اولش این جور بودم که وای بیا بین این رو چه قدر خوشگله... بعد این جور بودن نه‌ههه... اینا یه کم شبیه دخترا ان و بابا نمی‌دونم خیلی ظریف ان و از این حرفا و این مسأله یه کم نهادینه شده و به نظرم حداقل بی‌تی‌اس به تنهایی نمی‌تونه، حداقل ایرانیا رو درست کنه واقعاً. ولی خب من مثلاً هری استایلز اینا گوش می‌دم کلاً هم بی‌تی‌اس، هم هری استایلز یا سم اسمیت^۱ و اینا خیلی الآن همه‌شون آرایش کردن و لباسای زرق و برق‌دار پوشیدن و حتی لباسایی که تو مغازهای زنونه می‌ری می‌خری رو می‌پوشن و خیلی اوکی جلوه می‌دن این قضیه رو. مثلاً همین تهیونگ یه پیرهنی تنش بوده که تو می‌بینی فک می‌کنی پیرهن مردونه هست، ولی در اصل از اون کالکشن زنونه یه برندی بوده یا مثلاً هری استایلز^۲ می‌دونم موقعی برای مجله‌ی

1- Sam Smith

سم اسمیت خواننده و آهنگساز بریتانیایی است. او ابتدا به عنوان یک فرد هم‌جنس‌گرا، اما بعداً به عنوان یک غیر بابنری خود را معرفی کرد.



2- Harry Styles

هری استایلز ترانه‌نویس، خواننده و بازیگر انگلیسی است. او بیش‌تر به خاطر فشن و استایل‌های پرزرق و برق و خاصی که دارد شناخته می‌شود و اولین مردی است که به تنهایی روی کاور مجله Vogue قرار گرفته است. او پس از وقفه فعالیت گروه وان دایرکشن با کمپانی Columbia Records به صورت جداگانه قرارداد همکاری بست و اولین آلبوم خود را با نام Harry Styles در ۲۰۱۷ منتشر کرد.

ووک یه دامن پوشیده بود، بعد یکی اومد بود گفته بود که خود مردونت رو نشون بده، بعد هری با یه پستی مسخره‌اش کرده بود. یعنی خیلی دیگه بی‌تی‌اس و مثلاً می‌گم همین سم اسمیت و اینا خیلی اوکی ان که مثلاً این قضیه رو رواج بدن، ولی من چون مثلاً با کسی در ارتباط نیستم، نمی‌دونم تأثیرش چه قدر بوده.

- پس فکر می‌کنی تونستن تأثیری در عادی سازی میکاپ پسر و تغییر دیدگاه‌ها نسبت به میکاپ پسر و

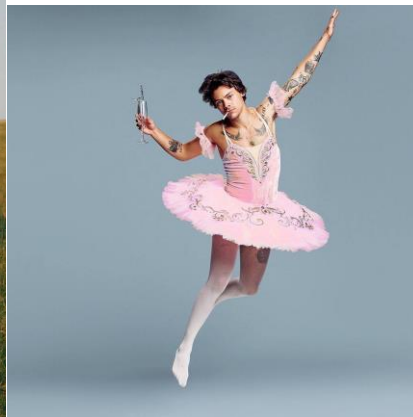
یا جنسیت‌زدایی پوشش، هم داشته باشن؟

تأثیرگذار که بوده، چون من خودمم الآن نسبت به قبل خیلی اوکی‌تر با این چیزا دارم رفتار می‌کنم. قبلش یه کم حتی شاید چندش‌مم می‌شد که مثلاً اوه... مثلاً فلان... قبل از بی‌تی‌اس البته، ولی الآن خیلی این جوریم که اوکی، مثلاً خیلی نرماله و اینا.

- آهان. تینا فکر می‌کنی که دلیل و هدف میکاپ‌شون یا نحوه لباس پوشیدن شون، جنسیت‌زدایی استایل به طور کلی هست و دارن از نفوذی که روی آرمی‌ها و به طور کلی فن‌ها دارن، در این جهت استفاده می‌کنن؟ یا فکر می‌کنی که صرفاً استایل خودشونه و فقط دارن اون کسی که هستن و شخصیتشون رو ابراز می‌کنن؟ من حس می‌کنم بیش‌تر دارن سعی می‌کنن خودشون رو ابراز کنن.

- یعنی خودشون هستن و سعی نمی‌کنن دید افراد رو به این مسأله تغییر بدن؟ مثلاً شما گفتی خودت طرز

فکرت نسبت به قبل، یه کم مثبت‌تر شده نسبت به این که لباس جنسیت نداره یا مثلاً میکاپ کردن پسر. می‌دونی من دارم می‌گم که خودشون رو دارن ابراز می‌کنن و مثلاً عمدی نیست، چون مثلاً همه‌ی اعضا‌شون این کار رو نمی‌کنن. خوب؟ مثلاً من می‌گم پیرهنش از کالکشنه زنونه بوده، مال مثلاً همین ته‌پونگ بوده. در صورتی که توی اون اجرا بقیه‌شون لباسای مثلاً کالکشنای مردونه و از این حرفا بوده یا مثلاً یه زمان‌هایی شده که الآن یکی از اعضا‌شون هست که لاک می‌زنه، ولی بقیه اعضا‌شون این کار رو نمی‌کنن، چون همه‌شون این کار رو نمی‌کنن و هر کسی... دقیقاً همون برمی‌گرده به جمله‌ی قبلیم که استایل متفاوت خودش رو داره... برای همین من احساس می‌کنم بیش‌تر برای اکسپرس^۱ (نشان دادن) کردن خودشونه تا این



^۱- Express

که بخوان با برنامه‌ریزی این کار رو بکنن. ولی خوب همین اکسپرس کردن شون هم طبیعتاً خیلی تأثیر گذاره. من قبلاً با لاک زدن پسر مشکل داشتم، ولی مثلاً اولش که هری استایلز و بعدشم که همین یکی از اعضای بی‌تی‌اس لاک می‌زدن، این جور بودم که الان خیلی واسم یه چیز اوکی هست، خب لاک داره دیگه.



- قبل‌تر راجع به رژیم غذایی بی‌تی‌اس صحبت کردی و این که یکی از اعضااش توی لایو و ویدیوهاش گفته بود که دوست داره غذا بخوره، ولی خوب رژیمه، استانداردها و رژیم‌های سخت‌شون تا الان تو تحت تأثیر قرار داده؟ یا به این فکر کردی که بخوای رژیم‌شون رو بگیری؟

رژیم و اینا نه. من همین جوریشم تو زندگی خودم دارم سعی می‌کنم رژیم بگیرم، ولی به خاطر بی‌تی‌اس که مثلاً فلانی داره این کار رو می‌کنه بیا تو هم بکن، نه.

- راجع به رقص‌هاشون هم صحبت کردی، آیا تلاش کردی که روتین یکی از رقص‌هاشون رو یاد بگیری؟ واسه رقصاشون چرا. یه بار یادمه حتی رفتم تو یوتیوب زدم و توتريال^۱ (آموزش) یکی از رقصاشون رو سرچ کردم. ولی بعد از پنج دقیقه این جور بودم که اوکی سخته، نمی‌تونم (باخنده). این جور بودم که دوست دارم یه روزی بشینم سعی کنم و واقعاً یکیش رو یادم بگیرم، ولی تاحالا ننشستم عین آدم پاش.

- و بی‌تی‌اس باعث شده به این فکر کنی که بخوای آیدول بشی یا وارد صنعت موسیقی بشی؟ نه، چون من مشخصاً می‌دونم که نه ظاهره، نه صدام، و هیچیم واسه این قضیه درست نشده، در نتیجه نه (باخنده).

- یعنی اگر ظاهر و صدات مناسب بود، وارد همچنين حرفه‌ای می‌شدی؟ نه، چون علاقه‌ام سمت چیزای دیگه هست برای حرفه شخصی خودم. چرا من وقتی کنسرتاشون رو می‌بینم، اون حسی که طرف در مقابل مثلاً ده هزار آدم وایساده رو خیلی دوست دارم تجربه کنم، اون لحظه‌ای که یه ارتباط خیلی قشنگی بین طرفدار و خواننده هست و به نظرم اون لحظه روی استیج بودن، خیلی حس قشنگیه

¹- Tutorial

داره که تو احساس کنی که من آدم موفق هستم، من این همه آدم رو دارم خوشحال می‌کنم، این همه آدم من رو دوست دارن و این حرفا، ولی صرفاً همون اون تک لحظات کنسرت رو... اون استیجش باعث می‌شه دلم بخواد مثلاً همچین چیزی رو، همون حس رو فقط می‌خوام تجربه کنم تا این که مثلاً خواننده باشم یا چه می‌دونم آیدول باشم.

اصلاً من این حس رو قبل از بی‌تی‌اسم داشتم. واسه بقیه هم مثلاً همون وان دی یه کنسرتی داشتن تو میلان، خیلی سر و صدا کرد، یه جمعیت خیلی زیاد رفته بود و اینا. بعد یه تیکه بود که مردم داشتن می‌خوندن، وان دی داشتن با یه شوق خاصی نگاه می‌کردن و اینا. بعد من این جور بودم ای بابا... بعد من رفتم نگاش کردم، مو به تنم سیخ شد یا تیلور سوئیفت اون تور ۱۹۸۹ اون تیکه‌ای که بعد دیگه حتی مستندشم اومد بیرون، اصلاً این جوری همه داشتن می‌خوندن باهاش، بعد سر یه آهنگی کل جمعیت یه سری هارمونیای آهنگ رو می‌خوندن و اینا، من همین الانش دارم راجع بهش باهات حرف می‌زنم، تصویرش جلوی چشم تداعی می‌شه، همین الانش هم مو به تنم سیخ شد. احساس می‌کنم واقعاً اون لحظه حس خیلی قشنگ عجیب و خوبیه.

- ممنون از توضیحات کاملت. فکر می‌کنی هیتهایی که آیدول‌ها می‌گیرن تا چه حد واقعاً می‌تونه تأثیر منفی روی کارشون داشته باشه، چون گفتی یه سالی نزدیک بوده کارشون رو متوقف کنن، درسته؟

البته اون دیس‌بنده فقط به خاطر هیت نبوده. کلاً به خاطر سختیایی که اینا کشیدن و سختی‌های مسیر و کلاً این جوری بوده که اوکی، این هیچ وقت قرار نیست جواب بده و اینا، ولی اتفاقاً بعدش همه چی واسشون عوض شد و یهو ورق برگشت، ولی آره، مشخصاً خیلی تأثیر می‌ذاره، مثلاً تو هر روز باشی، هر روز انرژی منفی داشته باشی و اینا خیلی تأثیر می‌ذاره، ولی احساس می‌کنم، به ظرفیت خود شخص هم خیلی بستگی داره. البته خب این نظری که من دارم می‌دم، نظر کاملاً منطقیه و از بیرون به قضیه نگاه کردنه. شاید اگه منم جای مثلاً اون طرف باشم و هر روز این حجم از هیت رو چه می‌دونم سختی کار و محدودیت و فلان و فلان داشته باشم، واقعاً یه جایی دیگه تسلیم شم. ولی الان چون خودم تجربه‌اش نکردم، نظرم اینه که خیلی بستگی به ظرفیت شخص داره که می‌تونه تحمل کنه، نمی‌تونه تحمل کنه، چه قدر روش تأثیر می‌ذاره این چیزا. مثلاً یکی خیلی منطقی می‌گه که اوکی دیگه هر کسی مختاره، همه مجبور نیستن از من خوششون بیاد.

- کمپانی‌شون هم اقدامی برای کنترل یا مقابله با هیتهایی که آیدول‌ها می‌گیرن، داشته؟

کمپانی بی‌تی‌اس رو می‌دونم که این کار رو می‌کنه. خیلی وقتا، تو همین یه سال که آرمی بودم، حداقل فک کنم ۵-۶ بار رو دیدم که بیانیه داده، البته نه در برابر هیتهایی که مثلاً طرف کامنت بذاره، اصلاً هر چند که بی‌تی‌اس که کامنتای پیجاشون بسته هس، فقط خود اعضا می‌تونن کامنت بذارن. ولی حالا از هر دیگه طریقی می‌تونه هیت بده، ولی خیلی وقتا اعضا به مرگ تهدید شدن انگار حالا، ولی از چه طریقی نمی‌دونم، یا کلاً کسی خواسته بود از اسم بی‌تی‌اس سوءاستفاده کنه و از این حرفا، من دیدم که حداقل ۵-۶ بار تو همین یک سال که بی‌تی‌اس بیانیه داده، راجع به این که وکیلشون دارن از طریق قانونی پیگیری می‌کنن و حتی یادمه یه بار یادمه نوشته بود که جریمه و اینا هم بوده. یه سرباشون رو انگار واقعاً دادگاهی کرده بودن و مثلاً جریمه‌هایی که طرف رو دادگاه برده بود، گفته بودن. یعنی حداقل برای بی‌تی‌اس رو می‌دونم کمپانی‌شون

پیگیری می‌کنه تا جایی که واقعاً راه داشته باشه از طریق قانونی، می‌دونم که پیگیری می‌کنه. ولی حالا بقیه‌ی کی‌پاپ رو پیگیری نمی‌کنم، نمی‌دونم.

- آهان.

بی‌تی‌اس راجع به دین‌شون هم صحبت کرده؟ چون صحبت‌هایی که در این رابطه شنیدم یه مقداری تناقض داشته، بعضیا اعتقاد دارن که دین‌شون مسیحیه، بعضیا هم می‌گن که آتئیست هستن.

یادمه که همین چند وقت پیشا من توی توئیتر خوندم که بی‌تی‌اس هیچ وقت به صورت آفیشال^۱ (رسمی) نگفتن دین‌شون چیه، مثلاً تو یوتیوب یه بار یه ویدیو دیدم که خودشون حدس زده بودن با توجه به این که چه می‌دونم روی گردنبند یکی‌شون صلیب دیدن، طرف شاید مسیحی باشه. مثلاً دوتا‌ی دیگه رو گفتن که خب هیچ وقت هیچی مطرح نکردن، خب شاید اعتقادی نداشتن. ولی خب کلاً من تا جایی که می‌دونم خود کره‌ای‌ها یا همون مسیحی اینان یا از اینان که هیچ اعتقادی ندارن کلاً. بعد واقعاً اینا نمی‌تونن هیچین چیزایی رو بگن دیگه و می‌دونم یه همچین حرفایی نزدن. حالا یا شایدم طرف خونده، من هنوز نخوندم. مثلاً من حالا با اعتماد به نفسم، همه چی رو خیلی رد نکنم. امکانش هست طرف بی‌دین باشه، چون خیلی از کره‌ای‌ها این بین‌شون هست که دین ندارن، شاید حتی از نصف بیش‌تر.

- و خودت تأثیری از دین احتمالی یا بی‌دینی‌شون گرفتی؟

نه بابا (باخنده). من که واقعاً واسم تأثیرگذار نبوده این مسأله.

- خوب گفتی که بایست ویه و بایس رکرت جونگ‌کوکه، درسته؟

اهووم آره.

- اگه مثلاً متوجه بشی که کاری خارج از چارچوب اخلاقی انجام دادن، مثلاً تجاوز کردن به یک فردی، آیا همچنان مثلاً آرمی‌شون می‌مونی؟

ای بابا! (باخنده)... آخه دست گذاشتی رو مسأله‌ی مهمی... آخه خب تجاوز؟ خب مثلاً از هنرمندای ایرانی هم چند وقت پیش همچین چیزایی ازشون دراومده بود. ببین آره، مشخصاً دیگه احتمالاً فن طرف نمی‌شم، یعنی نمی‌مونم. ولی قطعاً دیگه این جورم نیست که بشکن بزخم، بگم اوکی من دیگه فنش نیستم. قطعاً عین احمقا (باخنده) باز می‌شینم کانتنت‌هاشون رو می‌بینم، اخبارشونم دنبال می‌کنم و حتی نمی‌دونم، شاید هرازچندگاهی آهنگ هم گوش بدم. ولی قطعاً دیگه این جور نیستم تلاش کنم یه روزی ببینمش، کنسرتش برم یا حتی رؤیایر دازی کنم واسش و اینا، نه. قطعاً تأثیر بسزایی روی زندگی طرف ندارم، اون تجاوزش رو کرده رفته. این جوری که بخوام بگم، من آرمیم، نه.

- ولی خب باز هم مثلاً با همین پیگیری کردند به صورت غیرمستقیم و به نحوی داری حمایت می‌کنی. آره، ولی خوب می‌دونی؟ پیگیریم کم می‌شه. ولی این چیزی نیست که مثلاً یهویی اتفاق بیفته. به مرور... چون الان یه بخش زیادی از عادت من شده این مسأله دیگه. برای همین من نمی‌تونم یک شبه مسأله رو رها کنم. ولی قطعاً چرا، به مرور زمان کمش می‌کنم.

¹- Official

- اهووم. خب کاری هست که امکان داره که اینا انجام بدن و باعث بشه یک شبه رها کنی؟
امممم... احتمالاً در حد همون تجاوز و اینا، ولی یک شبه نه. چون من خودم کلاً خیلی با این قضیه تجاوز مخالفم... تجاوز، خشونت مثلاً کنک زدن یکی و از این حرفا. ولی مثلاً چند وقت پیشا توی همین پشت صحنه‌ی گرمی، عکس اومده بود که تهیونگ داشت سیگار می‌کشید، بعد یه سری آدم از همین آرمیا، هیت می‌دادن که وای تهیونگ سیگار می‌کشه. بعد من این جور بودم که خب چی کار دارین، زندگی شخصیه و به شماها چه؟ احساس می‌کنم بعضیا واقعاً یادشون می‌ره که این درسته خواننده هست، ما داریم آهنگاش رو گوش می‌دیم، ولی خودش یه زندگی داره و این حرفا.

یا مثلاً طرف اعتیاد به الکل داشته باشه یا مواد مصرف کنه و اینا، من این جوریم که ای بابا داری گند می‌زنی به زندگیت، ولی بازم به من ربطی نداره، زندگی خودته. تا اون جایی که دوست داشته باشم مثلاً اوکی باشم پیگیری می‌کنم و این حرفا، ولی می‌گم تجاوزی و خشونتی چیزی باشه آره احتمالاً کنسله.

- تینا ممنون از زمانی که در اختیار من گذاشتی، مسأله دیگه‌ای هست که خودت داشته باشی راجع بهش صحبت کنی و من بهش اشاره نکرده باشم؟

آره، این که خودم خیلی آدم کلاً آدم پوست کلفتی هستم و خیلی کم روم هر چی کلاً تأثیر می‌ذاره. مثلاً من تنبلم، دیگه تنبلم... دیگه تموم شد. ولی مثلاً همین دوستم که می‌گم... خیلی بیش‌تر از منه. مثلاً وال پیپر گوشیم دیگه همینه و مثلاً خیلی با افتخار می‌گه که من آرمییم و اینا. اون مثلاً داره کار می‌کنه، خب کارش هوم آفیس^۱ بعد مثلاً بین تلفن و اینایی که داره، این جوریه که مثلاً هم‌زمان آپیدش رو گذاشته، داره مثلاً کنسرت یکی‌شون رو نگاه می‌کنه و مثلاً این جوریه داره خودش رو آروم می‌کنه و سعی می‌کنه، مثلاً می‌دونی؟ زمان براش قابل تحمل‌تر بشه. یعنی مثلاً بعضیا می‌گن تأثیر منفی داره، من واقعاً حالا جامعه آماریم خیلی کمه، ولی می‌دونم که واقعاً خیلی وقتا شده که طرف استرس داشته و واقعاً کانتنا^۲ی بی‌تی‌اس کمکش کرده که حالش بهتر بشه، مودش عوض بشه یا هر چی.



^۱- Home Office

برخلاف گاردی که همه دارن، اون قدم کانتنت‌های مزخرفی نیست. مثلاً همین بی‌تی‌اس یه سری کانتنت دارن که من واقعاً شده که باهاش قهقهه بزنم. نه به خاطر این که اونا رو دوست داشتیم، به خاطر این که واقعاً خنده‌دار بوده. در عین حال می‌دونم یه سری سریال کی‌دراما رو دیدم که بعد از اپیزود^۱ (قسمت) سه، این جوری بودم که این چیه... مثلاً؟ دیگه حتی دانلود نکردم بقیه سریال رو. ولی یه سریا بوده که مثلاً چند قسمتش رو یهو توی یه روز دیدم. یعنی مثل همه چه می‌دونم هر کشور دیگه و هر جای دیگه‌ای خوب و بد داره و می‌تونن انتخاب کنن، چه چیزش رو ببینن. همین.

- باز هم از توضیحات و زمانی که در اختیارم گذاشتی، ممنونم.

تأملی دوباره

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است. تینا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: سیاست کمپانی‌ها برای ارتقای وابستگی طرفداران، اعمال سیاست‌های جدید برای مقابله با توهین به ستاره‌ها در برخی کمپانی‌ها، عادی سازی جنسیت زدایی پوشش، کنار زدن محدودیت‌های کی‌پاپ توسط بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

تینا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

تأثیرپذیری از ستاره‌ها، تبلیغ برای مهاجرت و جذب توریست به کره جنوبی، جذابیت ظاهری اعضای گروه، الگوبرداری از ستاره‌ها، شیوع طرفداری از کی‌پاپ از سنین پایین، ارضای هیجانی در اوج، تلاش برای یادگیری زبان کره‌ای، از خود بیگانگی، عادی سازی بی‌دینی، عادی سازی آرایش برای پسرها، عادی سازی هم‌جنس گرایی، گزارش نسبیت گرایی اخلاقی گسترده، پذیرش اخلاق نسبیت گرا، هویت‌یابی افراد بی‌هویت و اتلاف وقت گسترده، اشاره داشته است.

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: جهانی شدن کی‌پاپ، تعمیق رابطه با هواداران، اهمیت به مخاطب، هویت دادن به هواداران، الگوبرداری از ستاره‌ها، هیجان‌آفرینی در اوج، جذابیت تیپ ستاره‌ها، آشنایی با فرهنگ کره جنوبی، ترویج فرهنگ آزادی در پوشش، عادی سازی آرایش برای پسرها، عادی سازی روابط افراد غیردرگجنس گرا و کنار زدن محدودیت‌های کی‌پاپ توسط بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر تینای ۱۹ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

¹- Episode

مصاحبه با سایه، ۲۱ ساله

من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم.

- سلام سایه.

سلام.

- از این که پذیرفتی با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنیم؟

بفرمایید.

- خوب سایه شما از چه زمانی طرفدار کی‌پاپ^۱ شدید؟

بین من اول به تعداد سال زیادی، فکر کنم سه سال، طرفدار فقط بی‌تی‌اس بودم و الان یک‌ساله که با کی‌پاپ هم بیش‌تر مانوس شدم.

- یعنی اول مستقیم بی‌تی‌اس و نه این مدلی که اول علاقه‌مندی به کی‌پاپ و بعداً تمرکزت روی بی‌تی‌اس بره؟

آره، دقیقاً. من سال ۲۰۱۸ تقریباً می‌شه گفت رسماً آرمی شدم. ولی قبلش هم به ۶ ماهی داشتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و موزیک ویدیوهاشون رو نگاه می‌کردم، ولی اینم نمی‌شه گفت که یک مرتبه آشنا شدم، چون من قبلش کی‌دراما^۲ که سریال‌های کره‌ای باشه رو به ۴، ۵ سال بود که می‌دیدم.

- یعنی از چندسالگی؟

می‌شه حدوداً از دوران ابتدایی دیگه. من از اون موقع می‌دیدم و گوشم به زبون‌شون عادت کرده بود، برای همین وقتی با آهنگ‌ها رو به رو شدم، برام این طوری نبود که به چیز جدیدی باشه که نتونم گوش کنم یا اذیتم کنه. چون به هر حال وقتی آدم با یک زبون جدیدی رو به رو می‌شه، اولش گوشش به اون عادت نداره. به هر حال آره، همون سال ۲۰۱۸ بود که دیدم عه فن شدم چون یهویی به حجم زیادی درگیرش شدم.

- آیا فن همون آرمیه یا تفاوت دارند؟

نه، نه، آرمی خیلی رادیکال‌تره.

- به آرمی چه ویژگی‌ای داره که به فن نداره؟

^۱- K-pop

^۲- K-drama

بین، یه مثال می‌زنم. من خودم قبل از این که ارمی بی‌تی‌اس بخوام بشم از ۴، ۵ سالگی تا ۹، ۱۰ سالگی طرفدار مایکل جکسون^۱ بودم. بعدش طرفدار کیتی پری^۲ شدم بعدش طرفدار سیروان خسروی بودم بعدش اومدم طرفدار بی‌تی‌اس شدم. ولی تو تمام اون بازه‌های قبلی، این جوری نبود که الزاماً یه بخش بزرگی از زندگیم باشه. بیش‌تر این جوری بودم که خب آره آهنگ‌های قشنگی دارن یا موزیک ویدیوهای قشنگی دارن و در همین حد بود.



گروه‌های کی‌پاپ رو نمی‌دونم تا چه حد باهاشون آشنا هستید، ولی یک ذره شرایط ارایه محتواشون متفاوته. مثلاً وقتی یک نفر خواننده است شما صرفاً با آهنگش سر و کار نداری، یعنی این طوری نیست که تنها کارش

^۱– Michael Jackson

^۲– Katy Perry

تولید آهنگ باشد. مثلاً سلنا گمز^۱ هم ممکنه بیاد بعد ۸ سال یه مستندی فیلمی چیزی هم بازی کنه، ولی گروه‌های کره‌ای این طوری نیستند. گروه‌های کره‌ای مثلاً هر روز برنامه‌های خیلی زیادی شرکت می‌کنند و جدای از اون اینا تحت نظر کمپانی رشد می‌کنند. یعنی چه جوری؟ یعنی این طوری که قبل از این که صدایی داشته باشند یا چیزی داشته باشند می‌رن یه آزمون ورودی می‌دن برای کمپانی‌های مختلف و بعد که این آزمون‌ها رو دادند یک‌سری کمپانی‌ها قبول‌شون می‌کنند و یک‌سری قبول‌شون نمی‌کنند. اونایی که قبول‌شون می‌کنند، اینا رو می‌گیرند و از سن کم آموزش‌شون می‌دن. مثلاً الان ما کارآموزهایی رو داریم که مثلاً ۸ سالشونه! آزمون دادند یا توی یه مسابقه موسیقی برنده شدند و کمپانی‌ها این‌ها رو از همین جاها پیدا می‌کنه و جذب می‌کنه. بعد بستگی به کمپانی داره که اینا چه سالی دیپو^۲ (آغاز به کار) کنند.

- دیپو یعنی چی؟

دیپو یعنی این که وارد عرصه بشن. مثلاً اولین باری که آلبوم می‌دن و شروع به کار می‌کنند رو می‌گن دیپو کردن.

- با توجه به این سن کم‌شون که اشاره کردید، آیا مثلاً خانواده‌ها این‌ها رو می‌فرستند سمت کمپانی‌های بزرگ؟ چون بچه ۸ ساله که به نظر نمی‌رسه بتونه انتخاب مستقل داشته باشه.

بستگی داره دیگه. البته الان سن‌ها اومده پایین‌تر و شما در واقع با نسل چهار کی‌پاپ رو به رو هستید که داره وارد نسل پنج می‌شه. نسل یکش مثلاً برمی‌گرده به زمانی که جومونگ تولید شده. نسل دومش می‌شه حدوداً از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بعد نسل سومش می‌شه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ و نسل چهارمش از ۲۰۱۸ شروع شده تا الان. هنوزم هر چی گروه وارد بازار می‌شه رو می‌گن گروه‌های نسل چهار. گروه‌های نسل یک تا سه چون اون قدری کی‌پاپ معروف نبود و چون اون قدری به عنوان یه صنعت پولساز حساب نمی‌شد، خودشون بر اساس علاقه وارد کی‌پاپ می‌شدند. مثلاً می‌دید طرف تو ۲۰ سالگی می‌اومد تازه وارد کی‌پاپ می‌شد و کمپانی‌های مختلف می‌رفت یا خودش این ور می‌رفت اون ور می‌رفت تا بتونه آموزش ببینه و شروع کنه. ولی الان که بچه‌های نسل ۴ و ۵ دارن میان، دیگه اوضاع این شکلی نیست و از سن‌های خیلی پایین آموزش‌شون شروع می‌شه. چون کی‌پاپ از فاز این که صرفاً یه موسیقی باشه گذشته، بلکه یه صنعت الان دیگه. یه صنعت بزرگه که توش گردش مالی خیلی زیادی هم وجود داره. البته هنوزم هستند کسانی که از سنین بالاتر برن سراغش، ولی به سختی پذیرش می‌شن، چون وقتی شما یکی رو داری که مثلاً ۲۰ سالشه و ۱۲ ساله داره آموزش می‌بینه دیگه طبعاً با اون که ۲۰ سالشه یا ۱۸ سالشه و تازه اومده شروع کنه، در یک سطح قرار نمی‌گیره.

- می‌تونید از این کمپانی‌های بزرگی که این‌ها رو جذب می‌کنند، چندتا مثال بزنید؟

^۱- Selena Gomez

^۲- Debut

بین الان بزرگ‌ترین کمپانی کره هایبه^۱. این بزرگ‌ترین کمپانی موسیقیشونه، ولی این مثلاً^۷ تا زیر مجموعه داره. یکی از همین زیر مجموعه‌هاش بیگ هیت^۲ هست که همین بیگ کید کمپانی بی‌تی‌اس هم هست و ازش دیو کرده. یه شوخی هم هست که می‌گه هایب رو بی‌تی‌اس ساخته چون همین گروه بیگ کید، مثلاً هیچ پولی نداشت تا قبل از بی‌تی‌اس. ولی هایب مثلاً کلی رقیب دیگه هم داره. مثلاً یه کمپانی دیگه هست که اس امه^۳ که اینم خیلی کمپانی معروفیه یا مثلاً وای جی^۴ که گروه بلک‌پینک^۵ از اونه. بعد مثلاً جی وای پی^۶ هست، پلی لیست^۷ هست، خیلی هست. این قدر زیاده که منم نمی‌دونم. ولی اینا که گفتم از همه بزرگ‌تر اند.



^۱– Hybe

^۲– Big hit

^۳– SM

^۴– YG

^۵– Black pink

^۶– Jyp

^۷– Playlist

- و بعد از جذب آدم‌ها توسط کمپانی، گفتید که برنامه روزانه به این‌ها می‌دن. این رو بیش‌تر توضیح می‌دید؟

آره. یه جورایی شبانه روزیه دیگه. اینا خودشون دیگه زندگی ندارند. دیگه حداقل یه ۷، ۸ سال تو خوابگاه کمپانی زندگی می‌کنند. یعنی مثلاً کل مدیاشون دست کمپانیه، کل برنامه‌های روزانه‌شون، الان مثلاً یه برنامه معروفی هست به نام ران بی‌تی‌اس^۱ که تا الان فکر کنم ۱۴۰ قسمت این طورا ازش اومده.



- سریاله؟

پوینتش (امتیاز) همینه. نه سریال نیست. یه جورایی سرگرمیه. مثلاً چه کار می‌کنند؟ اینا هفت نفر اند دیگه. اینا مثلاً تو یه قسمت می‌شینن مافیا بازی می‌کنند یا می‌نشینن آشپزی می‌کنند یا تو یه قسمت می‌رن کارپول^۲.



همین جوری هر قسمت یه کاری انجام می‌دن. شما هم وقتی طرفدار یه گروهی هستی و بهش علاقه داری از دیدن فعالیت‌هاش هم لذت می‌بری. مثلاً یه تایی رو این طوری هر هفته باهاشون می‌گذورنی. برای چند سال متوالی. مثلاً بی‌تی‌اس از ۲۰۱۳ دیو کرده دیگه. الان تقریباً ۱۰ ساله دیگه. حالا دو سالی هست که این برنامه پخش نمی‌شه، ولی شما فرض کن که برای ۸ سال متوالی هر سه شنبه این برنامه پخش می‌شد و

^۱- BTS run

^۲- Carpool

طبعاً اگر موسیقی جدیدی هم از گروه منتشر نشده بود، فن‌ها با این مدل برنامه‌ها همراه می‌شدند و دنبال‌شون می‌کردند. مثل سریال فرنز که می‌گن که دلیل موفقیتش این بود که سال‌های متوالی هر هفته پخش می‌شد، این تو کره هم خیلی مرسومه و از این مدل برنامه‌های طولانی خیلی رایجه.

- دلیلی داشت که بعد از ۸ سال این برنامه قطع شد؟

اینا خب شما فرض کن که وقتی شروع کردند بزرگ‌ترین عضوشون ۲۱ سالش بود و کوچک‌ترین عضوشون ۱۶ سالش بود. الان بزرگ‌ترین عضوشون ۳۰ سالشه. بعد الان داره می‌ره سربازی. چون کره هم سربازی اجباری داره. از ۱۸ سالگی اجازه دارند برن تا حداکثر ۳۰ سالگی.

- مدت‌ش چه قدره؟

دو ساله. البته سه ساله هم دارن و برای کسی که زودتر بره یک سال و نیمه هم می‌تونه تموم کنه و سه ساله هم برای نیروی هوایی و نیروی دریایی هست ولی متوسطش همون دو ساله.

- درباره مفهوم آیدول^۱ یه توضیحی می‌دید، به خواننده‌های کی‌پاپ که معروف شده اند می‌گن آیدول؟

نه لزوماً معروف هم نشده باشه، آیدول حساب می‌شه و خواننده هم نمی‌شه گفت. مثل هالیوود نیست که بتونید لزوماً بگید این خواننده است و فالانی بازیگره. چون تنها کارشون خوندن نیست. مثلاً این بین کره‌ای‌ها خیلی مرسومه که خواننده‌ها فیلم هم بازی می‌کنند و بازیگرها هم دوتا ترک^۲ (آهنگ) می‌خوندند. بعد جدای از اون اینا که فقط خوانندگی نمی‌کنند. در کنار خوندن‌شون یه رقص هم دارن و یه پرفورمنس^۳ (اجرا) هم دارن و مجموعه این‌ها هست که کار این‌ها رو می‌سازه. و مجموع این ویژگی‌ها باهمه که باعث می‌شه بهشون نگیم خواننده و بگیم آیدول. پس اگر بگیم یکی آیدوله، یعنی هم خوندن داره، هم رقص داره و هم استایل و تیپش توسط یه تیم حرفه‌ای مشخص شده و هر کدوم منظور داره و هر موزیک ویدیوش هم برای خودش یه داستانی داره، ولی خب کره‌ای‌ها هم خواننده‌ای که آیدول نباشه دارن. مثلاً گروه‌های راک‌شون خیلی معروفه در این زمینه که فقط خوانندگی می‌کنند و نه رقصی دارن، نه چیزی. بهشون هم می‌گن کی راک^۴. خواننده‌های دیگه هم هستند که وارد جریان رقص و این‌ها نشدن. بعد اکثر کسانی که آیدول اند، در یک گروه دببو می‌کنند. البته همه‌شون نه، خیلی‌ها هم تکی دببو می‌کنند، ولی بیش‌ترشون تحت گروه دببو می‌کنند.



1- Idol

2- track

3- Performance

4- K rock

- آیا تو این صنعت کسی که ۳۰ سالش می‌شه و باید بره سربازی، یه جورایی کارش تمومه؟
 بستگی داره. خیلی‌هاشون نه. اولاً که همه‌شون ۳۰ سالگی نمی‌رن. خیلی‌هاشون ممکنه زودتر برن. بعد یه گروهی مثلاً مثل.... شاینی^۱ که یه گروه نسل دوئه و تو زمان خودشون خیلی معروف بودند. چهار نفر بودند که تفاوت سنی یکی‌شون با اون سه تای دیگه خیلی واضح بود. مثلاً یکی‌شون الان تازه ۲۷ سالشه، ولی اونای دیگه سربازی‌شون رو رفتند و برگشتند. بعد اینا کارهای سولو^۲ (تکی) رو هم شروع کرده بودند و بعد از این که رفتند سربازی و برگشتند هم دارند آهنگ می‌دن. بعد خیلی هم مطرح اند، چون به هر حال شاید همون بازار سابق رو نداشته باشند، چون بالاخره تو همین بازه سال نزدیک هزارتا گروه داره دیپو می‌کنه و یک‌سری جون سالم به در می‌برند با وجود دو سال سربازی و یک‌سری جون سالم به در نمی‌برند، ولی حالا تو کیس اینا اتفاقی که افتاد این بود که اینا یک مقدار خوبی از طرفدارهاشون رو حفظ کردند. و وقتی بعد از سربازی برمی‌گردند اینا دیگه با طرفدارها طرف نیستند لزوماً، بلکه با جامعه هم طرف اند و بالاخره یه سنی ازشون گذشته و مشخص می‌شه دیگه که می‌خوان تو چه زمینه‌ای فعالیت‌شون رو ادامه بدن. مثلاً بعضی‌هاشون که می‌رن سربازی حالا مثلاً پسرها سربازی می‌رن، دخترهاشون اگر نخوان نمی‌رن، بعد خلاصه یک‌سری که برمی‌گردند دیگه خوانندگی رو کنار می‌ذارن و فقط بازیگری می‌کنند. یا برعکس یا یک‌سری‌ها سبک‌شون رو عوض می‌کنند. دیگه مشخصه که می‌خوان چه کار کنند خلاصه. پس می‌شه در کل گفت که آره بازار کارشون و طرفدارهاشون کم و کوچیک می‌تونه بشه، ولی این طوری نیست که حذف بشن.

- درسته. ولی جدای از مسأله سربازی آیا یک همچین جوّی در این صنعت وجود نداره که اگر از یک سنی بالاتر بری دیگه نگاهت نمی‌کنند و طرفدار زیادی نخواهی داشت؟ فارغ از کیفیت خوندن و اجرات؟

به نظرم بستگی به این داره که چه قدر پولساز باشی.

- مسن‌ترین کسی که تو کی‌پاپ می‌شناسید، چند سالشه؟

بیش‌ترین سن.... الان مثلاً ۶۰ ساله هم داریم که نسل اول بوده. یه گروهی بود که سالگرد ۳۵ سالگی دیپو کردن‌شون رو گرفتند تازگی. ولی خب فعالیت‌هاشون این جوریه که هر ۵ سال یا ۶ سال یک‌بار شاید یه آلبوم بدن. مثل بیتلز^۳ که دیگه مثل قدیم دنیا دست‌شون نیست یا مثل متالیکا^۴ که یک زمان کل متال دنیا تو دست‌شون بود، ولی الان دیگه نیست. الان دیگه شاید آن چنان آهنگی ندارند، ولی کنسرت خودشون رو دارند و گروه دیس‌بند^۵ (منحل) نشده و همچنان درآمدزایی خودشون رو دارند. تا وقتی که درآمدزایی خودشون رو دارند ادامه می‌دن و این جریان تو همه جای دنیا صادق.

اما تو کره فکر می‌کنم این سریع‌تر اتفاق می‌افته. چون ما یک ذره راحت تریم تو این مورد، ولی برای کشورهای آسیای شرقی سرعت زندگی خیلی بالاتره. مثلاً شما می‌بینی بچه ۸ ساله داره کارآموزی می‌کنه و

1- Shinee

2- Solo

3- Beatles

4- Metallica

5- Disband

بچه ۱۵ ساله داره دیو می‌کنه و الان اکثر گروه‌هایی که دارن دیو می‌کنند میانگین سنی شون ۱۵ ساله. یه چیزی هم که هست اینه که تازگی یه قانون کار اومده که زیر یه سنی یک‌سری فعالیت‌های خاص رو نمی‌تونند بکنند، چون دیگه این وضعیت داشت وحشتناک می‌شد. مثلاً برای اونا یک‌سال دیرتر وارد دانشگاه شدن خیلی امر بزرگیه. و بعدش بلافاصله نتونی کار بکنی، باز هم فشار خیلی زیادی روت میاد. خیلی سن چیز مطرحیه. تا قبل از بی‌تی‌اس، چون بالاخره بی‌تی‌اس یک‌سری مرزهایی رو شکوند با توجه به جهانی شدنش، ولی تا قبل از اون وضعیت این طوری بود که فلان آیدول ۳۰ سالش شد، تموم شد. چون اکثر طرفدارهای گروه‌های کی‌پاپ رو تینیجرها تشکیل می‌دادند و خب سن این آیدول‌ها که از یک جایی بالاتر می‌رفت دیگه اینا ارتباط نمی‌گرفتند باهاشون و در نتیجه کنار گذاشته می‌شدند. اما حالا که توجه جهانی هم به کی‌پاپ هست، قضیه فرق کرده. مثلاً هالیوود مخاطبش رو عادت می‌ده که ببین من می‌رم یه ۱۰ سال هم آلبوم نمی‌دم، ولی وقتی برگشتم تو باید همون قدر از من طرفداری بکنی و این وقفه یه چیز طبیعییه. نمونه‌اش هم این که گروه‌های کره‌ای تلاش می‌کردند هر سال آلبوم بدن، ولی خود بی‌تی‌اس مثلاً یه گروه خیلی پر کاره، ولی آخرین آلبومش رو با دو سال فاصله بیرون داد که یکی از عجایب دوره کاری شون بود و ما نمی‌دونستیم چرا و برامون خیلی عجیب بود. آلبوم پروووف^۱. ولی بعد از این که این آلبوم رو بیرون داد، چارت خودش رو داشت و موفق عمل کرد با این که تماماً کره‌ای بود و اون سینگل‌های انگلیسی رو هم نداشت. این یعنی یه چیزایی داره تغییر می‌کنه. وقتی شما جامعه مخاطبت رو از کره که اون قدر سن برات مهمه تغییر می‌دی به اروپا یا آمریکا اوضاع عوض می‌شه. شمایی که در ۳۰ سالگی دیگه زیادی پیر محسوب می‌شدی، تو کره برای جامعه مثلاً آمریکا سنی نداری. طرف تو ۶۰ سالگی تازه وارد یه عرصه می‌شه تو آمریکا. بعد جامعه کره هم این طوری سعی می‌کنه خودش رو با جامعه بین‌الملل هماهنگ کنه و ازش تأثیر می‌پذیره.



- شما برای خودتون مهم هست که سن اعضای بی‌تی‌اس چه قدر باشه؟ آیا اگر ۶۰ سال شون بشه باز هم این طوری ازشون حمایت می‌کنید؟
- آره می‌کنم. برام مهم نیست اگر ۶۰ سال شون بشه.
- علاقه شما به بی‌تی‌اس به خاطر موسیقی‌شونه یا اجراشون یا شاید زیبایی خودشون یا همه این‌ها؟

من این طوری بودم که خیلی می‌گشتم تو یوتیوب و بعد داشتم تو کانال یونیسف می‌گشتم و اون جا یه سخنرانی دیدم که خیلی سخنرانی جالبی بود برام. هر چند نمی‌شناختمشون، ولی شنیدید می‌گن، آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟ همون طوری بود برام. شرایط سختی داشتم، اون موقع، اون حرف‌ها خیلی برام دلنشین بود. بعد فایل صوتی این سخنرانی رو برای خودم ذخیره کرده بودم و هی گوش می‌دادم. بعد چون موسیقی متن‌های سریال‌های کره‌ای یا فیلم‌هاشون و این‌ها رو هم گوش می‌دادم، خیلی بر اساس الگوریتمش یوتیوب بهم ویدیوهای بی‌تی‌اس رو پیشنهاد می‌داد و من دوتا دوست هم داشتم که هیت^۱ (متنفر) این گروه بودند و علاقه‌ای بهش نداشتند و من اسم این گروه رو از اونا زیاد شنیده بودم، بعد برای همین تو یوتیوب که می‌گشتم ناخودآگاه ویدیوهای اینا رو می‌دیدم و خب جالب هم بودند برام، چون تاحالا مثلش رو ندیدم بودم هیچ جا، با این که من خودم موسیقی رو خیلی دوست دارم و زیاد کنسرت‌ها و اجراهای مختلف رو دیدم. استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابه که روی ثانیه به ثانیه‌اش کار شده. الان که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت.

- یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص یه مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، یه هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیش‌تر باشه، باز شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر یه موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوت و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از این به بعد زندگی من حول محور اینا می‌چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می‌دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستیم دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک^۲ (بازگشت) فیک لاو^۳ (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته نخوابیدم تا تعداد باز دیده‌های یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم.



¹- Hater

²- Comeback

³- Fake love



- به توضیحی راجع به کام‌بک می‌دید؟

آره، کام‌بک یعنی مثلاً وقتی یه گروه یا به خواننده بعد از یک مدتی یه آهنگ می‌دن، این می‌شه کام‌بک زدن. حالا اون مدته می‌تونه دو ماه باشه‌ها، ولی خب بالاخره بازگشت‌شونه و اینم هست که سیستم کی‌پاپ با باقی گروه‌ها فرق داره. طرفدارای باقی گروه‌ها این طوری اند که خب این گروهی که من طرفدارشم یه آهنگ داد. خب بعد می‌ری گوش می‌دی و تمام. ولی ما این طوری هستیم که می‌گی، مثلاً فلان ساعت قراره این آهنگ بیاد. ۱۲ ساعت اول ما می‌خوایم به این تعداد بازدید برسیم، ۱۲ ساعت دوم می‌خوایم به فلان مقدار برسیم و همین طوری. مثلاً این قدر بازدید برای کشورای بیداره، این قدر بازدید برای کشورای خوابه، مثلاً همه‌ی اینا مشخص می‌شه. مثلاً می‌گه این کشورا هست که باید در این ساعت بازدیدهاشون رو انجام بدن و یک‌سری کشورهای دیگه هم هست که توی فلان ساعت باید بازدیدهاشون رو انجام بدن. مثلاً وقتی سینگل اومد، تونستیم تو ۷۰ تا کشور توی آیتونز اول بشیم، پس توی این کام‌بک توی ۸۰ تا آیتونز قراره اول باشیم، نه این که الزاماً قراره به اون برسه‌ها، مثلاً یه هدفی رو مشخص می‌کنه که وقتی افراد دارن بازدید می‌زنن، دارن آهنگ رو گوش می‌دن، دارن پلی‌لیست گوش می‌دن یا دارن هر کاری می‌کنن یه هدفی برای اون افراد

مشخص باشه که خب مثلاً به اون برس، مثلاً خیلی وقتاً می‌شه که از اون هدفه رد می‌شن یا خب به اون هدفه نمی‌رسن.

- این هماهنگی کجا انجام می‌شه؟

این هماهنگی رو هر فندومی داره. یعنی در واقع شما طرفدار هر کسی باشی، بالاخره به مرور به سری پیجا به سری فن بیس^۱ (پایه طرفدارها) بزرگ‌تر می‌شن، یعنی بیش‌تر و بزرگ‌تر از بقیه‌ی دیگه می‌شن و توی این فن بیس‌ها، هماهنگی و تعیین این هدف و اینا که گفتیم، اتفاق می‌افته.

- اینستاگرام؟

نه بنگتن تو اینستا خیلی فعال نبودن، یکی از چیزای خیلی معروفی که الان هم هست براشون، اینه که توییتر به جورایی خونه‌ی آرمیا محسوب می‌شه.

- آها. چه طور شد که توی اینستاگرام زیاد فعالیت نکرده اند؟

چون اصلاً تا پارسال حتی اینستا نداشتن، یعنی به دونه داشتند فقط. کل گروه به دونه اکانت اینستا داشت که قرنی به قرنی آپدیت نمی‌شد اصلاً، ولی اینستاگرام به هر حال بودن‌ها، یعنی خب به هر حال این قدر بزرگ می‌شه به گروه هر کی با هر پلتفرمی که راحت توش برای حمایت ازش فعالیت می‌کنه دیگه، ولی اصلش توییتر بود، چرا؟ چون که از همون سال‌های اولشون که اینا فعالیتشون رو شروع کردن، سیاست گروه و کمپانی بر این اساس بود که پیج شخصی نداشته باشن، دوتا پیج داشت هر گروهی، به دونه پیج دست کمپانی بود و به دونه پیج هم دست اعضای گروه بود، اون به دونه پیجی که دست اعضای گروه بود، اون بود که تو توییتر بود و مدام آپدیت می‌شد، چه می‌دونم مثلاً طرف می‌اومد به دونه عکس گل می‌داشت، می‌گفت نگاه کنید، امروز تو خیابون چی دیدم، همون جوری که مثلاً تو اینستا شون الکی آپدیت می‌کنن، ولی تو توییتر این قضیه برای بنگتن پر رنگ بود. بنگتن سودیاندا^۲ همون بی‌تی‌اسه، اسم انگلیسی‌شون بی‌تی‌اسه و اسم کره‌ای‌شون بنگتنه، من عادت کردم می‌گم بنگتن برای همینه. قاطی نکنید.

- آهان. معنی‌ش چیه؟

بنگتن سونیاندان می‌شه پسران ضد گلوله.

- بی‌تی‌اس هم مخفف همین بنگتن سونیاندانه؟

نه بی‌تی‌اس این جوری نیست. بی‌تی‌اس اختصار بیاند د سینسه^۳ که می‌شه فراتر از صحنه هست، ولی بنگتن سونیاندان پسران ضد گلوله هست.

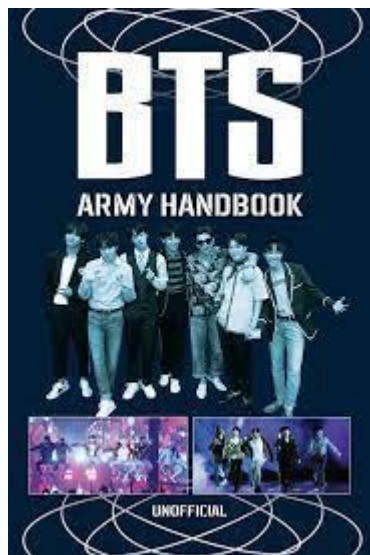
- خوب این بنگتن سونیاندان چیه؟ فکر کردم مخفف همین بی‌تی‌اسه.

آره مخفف اینم هست، ولی بی‌تی‌اس رو که مخففش کردن برای جامعه بین‌الملل دیگه با همون بیاند د سین معرفی می‌شه.

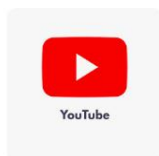
^۱- Fan base

^۲- Bangtan Sonyeondan

^۳- Beyond the Scene



- پس یعنی اولش اسم‌شون این بود؟
آره، الانم هست، هنوزم تو کره به همین معرفی می‌شه، ولی خب نمی‌شه از آمریکایی جماعت انتظار داشت که بتونن این رو تلفظ کنن.
- بعد گفتید به خودتون اومدید و دیدید کام‌بک فلان اومده. بعدش چه کار کردید؟
من ۲۴ ساعت نخوابیدم داشتم بازدید یوتیوب می‌زدم.
- یعنی یه ویدیو رو می‌دیدید دوباره و دوباره که بازدیدش بره بالا؟
دوباره دوباره که نه. آهان راستی یکی از پوینتایی^۱ (امتیاز) هم که شما وقتی وارد فندومای بی‌تی‌اس بشی متوجه می‌شی، همینه، خیلی یاد می‌گیری یوتیوب یا اسپاتیفای و امثال اینا، چه جوری کار می‌کنند. یعنی خیلی قوانین چیزهایی که ممکنه هرگز به کارت نیاد رو یاد می‌گیری، مثلاً چیزایی که ماها خیلی خوب یاد می‌گرفتیم، این مدل چیزها بود که چه طوری و چندبار و با چه فاصله‌ای بازدید بزنیم که تعداد بازدیدها بره بالا. مثلاً من یه وقتایی ری اکشنا رو که می‌بینم، مثلاً طرف خواننده هست، قوانینی که ماها داریم بیان می‌کنیم رو نمی‌دونه، مثلاً می‌گه چه قدر جالب. چنین قوانینم هست؟



¹- point



- مثلاً چه قوانینی؟

به عنوان مثال، یکی از قوانین یوتیوب اینه که اگر ده دقیقه بین ویدیوها فاصله نباشه، شما رو بات^۱ (ربات) تشخیص می‌ده، مثلاً وقتی بخوای چند بار پشت هم ویدیوها رو ببینی، مثلاً واسه همین همیشه یه حد استفاده مشخص می‌کردن و می‌گفتن قوانینش اینه و حواس‌تون باشه ربات تشخیص داده نشید، چون یوتیوب فیلتر می‌کنه شما رو به صورت اتوماتیک اگر این قوانین رعایت نشه. چون این جوریه که آقا یعنی چی تو توی این ۲۴ ساعت نخواییدی داری این جوری بازدید می‌زنی؟ من تو رو آدم حساب نمی‌کنم.

- ۱۰ دقیقه فاصله باید باشه یعنی مثلاً می‌دیدید بعد وقت می‌گرفتید، بعد دوباره می‌زدید؟ نه تایم نمی‌گرفتیم، می‌رفتیم ویدیوهای دیگه رو می‌دیدیم.

- که بازدید اونا هم بالا بره؟

آره، همین جوری تو یوتیوب می‌چرخیدیم ویدیوهای دیگه رو می‌دیدیم، بعد مثلاً در حالت عادی به این چیزا گیر نمی‌ده، ولی وقتی یه چیزی خیلی توی ترافیکش بالا می‌ره و یهو می‌ره تو ترندینگ^۲ (روند) بیش‌تر حساس می‌شه روش. بعد مثلاً برای اسپاتیفای هم این جوریه. در حالت عادی این جوریه که خیلی خب باشه تو می‌تونی بذاری رو لوپ^۳ (حلقه) آهنگش رو همین جوری گوش بدی و خیلی از این کارها رو انجام بدی، ولی خب اسپاتیفای این جوریه که خیلی خب من الان نمی‌تونم بپذیرم که این آهنگی که هم زمان همه جای جهان داره روی این الگوریتم پیش می‌ره، به صورت طبیعی داره پیش می‌ره، واسه همین ماها همیشه از پلی‌لیست^۴ (فهرست پخش) استفاده می‌کنیم یا مثلاً پلی‌لیستایی که با یه سری قوانین چیده شدن، چه می‌دونم مثلاً اولین آهنگ رو نمی‌ذاریم، اون آهنگی که می‌خوایم ترندش کنیم، مثلاً بین آهنگا یه تعداد فاصله می‌اندازیم.

- سوالی که داشتم اینه که چرا نمی‌رید خود آهنگ رو گوش بدید؟ پلی‌لیست تشکیل دادن دلیلش چیه؟ که ربات تشخیص داده نشیم.

- آهان ربات تشخیص داده نشید، همین؟

آخه مشکل اینه که فیلتر می‌کنه. یعنی مثلاً شما نگاه کن، الان تازگی یکی‌شون یکی از افرادشون یه آلبوم داد.

- به صورت جدا؟

^۱- bot

^۲- trend

^۳- loop

^۴- playlist

آره جدا، الآن دارن سولو^۱ کار می‌کنن.

- پس جدا و تک تک آلبوم می‌دن؟

آره

- تازگی این اتفاق افتاده؟

قبلاً هم جدا می‌دادن، ولی به صورت این جوری نبود که بگیم دیو کردن، صرفاً جدا می‌دادن که یعنی از روی علاقه بود، یعنی دفعه اولی که همین عضو شون، یعنی لیدر شون، یه آلبوم داد، اولین آلبومش اصلاً توی اسپاتیفای و اینا منتشر نشده، فقط تو ساندکلود^۲ و ساندکلود هم که می‌دونید که اصلاً نه هیچ کپی رایتی بهش تعلق می‌گیره، نه هیچی دیگه، صرفاً به قول خودش یه میکس تیپ^۳ که مثلاً همین جوری یه چیزی دلش خواسته ضبط کنه داده، دومین آلبومشم که داد، همین جوری داد. یکی از جریاناتی که باعث می‌شه ما یه چیزی رو دیو حساب کنیم، اینه که واسش پورموشن^۴ (ترویج) صورت بگیره، حالا این پورموشن صورت گرفتن چه جوریه؟ یعنی چه می‌دونم براش یه سری برنامه‌های ویژه‌ای ضبط می‌شه که راجع به آلبوم توضیح بدن یا آلبوم رو یه جایی اجرا کنن یا به هر حال کمپانی بگه آقا این سولوی دیووی اینه، ولی مثلاً آلبوم قبلش رو که داد مال سال ۲۰۱۸ بود.



- پس اینی که منتشر کرده تو ساندکلود، دیو حساب نمی‌شه؟

نه نمی‌شه، اون اولی مال سال ۲۰۱۵ بود که تو ساندکلود داد، بعدیش رو توی سال ۲۰۱۸ داد که اسمش "مونو" بود که مثلاً این رو توی اسپاتیفای و اینام داد حتی و منتشر کرد، بعد مثلاً کلی موزیک ویدیو براش هست و این‌ها، ولی بازم دیو حساب نمی‌شه، چرا؟ چون اون رو خودشون به عنوان دیو در نظر نمی‌گیرن، یعنی هیچ برنامه‌ای هم براش نبود، صرفاً مثل همین بود که شما یه تعداد آهنگ رو گذاشتی توی اسپاتیفای، بعد شما هر چی بهشون می‌گی آقا یه برنامه‌ای برای این اجرا کن، می‌گه اصلاً من در جریان نیستم که اون آهنگایی که دادم رو شما دارید به من نسبتش می‌دید، همین جوری یه تعدادی آهنگ این تو گذاشته‌ام و هست، مثلاً بقیه‌شونم همین جوری داده بودن بعد جدا از اون سینگل^۵ (تنها) هم خیلی کار می‌کردن، مثلاً با

^۱- solo

^۲- soundcloud

^۳- Mix tape

^۴- Promotion

^۵- single

یه نفر دیگه. وقتی توی یه آهنگی یه نفر دیگه میاد می‌گن فیت^۱ (متناسب کردن) دادن، حالا مثلاً با بقیه فیت می‌دادن و آهنگای مختلفی رو ارایه می‌دادن. سینگلم خیلی کار می‌کردن، مثلاً توی کنسرت‌هاشونم خیلی این جریان هست. حتی توی خود آلبومای خودشون یه سری آهنگ‌ها تکی بود، یعنی فقط یکی‌شون آهنگ رو خونده بود و مثلاً ۵ یا ۶ تا آهنگ تکی توی یه آلبوم امر عادی بود. نه تو همه‌ی آلبوما، ولی توی چندتا از آلبوماشون هست. مثلاً آهنگای تکی هم دارن. خلاصه امر عادی محسوب می‌شه. مثلاً توی کنسرتاشون هم می‌رفتند، تکی اجرا می‌کردن. این جریان بود، ولی دیبو نکرده بودن و دیبو حساب نمی‌شد براشون.

- الان همه اعضا دیبو کرده اند؟

نه، الان لیدرشون دیبو داره و دارن دونه به دونه دیبو می‌کنن، الان قرار گذاشتند و تا ۲۰۲۵ به فعالیت‌های سولوشون اختصاص داره. تا اون سال رو گذاشتن برای سربازی و فعالیت‌های سولوشون. تا ۲۰۲۵ رو فعلاً قراره این کار رو بکنن تا بعدش مشخص بشه، چی می‌شه. سخت هم هست برای ما که طرفدارشونیم.

- پس یعنی الان در حال حاضر بی‌تی‌اس فعالیتی نداره و سولو کار می‌کنند همه‌شون؟

فعالیت نمی‌شه گفت نداره. می‌دونی یعنی از این نظر که به ما گفتن که نداره و ما گفتیم عه، خب پس لابد اصلاً نداشته باشه. بعد خب یکی‌شون آلبوم داد، بعد رفت لوراپلازام اجرا کرد، بعد وقتی برگشت یهویی یه دونه کنسرت دسته جمعی هم توی بوسان گذاشتن خب، بعد کنسرت، حالا مثلاً برای یه جریان متفاوتی بود یعنی کنسرت رایگانی هم بود، ولی به هر حال می‌خوام بگم یهویی فعالیت دسته جمعی هم داشتن. بسته به شرایط فکر کنم احتمالاً دوباره باهم دیگه داشته باشن. ولی بعید می‌دونم بشه، چون یکی‌شون ۳ روز دیگه می‌ره سربازی، اولین فردشون می‌ره. ولی مطمئناً توی این مدت یه سری برنامه‌های ۷ نفره هم ضبط کرده کمپانی که نداره طرفدارا دور شن از این جریان. چون به هر حال یک‌سری سیاست‌های بازاریابی هم کمپانی برای خودش داره دیگه. مارکتینگش بزرگ‌ترین منبع پولش رو از دست نمی‌ده، حالا هر چه قدر هم بقیه تکی فعالیت کنن. یعنی این ۷ نفره بودن‌شون یه پوینت بزرگ دیگه‌ایه.

- خوب فاصله سنی‌شون این قدر هست که بتونن برن برگردن؟

آره، همه‌شون توی این ۳ سال تموم می‌کنن، و بعد همه‌شون دوباره جمع می‌شن.

- خوب اگه همه‌شون برن سربازی فقط برای حفظ مخاطب ویدیوهایی می‌مونه که از قدیم گرفته باشن.

آره، می‌گم دیگه، فاصله سنیاشون هست، الان یکی‌شون می‌ره، بعد یکی دیگه‌شون احتمالاً یه ۶ ماهه دیگه بره، بعد ۶ ماهه دیگه. تو این فاصله سعی می‌شه، نبود اون یکی رو جبران کنه. یعنی این جوری هست که می‌رن و میان. یکی‌شون هست که اصلاً تازه ۲۵ سالش شده یعنی تازه ۲۵ سالش شده، ولی اونم می‌خواد توی این ۳ سال بره، یعنی توی همین سه سال تموم بشه ۲۰۲۵ برگردن همه.

¹- fit



- خوب شما معتقدید این‌ها مثلاً اختیار از خودشان ندارند در زمینه این که چه زمانی سربازی برن یا سولو اینا بدن؟ این‌ها هم دستور کمپانیه؟
 ام... هم آره، هم نه.
 - چه طور؟

از این نظر که وقتی بحث بی‌تی‌اسه، من معتقدم که اینا دیگه اختیار کار خودشان رو دارن، چون می‌دونی جریان چیه؟ اینه که وقتی شما از یه حدی بزرگ‌تر می‌شی، دیگه این جوری نیست که بخوای به حرف بقیه برقصی، بقیه اند که باید سعی کنن با تو کنار بیان. بعد در ضمن این که کمپانی اینا، کمپانی آن چنان بزرگی نمی‌شه گفت هست. یعنی کمپانی کوچیکی بود، وقتی اینا دیو کردن، یعنی هر چی این کمپانی بزرگ شده با اینا بزرگ شده، بعد اینا خیلی اسم گنده‌ای اند، خیلی خیلی اسم گنده‌ای هستند.

- هنوزم همون بیگ کید کمپانی بی‌تی‌اس هست یا از زیر پوشش اون کمپانی خارج شده اند؟
 نه هنوز هم همونه. هنوزم هاییه و بیگ کید زیر مجموعه هاییه. بعد داشتم می‌گفتم که وقتی شما اینا رو می‌بینی، تصورش سخته که اینا این قدر تحت کنترل بیگ کید باشن هنوز. چون این قدر گنده هستن که کسی نتونه بهشون بگه چه کار بکن و چه کار نکن. بعد یه چیز دیگه‌ای هم هست و اون این که اینا یک‌سری مستندهایی هم علاوه بر اون برنامه‌ها که گفتم می‌سازند و از پشت صحنه‌ها و ایناشون فیلم می‌گیرن. مثلاً یه فیلم سینمایی اصلاً هست که در واقع مستندها، ولی به عنوان فیلم سینمایی ارایه‌اش دادند. بعد توی اون فیلمه یه جلسه تمدید قرارداد اینا با کمپانی فیلم‌برداری شده و توی تمدید قراردادشون قشنگ باهاشون صحبت می‌شه که آره برید با وکیل‌هاتون صحبت کنید برای این قرار دارد و قضیه هم این طوری نیست که برید دعوا کنید. می‌گن برید صحبت کنید که چیزایی که می‌خواهین رو داشته باشید. بعد اینا می‌گن که مثلاً می‌خوان فلان کار رو انجام بدن و کمپانی هم می‌گه باشه، انجام بدید یا مثلاً برای همین آلبومی که تازه منتشر شد و برای یکی از اعضاهاشون بود، مارکتینگی^۱ (بازاریابی‌ای) که بیگ کید براش انجام داد، خیلی ضعیف بود، با این که بیگ کید تو مارکتینگ و بازاریابی و تبلیغات و این چیزا، خیلی خیلی قویه. وحشتناک قویه. ولی برای این آلبوم به قدری ضعیف بود که فن‌ها صداشون دراومد که آقا چرا این قدر ضعیفه. در واقع مارکتینگش، مارکتینگی نبود که شما بگی، این مارکتینگ می‌تونه افرادی که فن طرف نیستند یا کلاً با قضیه آشنا نیستند رو به خودش

^۱- marketing

جذب کنه یا حتی به همه خبر بده. من خودم شخصاً نمی‌دونستم آلبوم کی میاد. تا این که این قدر سر و صدا کردیم تو توییتر که یکی شون بالاخره استوری گذاشت و گفت ۱۰ روز دیگه میاد. ولی این خیلی مدل خود اون فرد بود، یعنی هر چه قدر هم که ما سر و صدا کردیم، تهش می‌دونستیم که این مدل انتخاب خود اون فرد. یعنی خیلی معلوم بود که چه جوریه. با این که خیلی اسم گنده‌ایه و می‌تونه مارکتینگ‌های بزرگ رو استفاده کنه، می‌تونه هر استیجی^۱ (صحنه) که بخواد رو داشته باشه یا هر برنامه‌ای که بخواد رو بره، همه جا هم می‌پذیرنش و همه هم می‌خوان که این بره تو برنامه‌هاشون چون بالاخره ریتینگ^۲ (رتبه‌بندی) رو می‌بره، بالا و اگر ریت شون مثلاً سه درصد باشه یکپه می‌شه ده درصد، چون طرفدارها می‌شینن می‌بینن یا اگر هر استیجی بخواد، قطعاً بهش می‌دن و مثلاً به استیج با سه هزار نفر حداقل چیزیه که می‌تونست داشته باشه، ولی از قبل، مثلاً ۵ سال قبل، گفته بود که من دوست دارم به چیز کوچیک، به استیج کوچیک با دویست نفر مثلاً داشته باشم و اینا. بعد وقتی دیبو کرد، تنها استیجی که گذاشت همین بود. ما رو هم خیلی سوزوند، چون ما هیچ دسترسی‌ای بهش نداشتیم. ولی بالاخره چیزی بود که خودش می‌خواست و شما آلبوم رو هم که نگاه کنید، اثرات خودش رو توی تک‌تک ترک‌ها (آهنگ) می‌تونید ببینید و شخصیت خودش. مثلاً یکی دیگه‌شون هم که دیبو کرد، اونم همین طوری شخصیت خودش بود. چون بالاخره پرسونالیتی^۳ (شخصیت) متفاوتی داره دیگه. اون که دیبو کرد رفت به جشنواره‌ای تو آمریکا و اونا ۶ تا یا ۷ تا آهنگ اجرا کرد با این که هر کی می‌رفت، فقط به آهنگ اجرا می‌کرد. بعد کل جمعیت هم اون جا آرمی‌ها بودن. چون خیلی این جریان زیاده که آرمی‌ها به جایی رو می‌خرند و می‌رن. به هر حال با این چیزایی که گفتیم، من معتقدم که تاحد زیادی تصمیم خودشونه، وقتی به کاری می‌کنن، ولی تاحد زیادی هم با کمپانی همراه می‌شن. نه به این معنی که بهشون اجبار بشه، بلکه چیزیه که باهم تصمیم می‌گیرند چون این جوری هم جواب بهتری می‌گیرند و هم سود بیشتری به دست میاد براشون، به هر حال این کمپانی بوده که با به سیاستی تونسته تا اینجا برسونه اینا رو، هندل^۴ (هدایت) کردن اینا تا این مرحله کار راحتی نبوده قطعاً برای کمپانی.



1- stage

2- rating

3- personality

4- handle

- پس شما در واقع معتقدید که تا یک سنی و تا یک زمانی این‌ها تحت دستورات کمپانی زندگی می‌کردند، ولی اون زمان دیگه گذشته؟

آره، دقیقاً تا به زمانی قطعاً این طوری بودند که رنگ مو و این که چی بخورند و این‌ها دست کمپانی بوده کاملاً، ولی الآن دیگه این طوری نیست. مثلاً یکی شون می‌گفت کمپانی بهم می‌گفت موهات رو بلند کن، ولی استایلیستم^۱ (آرایشگر) بهم می‌گفت کوتاه کن منم قیچی رو برداشتم رفتم کوتاه کردم خودم یا مثلاً به قضیه بامزه‌ای اتفاق افتاد. سال ۲۰۱۴ بود فکر کنم یا ۲۰۱۵ که یکی شون گفت، اگر کمپانی با این همه رنگ مویی که می‌گه من باید روی سرم بذارم، باعث بشه من موهام بریزه، من می‌رم از کمپانی شکایت می‌کنم. هر دو، سه ماه یک‌بار رنگ موهاش عوض می‌شد و گروه‌های دیگه هم هستند که این آزادی بی‌تی‌اس رو داشته باشند. حالا درسته هیچ کدوم به بزرگی بی‌تی‌اس نیستند، اما بالاخره هر چی گروه جلوتر بره، آزادی گروه بیش‌تر می‌شه. مثلاً اولش که دیو می‌کنند یک سری کمپانی‌ها ممکنه حتی گوشی هم به فرد ندن. در این حد و هنوزم خیلی‌ها هستند و خیلی گروه‌ها هستند که این طوری تحت اجبار کمپانی اند، ولی خب می‌گم خیلی‌ها هم هستند که دیگه این طوری نیستند و آزادی بیش‌تری دارند حالا.

- حالا یک سوال درباره تقلید کردن آرمی‌ها از سبک پوشش و آرایش این‌ها. تا چه حد این قضیه پر رنگه و وجود داره بین آرمی‌ها؟

خیلی زیاد. مثلاً به چیز بگم. ما تو فارسی به جوک داریم می‌گیم طرف شلوار پارچه‌ای رو با کتونی می‌پوشه، خب، مثلاً وقتی می‌خوایم نشون بدیم طرف اوج فشن ابل^۲ (مد روز) نبوده. خب؟ وقتی می‌خوایم بگیم طرف هیچ درکی از مد و فشن روز نداره، می‌گیم طرف شلوار پارچه‌ای رو با کتونی می‌پوشه. بعد جالبه که این تو آسیای شرق خیلی چیز نرمالیه^۳ (عادی).

- درک نداشتن از فشن؟

نه! همین شلوار پارچه‌ای رو با کتونی پوشیدن رو می‌گم. خیلی استانداردهای زیبایی سخت‌گیرانه‌ای دارند و به شدت لاغری و اینا براشون اهمیت داره و چه بسا توی گروه‌های دخترشون شما دنده طرف رو داری می‌بینی مثلاً. تا این حد هم می‌رسند. خیلی رو این جریانات حساس اند که آره پوست حتماً سفید باشه و وزن روی عدد خیلی پایینی باشه و اینا. نمی‌گم ما اینا رو قبول داریم‌ها، ولی می‌خوام بگم کسی که توی استانداردهاشون نباشه، خیلی اذیتش می‌کنند.

- آیا شده که شما هم این رو بخواید و در نتیجه رژیم بگیرید که مثل اون‌ها بشید؟

نه، نشده برام. ولی به هر حال این چیزیه که توی خودشون وجود داره و به خاطر همین لاغری زیاد هم هست که شلوار و لباس‌های گشاد زیاد می‌پوشند و اکثراً وقتی پرفورمنس (اجرا) دارن به ویژه پسرها کتونی پاشونه و به مرور که ببینی چشم‌ت عادت می‌کنه و من قبل از این که استایلم رو تغییر بدم، بارها شد بود که

^۱- stylist

^۲- fashionable

^۳- normal

توی مهمونی‌ها و مراسم‌ها با شلوار پارچه‌ای و کتونی رفتیم و بعد دیدیم که خیلی نگاه‌های عجیبی داره بهم می‌شه و فامیل دارند یه جواری نگاهم می‌کنند که این چیه پوشیدی؟ و وقتی شما میتینگ^۱‌هایی (دیدار) می‌ذاری که آرمی‌ها توش هستن، هر کس استایل خودش رو داره‌ها، ولی وقتی شما از دور نگاه کنی، می‌بینی و می‌فهمی که اینا همه یه وجه مشترک خاصی دارند.

- آرمی‌ها؟

نه الزماً آرمی‌ها. کی پاپرها می‌شه گفت. چون فشن‌شون خیلی به هم نزدیکه. نمی‌تونم دقیقاً بگم که چیه، ولی مثلاً رنگ موی فانتزی یکی از ویژگی‌های بولد^۲ (پر رنگ) شه. خیلی این توی کسایی که کی‌پاپ رو دنبال می‌کنند، مرسوم‌تر از گروه‌های دیگه است و شما این قدر می‌بینی که چشمت عادت می‌کنه و بعد برات این قدر عادی می‌شه که می‌گی خب می‌رم می‌ذارم دیگه و شما شاید اصلاً متوجه نباشی که این قضیه شاید توی جامعه خودتون اصلاً پذیرفته شده نباشه. چون شما این قدر می‌بینی که چشمت عادت می‌کنه، بعد خب این جواری هستی که خب می‌رم می‌ذارم دیگه، بعد اصلاً متوجه نیستی که جامعه شاید این رو نپذیرفته باشه، شاید برای جامعه‌ای که توش زندگی می‌کنی، یه چیز روالی نباشه این که تو موهاش قرمز باشه. و بعد می‌ری رنگ می‌کنی و بعد می‌بینی که خیلی نگاه‌ها می‌ره سمت و مردم براشون عجیبه یا خود فامیل هم. البته مو رو مثال می‌زنم‌ها. فقط مو نیست.



^۱- meeting

^۲- bold



- آیا الآن در بین پسرها آرایش کردن رایج شده به خاطر تأثیر بی‌تی‌اس؟ یعنی مثلاً ما می‌بینیم که پسری که طرفدار بی‌تی‌اسه آرایش می‌کنه با این که تو فرهنگ ما اصلاً قابل قبول نیست؟

فکر نمی‌کنم این به خاطر اون باشه. اگر توی گروه ایرانی بخوام مقایسه کنم، من ۲۰ تا دوست آرمی دارم و یه ۷ یا ۸ تا دوست غیرآرمی دارم که اونا کی‌پاپ رو دنبال می‌کنن و یه تعدادم دوستای عادی هم دارم و وقتی مقایسه می‌کنم، مثلاً من وقتی بین آرمی‌ها می‌بینم، یکی موهایش رو رنگ کرده یا آرایش فانتزی داره، برام اوکیه چون من چشمم عادت کرده، ولی وقتی با دوستای عادیم می‌رم بیرون و اینا خب چون هیچ وقت تحت این مدیا^۱ (رسانه) نبودن، می‌گن عه، این دختره چرا این جوریه؟ بعد خب من این جوریم که آره خب، اوکیه. خب بالاخره این طور افرادی کنار بقیه مشخصاً متفاوت‌تر اند، بعد خب مثلاً تو آرایش‌های ایرانی خیلی دیده نمی‌شه که زیاد از نگین استفاده بشه توی آرایش، ولی خب من این رو توی کی‌پاپرها می‌بینم. برای همینه که من تحول آرایش پسرها رو مستقیماً به بی‌تی‌اس مربوط نمی‌دونم.

- بعد خب چی شد که تغییر کردید؟ چون گفتید تا یه زمانی استایلیم این مدلی بود، ولی بعد تغییر کرد. نه تغییر نکرده، الآن مثلاً بیش‌تر هم هست آرایش‌های فانتزی. چون خب دنیا در یک فاز فانتزی به سر می‌بره.

- نه، من خود شما رو دارم می‌گم.

آهان. من؟

- آره گفتید تا یه زمان کتونی و فلان و این‌ها می‌پوشیدم، بعد دیدم عجیب نگاه می‌کنن. نه، من برام هیچ اهمیتی نداشت که عجیب نگاه می‌کنن. من اون موقع‌ها که می‌پوشیدم، چون چادر سرم بود، می‌تونستم بلوز شلوار بپوشم، ولی الآن که چادر سرم نمی‌کنم و مانتوهای بلند می‌پوشم، دستم تو انتخاب استایلم بسته است، وگرنه، نه من اگر جایی راحت باشم، همچنان همون استایلی خودم رو به کار می‌برم.

- اگر فرض کنیم که شما بی‌تی‌اس رو نمی‌شناختید، باز هم همین سبک لباس رو انتخاب می‌کردید؟

¹- media

من فکر می‌کنم، اگر نمی‌شناختم هم همین مدل بودم، ولی شاید کم‌تر، چون من قبلش هم کی‌دراما رو دنبال می‌کردم. بعد فشن یه چیزیه که توی کشوری یهو هم زمان پیش می‌ره، وقتی هم زمان پیش می‌ره، توی سریال‌هاشونم من می‌دیدم و من کلاً توی بچگی هم این مدل استایل‌ها رو داشتم، همین جوری به مرور که پیش اومد، جلو اومد، مثلاً یه استایل موی خاص و همین جوری من داشتم و توی راهنمایی هم داشتم، ولی وقتی که با بی‌تی‌اس آشنا شدم و وقتی که آرمی شدم، خب یک ذره متفاوت شد و بیش‌تر به سمت همین بی‌تی‌اس رفت سبک و مدل استایلم. بعد من در یه بازه زمانی خیلی فیلم کره‌ای می‌دیدم، بالطبع تأثیر هم می‌پذیرفتم از شون و گفتم که مدل پوششی که داشتم و دوست داشتم، از همون بچگی از همین سریال‌ها و فیلم‌های کره‌ای تأثیر پذیرفته بود. حالا نمی‌گم تأثیر مستقیم داشت، ولی قطعاً بی‌تأثیر هم نبوده. البته خب سنم هم دخیل بود و من از یک جایی به بعد امکاناتم هم بیش‌تر شد و بیش‌تر تونستم دنبال کنم و از جریانات باخبر بشم، یه بازه زمانی بزرگی رو همین الان من توی مدیا (رسانه) هستم و ممکنه یه بازه زمانی خیلی کم‌تری رو توی مدیای فارسی باشم. مثلاً زمانی که من برای دنبال کردن مدیای فارسی می‌ذارم در هفته، به یکی دوتا کانال اخبار محدود می‌شه. قبلش که همین هم نبود، ولی تازگی هم هست که یه اکانت توییتر فارسی جدا زده‌ام.

- برای همین فعالیت‌های مجازی در حمایت از بی‌تی‌اس چه قدر وقت می‌گذارید؟
بازه به بازه فرق داره، واقعاً خیلی فرق داره.

- چه جوری بود؟

چه جوری بود... خب ببینید من می‌تونم بگم ۹۰ درصد مهارت‌ام رو از اینا یاد گرفتم. در واقع به خاطر اینا یاد گرفتم.

- مهارت‌ها، مثل چی؟

بله مهارت‌ها، مثلاً من تمام کارم با نرم افزارهای ادیت^۱ (ویرایش) ویدیو و صدا رو به خاطر اینا یاد گرفتم. چون برنامه‌هاشون به زبان کره‌ایه و خیلی بهمون لطف کنند یه زیرنویس انگلیسی هم می‌دن. بعد شما می‌خوای این رو به مدیای فارسی عرضه کنی. چون ما یه کانالی داریم و اون جا یه گروه مترجم داریم که من جزو مترجم‌هام و من یاد گرفتم چه طوری ساب^۲ (عنوان فرعی) بزنم یا زمان بندی کنم.

^۱ - Edit

^۲ - Sub = subtitle



- کره‌ای بلید؟

نه. از انگلیسی ترجمه می‌کردم. ما یه گروهی بودیم و همه ترجمه می‌کردیم و به مرور ناچار شدیم، یاد بگیریم. مجبور می‌شدیم ادیت ویدیو یاد بگیریم که بتونیم یک سری چیزهایی رو اوکی کنیم. من خیلی از این چیزها رو یاد گرفتم و همه رو هم از سر علاقه یاد گرفتم، به خاطر این که یه چیزی بود که دوست داشتم انجام بدم و ناخودآگاه با اینا پیش اومدم. به خاطر همین من در سن ۱۸ و ۱۹ سالگی یک وقت‌هایی پیش می‌اومد که در یک بازه‌هایی شبی ۴ یا ۵ ساعت داشتم روی اینا کار می‌کردم، چون این‌ها یک برنامه‌هایی دارند به نام بن وایژ که یک‌هویی و ناگهانی منتشر می‌شه. مثلاً یک‌هو ۸ ساعت ویدیو میاد و این به صورت عادی و رایگان هم در دسترس قرار نمی‌گیره‌ها. معمولاً خریداری می‌شه، ولی چون ما ایرانی هستیم و پول نداریم و اینا از فایل‌هایی که فن‌های مهربان در دسترس مون قرار می‌دن استفاده می‌کنیم. به هر حال وقتی این ویدیوها می‌اومد، ما در جا می‌شستیم پای ترجمه‌اش و می‌گم یه دوره‌هایی می‌شد که من شب‌ها ۳، ۴ ساعت می‌خوابیدم که بتونم به اینا برسم و ترجمه رو کامل کنیم.



- چیه این برنامه؟

این مثل همون ران بی‌تی‌اسه، ولی یه کم فرق داره و مدلش این طوریه که اینا رو سالی یک‌بار می‌فرستادن مسافرت که برای خودشون باشند یه یک هفته‌ای رو.



- بعد از شون فیلم می‌گرفتن؟

آره! با تیم می‌فرستادن شون! ولی خب چیز لازمی در کل چون وقتی شما فکر می‌کنی که یک‌سال یا دو سال پشت سر هم کار کردی و حتی پنجشنبه و جمعه‌ها هم خالی نیست، خیلی قضیه سختیه که حالا می‌فرستنت که یک هفته حداقل کار نمی‌کنی. البته اینا معتاد به کار اند. یعنی شما ببینید شون می‌بینید که یکی شون هست مثلاً تو همون تایم استراحتش نشسته یه گوشه داره برای خودش یه چیزی می‌نویسه، یکی شون هست نشسته یه گوشه داره برای خودش ملودی می‌سازه. کلاً یه اعتیاد به کار این جوریه هم توی کره هست.

خلاصه وقتی اینا می‌رفتند مسافرت و همچنین ویدیویی می‌اومد بیرون، ما می‌نشستیم به ترجمه کردن و یه تیم ترجمه هم که وجود نداره، چندتا هست و ما برای این که از اون یکی‌ها عقب نمونیم، تند ترجمه می‌کردیم که شیفت‌مون رو برسونیم و یه گروه دیگه ادیت کنه، یکی دیگه ویراست کنه و همین طوری تا در نهایت ویدیو دربیاد و بره رو کانال.

- شیف‌ کاری داشتید؟

آره، می‌شه گفت. این مدلی بود که بچه‌های ترجمه تا این ساعت تموم کنند، بچه‌های ادیت تا اون ساعت تکمیل کنند و اینا که در نهایت مثلاً تا فلان روز ما ویدیو رو تحویل بدیم. بعد ما کار رو تحویل می‌دادیم و دیگه کارمون تموم شده بود دیگه. می‌گرفتیم می‌خواهیدیم، ولی کار بچه‌های ادیت تازه شروع شده بود.

- و این کار شما می‌تونست شب تا صبح طول بکشه؟
آره. شب تا صبح.

- و این بازه اوج شما در حمایت کردن بود؟

نه، این اوجش نیست. اوجش سر کامپک^۱ ها (اجرای جدید) بود.

- اون جا چه طوری بود، ۲۴ ساعت بیدار می‌موندید؟

آره خب شده. من برای کامپک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم. یک هویتی بهت می‌دن. تو حس می‌کنی بخشی از یک جامعه‌ای هستی و توی این جامعه وقتی یک نفر داره بازی درمیاره و اینا، هیچ کس بهش اهمیت نمی‌ده و بهش می‌گن فکر کردی اگر تو بری چیزی از ارزش‌های اینا کم می‌شه؟ برو. و به ازای همون یک نفری که می‌ره هم یه غمی هست‌ها، ولی فندوم خوب بلده چه طور حساب همون یه نفر رو برسه.

- چه طور، چه کارش می‌کنند؟

ایگنور^۲ (نادیده گرفتن) می‌کنندش و تموم می‌شه. کسی اصلاً بالا نمی‌ارزش. تموم شد. ولی برعکسش هم هست. وقتی شما داری یه کاری رو انجام می‌دی، یه شوری هم‌زمان داره اتفاق می‌افته که نمی‌دونم چه طور توصیفش کنم. نمی‌دونم برای سال کنکورتون اردوی عید رفتید یا نه. اون جا مثلاً یه حالت هویتی هست که باعث می‌شه بشینید بخونید یا نمی‌دونم مثالش رو چی بزنم. شما با خودت می‌گی، آره من بخشی از یک جامعه‌ام و وقتی نتیجه نهایی رو می‌بینی، حتی اگر بزرگ هم نباشه، حالا گاهی نتیجه‌هاش بزرگ اند، ولی حتی اگر بزرگ نباشه هم شما حس می‌کنی که... توی یه کاری به نتیجه رسیدی. به هدف دست پیدا کردی. به هدف جمعیت که باهم تلاش کردید تا بهش رسیدید و این بخشی از جامعه بودن، چیزیه که توی هالیوود یا موسیقی ایران یا هر جای دیگه نیست. ولی توی فندوم‌های بی‌تی‌اس هست.

- این حالت کجاها نمود بیرونی داره؟

مثلاً یه جایی که هست توی رأی‌گیری‌ها هست. من بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم که صنعت موسیقی چه قدر رأی‌گیری داره. خیلی رأی‌گیری هست. بیل‌بورد^۳ رأی‌گیری داره، فلان سایت رأی‌گیری داره، اون مجله رأی‌گیری داره، خیلی رأی‌گیری‌ها هست. بعد فندوم‌های بی‌تی‌اس هم از دقیقه نودی‌ترین فندوم‌ها

^۱- Comeback

^۲- ignore

^۳- billboard

هستن. مثلاً شما داری توی سر خودت می‌زنی که آقا عقب موندیدم و بعد یکهو کل فندوم میاد و تو روز آخر کل رأی‌گیری رو جمع می‌کنه و یه فاصله بزرگی رو جبران می‌کنه. بعد آدم تأثیری که داشته رو حس می‌کنه و بالطبع باز خورد خویش رو هم می‌گیری.

- پس شما یک‌سره باید گوش به زنگ نظرسنجی‌های جدیدی که شروع می‌شن هم باشید، درسته؟
امم... الان نه. الان نه حقیقتاً چون فشار روانی جامعه هم خیلی زیاده و آدم به سختی حتی حوصله داره زندگی کنه. اما قبلاً... و این قبلاً که می‌گم یعنی حدوداً دو سال پیش، آره. حالا گوش به زنگ نمی‌شه گفت، ولی ما پیجیش رو داشتیم دیگه و خودمون رو آپدیت می‌کردیم و بعد مثلاً ریمایندر^۱ (یادآور) داشتیم و فندوم‌هایی هستن که ریمایندره‌های روزانه دارن و وقتی شما توی تویتتر هستی مدام برات میاد که آره این رأی‌گیری هست، یادت نره. همین جوری داری اسکرول^۲ (تهیه طومار) می‌کنی یه لحظه می‌ری اون رأی‌گیری رو هم انجام می‌دی و میای و آره خب یه رأی‌گیری هست به نام ماما که اون رو هر ۲۴ ساعت می‌تونن بری رأی بدی و یه بازه دو هفته‌ای هم رأی‌گیری انجام می‌شه و می‌تونن بری رأی بدی. اون رو مثلاً خودمون حواس‌مون بود که روزی یک‌بار بریم رأی بدیم. آره در این مورد، اون حالت گوش به زنگی رو داشتیم که بریم رأی بدیم و عقب نمونیم.

- شما هنوز هم توی تلگرام کانال دارید؟

آره.

- برای من هم می‌تونید بفرستیدش؟

نه، نمی‌تونم.

- چرا؟

چون فندوم خودمه (می‌خندد).

- یعنی یک کانال بسته است که فقط با دوستان خودتون درش هستید؟ ولی این چیزی که توصیف کردید از بچه‌های ادیت و گروه ترجمه و این‌ها به نظر می‌رسید یک کانال عمومی‌ای باشه.

نه یه کانال فقط برای من و دوستانم نیست... ما چون اجازه نداریم که به بقیه بگیم که ادمین^۳ (مدیر) اون کانال هستیم، نمی‌شه بهتون بدمش. چون کانالش فقط برای من که نیست.

- چرا همچین قانونی هست که کسی که یکی از ادمین‌های کانال رو بشناسه، نمی‌تونه وارد کانال بشه؟
چون خیلی سوءاستفاده می‌کنند.

- مثلاً چه کار می‌کنند؟

خب مثلاً... من خودم سال ۲۰۱۸ وارد اینجا شدم. کانال از سال ۲۰۱۵ زده شده بود. من وقتی واردش شدم، فقط گروه ترجمه‌اش که من توش بودم، ۳۰ نفر بود. ولی الان کم‌تریم، چون خب می‌گم که بی‌تی‌اس هم در

¹- reminder

²- scroll

³- admin

دو، سه سال اخیر کم‌فعالیت‌تر شد و در نتیجه‌اش یک‌سری از کانال رفتند و بالاخره سن هم که می‌ره بالا، یک‌سری مشغولیت‌ها بیش‌تر می‌شه و وقت نمی‌کنند. این قانون رو مدیرش گذاشته بود از اول، به خاطر این که وقتی شما با ۳۰ هزار نفر مخاطب طرفی توی کانال، خیلی تبلیغ مستقیم محسوب می‌شد.

- یعنی برای خود ادمین تبلیغ می‌شد؟

آره و مثلاً یک عده که می‌اومدند ادمین می‌شدند، افراد عضو کانال رو ریمو^۱ (حذف) می‌کردند. مثلاً دو هزار نفر، سه هزار نفر رو ریمو می‌کردند. حالا الان نه، ولی این جریان مال دو سال پیشه. به خاطر همین جریانات ما اجازه نداریم که این کار رو کنیم. در واقع مثلاً مدیر گروه می‌گه، ناشناس ادمین من باشید. نرید بگید من ادمین این کانال‌ام و اگر گفتید هم نرید صاف کانال رو بذارید کف دست طرف.

- سوال بعدیم در مورد فن‌فیک^۲ هاست. چه قدر دنبال‌شون می‌کنید؟

شما اصلاً می‌دونید فن‌فیک چیه؟

- من فکر می‌کنم داستان‌های خیالی‌ای هستند که طرفدارها درباره رابطه اعضای خود گروه می‌نویسند که گاهی هم محتوای اون جنسی هست.

خب فن‌فیک اصلاً این نیست.

- عجب. پس چیه؟

فن‌فیک زمانیه که شما یک شخصیتی رو از یک‌جایی شناختی و الزاماً نباید شخصیت واقعی هم باشه. مثلاً معروف‌ترین فن‌فیک‌ها مال هری پاتر هستند یا مثلاً شکسپیر هم خودش فن‌فیک نویس بوده.

- شکسپیر؟!

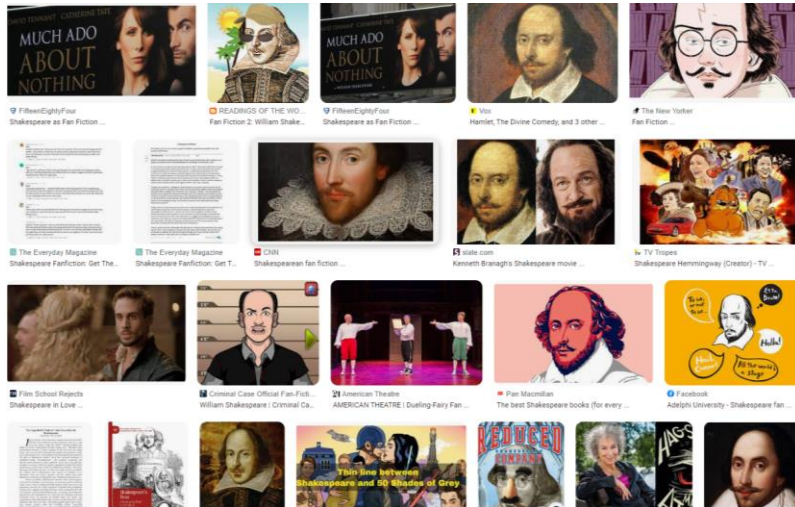
آره همین نمایشنامه هملت معروف‌ترین فن‌فیک جهانیه.

- چه طور فن‌فیک حساب می‌شه؟

دوتا شخصیت اصلیش واقعی اند، ولی داستان واقعی نیست و هیچ کدوم از اون دوتا شخصیت‌ها نبودند که شکسپیر از شون اجازه بگیره و داستان رو بنویسه. در واقع چیزی که نوشته الان به عنوان نمایشنامه هست، ولی در زمان خودش یه داستان درباره دوتا شخصیت واقعی که وجود داشتند بوده، در حالی که خود داستان زاده تخیل شکسپیره. به خاطر همین می‌گن هملت معروف‌ترین فن‌فیک جهانیه.

^۱- remove

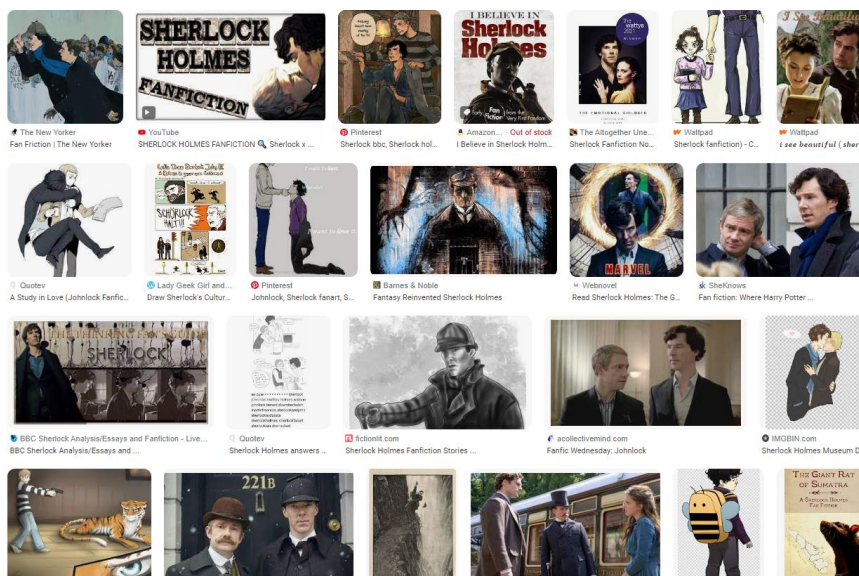
^۲- Fan fiction



ولی در واقع فن‌فیک این طوریه که شما مثلاً به شخصیتی رو توی یه فیلمی یا چیزی می‌بینی و بعد دلت می‌خواد بیش‌تر ازش می‌دیدی یا می‌خوندی. مثلاً دیدی، وقتی به فیلم خوب رو تموم می‌کنی با خودت می‌گی کاش بیش‌تر بود یا کاش بازم می‌تونستم ادامه زندگی این شخصیت رو ببینم؟ فن‌فیک کارش همینیه یا مثلاً راضی نباشی از پایان یه فیلم یا کتابی چیزی و دلت بخواد به پایان دیگه رو بخونی. میای فن‌فیکش رو می‌خونی یا مثلاً به کتابی می‌خونی می‌بینی به یه شخصیتی که تو ازش خوشش اومده، دو صفحه بیش‌تر نپرداخته. میای فن‌فیکش رو می‌خونی یا اگر اصلاً نباشه، خودت می‌نویسی. این می‌شه فن‌فیک.

- و توی کی‌پاپ این اتفاق به چه صورته؟

توی کی‌پاپ هم همین قضیه هست. ولی قبلش بذارید تأکید کنم که فن‌فیک برای خواننده‌ها فقط مختص کی‌پاپرها نیست. همه خواننده‌ها فن‌فیک دارند. اگر بگید نیست، براتون نمونه میارم از هر خواننده‌ای که اسم ببرید. حتی خواننده‌های ایرانی هم فن‌فیک دارند و فن‌فیک یه چیزیه که طرفدار می‌نویسه و مخاطبش هم طرفدارهای دیگه‌اند. ولی توی کی‌پاپ قضیه فن‌فیک یه کم پر رنگ‌تر و بیش‌تره. چرا این طوریه؟ چون خب اولاً بگم که گروه‌های نسل دو خیلی این رو داشتند که... مثلاً بذارید شرلوک هلمز رو مثال بزنم. دیدی که مثلاً می‌گن شیپ شرلوک و جان واتسون؟



– نه من ندیدم.

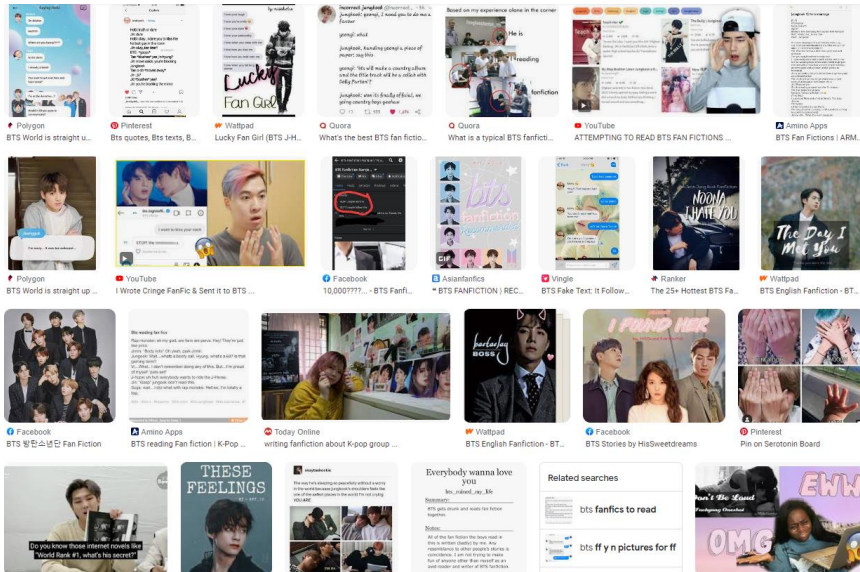
خب این مدلیه که نویسنده یا کارگردان یه دیالوگی توی فیلم یا کتابش می‌ذاره که تله جذب مخاطبه. مثلاً شرلوک برمی‌گرده به واتسون می‌گه تو دوست پسر داری؟ و بعد اونم یک ربع در سکوت نگاهش می‌کنه و تهش می‌گه نه. و بعد داستان ادامه داره، ولی اون جرقه رو در ذهن مخاطب می‌زنه و رد می‌شه و بعد فن‌فیک‌های زیادی نوشته می‌شه که طرفدارها رابطه هم‌جنس‌گرایانه این دوتا رو تخیل کرده‌اند و شما تو ته ذهنت یه داستان تشکیل می‌شه که می‌تونه بیش‌تر جذب کنه به ماجرای داستان. بعد هر شیپی رو هم یک گروهی بیش‌تر جذب می‌کنه. مثلاً شیپ‌های پسرها، معمولاً دخترها رو بیش‌تر جذب می‌کنه و برعکس شیپ‌های دخترها، پسرها رو بیش‌تر جذب می‌کنه، چون بالاخره جمعیت ال‌جی‌بی‌تی‌ها ۱۵ به ۸۵ ته. بعد شما فرض کنید که اینا ۷ تا پسر اند که دارن باهم زندگی می‌کنن یا یه گروه دیگه ۱۰ تا پسر اند که دارن باهم زندگی می‌کنند و توی کره هم روابطشون مثل ما نیست، ما تو ایران مثلاً فرهنگ اسلام از قدیم خیلی قاطی فرهنگ مون شده و باعث شده این چیزا تبدیل به تابو بشه، ولی خیلی وقتا این نیست و خیلی جاها فرهنگشون با اینجا متفاوته. مثلاً چه می‌دونم بغل کردن بین‌شون یه چیز رایجه و یه طرفدار همین رو می‌گیره و پر و بال می‌ده بهش و تبدیلیش می‌کنه به یه فن‌فیک. هر چی نمایش دادن صمیمیت بین اعضای گروه زیاد بشه، این فن‌فیک‌ها هم زیاد و زیادتر می‌شن و کم‌کم این‌جا افتاد توی کی‌پاپ. گروه‌های نسل ۳ این رو کم‌تر دارن. چون یک مدت نمایش صمیمیت این طوری بین‌شون منع شد.

– ولی الان بی‌تی‌اس خیلی قوی داره این رو و فن‌فیک‌های زیادی درباره‌شون تولید می‌شه؟

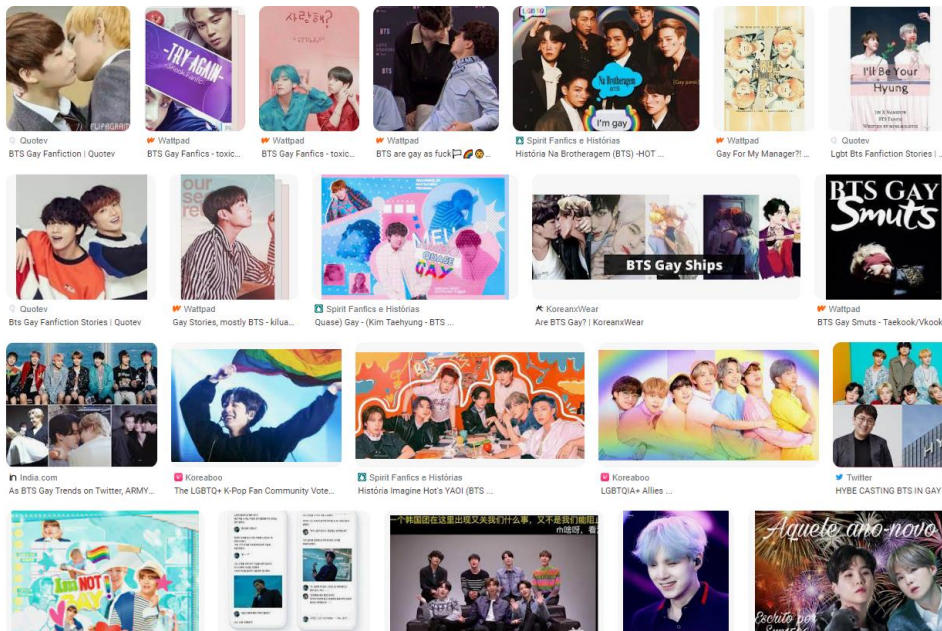
نه اتفاقاً. چندان قوی نیست این جریان براشون. نسل ۳ اون اول‌هاشون که تازه دبیر شده بودند، داشتند. بعد چون یک‌سری‌هاشون که دبیر می‌کردند، زیر سن قانونی هم بودند، دیگه کم‌تر هم شد. چون کل قضیه

برای جذب مخاطبه دیگه. اینا یه صمیمیت کمی نشون می‌دن و ذهن طرفدارها می‌ره تا فرحزاد. بعد حتی اگر مثلاً من موسیقی شون رو دوست ندارم، ولی همچنان برام جذابه که بینم این دوتا عضو چه رفتاری باهم دارند. - فن فیک تو ایران چه وضعیتی داره؟

فن فیک تو ایران خیلی به اسم آرمی‌ها معروف شده چون جمعیت زیاده. مردم ایران هم با قضیه فن فیک آشنایی نداشتند و بعد یکهو دیدن عه فن فیک می‌نویند آرمی‌ها و خیلی دارند از این اصطلاح استفاده می‌کنند، پس این برای اونا هست.



- و محتوای این فن فیک‌ها بیش‌تر روابط هم‌جنس‌گرایانه است؟ همه مدلش هست. مدل‌هایی هست که اصلاً قضیه جنسی‌ای درشون نیست یا اگر هست بین دو نفر با جنسیت مخالفه و مدل‌هایی هست که رابطه جنسی رو به صورت باز و بی‌پرده توصیف می‌کنه. - ولی می‌شه گفت مثلاً ۶۰٪ فن فیک‌ها به روابط هم‌جنس‌گرایانه می‌پردازند؟ آره، می‌شه گفت. اغلب این طوری اند.

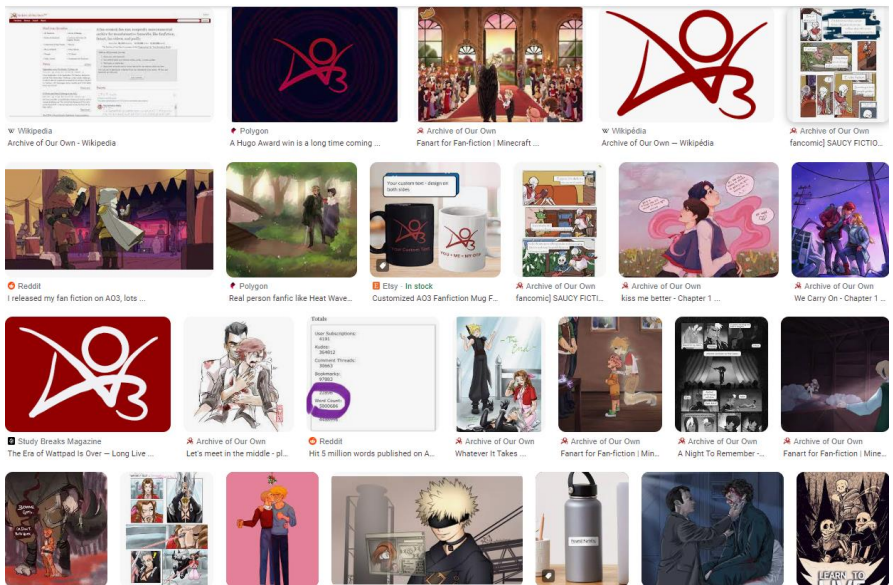
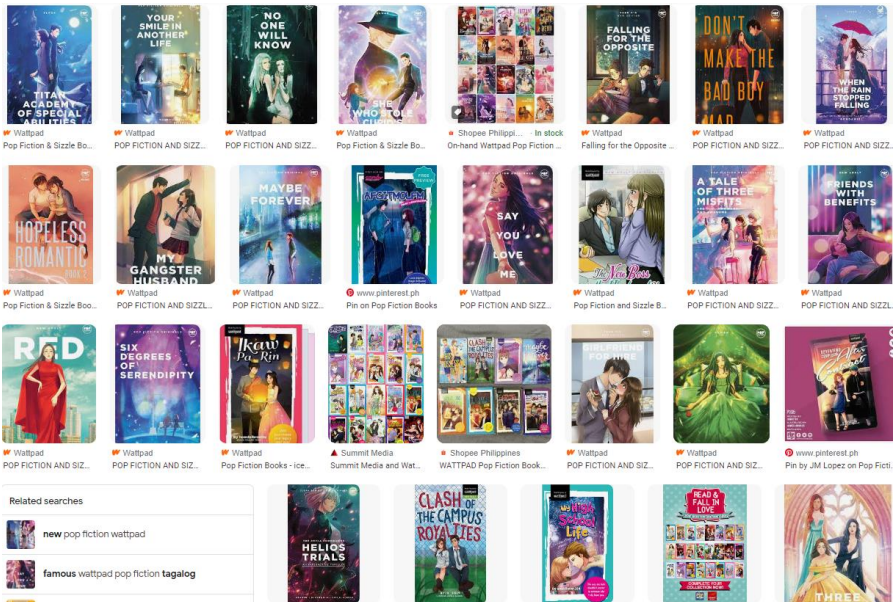


– و این فن‌فیک‌ها رو از کجا می‌خوندن یا کجا به اشتراک می‌گذارند؟
دوتا سایت معروف هست براش. یکی وانپده^۱ و یکی آ او تیری^۲ نه. مثلاً نمی‌دونم شما توای لای^۳ ت رو دیدید یا نه. ولی اونم خودش یه فن‌فیکه که تبدیل به فیلم شده.

^۱– Wattpad

^۲– AO3

^۳– twillight



- و دنبال کردن فن فیک بین آرمی‌ها چه قدر رایج‌ه؟ آیا هر آرمی‌ای یک ذره فن فیک هم می‌خونه و دنبال می‌کنه یا می‌نویسه؟

نه اتفاقاً خیلی‌ها نمی‌خوندند. مثلاً نسبت فن فیک خوان‌ها به اونای دیگه ۴۰ به ۱۰۰ هست.

- شما خودتون دنبال می‌کنید؟

الآن دیگه نه. یک زمانی دنبال می‌کردم. الآن هم البته گاهی می‌رم می‌خونم آره. من البته همه نوع فیکی می‌خونم. بیش‌تر شرلوک هلمز البته. از فن فیک‌های بی‌تی‌اس زیاد خوشم نیامد. البته یک سری‌هاشون جالب اند. و یه خوبی‌ای که داره اینه که شما می‌تونید هر دنیایی که می‌خواید رو خلق کنید و بعد اگر خودتون نویسی، می‌تونید انتخاب کنید که چی بخونید. من خودم مثلاً هر چی تو کتاب‌های فارسی دیدم از داستان‌های فانتزی ومپایر^۱ (خون‌آشام) بوده. من چون رشته‌ام اینه دیگه. سر و کارم با کتابه و دیگه خسته کننده شده برام این قدر داستان‌های فانتزی همه‌شون مربوط به ومپایر اند. من بیش‌تر دنبال دراگون^۲ (اژدها) هستم، بیش‌تر دنبال پری و این مدل چیزا و دنیاها و خب تو فارسی پیدا نمی‌کنم. من بهترین کتاب فانتزی فارسی که پیدا کردم "سرد" بوده که اون کلاً یه جریان متفاوتیه. بعد می‌گردم توی انگلیسی‌ها، ولی طول می‌کشه تا شما داستان‌ها رو شناسی. خوبی فیک چیه؟ خوبی فیک اینه که شما اولاً شخصیت‌ها رو می‌شناسی از قبل. شما یه کتاب رو که می‌خونید اول ۷۰ صفحه باید بخونید تا ببینید از این شخصیت خوشش میاد یا نه. بعد داستان رو درک کنید، بعد بفهمید که نوشتار چه طوریه ولی فیک این جوریه نیست. شما از قبل شخصیت رو می‌شناسی و تقریباً با پایه داستان هم آشنایی. اگر خیلی عجیب و ناآشنا هم باشه، توضیحش نهایتاً ۵ صفحه وقت می‌بره. و بعد شما پاراگراف اول رو که بخونید دستت میاد که این نویسنده نوشته‌اش به درد من می‌خوره یا نه.

- پس در واقع شما می‌خواید بگید فن فیک یه چیز خیلی گسترده‌تر از بی‌تی‌اس و کی‌پاپه.

آره، خیلی گسترده‌تره. مثلاً تو هری پاتر یه شخصیت بود که موی سفید داشت و عجیب می‌زد بین‌شون خب؟ مثلاً من اون رو خیلی دوست دارم و این قدر من فیک‌های دنیای اون رو خوندم که دیگه چیزی نیست که نخونده باشم. چون نیست کتابی در موردش. و یه نکته دیگه هم هست و اون این که خیلی وقت‌ها جذب نویسنده از طریق همین فن فیک نویسی‌ها اتفاق می‌افته. همین واتپد مثلاً کلی نویسنده ازش دراومده. کسانی که اولش اومدن فن فیک نوشتند، فقط ولی کارشون خوب بوده و اومدن بالا. خیلی وقتاً انتشاراتی‌ها از همین جا نویسنده پیدا می‌کنند و یه وقتایی هم هست که داستان خیلی پتانسیل داره و می‌ره برای یه ویراستار و ویراستاری می‌شه و خودش به عنوان یه داستان جدا منتشر می‌شه. چون وقتی یه چیزی فیکش خونده می‌شه، یعنی اون چیز مخاطب داره و کپی رایت اون شخصیت رو می‌خرند یا اصلاً عوضش می‌کنند و منتشرش می‌کنند.

- آیا شما خودتون هم فن فیک نوشتید؟

^۱- vampire

^۲- dragon

من نه. دوست داشتم یکی بنویسم، ولی هنوز وقت نکردم. و آهان در ضمن یه خوبی دیگه فیک اینه که شما می‌تونید تمرین کنید. شما وقتی می‌خواهید شروع به نوشتن کنید، نوشته‌های اولت رو نمی‌تونید مستقیم بری تحویل انتشارات بدی. هی می‌تونید توی فضای فن‌فیک با شخصیت‌های از قبل ساخته شده که باهاشون آشناتری یا راحت‌تری کار کنید و این بار شخصیت پردازی رو از دوش تو برمی‌داره و فقط اون چیزهای ویژه‌ای که می‌خواهید رو برایش می‌سازی. به خاطر همین شما خیلی دستت سبک‌تره برای نوشتن. به خاطر همین برای تمرین خیلی خوبه.

- دست شما درد نکنه بابت مصاحبه.

خواهش می‌کنم. موفق باشید.

تأملی دوباره

سایه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است. سایه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: صنعت شدن کی‌پاپ، فعالیت‌های اجتماعی گروه، برنامه‌ریزی کمپانی‌ها برای حفظ توجه مخاطبین و هواداران، دیده شدن بی‌تی‌اس در مقیاس جهانی، یافتن مخاطب در سطح جهانی چندان، تدارک برنامه‌های مستمر برای گروه و هواداران، هویت بخشی به هواداران، دادن هویت گروهی، تفاوت کی‌پاپ با پاپ غربی، تفاوت ستاره‌ها با سلبریتی‌های غربی، جذب کردن افراد از سن خیلی پایین توسط کمپانی‌ها، محدود شدن اعمال نفوذ بر ستاره‌ها و نام‌گذاری هوشمندانه گروه، اشاره داشته است.

سایه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

فعالیت‌های اجتماعی، شکوفایی استعدادها، یادگیری مهارت‌های نرم افزاری (مثل زیرنویس یا ادیت ویدیو)، ارضای نیاز به هویت‌یابی افراد، هویت دهی جمعی به هواداران، یافتن هویت گروهی، تلاش در جهت بالا بردن تعداد بازدیدهای گروه تا حد ممکن، رعایت اصول تشکیلاتی (و ضد اطلاعاتی)، تفاوت هواداری عادی با آرمی بودن، اثرپذیری از مد کی‌دراما و کی‌پاپ، تأثیر کی‌دراما روی علاقه‌مندی به کی‌پاپ، اثرپذیری از مدهای ستاره‌ها، فن‌فیک نویسی و آموزش غیرمستقیم دور زدن قوانین، اشاره داشته است.

سایه ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تحول‌های جهانی شدن در کی‌پاپ کره، دیده شدن بی‌تی‌اس در مقیاس جهانی، یافتن مخاطب در سطح جهانی چندان، فعالیت‌های اجتماعی، تفاوت بی‌تی‌اس با پاپ غربی، دادن هویت گروهی و استایلیست داشتن اعضای گروه، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر سایه ۱۹ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.